
ادعیه و زیارت
مدینه منوره


بسم الله الرحمن الرحیم

# ادعیه و زیارات مدینه منوره با ترجمه فارسی

نویسنده:

## مرکز تحقیقات حج

ناشر چاپی:

### مشعر

ناشر دیجیتالی:

### مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# ادعیه و زیارات مدینه منوره با ترجمه فارسی

## مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : ادعیه و زیارات مدینه منوره با ترجمه فارسی / تالیف مرکز تحقیقات حج مشخصات نشر : تهران مشعر ۱۳۸۶. مشخصات ظاهری : ۳۵۲ص ۱۶/۵×۱۲س‌م. شابک : ۸۰۰۰ریال ۹۶۴-۷۶۳۵-۶۲-۱ : وضعیت فهرست نویسی : فاپا یادداشت : چاپ چهارم. یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع : دعاها موضوع : Prayers موضوع : زیارتنامه‌ها موضوع : حج -- کتاب‌های دعا موضوع : زیارتگاه‌های اسلامی -- عربستان سعودی -- مدینه شناسه افزوده : حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. مرکز تحقیقات حج رده بندی کنگره : BP۲۶۷/۸/الف۳۷۲ ۱۳۸۶ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۲ شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۳۲۲۸۱

## پیشگفتار

### دعا چیست و چند قسم دعا داریم؟

دعا در لغت به معنای خواندن و در اصطلاح، درخواست حاجت از خداوند می‌باشد. دعا بر دو قسم است: ۱- گاه دعا کننده مطالب و نیازهای خود را به زبان خود و به هر بیانی که قدرت بر آن دارد در پیشگاه خداوند اظهار می کند، این قسم را «دعاهای غیر وارده» می‌نامند. ۲- قسم دوّم آنکه دعا کننده مطالب و خواسته‌های خود را با الفاظ مخصوصی که از معصومین علیهم السلام رسیده است اظهار می‌نماید، این قسم ادعیه را «دعاهای وارده» یا «ادعیه مأثوره» می‌نامند. ادعیه مأثوره نیز بر دو قسم است: ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۰ الف- ادعیه‌ای که باید در شرایط خاصّی خوانده شود، مثلًا در وقت مخصوص یا محل معلوم، و بالاخره آداب و شرایط ویژه‌ای از زبان معصوم علیه السلام برای آن ذکر شده باشد. ب- دعاهایی که از معصوم رسیده ولی برای آنها هیچ‌گونه شرطی ذکر نشده است. البته هر نوع دعا و درخواست از پروردگار یکتا، مطلوب شارع است، و در روایت وارد شده: «الدُّعاءُ مُخُّ العِبادهٔ» «۱» مغز و روح عبادت همان دعا است. همچنین در قرآن کریم در مناسبت‌های مختلف از زبان پیامبران و اولیای الهی دعاهایی نقل شده است، لکن ثواب و فضیلت دعاهای مأثوره- وارده از معصوم علیه السلام- برای کسی که آشنا به معانی آنها باشد، به مراتب بیش از دعاهای معمولی است، زیرا معصومین علیهم السلام به امراض روحی فرد و جامعه آشناتر و به کیفیّت راز و نیاز با حق تعالی آگاه‌تر هستند، و سایر انسان‌ها گاهی به جای خیر خویش شرّ، و گاهی به‌جای سود و سعادت، زیان و شقاوت می طلبند: وَیَدْعُ الْإِنسانُ بِالشَّرِّ ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۱ دُعاءَهُ بِالْخَیْرِ وَکانَ الْإِنْسانُ عَجُولًا. «۱» بنابر این سزاوار است دعا کننده چگونگی درخواست مطالب و حاجات خود را از معصوم فرا گیرد. البته تشخیص دادن دعاهای وارده و آگاهی از سخن معصوم کار آسانی نیست. اگر کسی بتواند از مدارک موجود، و با موازین علمی صحّت صدور دعا از معصوم را به دست آورد، می تواند آن را به قصد ورود بخواند، ولی اگر دلیل معتبر و مدرک قابل اعتمادی پیدا نکند و در پژوهش‌ها و بررسی‌های خود به این نتیجه برسد که سند فلان دعا ضعیف و غیر قابل اعتماد است، نباید آن را به‌طور جزم به معصوم نسبت دهد، بلکه به امید درک ثواب و رسیدن به پاداش آن را بخواند، در این صورت حتّی اگر در تشخیص خود به خطا رفته باشد، به ثواب آن خواهد رسید.

### رجاء مطلوبیت:

گاهی دعا یا عملی که سند معتبر هم دارد مربوط به زمان یا ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۲ مکان خاصّی است، مانند دعاهای

ماه رمضان یا مناجات مسجد کوفه، در چنین مواردی اگر کسی بخواهد آنها را در غیر آن زمان یا آن مکان انجام دهد باید آنها را فقط به عنوان رجاء و احتمال مطلوبیت بجا آورد، نه به قصد استحباب یا ثواب ثابت، یعنی چنین نیت کند: «این دعا را میخوانم و این عمل را انجام می دهم به امید آنکه مطلوب باشد و مأجور باشم».

## شرایط استجابت و قبولی دعا:

در احادیث و روایات ما برای اجابت دعا شرایط متعدّدی بیان شده که برای آگاهی از آنها می‌توان به کتاب‌های مفصّل روایی مراجعه کرد که ما در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: «۱» امام صادق علیه السلام درجواب قومی که عرض کردند: ما دعا می‌کنیم ولی مستجاب نمی‌شود، فرمودند: چون کسی را می خوانید که نمی شناسید: «لِأَنَّکُمْ تَدْعُونَ مَنْ ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۳ لا- تَعْرِفُونَهُ». «۱» شرط اوّل استجابت دعا معرفت پروردگار است، زیرا هر کس را به‌قدر معرفتش مزد می‌دهند. از حضرت علی علیه السلام سؤال شد: «فَما بالُنا نَدْعُوا فَلا نُجابُ؟» چرا دعای ما مستجاب نمی‌شود؟ حضرت فرمود: «إِنَّ قُلُوبَکُمْ خانَتْ بِثَمانِ خِصالٍ: أَوَّلُها أَنَّکُمْ عَرَفْتُمُ اللَّهَ فَلَمْ تُؤَدُّوا حَقَّهُ کَما أَوْجَبَ عَلَیْکُمْ ...». «۲» اوّلین علّت آن است که نسبت به خداوند معرفت و شناخت پیدا کردید، ولی حقّ معرفت را عملًا پیاده نکردید. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس می‌خواهد دعایش مستجاب شود باید لقمه و کارش حلال باشد. «۳» امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند دعای بنده‌ای را که برعهده‌اش، مظالم و حقوق مردم باشد یا غذای حرام بخورد، قبول نمی کند. «۴» ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۴ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند دعای کسی را که حضور قلب ندارد، قبول نمی‌کند. «۱» امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به عزّت و جلال خود قسم یاد کرده که من دعای مظلومی را که خود در حقّ دیگری چنین ظلمی نموده است، مستجاب نمی‌کنم. «۲» رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دعایی که اوّلش «بِسمِ اللَّهِ الرَّحمنِ الرَّحیم» باشد، رَد نمی‌شود. «۳» رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: صلوات شما بر من مایه اجابت دعای شما خواهد بود. «۴» امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس پیش از خود به چهل مؤمن دعا کند، دعایش مستجاب می‌شود. «۵» در حدیث قُدسی وارد شده است: خداوند به حضرت عیسی علیه السلام فرمود: ای عیسی مرا بخوان همانند خواندن شخص ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۵ اندوهناك و غرق شده‌ای که هیچ فریادرسی ندارد «۱». ملاحظه می‌کنید که برای اجابت دعا شرایطی بیان شده است، و از همه بیشتر بر روی خود سازی و آمادگی برای ضیافت پروردگار و شناخت میزبان حقیقی تکیه شده است.

## آثار پذیرفته شدن دعا و زیارت در زندگی انسان:

قبولی دعا و زیارت از دو جهت قابل بررسی است: الف: صحیح خواندن و قصد قربت داشتن ادعیه و زیارات و اگر غلط خوانده شود معنای آن به کلّی تغییر یافته و انسان را از رسیدن به اهداف آن دور می‌کند. ب: قبولی دعا و زیارت و پذیرفته شدن عند اللَّه. یعنی علاوه بر اینکه قربةً إِلَی اللَّه انجام داده است، حضور قلب و معرفت الهی هم داشته و توانسته از تمایلات نفسانی رهایی پیدا کند، و باخضوع و خشوع دعا و زیارت را انجام دهد، و در طول سفر خصلت‌های زشت درونی را یکی پس از دیگری ترك کرده و از سفره گسترده حق تعالی بهره‌مند شود، یعنی در مهمانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و زهرای مرضیه علیها السلام و ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۶ ائمه بقیع علیهم السلام شرکت نماید و به قدر توان از غذاهای معنوی تناول کند. چنین فردی توانسته است درجاتی از تقوا را به دست آورد. قرآن کریم می فرماید: گوشت و خون قربانی به خدا نمی‌رسد، وَلکِنْ یَنالُهُ التَّقْوی مِنْکُمْ «۱» ، بلکه تقوای حاصل از قربانی است که انسان را بالا می‌برد و به خدا نزدیک می‌کند. در آیه دیگر می‌فرماید: در روزهای مشخّص به یاد خدا باشید (اشاره به مَناسك منی . آنگاه می‌فرماید: واتّقُوا اللّهَ «۲» ، از خدا پروا کنید. اگر زائر حرمین شریفین به یاد خدا

باشـد، خود را از گناه حفظ نماید، تمرین ترک معاصـی داشـته باشد، و حالت تقوا و پرهیزکاری پیدا کند، پس از حج مرتکب گناه نمی شود، و خصلت‌های خدایی در درونش جوانه می‌زند، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «آيَةُ قَبُولِ الْحَجِّ تَرْكُ ما كانَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ مُقِيماً مِنَ الذُّنُوبِ»، «۳» نشانه قبولی حج، ترک گناهان ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۷ گذشته است. بنابراین نشـانه قبولی اعمـال، دستیـابی به تقوا و مراعـات حـدود الهی، پرهیز از گنـاه، و دوری از خصـلت‌های زشت است، و این معنا امکان نـدارد مگر اینکه انسان همیشه خود را در محضـر حق سـبحانه و تعالی ببینـد، و مراقب اعمال و رفتار خود باشـد، هر کاری را جهت رضای پروردگار انجام دهـد، با مردم آن‌گونه رفتار نمایـد که دوست دارد مردم با او رفتار کنند، بندگان خدا از دست و زبانش در امـان باشـند، در سـختی‌ها و گرفتاری‌هـا تکیه‌گاه محکمی برای نزدیکان به حساب آیـد، به اعمال عبادی بویژه نماز اهمیّت دهـد، و سعی کند نمازهای واجب را اوّل وقت و به «جماعت» برگزار نماید.

### چند توصیه در زمینه وحدت امّت اسلامی:

اگرچه درباره توصـیه های لازم به حجّاج محترم کتاب‌های جداگانه‌ای نوشته شده و به طور مفصّل نکاتی را تذکّر داده‌اند، و ما هم در همین کتاب به مناسبت‌های مختلف به بعضـی از آنها اشاره کرده‌ایم، لکن به خاطر اهمّیّت موضوع ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۸ سزاوار است برخی از نکـات یـادآوری شود: الف- اهمیّت وحـدت امّت اسـلامی یکی از اسـرار اعمـال و مناسـک حـج و زیارت مَشاهد مشـرّفه، تمرین تواضع و اخلاص، متخلّق شدن به اخلاق الهی، نمایش وحدت و عزّت امّت اسـلامی و ارتباط نزدیک بـا برادران دینی، و همـدلی و تبـادل نظر بـا آنهـا اسـت. از این رو زائر بیت اللَّه الحرام و حرم نبـوی صـلی الله علیه و آله بایـد به همه میهمانـان خـانه خـدا بـا هر ملیّت و مـذهب و از هر سـرزمینی که باشـند، بـا چشم عزّت و برادری بنگرد، و بـا برخـورد مـودّت آمیز، آن‌گونه که مایل است بندگان خدا با او رفتار نمایند، با دیگران رفتار کند، و با اقتدا به پیشوایان دینی خود مایه عزّت و زینت اسلام و رسول اللَّه صـلی الله علیه و آله و ائمّه اطهار علیهم السـلام باشد، و در یک سـخن اختلاف در مذهب نباید موجب بدبینی و تشتّت گردد؛ زیرا مشترکات موجود میان ما و مسلمانان فراوان است، و باید تمام مسلمین در برابر دشمنان قرآن و انسانیّت یَد واحده باشند، و از عظمت و عزّت قرآن و اسـلام دفـاع کننـد، و شایـد به همین دلیـل است که در روایـات مـا توصـیه‌های مؤکّـدی درباره ادعیه و زیـارات مـدینه منوره، ص: ۱۹ شـرکت در جماعـات برادران دینی اهـل سـنت شـده است. پس زائران محترم از انجـام کارهـایی که موجب بدبینی و تفرقه وجدایی امّت بزرگ اسلامی می‌شود باید پرهیز نمایند. ب- میهمانان خدا در سفر الهی حج زیارت خانه خدا و قبر مطهر پیامبر اکرم و ائمّه بقیع- صلوات اللَّه علیهم اجمعین- سـفر الهی و دارای ابعاد گوناگون می باشـد، و چه بسا در زنـدگی تنها یک بار توفیق این سـفر معنوی نصـیب انسان گردد، لـذا سـزاوار است به اهمیّت و سازنـدگی آن بیش از پیش توجّه کنیم، و از هنگـام تصـمیم و عزم به مسـافرت تـا پایـان آن قـدم به قـدم، الهی بودنِ این میهمـانی را مـدّ نظر داشـته باشـیم، و از ارزش و منزلت همسـفران و رعایت حقوق آنها غفلت نکنیم، و در مواقع ازدحام و شـلوغی روحیه عفو و اغماض و چشم پوشی از خطای دیگران را پیشه خود سازیم، و از کمک و همراهی و خـدمت به میهمانان خانه خدا غفلت نورزیم، و این سـنّت ارزشـمند پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و ائمّه معصومین علیهم السلام را زنده نگه داریم. ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۰ ج- فرصت را مغتنم بشماریم عمر سفر کوتـاه، و ایّـام زیارت به زودی سپری می گردد، بایـد با برنامه‌ریزی منظم بهترین اسـتفاده را از اوقات شـبانه روز خود بنماییم، و به‌جای وقت گذرانی برای کارهای بی‌نتیجه یا کم نتیجه، بیشترین وقت خود را صرف شناخت احکام و آداب و اسرار حج و زیارت و بهره‌مندی از مَشاهد شـریفه و مواقف کریمه نماییم، که از جمله آنها، حضور و شـرکت به موقع در نمازهای جماعت مسجدالحرام و مسـجدالنبی صلی الله علیه و آله و قرائت قرآن در این دو مسجد با عظمت (حداقل یک ختم قرآن در مسجدالحرام و یک ختم در مسـجدالنبی صـلی الله علیـه و آله) و خوانـدن دعاهـا و مناجات‌هـای وارده از طرف معصـومین علیهم السـلام در ایّـام و مناسبت‌های

مختلف می‌باشد. د- کیفیّت عبادت را فدای کمیّت آن نکنیم همان‌گونه که قبلًا تذکّر دادیم، روح و عظمت دعا و عبادت و مناسک حجّ به معرفت و اخلاص و رعایت ادب و حضور در محضر خداوند متعال بستگی دارد. لذا باید تنها به مقدار و کمیّت اعمال و عبادات خود اکتفا نکرده، بیشتر به ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۱ کیفیّت آن بپردازیم؛ زیرا اگر یک دعا یا زیارت و یا نماز، از روی معرفت و اخلاص باشد، موجب شکستن دل و تحوّل درونی انسان می‌گردد، و باعث نجات از عذاب الهی و دست یافتن به بهشت جاوید خواهد شد. «رَزَقَنَا اللَّهُ وَإِیَّاکُمْ إنْشاءَ اللَّهُ تَعالی .

## آداب سفر

آداب و ادعیه سفر بسیار است، و ما در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱- وصیّت: مستحب است انسان قبل از شروع به سفر وصیّت کند، خصوصاً نسبت به حقوق واجبه و ادای دُیون. در روایات اهل‌بیت علیهم السلام نیز درباره وصیّت کردن به ویژه برای کسی که قصد سفر دارد، تأکید زیادی شده است. ۲- آگاه نمودن برادران دینی وآشنایان: از پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: از حقوق مسلمان بر برادر دینی خود، یکی این است که هرگاه خواست سفر کند آنان را مطّلع سازد، و او بر برادران ایمانی حق دارد که پس از مراجعت به دیدارش بیایند. ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۲ ۳- دعای سفر: مجلسی در تحفهٔ الزائر می‌فرماید: مستحب است که پیش از مسافرت غسل کند، و بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَلاحَوْلَ وَلاقُوَّةَ إلّا بِاللَّهِ وَعَلی مِلَّةِ رَسُولِ «بنام خدا و با استعانت از او، نیرو و توانی جز به وسیله او نیست، بر آیین رسول خدا و اللَّهِ وَالصَّادِقِینَ عَنِ اللَّهِ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ. اللَّهُمَّ برگزیدگان راستین از سوی خداوند- که درود خداوند بر همه آنها باد- می‌باشم، خداوندا! طَهِّرْ بِهِ قَلْبِی وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِی وَنَوِّرْ بِهِ قَبْرِی. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِی به وسیله این غسل دلم را پاک کن و سینه‌ام را گشاده، و قبرم را روشنایی بخش خداوندا! نُوراً وَطَهُوراً وَحِرْزاً وَشِفاءً مِنْ کُلِّ داءٍ وَآفَةٍ وَعاهَةٍ وَسُوءٍ مِمَّا آن را برایم نور، پاکیزگی، مصونیت، شفای از هر بیماری و آفت و آسیب و أَخافُ وَأَحْذَرُ، وَطَهِّرْ قَلْبِیوَجَوارِحِی وَعِظامِی وَدَمِی وَشَعْرِی ناخوشی که از آن بیمناکم قرار بده، دل، جوارح، استخوان‌ها، خون، مو، پوست، مُخ، عصب وَبَشَرِی وَمُخِّی وَعَصَبِی وَما أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّی. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ و [خلاصه آنچه را که از من بر روی زمین است پاک و طاهر ساز، خداوندا! آن را شاهد لِی شاهِداً یَوْمَ حاجَتِی وَفَقْرِی وَفاقَتِی إِلَیْکَ یا رَبَّ الْعالَمِینَ، فرمانبرداریم در روز احتیاج و نیاز و تنگدستی‌ام [در قیامت قرار بده، ای پروردگار جهانیان إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ». که تو بر هر چیز توانایی.» ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۳ ۴- خانواده خود را جمع کند و دو رکعت (و بنابر قولی چهار رکعت) نمازبگزارد، در رکعت اوّل حمد و سوره توحید و در رکعت دوّم حمد و سوره قدر را بخواند، و بعد از نماز تسبیحات حضرت زهراء علیها السلام را بگوید و از خداوند طلب خیر کند به این کیفیت که بگوید: «أَسْتَخِیرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خِیَرَةً فِی عافِیَةٍ»، و آیهٔالکرسی را بخواند، و حمد و ثنای الهی را بجا آورد، و صلوات و تحیّات بر حضرت رسول و آل او بفرستد، و بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِی أَسْتَوْدِعُکَ الْیَوْمَ نَفْسِی وَأَهْلِی وَمالِی وَوُلْدِی «خداوندا! امروز به تو می‌سپارم، خودم، خانواده‌ام، دارایی‌ام، فرزندانم، وَمَنْ کانَ مِنِّی بِسَبِیلِ الْإِیمانِ الشَّاهِدَ مِنْهُمْ وَالْغائِبَ. اللَّهُمَّ و همه منسوبین حاضر و غایب مؤمنم را، خداوندا! احْفَظْنا بِحِفْظِ الْإِیمانِ وَاحْفَظْ عَلَیْنا. اللَّهُمَّ اجْعَلْنا فِی رَحْمَتِکَ ما را در حفاظ ایمان نگاهدار و بر ما حافظ باش. خدایا! ما را تحت پوشش رحمتت وَلا تَسْلُبْنا فَضْلَکَ إِنَّا إِلَیْکَ راغِبُونَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ گرد آور و فضل و احسانت را از ما باز نگیر که ما به تو راغبیم. خداوندا! از دشواری وَعْثاءِ السَّفَرِ وَکَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِی الْأَهْلِ وَالْمالِ سفر، افسردگی بازگشت و از بدنمایی و بی‌آبرویی در میان خانواده و مال ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۴ وَالْوَلَدِ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ إِنِی أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ هذَا التَّوَجُّهَ و فرزند در دنیا و آخرت به تو پناه می‌بریم، خداوندا! من به قصد رضایت طَلَباًلِمَرْضاتِکَ وَتَقَرُّباًإِلَیْکَ، اللَّهُمَّ فَبَلِّغْنِی ما أُؤَمِّلُهُ وَأَرْجُوهُ فِیکَ تو و نزدیکی به درگاهت بدینگونه به تو روی آورده‌ام، خداوندا! پس مرا به آرزو و امیدی که به تو وَفِی أَوْلِیائِکَ یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ». وبه اولیایت دارم، برسان ای مهربان‌ترین مهربانان.» و اگر

خـواست بگویـد: «اللّهُمَّ إِنِی خَرَجْتُ فِی وَجْهِی هـذا بِلا ـ ثِقَـةٍ مِنّی لِغَیْرِکَ، وَلا ـ «خداونـدا! من به این سو بیرون شـدم، نه به غیر از تو اعتمـاد کرده‌ام و نه به رَجـاءٍ یَأْوِی بِی إِلّـا إِلَیْکَ، وَلا قُوَّةٍ اتَّکِلُ عَلَیْها، وَلا حِیلَـةٍ الْجَأُ پناهگاهی جز تو امیـدوارم و نه به نیرویی متّکی می‌بـاشم و نه به قـدرتی إِلَیْهـا إِلّـا طَلَبَ رِضاکَ وَابْتِغاءَ رَحْمَتِکَ وَتَعَرُّضاً لِثَوابِکَ وَسُـکُوناً اعتماد دارم، جز کسب رضا و رحمت تو و برخورداری از پاداش و اطمینان إِلی حُسْنِ عائِدَتِکَ، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِما سَبَقَ لِی فِی عِلْمِکَ فِی به جزای نیکت نمی‌خواهم، و تو پیش از حرکـت مـن بـه ایـن سـو بـه آنچـه که مرا در این وَجْهِی مِمَّا أُحِبُّ وَأَکْرَهُ. اللّهُمَّ فَاصْـرِفْ عَنِّی مَقـادِیرَ کُـلِّ بَلاءٍ سـفر خوشاینـد و یا ناخوشاینـد بـوده آگـاه بوده‌ای، خداونـدا! هر بلا ـ و دشواری که به حکم ادعیه و زیـارات مـدینه منوره، ص: ۲۵ وَمَقْضِیٍّ کُلِّ لَأْواءٍ، وَابْسُطْ عَلَیَّ کَنَفاً مِنْ رَحْمَتِکَ وَلُطْفًا مِنْ قضا و قدر تو مقرّر شده است، از من باز گردان و مرا تحت پوشـش رحمت و لطف عَفْوِکَ وَحِرْزاً مِنْ حِفْظِکَ وَسَعَةً مِنْ رِزْقِکَ وَتَماماً مِنْ نِعْمَتِکَ و بخشش، محافظت و گشایش روزی، تمامیّت نعمت وَجِماعاً مِنْ مُعافاتِکَ، وَوَفِّقْلِی یـارَبِّ فِیهِ جَمِیعَ قَضائِـکَ عَلی و عـافیت همه جـانبه‌ات قرار ده، پروردگار من! قضای خویش را موافق مُوافَقَـةِ هَوایَ وَحَقِیقَةِ أَمَلِی، وَادْفَعْ عَنِّی مـا أَحْـذَرُ وَما لا أَحْـذَرُ نیاز و آرزوی حقیقی‌ام گردان، و خطرهایی را که از آن بیمناکم و یا از آن بی‌اطلاعم عَلی نَفْسِـی مِمَّا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّی، وَاجْعَـلْ ذلِکَ خَیْراً لِی و تو از من به آن آگاه‌تری ازمن دفع کن، و سـفرم را که در پیش دارم به خیر و صلاح لِآخِرَتِی وَدُنْیـایَ مَعَ مـا أَسْأَلُـکَ أَنْ تَخْلُفَنِی فِیمَنْ خَلَّفْتُ وَرائِی آخرت و دنیـایم قرار ده و نیز از تو می‌خواهم که نسبت مِنْ وُلْدِی وَأَهْلِی وَمالِی وَإِخْوانِی وَجَمِیعِ حُزانَتِی بِأَفْضَلِ ما به فرزندان، خانواده، دارایی، برادران و دیگر وابستگان حاضر تَخْلُفُ فِیهِ غائِباً مِنَ الْمُؤْمِنِینَ فِی تَحْصِـینِ کُلِّ عَوْرَةٍ وَحِفْظِ کُلِّ و غائب مؤمنم که در خفا یا آشکار در معرض نابودی است و مَضِیعَةٍ وَتَمام کُلِّ نِعْمَةٍ وَدِفـاعِ کُـلِّ سَیِّئَةٍ وَکِفایَةِ کُـلِّ مَحْـذُورٍ در تمامیّت نعمت و دفع هر بـدی ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۲۶ وَصَـرْفِ کُلِّ مَکْرُوهٍ وَکَمـالِ ما تَجْمَعُ لِی بِهِ الرِّضا وَالسُّرُورَ فِی و برطرف کردن هر ناخوشـی و فراهم شـدن موجبات رضایت و الـدُّنْیا وَالْآخِرَةِ، ثُمَّ ارْزُقْنِی ذِکْرَکَ وَشُـکْرَکَ وَطاعَتَـکَ خوشـنودی آنها در دنیا و آخرت، بهترین خلف و جانشـین باش، آنگاه یاد و شـکر و طاعت وَعِبادَتَکَ حَتّی تَرْضـی وَبَعْدَ الرِّضا. اللّهُمَّ إِنِی أَسْتَوْدِعُکَ الْیَوْمَ و عبادت خویش را روزیم کن تا از من پیوسته راضی باشی. خداوندا من امروز به تو دِینِی وَنَفْسِـی وَمالِی وَأَهْلِی وَذُرِّیَّتِی وَجَمِیعَ إِخْوانِی. اللّهُمَّ می‌سپارم دینم جانم، مالم، خانواده‌ام و فرزندانم و همه کسانی را که غم آنها را دارم، احْفَظِ الشَّاهِـدَ مِنَّا وَالْغائِبَ. اللّهُمَّ احْفَظْنا وَاحْفَظْ عَلَیْنا. اللّهُمَّ خداونـدا! حاضـر و غایب ما را حفظ کن خداونـدا ما را حفظ کن و بر ما حافظ باش، اجْعَلْنا فِی جِوارِکَ وَلا تَسْـلُبْنا نِعْمَتَکَ وَلا تُغَیِّرْ ما بِنا مِنْ نِعْمَـةٍ خداونـدا ما را در جوار عنایتت قرار ده و نعمتت را از مـا مگیر و نعمت و عـافیت و عطایت وَعافِیَةٍ وَفَضْلٍ». را دگرگون مساز.» ۵- روایت شده که مسافر پیش از سـفر، سوره حمـد و قُـل أَعوذُ بِرَبِّ النّـاس و قُـل أَعوذُ بِرَبِ الفَلَق و آیةُالکُرسـی و سوره إِنّـا أَنزَلناهُ فِی لَیلَـةِ القَـدْرِ و آیات ۱۹۱ تا ۱۹۴ سوره آل عمران را که از این قرار است بخوانـد: ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۲۷ إِنَّ فِی خَلْقِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلافِ اللَّیْلِ «مسلّماً در آفرینش آسـمان‌ها و زمیـن و آمـد و رفت شب وَالنَّهـارِ لَآیـاتٍ لِأُولِی الْأَلْبـابِ* الَّذِینَ یَـذْکُرُونَ اللَّهَ قِیاماً و روز نشانه‌هـایی برای خردمنـدان است. آنان خـدا را ایسـتاده وَقُعُوداً وَعَلی جُنُوبِهِمْ وَیَتَفَکَّرُونَ فِی خَلْقِ السَّماواتِ و نشسته و آنگاه که بر پهلو خفته‌اند، یاد می‌کننـد و در اسـرار آفرینش آسـمان‌ها وَالْأَرْضِ رَبَّنـا ما خَلَقْتَ هـذا باطِلًا سُبْحانَکَ فَقِنا عَـذابَ و زمین می‌اندیشـند (ومی‌گوینـد:) پروردگـارا! این‌هـا را بیهوده نیافریـدی، تو منزّهی، مـا را از عـذاب النَّارِ* رَبَّنـا إِنَّکَ مَنْ تُـدْخِلِ النَّارَ فَقَـدْ أَخْزَیْتَهُ وَمـا لِلظَّالِمِینَ آتش نگاهدار، پروردگارا! تو هر کس را به آتش وارد سازی، او را خوار ساخته‌ای و ستمکاران را مِنْ أَنْصارٍ* رَبَّنا إِنَّنا سَمِعْنا مُنادِیاً یُنادِی لِلْإِیمانِ أَنْ آمِنُوا یاوری نمی‌باشد. پروردگارا! منادی ایمان را شنیدیم که می‌گفت ایمان آورید بِرَبِّکُمْ فَآمَنَّا رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَکَفِّرْ عَنَّا سَیِّئاتِنا وَتَوَفَّنـا به‌پروردگارتـان، ومـاایمـان‌آوردیم، پروردگـارا! گناهـان مـا را ببخش و بـدی‌های مـا را بپوشـان و ما را بمیران مَعَ الْأَبْرارِ* رَبَّنا وَآتِنا ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُـلِکَ وَلاتُخْزِنا بانیکان. پروردگارا! آنچه‌را که به‌وسیله پیامبرانت وعده داده‌ای به ما عنایت کن و رسوایمـان مسـاز یَوْمَ الْقِیامَـةِ إِنَّکَ لا ـ تُخْلِفُ الْمِیعـادَ. در روز رسـتاخیز که تو از وعـده‌ات تخلّف نمی‌ورزی.» ادعیه و زیارات مـدینه

منوره، ص: ۲۸ سپس بگوید: «اللَّهُمَّ بِکَ یَصُولُ الصَّائِلُ وَبِقُدْرَتِکَ یَطُولُ الطَّائِلُ وَلاحَوْلَ «خداوندا! استواری هر چیز به وسیله تواست، و بخشندگی هر بخشنده‌ای به قدرت لِکُلِّ ذِی حَوْلٍ إِلّا بِکَ وَلاقُوَّةَ یَمْتَلِدُها ذُو قُوَّةٍ إِلّا مِنْکَ، أَسْأَلُکَ تواست، نیرویی جز به واسطه تو برای هر نیرومند نیست، از تو مسألت دارم بِصَفْوَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ بَرِیَّتِکَ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَعِتْرَتِهِ به حق آن انسان برگزیده از میان آفریده‌هایت و بهترین مخلوقت، پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله وَسُلالَتِهِ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلامُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَعَلَیْهِمْ، و دودمان او که بر او و بر آنان درود باد بر محمد و بر آنان رحمت فرست و وَاکْفِنِی شَرَّ هذَا الْیَوْمِ وَضَرَّهُ، وَارْزُقْنِی خَیْرَهُ ویُمْنَهُ، وَاقْضِ لِی گزند و زیان این روز را از من بازدار، و خیر و برکتش به من روزی فرما، و در کارهایم فِی مُتَصَرِّفاتِی بِحُسْنِ الْعاقِبَةِ وَبُلُوغِ الْمَحَبَّةِ وَالظَّفَرِ بِالْأُمْنِیَّةِ عاقبت نیکو برایم مقرّر نمایی، و مرا به محبّت نایل ساز، و دستیابی به آرزو وَکِفایَةِ الطَّاغِیَةِ الْغَوِیَّةِ وَکُلِّ ذِی قُدْرَةٍ لِی عَلی اذِیَّةٍ، حَتّی اکُونَ و دفع شیطان سرکش و گمراه‌گر و هر کس که توان اذیت مرا دارد یاری کن تا در نتیجه فِی جُنَّةٍ وَعِصْمَةٍ مِنْ کُلِّ بَلاءٍ وَنِقْمَةٍ، وَأَبْدِلْنِی فِیهِ مِنَ الْمَخاوِفِ از هر بلا و مشکل مصون مانم، و بیم مرا به امنیّت، ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۹ أَمْناً وَمِنَ الْعَوائِقِ فِیهِ یُسْراً، حَتّی لایَصُدَّنِی صادٌّ عَنِ الْمُرادِ و سختی را به راحتی مبدّل ساز، تا آنکه نتواند هیچ کس مرا از رسیدن به مقصودم، مانع وَلایَحُلَّ بِی طارِقٌ مِنْ اذَی الْعِبادِ، إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ، گردد، و هیچ آسیب رسانی از بندگان، به من دست نیابد، تو بر هر چیز توانایی وَالْأُمُورُ إِلَیْکَ تَصِیرُ، یامَنْ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ وَهُوَالسَّمِیعُ الْبَصِیرُ». و بازگشت امور به سوی تو است، ای آنکه چیزی همتایت نمی‌باشد و بینا و شنوا می‌باشی.» ۶- سپس با خانواده وداع کند، و بر درِ خانه بایستد، و تسبیح حضرت‌فاطمه زهرا علیها السلام را بگوید، وسوره حمد و آیةالکرسی را از جلو و از طرف راست و چپ بخواند، و بگوید: «اللَّهُمَّ إِلَیْکَ وَجَّهْتُ وَجْهِی وَعَلَیْکَ خَلَّفْتُ أَهْلِی وَمالِی وَما «خداوندا به سوی تو رو کردم، و خانواده و مالم و آنچه را به من داده‌ای خَوَّلْتَنِی وَقَدْ وَثِقْتُ بِکَ، فَلا تُخَیِّبْنِی یا مَنْ لایُخَیِّبُ مَنْ أَرادَهُ به‌تو سپردم وبه تو اعتماد کردم، پس نومیدم مساز ای‌آنکه کسی‌را که آهنگ تو کند نومید نمی کنی، وَلایُضَیِّعُ مَنْ حَفِظَهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِهِ وَاحْفَظْنِی وکسی را که تو حافظ باشی، تباه نمی کنی، خداوندا! بر محمّد و خاندانش رحمت فرست، و نسبت به آنچه فِیما غِبْتُ عَنْهُ وَلاتَکِلْنِی إِلی نَفْسِی یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ. اللَّهُمَّ از آنها غایبم، حافظ باش، و مرا به‌خود وامگذار ای مهربان‌ترین مهربانان خداوندا! ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۰ بَلِّغْنِی ما تَوَجَّهْتُ لَهُ وَسَبِّبْ لِیَ الْمُرادَ وَسَخِّرْ لِی عِبادَکَ مرا به مقصدم برسان، و اسباب رسیدن به خواسته‌ام را فراهم ساز و مرا از بندگان وَبِلادَکَ وَارْزُقْنِی زِیارَةَ نَبِیِّکَ وَوَلِیِّکَ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ و شهرهایت بهره‌مند گردان و زیارت پیامبر و ولیّ خود؛ امیر مؤمنان و امامانی را وُلْدِهِ وَجَمِیعِ أَهْلِ بَیْتِهِ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلامُ، وَمُدَّنِی مِنْکَ که از فرزندان او می‌باشند و همه اهل‌بیت علیهم السلام را روزیم ساز، و مرا با کمک خویش بِالْمَعُونَةِ فِی جَمِیعِ أَحْوالِی، وَلاتَکِلْنِی إِلی نَفْسِی وَلا إِلی در هر حال یاری کن، و به خودم و دیگری غَیْرِی فَأَکِلَّ وَأَعْطَبَ، وَزَوِّدْنِی التَّقْوی وَاغْفِرْلِی فِی الْآخِرَةِ وامگذار تا در نتیجه خسته و وامانده شوم و تقوا را ره توشه من ساز، و در آخرت و دنیا مرا بیامرز وَالْاولی اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی أَوْجَهَ مَنْ تَوَجَّهَ إِلَیْکَ». خداوندا! مرا از آبرومندترین روی‌آورندگان به خویش قرارم ده.» و باز می گویی: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ وَاسْتَعَنْتُ بِاللَّهِ وَالْجَأْتُ «بنام خدا و استعانت از او، توکل می‌جویم به خداوند و از او یاری می‌جویم و پناه می‌برم ظَهْرِی إِلَی اللَّهِ وَفَوَّضْتُ أَمْرِی إِلَی اللَّهِ رَهْبَةً مِنَ اللَّهِ وَرَغْبَةً إِلَی‌اللَّهِ به خدا، و کارم را به او واگذار می کنم با خوف از خداوند و شوق به سوی ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۱ وَلامَلْجَأَ وَلامَنْجا وَلا مَفَرَّ مِنَ اللَّهِ إِلّا إِلَی اللَّهِ، رَبِّ آمَنْتُ او و پناهگاه و راه نجات و گریزی از خدا جز به سوی او نمی‌باشد، پروردگارا! به کتابت بِکِتابِکَ الَّذِی أَنْزَلْتَ وَبِنَبِیِّکَ الَّذِی أَرْسَلْتَ لِأَنَّهُ لایَأْتِی بِالْخَیْرِ ایمان آوردم همان کتابی که فرو فرستادی و بر پیامبرت نازل کردی؛ زیرا جز از تو خیر إِلهِی إِلّا أَنْتَ، وَلا یَصْرِفُ السُّوءَ إِلّا أَنْتَ، عَزَّ جارُکَ وَجَلَّ نیاید و بدی را به غیر تو باز نگرداند، پناهنده به تو گرامی است، مدح و ثنای تو ثَناؤُکَ وَتَقَدَّسَتْ أَسْماؤُکَ وَعَظُمَتْ آلاؤُکَ وَلا إِلهَ غَیْرُکَ». والا و نام‌هایت مقدّس، و نعمت‌هایت بزرگ می‌باشد و خدایی جز تو نمی‌باشد.» روایت شده: «هر کس هنگام صبح این دعا را بخواند و از خانه بیرون رود، تا شام بلایی به او نرسد تا به خانه برگردد، و

اگر شام شود و این دعا را بخوانـد، بلایی به او نرسـد تا صبح به منزل خود بازگردد.» «۱» ۷- پس از آن سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را یـازده مرتبه، و سوره «إِنَّا أَنْزَلْنـاهُ» و «آیهٔالکرسـی» و سوره «قُـلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» و «قُـلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» را بخوانـد، و بعـد دست بر ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۳۲ بدن خود بکشد، و در لحظه سوار شدن به وسیله نقلیه بگوید: سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لنا هذا وَما کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ «۱» ، پس هفت مرتبه بگویـد: «سُبْحانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ للَّهِ وَلا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ». ۸- قبل از مسافرت صـدقه دهد به هرچه ممکن باشد. «روایت شده: مردی از اصـحاب امام باقر علیه السلام هنگامی که اراده سفر کرد، خدمت آن حضرت آمد تا خدا حافظی کند، حضـرت به او فرمود: پـدرم علیّ‌بن‌الحسین علیهمـا السـلام هرگـاه آهنگ سـفر می‌کرد، سـلامتی خود را با صـدقه دادن از خـداوند می‌خرید، و چون از سـفر به سلامت مراجعت می‌کرد، خدا را شکر کرده و صدقه می‌داد. «۲»» بعد از دادن صدقه بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِی اشْتَرَیْتُ بِهذِهِ الصَّدَقَهِٔ سَلامَتِی وَسَلامَهَٔ سَفَرِی «خداوندا! من با این صدقه خریدم سلامتی خویش، سلامت سفرم و سلامت وَما مَعِی، فَسَلِّمْنِی وَسَلِّمْ ما مَعِی وَبَلِّغْنِی وَبَلِّغْ ما مَعِی آنچه را با من است، پس مرا و آنچه را با من است به سلامت دار و به مقصد برسان مرا و آنها را ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۳۳ بِبَلاغِکَ الْحَسَنِ الْجَمِیلِ». به نیکی و زیبایی که از سوی تو است.» پس بگویـد: «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ، لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ، «معبودی نیست جز خداونـد حلیم و کریم، خـدایی نیست جز خداوند والا و بزرگ سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرَضِینَ السَّبْعِ وَما منزّه است خدایی که پروردگار آسمان‌ها و زمین‌های هفتگانه و آنچه فِیهِنَّ وَمـا بَیْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ، وَسَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ درآنهـا و آنچه در میـان آنها است می‌باشـد و پروردگار عرش عظیم است، و سلام بر رسولان الهی وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبِینَ و سـتایش مخصوص پروردگار جهانیان است و رحمت خداونـد بر محمّد و خاندان پاک و الطَّاهِرِینَ. اللَّهُمَّ کُنْ لِی جاراً مِنْ کُلِّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ وَمِنْ کُلِّ پاکیزه او. خداوندا! پناهم ده از هر سـتمگر خیره سـر و از شَیْطانٍ مَرِیدٍ، بِسْمِ اللَّهِ دَخَلْتُ وَبِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ. اللَّهُمَّ إِنِی هر شـیطان سـرکش، به نام خداوند به این سـفر وارد و به نام خدا از این سفر خارج می‌شوم، خداوندا! من اقَدِّمُ بَیْنَ یَدَیْ نِسْیانِی وَعَجَلَتِی بِسْمِ اللَّهِ وَما شاءَ اللَّهُ فِی پیشاپیش فراموشی و شتابزدگیم، بسم‌اللَّه و ماشاءاللَّه را یاد می‌کنم ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۴ سَفَرِی هذا ذَکَرْتُهُ أَمْ نَسَیْتُهُ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُسْتَعانُ عَلَی الْأُمُورِ چه آن را [بعـدها] یـاد کنم یا فراموش، خداونـدا! تویی یاری رسان برای هر کار کُلِّها وَأَنْتَ الصَّاحِبُ فِی السَّفَرِ وَالْخَلِیفَهُٔ فِیالْأَهْلِ. اللَّهُمَّ هَوِّنْ و تویی همراه مسـافر و جانشـینش در خـانواده، خداونـدا! آسـان سـاز عَلَیْنـا سَفَرَنا وَاطْوِ لَنَاالْأَرْضَ وَسَیِّرْنا فِیها بِطاعَتِکَ وَطاعَهِٔ سفرمان را، و راهمان را کوتاه ساز، و ما را در مسیر فرمانبرداری خویش و رَسُولِکَ. اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لَنا ظَهْرَنا وَبارِکْ لَنا فِیمـا رَزَقْتَنـا وَقِنـا پیـامبرت قرارده، خداونـدا! آنچه‌راپشـت سـر گذاشـته‌ایم به سامـان رسـان، و آنچه را به مـا داده‌ای مبـارک کن، و نگهـدارمان عَـذابَ النَّارِ. اللَّهُمَّ إِنِی أَعُوذُ بِکَ مِنْ وَعْثاءِ السَّفَرِ وَکَآبَهِٔ از عـذاب دوزخ، خداونـدا! پناه می‌برم به تو از دشواری سـفر و انـدوه الْمُنْقَلَبِ وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِی الْأَهْلِ وَالْمالِ وَالْوَلَدِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ بازگشت و بی‌آبرویی در میان خانواده، دارایی و فرزنـد، خداونـدا! تویی عَضُدِی وَناصِرِی. اللَّهُمَّ اقْطَعْ عَنِّی بُعْدَهُ وَمَشَقَّتَهُ وَاصْحَبْنِی فِیهِ یار و یاورم، خداوندا! دوری سفر و سختی آن را آسان ساز، یار و همراهم در سـفر و وَاخْلُفْنِی فِی أَهْلِی بِخَیْرٍ وَلاحَوْلَ وَلاقُوَّهَٔ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِ الْعَظِیمِ». جانشـینم در خانواده به نیکی باش، که نیرو و توانی جز به خداوند والا و بزرگ نمی‌باشد.» و هنگامی که سوار بر وسـیله نقلیه شد، بگوید: ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۵ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِلْاسْلامِ وَمَنَّ عَلَیْنا بِمُحَمَّدٍ صَلَّی «سپاس مخصوص خدایی است که ما را به اسلام رهنمون شد و به نبوّت محمّد صلی الله علیه و آله اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنـا هـذا وَمـا کُنَّا لَهُ بر مـا منت نهـاد، پاک و منزه است خداونـدی که این مرکب را مسخّر مـا سـاخت و گرنـه مـا قـادر بـه تسـخیر آن مُقْرِنِینَ وَإِنَّا إِلی رَبِّنـا لَمُنْقَلِبُونَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعـالَمِینَ. نبـودیم و مـا به سـوی پروردگارمـان بـاز می‌گردیم و سـتایش مخصوص خداونـدی است که پروردگار اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحامِلُ عَلَی الظَّهْرِ وَالْمُسْتَعانُ عَلَیالْأَمْرِ، اللَّهُمَّ جهانیان است، خداوندا! تویی که ما را بر پشت این مرکب سوار نمودی و بر سـفر یاریمان نمودی بَلِّغْنا بَلاغاً یَبْلُغُ إِلی خَیْرٍ بَلاغٍ وَیَبْلُغُ إِلی مَغْفِرَتِکَ وَرِضْوانِکَ. خداونـدا! ما را به بهترین صورت به مقصـد برسان، و به مغفرت و خوشـنودیت نایل گردان، اللَّهُمَّ لا

طَیْرَ إِلّا طَیْرُکَ وَلا خَیْرَ إِلّا خَیْرُکَ وَ لاحافِظَ غَیْرُکَ». خداوندا! چیز ناخوشایندی نیست مگر آن‌که توبخواهی وخیری جز خیری که از جانب تو رسد نمی‌باشد و حافظی جز تو نیست.» ۹- ازامام‌صادق علیه السلام منقول است کسی که در سفر هر شب آیهٔ الکرسی را بخواند، خود و آنچه با اوست سالم بماند. «۱» ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۶ ۱۰- در سفر این دعا را بخواند تا در امان پروردگار باشد: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَی اللَّهِ وَفِی سَبِیلِ اللَّهِ. اللَّهُمَّ إِلَیْکَ «بنام‌خدا وبه‌یاری او، وازخداییم، وبه سوی خدا می‌رویم، و درراه خداگام می‌نهیم، خدایا! أَسْلَمْتُ نَفْسِی، وَإِلَیْکَ وَجَّهْتُ وَجْهِی، وَإِلَیْکَ فَوَّضْتُ خود را تسلیم تو کردم، و به سوی تو رو نمودم، و کارم را به أَمْرِی، فَاحْفَظْنِی بِحِفْظِ الْإِیمانِ مِنْ بَیْنِ یَدَیَّ وَمِنْ خَلْفِی وَعَنْ تو سپردم، پس مرا در پناه ایمان، از پیش رو و پشت سر و از یَمِینِی وَعَنْ شِمالِی وَمِنْ فَوقِی وَمِنْ تَحْتِی وَادْفَعْ عَنِّی بِحَوْلِکَ راست و چپ و از سمت بالا ـ و پایین حفظ فرما و به نیرو و توانایيت وَقُوَّتِکَ، فَإِنَّهُ لاحَوْلَ وَلاقُوَّةَ إِلّا بِاللَّهِ الْعَلِیِ الْعَظِیمِ». از من دفاع کن که نیرو و توانی جز به وسیله خداوند والا و بزرگ نمی‌باشد.» ۱۱- بر زائران محترم سزاوار است بیش از دیگران به اخلاص در اعمال و مراقبت از حدود الهی اهتمام داشته باشند، زیرا گذشته از اینکه به مهمانی پروردگار می‌روند، و مهمان باید رضایت صاحب خانه را فراهم آورد، طبق حدیث شریف: «کُونُوا لَنا زَیْناً وَلا تَکُونُوا ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۷ عَلَیْنا شَیْناً»، «۱» باید آیینه تمام‌نمای اسلام ناب محمّدی باشند، و لازم است مراقب اعمال خود بوده، و به نمازهای واجب در اوّل وقت اهتمام بیشتری دهند، در جماعات برادران اهل سنّت شرکت کنند، تا از ثواب جماعت بهره‌مند شوند، و خدای نخواسته نباید بعضی افراد ناآگاه کاری کنند که در شأن یک زائر ایرانی نبوده و موجب نفرت دیگران گردد، و در نتیجه اعمال صالحه سایرین را هم تحت الشُّعاع قرار دهد. خداوند به همه ما توفیق دهد تا بتوانیم به وظایف دینی خود عمل نماییم و آنگونه باشیم که خداوند فرموده ۱۲- در سفر تأکید شده که مسافر بعد از هر نماز، سی مرتبه بگوید: «سُبْحانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَکْبَرُ». «منزّه است خدا و ستایش او راست و معبودی جز او نمی‌باشد و خدا بزرگ است.» ۱۳- اخلاق حسنه و کمک به یکدیگر: در سفر لازم است به همراهان کمک کرده، و در انجام کارها پیشقدم بوده، و از برآوردن احتیاجات دیگران روگردان نباشد، تا خداوند ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۸ متعال او را از گرفتاری‌های دنیا و آخرت نجات دهد، در حدیث آمده است: در سفر، بدترین افراد آن کسی است که بتواند به دیگران کمک نماید ولی کوتاهی کند و منتظر کمک دیگران باشد. هم‌چنین اکیداً سفارش شده که با دوستان و همراهان، با اخلاق خوب وخوش، برخوردنموده و به آنان کمک نماییم، وبه ویژه در مشکلات و سختی‌ها صبور و بردبار باشیم. ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۹

## فصل اوّل: ادعیه وزیارات

### ادعیه و زیارات مشترکه

#### تعقیبات مشترکه نمازهای روزانه:

از مصباح شیخ طوسی رحمه الله و غیره نقل شده هرگاه سلام نماز را دادی، سه مرتبه اللَّهُ أَکْبر بگو، و در هر یک دست‌ها را تا محاذی گوش‌ها بلند کن و سپس بگو: «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ إِلهاً واحِداً وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ، لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، «معبودی جز خدا آن معبود یکتا نیست و ما در برابر او تسلیمیم معبودی جز خدا نیست وَلا نَعْبُدُ إِلّا إِیَّاهُ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ، لا إِلهَ وما جز او نپرستیم ودین (وعبادت) را خالص برای اوگردانیم و اگر چه بر مشرکان بد آید، معبودی إِلَّا اللَّهُ، رَبُّنا وَرَبُّ آباءِنَا الْأَوَّلِینَ، لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، جز خدا نیست که پروردگار ما و پروردگار پدران پیشین ماست معبودی نیست جز خدا که یکتای یکتای وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَأَعَزَّ جُنْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزابَ یکتا بوعده خودوفا کرد وبنده‌اش را یاری کرد ولشگرش را عزت‌داد و به تنهایی احزاب را مغلوب ساخت ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۴۲ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ، یُحْیِی وَیُمِیتُ، وَیُمِیتُ وَیُحْیِی، پس او

راست ملک هستی واو راست سپاس که زنـده می‌کند و می‌میراند ومی‌میراندوزنده می‌کند وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ». و او است زنـده‌ای که نمی‌میرد هر خیری به دست او است و بر هر چیز قادر است.» پس بگو: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِی لا إِلهَ إِلّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَاتُوبُ إِلَیْهِ». «طلب آمرزش دارم از خـدای یگانه جاویـد و به سوی او باز می‌گردم.» آنگاه بگو: «اللَّهُمَّ اهْدِنِی مِنْ عِنْدِکَ، وَافِضْ عَلَیَّ مِنْ فَضْلِکَ، وَانْشُرْ بار خدایا مرا از جانب خود راهنمائیم فرما و از فضل خویش بهره‌مندم فرما و از رحمتت عَلَیَّ مِنْ رَحْمَتِکَ، وَأَنْزِلْ عَلَیَّ مِنْ بَرَکاتِکَ، سُبْحانَکَ لا إِلهَ إِلّا بر من بگستران و از برکاتت بر من فرو بار، منزّهی تو، معبودی جز أَنْتَ، اغْفِرْ لِی ذُنُوبِی کُلَّها جَمِیعاً، فَإِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ کُلَّها تو نیست همه گناهانم را بیامرز؛ زیرا جز تو کسـی همه گناهان را نیامرزد جَمِیعاً إِلّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ مِنْ کُلِّ خَیْرٍ أَحاطَ بِهِ عِلْمُکَ بار خـدایا من از تو درخواست می‌کنم هر چیزی را که علمت بـدان احاطه نمود وَأَعُوذُ بِکَ مِنْ کُلِّ شَرٍّ أَحاطَ بِهِ عِلْمُکَ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ و پناه می‌برم به تو از هر شرّی که علمت بـدان احاطه نمود، بـار خـدایا من از تو در تمـام ادعیه و زیـارات مـدینه منوره، ص: ۴۳ عافِیَتَکَ فِی أُمُورِی کُلِّها، وَأَعُوذُ بِکَ مِنْ خِزْیِ الدُّنْیا وَعَذابِ کارهایم عافیت می‌خواهم و به تو پناه می‌برم از رسوائی و خواری دنیا و عـذاب الْآخِرَةِ، وَأَعُوذُ بِوَجْهِکَ الْکَرِیمِ وَعِزَّتِکَ الَّتِی لا تُرامُ وَقُدْرَتِکَ آخرت و پناه می‌برم به ذات بزرگوارت و به عزتت که فوق آن متصور نیست وبه قدرتت الَّتِی لا یَمْتَنِعُ مِنْها شَیْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ شَرٍّ که چیزی از آن سرپیچی نتوانـد، از شر دنیـا و آخرت و از شرّ الْأَوْجاعِ کُلِّها وَمِنْ شَرِّ کُلِّ دابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِناصِیَتِها، إِنَّ رَبِی تمامی دردها و از گزند هر جنبنده‌ای که تو فرمانروای او هستی همانا پروردگار من عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ، وَلاحَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللَّهِ الْعَلِیِ الْعَظِیمِ، بر روش حقی است و هیـچ جنبش و نیرویی نیست جز به دست خدای والای بزرگ تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِ الَّذِی لا یَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ توکل کنم بر خدای همیشه زنده‌ای که هرگز نمیرد و ستایش مخصوص خدایی است که فرزنـدی وَلَداً وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ نگرفته و کسـی در ملک هستی شریک او نیست و خواری ندارد تا نیازمند یاور باشد وَکَبِّرْهُ تَکْبِیراً». و کاملًا او را بزرگ شـمار.» پس تسبیح حضـرت زهرا علیها السـلام را می‌گویی، و پیش از آنکه از جای خود حرکت کنی ده مرتبه بگو: ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۴۴ «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، إِلهاً واحِداً أَحَداً «گواهی می‌دهم که معبودی جز خدای یگانه بی‌همتا نیست، خدای یکتای یگانه فَرْداً صَمَداً لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً». فرد بی‌نیازی که همسـر و فرزنـدی نگرفته است.» و برای این تهلیل، به خصوص در تعقیب نماز صبح و شام و هنگام طلوع و غروب آفتاب، فضـیلت بسـیار وارد شـده است، پس می گویی: «سُبْحانَ اللَّهِ کُلَّما سَبَّحَ اللَّهَ شَیْءٌ وَکَما یُحِبُّ اللَّهُ أَنْ یُسَبَّحَ «تسبیـح خـدا را هرآنگاه که چیزی خـدا را تسبیح گویـد و چنانچه خـدا دوست‌دارد که او را تسبیح گویند وَکَما هُوَ أَهْلُهُ وَکَما یَنْبَغِی لِکَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِ جَلالِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ و چنانچه او لایق آن و شایسته ذات بزرگوار و عزت و جلال او است و ستایش خدا را کُلَّما حَمِدَ اللَّهَ شَیْءٌ وَکَما یُحِبُّ اللَّهُ أَنْ یُحْمَدَ وَکَما هُوَ أَهْلُهُ هرگاه که موجودی او را سـتایش کنـد و بدانگونه که دوست دارد و چنانچه لایق آن وَکَما یَنْبَغِی لِکَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِ جَلالِهِ، وَلا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ کُلَّما و شایسته عزت و جلال او است و تهلیل او را هرگاه موجودی او را به هَلَّلَ‌اللَّهَ شَیْءٌ وَکَما یُحِبُّ اللَّهُ أَنْ یُهَلَّلَ وَکَما هُوَ أَهْلُهُ وَکَما یَنْبَغِی یکتایی یاد کند و به همانگونه که دوست دارد و چنانچه لایق آن و شایسـته ذات ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۴۵ لِکَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِ جَلالِهِ، وَاللَّهُ أَکْبَرُ کُلَّما کَبَّرَ اللَّهَ شَیْءٌ وَکَما با عزّت و جلال او است و تکبیر او را هرگـاه که موجودی او را به بزرگی یـاد کنـد و بـدانگونه که یُحِبُّ اللَّهُ أَنْ یُکَبَّرَ وَکَما هُوَ أَهْلُهُ وَکَما یَنْبَغِی لِکَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِ دوسـت دارد به بزرگی یـاد شود چنانچه لایق و شایسـته عزّت و جَلالِهِ، سُبْحانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَکْبَرُ عَلی جلال او است، منزه است خـدا و سـتایش خـاص او است ومعبودی جز او نیست و خداونـد بزرگ کُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَ بِها عَلَیَّ وَعَلی کُلِ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ کـانَ أَوْ برای هر نعمتی که به من و به هر یـک از خلق خود داده از آنانکه یَکُونُ إِلی یَوْمِ الْقِیامَةِ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ بوده‌اند یا پس از این تا روز قیامت بیایند، بار خدایا من از تو می‌خواهم که درود بر محمد وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَسْأَلُکَ مِنْ خَیْرِ مـا أَرْجُو وَخَیْرِ مـا لا أَرْجُو، و آلش بفرستی و از تو درخواست می‌کنم هر خیری را که امیـد به آن داشـته باشم و یا نداشـته‌ام وَأَعُوذُ

بِکَ مِنْ شَرِّ ما أَحْذَرُ وَمِنْ شَرِ ما لا أَحْذَرُ». و پناه می‌برم به تو از شـر آنچه از آن بیمناک و بی‌پروایم.» پس می‌خوانی سوره حمد و آیهٔالکرسی وَشَهِدَ اللَّهُ وآیه قُلِ اللَّهُمَّ مَالِکَ الْمُلْکِ وآیه سخره (و آن سه آیه است از سوره اعراف که اوّل آن إِنَّ رَبَّکُمُ اللَّهُ و آخر آن مِنَ الْمُحْسِنِینَ است، پس سه مرتبه می گویی: ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۴۶ سُبْحانَ رَبِّکَ رَبِ الْعِزَّةِ عَمَّا یَصِفُونَ وَسَلامٌ عَلَی «منزه است پروردگار تو صاحب عزت از آنچه (مشرکان) توصیف کنند و درود بر الْمُرْسَلِینَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِین. رسولان و ستایش خاص خداست که پروردگار جهانیان است.» سپس سه مرتبه می گویی: «اللَّهُمَّ صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لِی مِنْ أَمْرِی «بـار خـدایا بر محمـد و خانـدانش درود فرسـت و در کـار مـن فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَارْزُقْنِی مِنْ حَیْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَیْثُ فرج و گشایشـی قرار ده و روزیم ده از آنجـا که گمـان دارم و از آنجـا که لاـ أَحْتَسِبُ». گمان نـدارم.» واین دعایی است که جبرئیل تعلیم حضـرت یوسـف علیه السـلام کرد هنگـامی که در زنـدان بـود، پس محـاسن خود را به دست گیر، و کف دست چپ را به آسـمان گرفته، هفت مرتبه بگو: «یا رَبَّ مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ «ای پروردگار محمـد و خانـدان محمـد بر محمد و آل محمد درود فرست ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۴۷ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ». و فرج آل محمد را نزدیک کن.» به همان حال سه مرتبه بگو: «یا ذَا الْجَلالِ وَالْإِکْرام، صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، «ای دارای جلال و بزرگواری درود فرست بر محمـد و خاندانش وَارْحَمْنِی وَأَجِرْنِی مِنَ النَّارِ». و به من رحم کن و از آتش پنـاهم ده.» پس می‌خـوانی دوازده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را و می گـویی: «اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَکْنُونِالْمَخْزُونِ الطَّاهِرِ الطُّهْرِ «خـدایا از تو درخواست می‌کنم به حق نـام نهفته و پنهـانت که پـاک و پاکیزه و الْمُبارَکِ، وَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ وَسُلْطانِکَ الْقَدِیمِ، یا واهِبَ مبارک است و از تو می‌خواهم به حق نام بزرگ و سلطنت ازلیت ای بخشـنده الْعَطایـا وَیـا مُطْلِقَ الْاسـاری وَیـا فَکَّاکَ الرِّقابِ مِنَ النَّارِ، أَسْأَلُکَ عطاها و ای رها کننـده اسیران و ای آزاد کننـده بنـدگان از دوزخ از تو می‌خواهم أَنْ تُصَلِیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ، که درود فرستی بر محمد و خاندانش و مرا از آتش دوزخ ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۴۸ وَأَنْ تُخْرِجَنِی مِنَ الدُّنْیا سالِماً وَتُدْخِلَنِی الْجَنَّةَ آمِناً، وَأَنْ تَجْعَلَ آزاد کنی و از دنیا با ایمان سالم بیرونم بری و با ایمنی وارد بهشـتم کنی دُعائِی اوَّلَهُ فَلاحاً وَأَوْسَطَهُ نَجاحاً وَآخِرَهُ صَلاحاً، إِنَّکَ أَنْتَ آغاز دعایم را رسـتگاری و وسـطش را پیروزی و سـرانجامش را صـلاح قرار ده که تو عَلَّامُ الْغُیُوبِ». دانـایی به نادیـدنی‌ها.» و در صـحیفه علویّه است که در تعقیب هر فریضه بخوان: «یا مَنْ لا یَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ، یا مَنْ لا یُغَلِطُهُ السَّائِلُونَ «ای آنکه سـرگرمش نکند شنیدنی از شنیدن دیگر وای آنکه (کثرت) سائلان او را به اشـتباه نیاندازد یا مَنْ لا یُبْرِمُهُ الْحاحُ الْمُلِحِینَ، أَذِقْنِی بَرْدَ عَفْوِکَ وَحَلاوَةَ و ای کسـی که اصـرار اصـرار کنندگان به ستوهش نیاورد، لذت عفو و شیرینی رَحْمَتِکَ وَمَغْفِرَتِکَ». رحمت و آمرزشت را به من بچشان.» و نیز می گویی: «إِلهِی هذِهِ صَلاتِی صَلَّیْتُها لا لِحاجَةٍ مِنْکَ إِلَیْها وَلا رَغْبَةٍ «ای معبود من این نمازی که من بجا آوردم نه به خاطر احتیاجی از تو به آن بود و نه رغبتی ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۴۹ مِنْکَ فِیها إِلَّا تَعْظِیماً وَطاعَةً وَإِجابَةًلَکَ إِلی ما أَمَرْتَنِی بِهِ، إِلهِی که تودر آن داشـته باشـی جز تعظیم و فرمـانبرداری تو و پـذیرفتن آنچه مرا بـدان مـأمور کردی، معبود من إِنْکـانَ فِیهاخَلَلٌ أَوْ نَقْصٌ مِنْ رُکُوعِها أَوْ سُجُودِها فَلا تُؤاخِذْنِی اگر در این نماز من خللی یا نقصی در رکوع یا سجودش هست پس مرا مؤاخذه مکن و با وَتَفَضَّلْ عَلَیَّ بِالْقَبُولِ وَالْغُفْرانِ بِرَحْمَتِکَ یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ». پـذیرفتن آن و آمرزش (من) بر من تفضل کن. به (امید) رحمتت، ای مهربانترین مهربانـان.» و نیز بعـد از هر نمـاز این دعـا را که پیغمبر صـلی الله علیه و آله برای تقویت حافظه تعلیم امیرالمؤمنین علیه السـلام نمود، می‌خوانی: «سُبْحانَ مَنْ لا یَعْتَدِی عَلی أَهْلِ مَمْلَکَتِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا «منزه است خدایی که بر آنان که تحت فرمانش هستند ستم نکند، منزه است خـدایی که یَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِأَلْوانِ الْعَذابِ، سُبْحانَ الرَّءُوفِ الرَّحِیم، مردم زمین را به عـذابهای رنگارنگ نگیرد، منزه است خدای رؤف مهربان اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِی فِی قَلْبِی نُوراً وَبَصَراً وَفَهْماً وَعِلْماً، إِنَّکَ عَلی بار خدایا در دل من نور (معرفت) و بصیرت و فهم و علمی قرار داده که تو بر کُلِ شَیْءٍ قَدِیرٌ». هر چیز توانایی.» و در البلـد الأمین است که سه مرتبه بعـد از هر نماز بگو: ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۵۰ «اعِیـذُ نَفْسِی وَدِینِی وَأَهْلِی وَمـالِی وَوُلْدِی وإِخْوانِی فِی «قرار می‌دهم خودم و دینم و خانواده و مال و

فرزندانم و برادران دینی خود و دِینِی وَما رَزَقَنِی رَبِّی وَخَواتِیم عَمَلِی وَمَنْ یَعْنِینِی أَمْرُهُ بِاللَّهِ آنچه پروردگارم به من روزی کرده و سرانجام کارم و هم آن کس را که دلبند کار اویم الْواحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِی لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ در پناه خدای یگانه یکتای بی‌نیاز که نزاده و نه زائیده شده و هیچکس کُفُواً أَحَدٌ، وَ بِرَبِ الْفَلَقِ مِنْ شَرِ ما خَلَقَ وَمِنْ شَرِ غاسِقٍ إِذا همتایش نیست و به پروردگار صبحدم از شرّ آنچه آفریده و از شرّ شب هنگامی که وَقَبَ وَمِنْ شَرِ النَّفَّاثاتِ فِی الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِ حاسِدٍ إِذا به تاریکی درآید و از شرّ زنانی که در گره‌ها دمند و از شرّ حسود هنگامی که حَسَدَ، وَ بِرَبِ النَّاسِ مَلِکِ النَّاسِ إِلهِ النَّاسِ مِنْ شَرِ حسودی کند و به پروردگار مردم؛ صاحب اختیار مردم، معبود مردم از شرّ الْوَسْواسِ الْخَنَّاسِ الَّذِی یُوَسْوِسُ فِی صُدُورِ النَّاسِ مِنَ وسوسه‌گر نهانی آن کس که در سینه‌ها (و دلهای) مردم وسوسه کند (چه) از الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ». جنیان باشد و (چه) از مردم.» و از شیخ شهید نقل شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده: هر کس بخواهد خدا او را در قیامت بر اعمال بدش ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۵۱ مطّلع نگرداند و دیوان گناهانش نگشاید، بعد از هر نماز این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَکَ أَرْجی مِنْ عَمَلِی، وَإِنَّ رَحْمَتَکَ أَوْسَعُ «خدایا! مسلّماً آمرزش تو امیدوارکننده‌تر ازکارخیر من‌است وبه‌یقین‌رحمت‌تو وسیع‌تر مِنْ ذَنْبِی. اللَّهُمَّ إِنْ کانَ ذَنْبِی عِنْدَکَ عَظِیماً فَعَفْوُکَ أَعْظَمُ مِنْ از گناه من است، بار خدایا اگر گناهم پیش تو بزرگ است ولی عفو تو بزرگتر از ذَنْبِی. اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ اکُنْ أَهْلًا تَرْحَمَنِی فَرَحْمَتُکَ أَهْلٌ أَنْ گناه من است، بار خدایا اگر من شایسته رسیدن رحمتت نیستم ولی رحمت تو مرا شایستگی تَبْلُغَنِی وَتَسَعَنِی، لِأَنَّها وَسِعَتْ کُلَّ شَیءٍ بِرَحْمَتِکَ یا فراگرفتن دارد؛ زیرا که رحمت تو همه موجودات را فراگرفته به (امید) رحمتت ای أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ». مهربانترین مهربانان.» و از ابن بابویه رحمه الله نقل شده است که فرموده: چون از تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام فارغ شوی، بگو: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلامُ، وَمِنْکَ السَّلامُ، وَلَکَ السَّلامُ، وَإِلَیْکَ «بار خدایا! تویی‌سلام (سالم‌ازهرعیب) و از جانب تو است سلامتی و خاص تو است سلامتی و به‌سوی تو ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۵۲ یَعُودُ السَّلامُ، سُبْحانَ رَبِکَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا یَصِفُونَ، وَسَلامٌ باز گردد سلامتی، منزه است پروردگار تو صاحب عزت از آنچه وصف کنند و سلام عَلَی الْمُرْسَلِینَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِ الْعالَمِینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ بر پیمبران و ستایش خاص پروردگار جهانیان است، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو أَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلَی الْأَئِمَّةِ الْهادِینَ ای پیمبر (گرامی اسلام) سلام بر امامان راهنمای الْمَهْدِیینَ، السَّلامُ عَلی جَمِیعِ أَنْبِیاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلائِکَتِهِ، راه‌یافته سلام بر تمامی پیمبران خدا و رسولان و فرشتگانش السَّلامُ عَلَیْنا وَعَلی عِبادِ اللَّهِ الصَّالِحِینَ، السَّلامُ عَلی عَلِیٍّ سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا سلام بر علی أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ، السَّلامُ عَلَی‌الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ سَیِدَیْ شَبابِ أَهْلِ امیر مؤمنان، سلام بر حسن و حسین دو آقای تمام جوانان اهل الْجَنَّةِ مِنَ الْخَلْقِ أَجْمَعِینَ، السَّلامُ عَلی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ زَیْنِ بهشت، سلام بر حضرت علی بن الحسین زیور بخش عابدان الْعابِدِینَ، السَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ باقِرِ عِلْمِ النَّبِیینَ، السَّلامُ سلام بر حضرت محمد بن علی شکافنده علم پیمبران، سلام بر حضرت جعفر عَلی‌جَعْفَرِ بْنِ‌مُحَمَّدٍالصَّادِقِ، السَّلامُ‌عَلی مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ الْکاظِمِ، ابن محمد (امام) صادق، سلام بر حضرت موسی بن جعفر کاظم ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۵۳ السَّلامُ عَلی عَلِیِ بْنِ مُوسَی الرِّضا، السَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍ سلام بر حضرت علی بن موسی الرضا سلام بر حضرت محمد بن علی الْجَوادِ، السَّلامُ عَلی عَلِیِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهادِی، السَّلامُ عَلَی «الجواد» سلام بر حضرت علی بن محمد هادی سلام بر الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِ الزَّکِیِ الْعَسْکَرِیِ، السَّلامُ عَلَی الْحُجَّةِ بْنِ حسن بن علی «الزکی العسکری» سلام بر حضرت حجة بن الْحَسَنِ الْقائِمِ الْمَهْدِیِ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ». الحسن «القائم المهدی» درود فراوان خدا بر تمامی ایشان باد.» پس هر حاجت که داری از خدا بخواه. شیخ کفعمی فرموده: بعد از هر نماز می‌گویی: «رَضِیتُ بِاللَّهِ رَبّاً، وَبِالْإِسْلامِ دِیناً، وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ «خوشنودم که پروردگارم خدا است و دینم دین اسلام است و پیمبرم محمد صلی الله علیه و آله است وَآلِهِ نَبِیّاً وَبِعَلِیٍ إِماماً وَبِالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَعَلِیٍ وَمُحَمَّدٍ و امامانم علی و حسن و حسین و علی و محمد وَجَعْفَرٍ وَمُوسی وَعَلِیٍ وَمُحَمَّدٍوَعَلِیٍ وَالْحَسَنِ وَمُحَمَّدٍ الْخَلَفِ و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و فرزند الصَّالِحِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ أَئِمَّةً وَسادَةً وَقادَةً، بِهِمْ أَتَوَلّی وَمِنْ شایسته او، درود بر ایشان که پیشوایان و آقایان و رهبرانند به ایشان دوستی دارم و از ادعیه و

زیارات مدینه منوره، ص: ۵۴ أَعْدائِهِمْ أَتَبَرَّأَ». دشمنانشان بیزاری‌جویم.» پس سه مرتبه بگو: «اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ الْعَفْوَ وَالْعافِیَةَ وَالْمُعافاةَ فِی الدُّنْیا «بار خدایا من از تو گذشت و سلامتی و آسایش در دنیا وَالْآخِرَةِ». و آخرت را خواستارم.»

## دعای کمیل

این دعـا از دعاهـای معروفی است که حضـرت علی علیه السـلام آن را به «کمیل‌بن‌زیاد»- که از اصـحاب خاصّ وی بود- تعلیم داد. نیایشـی عاشـقانه و عارفانه است که بنـده‌ای به درگاه خدای غفّار انجام می‌دهد، و از پروردگار، رحمت و بخشایش می‌طلبد. علامه مجلسـی رحمه الله آن را از بهترین دعاها شـمرده است. این دعا در شب‌های نیمه شعبان و در هر شب جمعه خوانده می‌شود، و برای ایمنی از گزند دشـمنان و افزایش روزی و آمرزش گناهان مفید است. ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۵۵ متن دعای شریف چنین است: «اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ بِرَحْمَتِکَ الَّتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ، «خـدایا من از تو می‌خواهم بحق آن رحمتت که همه چیز را فرا گرفته وَبِقُوَّتِکَ الَّتِی قَهَرْتَ بِها کُلَّ شَیْءٍ، وَخَضَعَ لَها کُلُّ شَیْءٍ، وَذَلَّ و به آن نیرو یت که همه چیز را بوسیله آن مقهور خویش کردی و همه چیز در برابر آن خـاضع و همه لَها کُلُّ شَیْءٍ، وَبِجَبَرُوتِکَ الَّتِی غَلَبْتَ بِها کُلَّ شَیْءٍ، وَبِعِزَّتِکَ درپیش آن خواراست وبه جبروت تو که بوسیله آن چیره‌گشتی برهر چیز و به‌عزتت که الَّتِی لا یَقُومُ لَها شَیْءٌ، وَبِعَظَمَتِکَ الَّتِی مَلَأَتْ کُلَّ شَیْءٍ، چیزی در برابرش نایستد و به آن عظمت و بزرگیت که پرکرده هر چیز را وَبِسُلْطانِکَ الَّذِی عَلا کُلَّ شَیْءٍ، وَبِوَجْهِکَ الْباقِی بَعْدَ فَناءِ کُلِّ و به آن سلطنتت که بر هر چیز برتری گرفته و به ذات پاکت که پس از نابودی هرچیز شَیْءٍ، وَبِأَسْمائِکَ الَّتِی غَلَبَتْ أَرْکانَ کُلِ شَیْءٍ، وَبِعِلْمِکَ الَّذِی باقی است و به نامهای مقـدست که اساس هر موجودی را پرکرده و به آن دانشت که أَحاطَ بِکُلِ شَیْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِکَ الَّذِی أَضاءَ لَهُ کُلُّ شَیْءٍ، یـا احـاطه یـافته به هر چیز و به نور ذاتت که روشن شـد در پرتوش هر چیز ای نُورُ یا قُدُّوسُ، یا اوَّلَ الْأَوَّلِینَ وَیا آخِرَ الْآخِرِینَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِیَ نور حقیقی و ای منزّه از هر عیب، ای آغـاز موجودات اولین و ای پایـان آخرین. خـدایا! بیـامرز ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۵۶ الـذُّنُوبَ الَّتِی تَهْتِکُ الْعِصَمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الـذُّنُوبَ الَّتِی تُنْزِلُ آن گناهـانی را که پرده‌ها را بـدرد. خـدایا! بیامرز آن گناهانی را که عقاب و کیفرها را النِقَمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الـذُّنُوبَ الَّتِی تُغَیرُ النِعَمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِیَ فرو ریزد. خـدایا! بیامرز آن گناهانی را که نعمت‌ها را تغییر دهـد. خـدایا! بیامرز الـذُّنُوبَ الَّتِی تَحْبِسُ الـدُّعاءَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تَقْطَعُ الرَّجاءَ، آن گناهانی را که از (اجابت) دعا جلوگیری کنـد. خـدایا! بیامرز گناهانی را که انسان را نومیـد می‌کند، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تُنْزِلُ الْبَلاءَ، اللَّهُمَ‌اغْفِرْ لِی کُلَّ خـدایا بیـامرز آن گناهـانی را که بلا- نـازل کنـد، خـدایا بیـامرز هر ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَکُلَّ خَطِیئَةٍأَخْطَأْتُها، اللَّهُمَ‌إِنِی‌أَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ بِذِکْرِکَ، گنـاهی که کرده‌ام و هر خطایی که از من سـر زده خـدایا من به سوی تو تقرب جویم بوسیله ذکر تو وَ أَسْتَشْفِعُ بِکَ إِلی نَفْسِکَ، وَ أَسْأَ لُکَ بِجُودِکَ أَنْ تُدْنِیَنِی مِنْ قُرْبِکَ، و خودت را شفیع آورم بدرگاهت به جود وکرمت ازتو می‌خواهم که به‌مقام قرب خویش‌نزدیکم سازی وَأَنْ تُوزِعَنِی شُکْرَکَ، وَأَنْ تُلْهِمَنِی ذِکْرَکَ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ و سپاسگزاریت را روزیم کنی و ذکر خود را به من الهـام کنی. خـدایا! از تو سُؤالَ خـاضِعٍ مُتَـذَلِلٍ خـاشِعٍ، أَنْ تُسامِحَنِی وَتَرْحَمَنِی وَتَجْعَلَنِی خاضـعانه، ذلیلانه و خاشـعانه درخواست می‌کنم که بر من آسان گیری و رحمم کنی و به داده بِقَسْمِکَ راضِیاً قانِعاً، وَفِی جَمِیعِ الْأَحْوالِ مُتَواضِعاً. اللَّهُمَّ خود راضـی و قانعم سـازی و در تمـام حالات فروتنم کنی. خـدایا! از تو ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۵۷ وَأَسْأَلُکَ‌سُؤالَ مَنِ‌اشْتَدَّتْ‌فاقَتُهُ، وَأَنْزَلَ‌بِکَ عِنْدَ الشَّدائِدِ حاجَتَهُ، درخواست کنم درخواست کسـی‌که سـخت فقیر شده وخواسته‌اش را هنگام سـختیها پیش تو آورده وَعَظُمَ فِیما عِنْدَکَ رَغْبَتُهُ. اللَّهُمَّ عَظُمَ سُلْطانُکَ، وَعَلا مَکانُکَ، و امیدش بدانچه نزد تو است، بزرگ است خدایا سـلطنتت بس بزرگ و مقامت بسـی بلنـد است وَخَفِیَ‌مَکْرُکَ، وَظَهَرَ أَمْرُکَ، وَغَلَبَ‌قَهْرُکَ، وَجَرَتْ‌قُدْرَتُکَ، وَلا و تـدبیرت در کارها پنهان و امر و فرمانت آشـکار اسـت، قهرت غـالب و قـدرت و نیرویـت نافـذ است و یُمْکِنُ الْفِرارُ مِنْ حُکُومَتِکَ. اللَّهُمَّ لا- أَجِدُ لِذُنُوبِی غـافِراً، وَلا- گریز از تحت حکومت تو ممکن نیست خـدایا نیابم برای گناهانم آمرزنده‌ای و نه لِقَبائِحِی‌ساتِراً، وَلا لِشَیْءٍ مِنْ عَمَلِیَ الْقَبِیحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَیْرَکَ،

برای کارهای زشتم پرده‌پوشی و نه کسی را که عمل زشت مرا به کار نیک تبدیل کند جز تو، لاإِلَهَإِلّاأَنْتَ، سُبْحانَكَ وَبِحَمْدِكَ، ظَلَمْتُ‌نَفْسِي، وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي، نیست معبودی جز تو، منزهی تو و به حمد تو مشغولم من به خویشتن ستم کردم و در اثر نادانیم جسارت کردم وَسَكَنْتُ إِلى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَمَنِّكَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ مَوْلايَ كَمْ مِنْ و به‌اینکه همیشه از قدیم به یاد من بوده و بر من لطف و بخشش داشتی آسوده خاطر نشستم و چه ای خدا ای مولای من چه بسیار قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ، وَكَمْ مِنْ فادِحٍ مِنَ الْبَلاءِ أَقَلْتَهُ، وَكَمْ مِنْ عِثارٍ وَقَيْتَهُ، زشتیها که از من پوشاندی و چه بسیار بلاهای سنگین که از من بازگرداندی و چه بسیار لغزشها که از آن نگهم داشتی وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ، وَكَمْ مِنْ ثَناءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ و چه بسیار ناراحتیها که از من دور کردی و چه بسیار مدح و ثنای خوبی که من شایسته‌اش نبودم و آن را ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۵۸ نَشَرْتَهُ. اللَّهُمَّ عَظُمَ بَلائِي، وَأَفْرَطَ بِي سُوءُ حالِي، وَقَصُرَتْ بِي منتشر ساختی. خدایا! بلای من بسی بزرگ است و بدی حالم از حد گذشته و اعمالم نارسا أَعْمالِي، وَقَعَدَتْ بِي أَغْلالِي، وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بُعْدُ آمالِي، است و زنجیرهای علایق مرا خانه‌نشین و آرزوهای دور و دراز مرا از رسیدن به منافعم بازداشته وَخَدَعَتْنِي الدُّنْيا بِغُرُورِها، وَنَفْسِي بِجِنايَتِها، وَمِطالِي يا سَيِّدِي، ودنیا باظواهر فریبنده‌اش مراگول‌زده ونفسم بوسیله خیانتش، وبه مسامحه گذراندم ای‌آقای من فَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعائِي سُوءُ عَمَلِي پس از تو می‌خواهم به عزتت که بدی رفتار و کردار من دعایم را از اجابتت جلوگیری وَفِعالِي، وَلا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي، وَلا نکند و رسوا نکنی مرا به آنچه از اسرار پنهانی من اطلاع داری و شتاب تُعاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلى ما عَمِلْتُهُ فِي خَلَواتِي، مِنْ سُوءِ فِعْلِي نکنی در عقوبتم برای رفتار بد و کارهای بدی که در خلوت انجام وَإِساءَتِي، وَدَوامِ تَفْرِيطِي وَجَهالَتِي، وَكَثْرَةِ شَهَواتِي وَغَفْلَتِي، دادم و ادامه دادنم به تقصیر و نادانی و زیادی شهوت‌رانی و بی‌خبریم وَكُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِ الْأَحْوالِ رَءُوفاً، وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ و خدایا به عزتت سوگند که در تمام احوال نسبت به من مهربان باش و در تمام الْأُمُورِ عَطُوفاً، إِلهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي، امور بر من عطوفت فرما ای معبود من و ای پروردگار من جز تو که را دارم که رفع گرفتاری ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۵۹ وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي، إِلهِي وَمَوْلايَ أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْماً اتَّبَعْتُ فِيهِ وتوجه درکارم راازاودرخواست کنم ای خدای من و ای مولای من تو بر من حکمی را مقرر داشتی که در نتیجه پیروی هَوى نَفْسِي، وَلَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي، فَغَرَّنِي بِما هوای نفسم را کردم و از فریبکاری دشمنم در این باره نهراسیدم پس او هم طبق دلخواه خویش أَهْوى وَأَسْعَدَهُ عَلى ذلِكَ الْقَضاءُ، فَتَجاوَزْتُ بِما جَرى عَلَيَّ گولم زد و قضا (و قدر) هم با او کمک کرد و در اثر همین ماجرای شومی که بر سرم آمد مِنْ ذلِكَ مِنْ نَقْضِ حُدُودِكَ، وَ خالَفْتُ بَعْضَ أو امِرِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ نسبت به پاره‌ای از حدود و احکامت تجاوز کردم و در برخی از دستوراتت راه مخالفت را پیمودم پس در تمام آنچه پیش آمده عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذلِكَ، وَلا حُجَّةَ لِي فِيما جَرى عَلَيَّ فِيهِ تو را سپاس می‌گویم و اکنون از حکمی که درباره کیفر من جاری گشته و قَضاؤُكَ، وَأَلْزَمَنِي حُكْمُكَ وَبَلاؤُكَ، وَقَدْ أَتَيْتُكَ يا إِلهِي بَعْدَ قضا و آزمایش تو مرا بدان ملزم ساخته حجت و برهانی ندارم و اینک ای معبود من در حالی به درگاهت آمده‌ام تَقْصِيرِي وَاسْرافِي عَلى نَفْسِي، مُعْتَذِراً نادِماً مُنْكَسِراً مُسْتَقِيلًا که‌درباره‌ات کوتاهی کرده وبرخودزیاده‌روی نموده و عذرخواه و پشیمان و دل‌شکسته و پوزش‌جو مُسْتَغْفِراً مُنِيباً مُقِرّاً مُذْعِناً مُعْتَرِفاً، لا أَجِدُ مَفَرّاً مِمَّا كانَ مِنِّي، وَلا و آمرزش طلب و بازگشت کنان و به گناه خویش اقرار و اذعان و اعتراف دارم و راه گریزی از آنچه از من سر زده نیابم مَفْزَعاً أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي، غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي، وَادْخالِكَ و پناهگاهی که بدان رو آورم در کار خویش ندارم جز اینکه تو عذرم بپذیری و مرا در ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۶۰ إِيَّايَ فِي سَعَةٍ مِنْ رَحْمَتِكَ، اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي، وَارْحَمْ شِدَّةَ فراخنای رحمتت درآوری پس ای خدای من عذرم بپذیر و بر سخت‌پریشانیم رحم کن ضُرِّي، وَفُكَّنِي مِنْ شَدِّ وَثاقِي، يا رَبِ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي وَرِقَّةَ و از بند مستحکم گناهانم رهائیم ده ای پروردگار من بر ناتوانی بدنم و نازکی جِلْدِي وَدِقَّةَ عَظْمِي، يا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذِكْرِي وَتَرْبِيَتِي وَبِرِّي پوست تنم و باریکی استخوانم رحم کن ای کسی که آغاز کردی به آفرینش من و به یاد من و بپرورشم و به احسان وَتَغْذِيَتِي، هَبْنِي لِابْتِداءِ كَرَمِكَ وَسالِفِ بِرِّكَ بِي، يا إِلهِي و خوراک دادنم اکنون به همان بزرگواری و کرم نخستت و سابقه

احسانی که به من داشتی مرابببخش ای معبود من وَسَیِّدِی وَرَبِّی، أَتُراکَ مُعَذِّبِی بِنارِکَ بَعْدَ تَوْحِیدِکَ، وَبَعْدَ مَا و ای آقای من و ای پروردگارم آیا تو به راستی چنانی که مرا به آتش عذاب کنی پس از اینکه انْطَوی عَلَیْهِ قَلْبِی مِنْ مَعْرِفَتِکَ، وَلَهِجَ بِهِ لِسانِی مِنْ ذِکْرِکَ، به یگانگیت اقرار دارم و دلم به نور معرفتت آباد گشته و زبانم به ذکر تو گویا شده وَاعْتَقَدَهُ ضَمِیری مِنْ حُبِکَ، وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرافِی وَدُعائِی، و نهادم به دوستی تو پیوند شده و پس از اعتراف صادقانه و دعای خاضِعاً لِرُبُوبِیَّتِکَ، هَیْهاتَ، أَنْتَ أَکْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَیِّعَ مَنْ رَبَّیْتَهُ، أَوْ خاضعانه‌ام به‌مقام ربوبیت، بسیار دوراست! توبزرگوارتر از آنی که ازنظر دور داری کسی‌را که‌خود پروریده‌ای یا تُبَعِّدَ مَنْ أَدْنَیْتَهُ، أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ آوَیْتَهُ، أَوْ تُسَلِمَ إِلَی الْبَلاءِ مَنْ دور گردانی کسی را که خود نزدیکش کرده یا تسلیم بلا و گرفتاری کنی کسی را که ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۶۱ کَفَیْتَهُ وَرَحِمْتَهُ، وَلَیْتَ شِعْرِی یا سَیِدِی وَإِلهِی وَمَوْلایَ اتُسَلِطُ خود سرپرستی کرده و به لطف پروریده‌ای و کاش می‌دانستم ای آقا و معبود و مولایم آیا چیره می‌کنی النَّارَ عَلی وُجُوهٍ خَرَّتْ لِعَظَمَتِکَ ساجِدَةً، وَعَلی الْسُنٍ نَطَقَتْ آتش دوزخ را بر چهره‌هایی که در برابر عظمتت به سجده افتاده و بر زبانهایی که صادقانه بِتَوْحِیدِکَ صادِقَةً وَبِشُکْرِکَ مادِحَةً، وَعَلی قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ به یگانگیت گویا شده و سپاسگزارانه به شکرت باز شده و بر دلهایی که از روی یقین به بِالهِیَّتِکَ مُحَقِقَةً، وَعَلی ضَمائِرَ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِکَ حَتّی خدائیت اعتراف کرده‌اند و بر نهادهایی که علم و معرفتت آنها را فرا گرفته تا به جایی که در برابرت صارَتْ خاشِعَةً، وَعَلی جَوارِحَ سَعَتْ إِلی أَوْطانِ تَعَبُّدِکَ خاشع گشته و بر اعضاء و جوارحی که مشتاقانه به پرستشگاه‌هایت طائِعَةً، وَاشارَتْ بِاسْتِغْفارِکَ مُذْعِنَةً، ما هکَذَا الظَّنُّ بِکَ، وَلا شتافته و با حال اقرار به گناه جویای آمرزش تو هستند چنین گمانی به تو نیست اخْبِرْنا بِفَضْلِکَ عَنْکَ، یا کَرِیمُ یا رَب، وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِی عَنْ و از فضل تو چنین خبری به ما نرسیده ای خدای کریم ای‌پروردگار من و تو ناتوانی مرا در مقابل قَلِیلٍ مِنْ بَلاءِ الدُّنْیا وَعُقُوباتِها، وَما یَجْرِی فِیها مِنَ الْمَکارِهِ اندکی از بلای دنیا و کیفرهای ناچیز آن و ناملایماتی که معمولًا عَلی أَهْلِها، عَلی أَنَّ ذلِکَ بَلاءٌ وَمَکْرُوهٌ، قَلِیلٌ مَکْثُهُ، یَسِیرٌ بر اهل آن می‌رسد می‌دانی در صورتی که این بلا و ناراحتی دوامش کم است و دورانش ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۶۲ بَقاؤُهُ، قَصِیرٌ مُدَّتُهُ، فَکَیْفَ احْتِمالِی لِبَلاءِ الْآخِرَةِ، وَجَلِیلِ وُقُوعِ اندک و مدتش کوتاه است پس چگونه تاب تحمل بلای آخرت و آن ناملایمات بزرگ را در الْمَکارِهِ فِیها، وَهُوَ بَلاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ، وَیَدُومُ مَقامُهُ، وَلا یُخَفَّفُ آنجا دارم در صورتی که آن بلا مدتش طولانی و دوامش همیشگی است و تخفیفی عَنْ أَهْلِهِ، لِأَنَّهُ لا یَکُونُ إِلّا عَنْ غَضَبِکَ وَانْتِقامِکَ وَسَخَطِکَ، برای مبتلایان به آن نیست زیرا آن بلا از خشم و انتقام و غضب تو سرچشمه گرفته وَهذا ما لا تَقُومُ لَهُ السَّماواتُ وَالْأَرْضُ، یا سَیِدِی، فَکَیْفَ بِی و آن هم چیزی است که آسمانها و زمین تاب تحمل آن را ندارند ای آقای من تا چه رسد به وَأَنَا عَبْدُکَ الضَّعِیفُ الذَّلِیلُ الْحَقِیرُ الْمِسْکِینُ الْمُسْتَکِینُ، یا من بنده ناتوان خوار ناچیز مستمند بیچاره! ای إِلهِی وَرَبِّی وَسَیِدِی وَمَوْلایَ، لِأَیِ الْأُمُورِ إِلَیْکَ أَشْکُو، وَلِما معبود و پروردگار و آقا و مولای من آیا برای کدامیک از گرفتاریهایم به تو شکایت کنم مِنْها أَضِجُّ وَأَبْکِی، لِأَلِیمِ الْعَذابِ وَشِدَّتِهِ، أَمْ لِطُولِ الْبَلاءِ و برای کدامیک از آنها شیون و گریه کنم، آیا برای عذاب دردناک و سخت یا برای بلای طولانی وَمُدَّتِهِ، فَلَئِنْ صَیَّرْتَنِی لِلْعُقُوباتِ مَعَ أَعْدائِکَ، وَجَمَعْتَ بَیْنِی و مدید پس اگر بنا شود مرا بخاطر کیفرهایم در زمره دشمنانت اندازی و مرا با گرفتاران وَبَیْنَ أَهْلِ بَلائِکَ، وَفَرَّقْتَ بَیْنِی وَبَیْنَ أَحِبَّائِکَ وَأَوْلِیائِکَ، در بلا و عذابت در یکجا گردآوری و میان من و دوستانت جدایی اندازی، گیرم ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۶۳ فَهَبْنِی یا إِلهِی وَ رَبِّی، صَبَرْتُ عَلی عَذابِکَ، فَکَیْفَ که ای معبود و پروردگارم من بر عذاب تو صبر کنم اما چگونه أَصْبِرُ عَلی فِراقِکَ، وَهَبْنِی صَبَرْتُ عَلی حَرِ نارِکَ، بر دوری از تو طاقت آورم و گیرم که ای معبود من حرارت آتشت را تحمل کنم فَکَیْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلی کَرامَتِکَ، أَمْ کَیْفَ أَسْکُنُ فِی النَّارِ اما چگونه چشم پوشیدن از بزرگواریت را بر خود هموار سازم یا چگونه در میان آتش بمانم وَرَجائِی عَفْوُکَ، فَبِعِزَّتِکَ یا سَیِدِی وَمَوْلایَ، اقْسِمُ صادِقاً، لَئِنْ با اینکه امید عفو تو را دارم پس به عزتت سوگند ای آقا و مولای من براستی سوگند می‌خورم که تَرَکْتَنِی ناطِقاً لَأَضِجَّنَّ إِلَیْکَ بَیْنَ أَهْلِها ضَجِیجَ الْآمِلِینَ، اگر زبانم را در آنجا باز بگذاری حتماً در میان دوز خیان شیون را بسویت سردهم شیون اشخاص آرزومند وَ لَأَصْرُخَنَّ إِلَیْکَ صُراخَ

الْمُسْتَصْرِخِینَ، وَلَابْکِیَنَّ عَلَیْکَ بُکاءَ و مسلّماً چون فریادرس خواهان به درگاهت فریاد برآرم و قطعاً مانند عزیز گم‌گشتگان بر دوری تـو گریه الْفاقِدِینَ، ولَأُنـادِیَنَّکَ أَیْنَ کُنْتَ یـا وَلِیَّ الْمُؤْمِنِینَ، یـا غایَهَٔ آمالِ و زاری کنم و بـا صـدای بلنـد تو را می‌خوانم و می‌گویم کجـایی ای یار و نگهـدار مؤمنان ای منتهای آرمان الْعارِفِینَ، یا غِیاثَ الْمُسْتَغِیثِینَ، یا حَبِیبَ قُلُوبِ الصَّادِقِینَ، وَیا عارفان ای فریادرس درماندگان ای محبوب دل راستگویان و ای إِلهَ الْعالَمِینَ، أ فَتُراکَ سُبْحانَکَ یا إِلهِی وَبِحَمْدِکَ تَسْمَعُ فِیها معبود عالمیان آیا براستی چنـان می‌بینی ای منزه و معبودم که به ستایشت مشغولم که بشـنوی در آن ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۶۴ صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فِیها بِمُخالَفَتِهِ، وَذاقَ طَعْمَ عَذابِها آتش صدای بنده مسلمانی را که در اثر مخالفتش در آنجا زندانی شده و مزه عذاب آتش را بِمَعْصِیَتِهِ، وَحُبِسَ بَیْنَ أَطْباقِهـا بِجُرْمِهِ وَجَرِیرَتِهِ، وَهُوَ یَضِجُّ به خـاطر نافرمـانیش چشـیده و در میـان طبقـات دوزخ به واسطه جرم و جنایتش گرفتار شـده و در آن حال به درگاهت شیون کنـد إِلَیْکَ ضَجِیجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِکَ، وَیُنادِیکَ بِلِسانِ أَهْلِ تَوْحِیدِکَ، شیون شخصـی که آرزومنـد رحمت تو است و به زبـان یگانه‌پرسـتان تو را فریاد زنـد وَیَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بِرُبُوبِیَّتِکَ، یا مَوْلایَ، فَکَیْفَ یَبْقی فِی الْعَذابِ و به بنـده پروریت متوسل گردد ای مولای من پس چگونه در عذاب بماند وَهُوَ یَرْجُو ما سَلَفَ مِنْ حِلْمِکَ، أَمْ کَیْفَ تُؤْلِمُهُ النَّارُ وَهُوَ یَأْمُلُ بـا اینکه به بردباری سابقه دارت چشم امیـد دارد یا چگونه آتش او را بیازارد با اینکه آرزوی فَضْلَکَ وَرَحْمَتَکَ، أَمْ کَیْفَ یُحْرِقُهُ لَهَبُها وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَ فضل و رحمت تو را دارد یا چگونه شعله آتش او را بسوزاند با اینکه تو صدایش را بشنوی و تَری مَکانَهُ، أَمْ کَیْفَ یَشْتَمِلُ عَلَیْهِ زَفِیرُها وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ، أَمْ جایش را ببینی یا چگونه شـراره‌های آتش او را دربرگیرد با اینکه تو ناتوانیش دانی یا کَیْفَ یَتَقَلْقَلُ بَیْنَ أَطْباقِها وَ أَنْتَ تَعلَمُ صِدْقَهُ، أَمْ کَیْفَ تَزْجُرُهُ چگونه در میان طبقات آتش دست و پا زند با اینکه تو صدق و راستگوییش را دانی یا چگونه موکلان دوزخ زَبانِیَتُهاوَهُوَ یُنادِیکَ یارَبَّهُ، أَمْ‌کَیْفَ‌تُنْزِلُهُ فِیها وَ هُوَ یَرْجُو فَضْلَکَ او را با تندی براننـد بـا اینکه تو را به پروردگـاری بخوانـد، یـا چگونه ممکن است که امیـد فضـل تو را در آزادی خویش ادعیه و زیـارات مـدینه منوره، ص: ۶۵ فِی‌عِتْقِهِ مِنْهافَتَتْرُکُهُ فِیها، هَیْهاتَ، ماذلِکَ‌الظَّنُ بِکَ، وَلَا الْمَعْرُوفُ داشـته باشـد ولی تو او را به حال خود واگـذاری چه بسیار از تو دور است و چنین گمانی به تو نیست و فضل تو اینسان مِنْ فَضْلِکَ، وَلا مُشْبِهٌ لِما عامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِدِینَ مِنْ بِرِّکَ معروف نیست و نه شباهت بـا رفتـار تو نسبت به یگانه‌پرسـتان دارد بـا آن نیکی وَإِحْسانِکَ، فَبِالْیَقِینِ أَقْطَعُ لَوْلا ما حَکَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِیبِ و احسانت که نسبت بـدانها داری و من بطـور قطع می‌دانم که اگر فرمـان تـو در معـذب سـاختن جاحِدِیکَ، وَقَضَیْتَ بِهِ مِنْ إِخْلادِ مُعانِدِیکَ، لَجَعَلْتَ النَّارَ کُلَّها منکرانت صادر نشده بود و حکم تو به همیشه ماندن در عذاب برای دشـمنانت در کار نبود حتماً آتش دوزخ را هرچه بود به‌تمامی بَرْداً وَسَلاماً، وَماکانَتْ لِأَحَدٍ فِیهامَقَرّاً وَلامُقاماً، لکِنَّکَ تَقَدَّسَتْ سرد و سالم می‌کردی و هیچکس در آن منزل و مأوا نـداشت ولی تو ای خـدایی که تمام نامهایت أَسْماؤُکَ، أَقْسَمْتَ أَنْ تَمْلَأَها مِنَ الْکافِرِینَ، مِنَ الْجِنَّهِٔ والنَّاسِ مقدس است سوگنـد یـاد کرده‌ای که دوزخ را از کـافران از پریان و آدمیان أَجْمَعِینَ، وَأَنْ تُخَلِّدَ فِیهَا الْمُعانِدِینَ، وَأَنْتَ جَلَّ ثَناؤُکَ قُلْتَ پرکنی و دشـمنانت را برای همیشه در آن جا دهی و تو که حمـد و ثنایت برجسته است در ابتـدا مُبْتَدِءاً، وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعامِ مُتَکَرِّماً، أ فَمَنْ کانَ مُؤْمِناً کَمَنْ کـانَ بـدون سابقه فرمودی و به این انعام از روی بزرگواری تفضل کردی (که فرمودی) «آیا کسـی که مؤمن است مانند کسـی است فاسِقاً لا یَسْتَوُونَ، إِلهِی وَسَیِدِی، فَأَسْأَ لُکَ بِالْقُدْرَهِٔ الَّتِی که فاسق است، نه یکسان نیسـتند» ای معبود من و ای آقای من بحق آن نیرویی که ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۶۶ قَدَّرْتَها، وَبِالْقَضِیَّهِٔ الَّتِی حَتَمْتَها وَحَکَمْتَها، وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَیْهِ مقدرش کردی و به فرمـانی که مسلّمش کردی و صادر فرمودی و بر هر کس أَجْرَیْتَها، أَنْ تَهَبَ لِی فِی هـذِهِ اللَّیْلَهِٔ وَفِی هـذِهِ السَّاعَهِٔ، کُلَّ جُرْمٍ آن را اجرا کردی مسلّط گشـتی از تـو می‌خـواهم که ببخشـی بر من در این شب و در این سـاعت هر جرمی را أَجْرَمْتُهُ، وَکُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَکُلَّ قَبِیحٍ أَسْرَرْتُهُ، وَکُلَّ جَهْلٍ که مرتکب شده‌ام و هر گناهی را که از من سـرزده و هر کار زشتی را که پنهان کرده‌ام و هر نادانی که عَمِلْتُهُ، کَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ، أَخْفَیْتُهُ أَوْ اظْهَرْتُهُ، وَکُلَّ سَیِّئَهٍٔ أَمَرْتَ کردم چه کتمان کردم و چه آشکار چه پنهان کردم و چه در عیان و هر کار بـدی را که به نویسندگان گرامیت دسـتور بِإِثْباتِهَا الْکِرامَ الْکاتِبِینَ، الَّذِینَ وَکَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ ما یَکُونُ مِنِّی، یادداشت کردنش را

دادی همـان نویسـندگانی که آنهـا را موکـل بر ثبت اعمال من کردی وَجَعَلْتَهُمْ شُهُوداً عَلَیَّ مَعَ جَوارِحی، وَکُنْتَ أَنْتَ الرَّقِیبَ عَلَیَّ و آنهـا رابـه ضـمیمه اعضـاء و جـوارحم گـواه بر من کردی و اضـافه بر آنهـا خـودت نیز مراقب مِنْ وَرائِهِمْ، وَالشَّاهِدَ لِما خَفِیَ عَنْهُمْ، وَبِرَحْمَتِکَ أَخْفَیْتَهُ، من بودی و گواه اعمالی بودی که از ایشان پنهان می‌مانـد و البته به واسـطه رحمتت بود که آنها را پنهان داشتی وَبِفَضْلِکَسَتَرْتَهُ، وَأَنْ تُـوَفِرَ حَظِّی مِنْ کُلِّ خَیْرٍ أَنْزَلْتَهُ، أَوْ إِحْسـانٍ و از روی فضـل خـود پوشانـدی و نیز خـواهم که بهره‌ام را وافر و سرشـار گردانی از هر خیری کـه فرو ریزی یـا احسـانی فَضَّلْتَهُ، أَوْ بِرّ نَشَـرْتَهُ، أَوْ رِزْقٍ بَسَـطْتَهُ، أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ، أَوْ خَطَإٍ که بفرمـایی یا نیکیهـایی که پخش کنی یـا رزقی که بگسترانی یـا گنـاهی که بیامرزی یا خطایی که ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۶۷ تَتْسُتُرُهُ، یـارَبِ یـارَبِ یـارَبِ، یـا إِلهِی وَسَیِدِی وَمَوْلایَ وَمالِکَ بپوشانی پروردگارا پروردگارا پروردگارا ای معبود من ای آقا و مولایم و ای مالک رِقِی، یا مَنْ بِیَدِهِ ناصِیَتِی، یا عَلِیماً بِضُرِّی وَمَسْکَنَتِی، یا خَبِیراً من ای کسـی که اختیارم بدست او است ای دانای بر پریشانی و بی‌نـوائیم ای آگـه از بِفَقْرِی وَفـاقَتِی، یـارَبِ یـارَبِ یـارَبِ، أَسْأَ لُکَ بِحَقِّکَ وَقُدْسِکَ بی‌چیزی و نـداریم پروردگـارا، پروردگـارا پروردگـارا از تو می‌خواهم به حق خودت و به ذات مقـدست وَأَعْظَمِ صِفاتِکَ وَأَسْمائِکَ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقـاتِی مِنَ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ و به بزرگترین صـفات و اسـمائت که اوقـاتم را در شب و روز بِذِکْرِکَ مَعْمُورَةً، وَبِخِدْمَتِکَ مَوْصُولَةً، وَأَعْمـالِی عِنْدَکَ مَقْبُولَةً، به یاد خودت معمور و آباد گردانی و به خدمتت پیوسته داری و اعمالم را مقبول درگاهت گردانی حَتّی تَکُونَ أَعْمالِی وَأَوْرادِی کُلُّها وِرْداً واحِداً، وَحالِی فِی تا اعمال و گفتارم همه یک جهت برای تو باشد و حالم همیشه در خِدْمَتِکَ سَرْمَداً، یا سَیِدِی، یا مَنْ عَلَیْهِ مُعَوَّلِی، یا مَنْ إِلَیْهِ خدمت تو مصروف گردد ای آقای من ای کسـی که تکیه‌گاهم او است ای کسی که شَکَوْتُ أَحْوالِی، یارَبِ یارَبِ یارَبِ، قَوِ عَلی خِدْمَتِکَ شکایت احوال خویش به درگاه او برم پروردگارا پروردگارا پروردگارا نیرو ده بر انجام خدمتت جَوارِحِی، وَاشْدُدْ عَلَی الْعَزِیمَةِ جَوانِحِی، وَهَبْ لِیَ الْجِدَّ فِی اعضـای مرا و دلم را برای عزیمت به سـویت محکم گردان و به من کوشـش در ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۶۸ خَشْیَتِکَ، وَالدَّوامَ فِی الْإِتِصالِ بِخِدْمَتِکَ، حَتّی أَسْرَحَ إِلَیْکَ فِی ترس و خشیتت و مداومت در پیوستن به خدمتت عطا فرما تا تن و جان را در مَیادِینِ السَّابِقِینَ، وَاسْرِعَ إِلَیْکَ فِی الْبارِزِینَ، وَأَشْتاقَ إِلی میدانهای پیشتازان بسویت برانم و در زمره شـتابندگان بسویت بشـتابم و در صف مشـتاقان قُرْبِکَ فِی الْمُشْتاقِینَ، وَأَدْنُوَ مِنْکَ دُنُوَّ الْمُخْلِصِینَ، وَأَخافَکَ اشتیاق تقربت را جویم و چون نزدیک شـدن مخلصان به تو نزدیک گردم و چون یقین کننـدگان مَخافَةَ الْمُوقِنِینَ، وَأَجْتَمِعَ فِی جِوارِکَ مَعَ الْمُؤْمِنِینَ. اللَّهُمَّ وَمَنْ از تو بترسم و در جوار رحمتت با مؤمنان در یکجا گرد آیم خـدایا هرکه ارادَنِی بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ، وَمَنْ کادَنِی فَکِدْهُ، وَاجْعَلْنِی مِنْ أَحْسَنِ بـد مرا خواهـد بدش را بخواه و هر که به من مکر کند به مکر خویش دچارش کن و نصیبم را پیش خود بهتر از عَبِیدِکَ نَصِیباً عِنْدَکَ، وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْکَ، وَاخَصِهِمْ زُلْفَةً دیگر بندگانت قرار ده و منزلتم را نزد خود نزدیکتر از ایشان کن و رتبه‌ام را در پیشگاهت مخصوص‌تر لَدَیْکَ، فَإِنَّهُ لا یُنالُ ذلِکَ إِلّا بِفَضْلِکَ، وَجُدْ لِی بِجُودِکَ، ازدیگران گردان که براستی جز به فضل تو کسی به این مقـام نرسـد و به جود و بخشـش خود به من جود کن وَاعْطِفْ عَلَیَّ بِمَجْدِکَ، واحْفَظْنِی بِرَحْمَتِکَ، وَاجْعَلْ لِسانِی و به مجـد و بزرگواری خود بر من توجه فرما و به رحمت خود مرا نگهدار و قرار ده زبانم را بِذِکْرِکَ لَهِجاً، وَقَلْبِی بِحُبِکَ مُتَیَّماً، وَمُنَّ عَلَیَّ بِحُسْنِ إِجابَتِکَ، به ذکرت گویا و دلم را به دوستیت بی‌قرار و شـیدا و با اجابت نیکت بر من منت بنه ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۶۹ وَاقِلْنِی عَثْرَتِی، وَاغْفِرْ زَلَّتِی، فَإِنَّکَ قَضَیْتَ عَلی عِبادِکَ و لغزشم را نادیـده گیر و گنـاهم را بیـامرز زیرا که تو خود بنـدگانت را به بِعِبادَتِکَ، وَأَمَرْتَهُمْ بِدُعائِکَ وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجابَةَ، فَإِلَیْکَ یا پرستش خویش فرمان دادی و به دعا کردن به درگاهت مأمور ساختی و اجابت دعایشان را ضـمانت کردی پس ای پروردگار من رَبِ نَصَبْتُ وَجْهِی، وَإِلَیْکَ یا رَبِ مَدَدْتُ یَدِی، فَبِعِزَّتِکَ به سوی تو روی خود بداشـتم و به درگـاه تو ای پروردگـارم دست حـاجت دراز کردم پس به عزتت اسْتَجِبْ لِی دُعـائِی، وَبَلِغْنِی مُنایَ، وَلا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِکَ دعایم را مستجاب فرما و به آرزویم برسان و امیدم را از فضل خویش رَجائِی، وَاکْفِنِی شَرَّ الْجِنِ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدائِی، یا سَرِیعَ الرِّضا، قطع منما و شـر دشمنانم را از جن و انس کفایت فرما ای خدای زودگذر اغْفِرْ لِمَنْ لا یَمْلِکُ إِلَّا الدُّعاءَ، فَإِنَّکَ فَعَّالٌ لِما تَشاءُ،

یـا مَن بیـامرز کسـی را که جز دعا چیزی نـدارد که براستی تو هر چه را بخواهی انجام دهی ای کسـی که اسْمُهُ دَواءٌ، وَذِکْرُهُ شِفاءٌ، وَطـاعَتُهُ غِنیً، ارْحَمْ مَنْ رَأْسُ مـالِهِ نـامش دوا است و یـادش شـفاء است و طاعتش توانگری است ترحم فرما بر کسـی که سـرمایه‌اش الرَّجاءُ وَسِلاحُهُ الْبُکاءُ، یا سابغَ النِعَم، یا دافِعَ النِقَم، یا نُورَ امید و ساز و برگش گریه و زاری است ای تمام دهنده نعمتها و ای برطرف کننـده گرفتاریها ای روشـنی الْمُسْتَوْحِشِینَ فِی الظُّلَم، یا عالِماً لا یُعَلَّمُ، صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وحشت‌زدگان در تاریکیها ای دانای بی معلم درود فرست بر محمـد ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۷۰ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بی ما أَنْتَ أَهْلُهُ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی رَسُولِهِ و آل محمد و انجـام ده دربـاره من آنچه را که تو شایسـته آنی و درود خـدا بر پیامبر وَالْأَئِمَّةِ الْمَیامینِ مِنْ آلِهِ، وَسَلَّمَ تَسْلِیماً کَثِیراً. و پیشوایان با برکت از خاندانش و سلام فراوان بر آنان باد.»

## دعای ندبه

این دعای شـریف، از معروف ترین دعاهای معتبر شیعه است، و مضامین بلند و مفاهیم والایی دارد، و نجوایی است که یک مسلمان منتظر، به یـاد آن امام غایب از نظر، به درگاه خداونـدی عرضه می کنـد. مروری بر اعتقادات و باورهای شـیعه نسبت به فضایل اهل بیت ونویـد آمـدن حضـرت مهـدی عجّل اللّه تعـالی فرجه الشّریف و اصـلاح جهـان و گسترش عـدل در سایه حکومت جهانی آن دادگستر موعود است، و مستحب است که در چهار عید، یعنی روز های عید فطر، قربان، غدیر، و جمعه خوانده شود. شیخ بزرگوار محمـد بن مشـهدی در کتاب «مزار» خود که از مـدارک کتاب «بحار» علامه مجلسـی است و سـید بن طاوس ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۷۱ در کتاب «مصباح الزائر» و میرداماد در کتاب «الأیام الأربعهٔ» و دیگران روایت کرده‌انـد که امام صادق علیه السـلام دعای نـدبه را در روز عید غدیر، فطر، قربان و جمعه قرائت می‌فرمود. متن دعا چنین است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِ الْعالَمِینَ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی سَیدِنا مُحَمَّدٍ نَبِیهِ «ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است و درود خدا بر آقای ما محمد پیامبرش وَآلِهِ، وَسَلَّمَ تَسْلِیماً. اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلی ما جَری بِهِ و بر آل او و سـلام کاملی بر ایشان باد خدایا از آن تو است سـتایش بر آنچه جاری شد قَضاؤُکَ فِی أَوْلِیائِکَ الَّذِینَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِکَ وَ دِینِکَ، اذِ اخْتَرْتَ بدان قضا و قدر تو درباره بندگان مقربت آنانکه خالص گردانیدی آنان را برای خود و دین خود چون انتخاب کردی لَهُمْ جَزِیلَ ما عِنْدَکَ مِنَ النَّعِیم الْمُقِیم الَّذِی لا زَوالَ لَهُ وَلَا برای آنها آن نعمت شایان و پایداری که نزد تو است آن نعمتی که زوال و نابودی اضْمِحْلالَ، بَعْدَ أَنْشَرَطْتَ عَلَیهِمُ الزُّهْدَ فِی دَرَجاتِ هذِهِ الدُّنْیا برایش نیست، (و این) پس از آنی (بود که) با آنها شـرط کردی تا کناره گیرند از مقامات این دنیای الدَّنِیَّةِ وَزُخْرُفِها وَزِبْرِجِها، فَشَرَطُوا لَکَ ذلِکَ، وَعَلِمْتَ مِنْهُمُ پست و از زیب و زیورش و آنها نیز این شـرط تو را پذیرفتنـد و تو نیز وفای آنان را به این شـرط الْوَفاءَ بِهِ، فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ، وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الـذِّکْرَ الْعَلِیَّ وَالثَّناءَ دانستی و پذیرفتیشان و مقرب درگاهشان کردی و مقرر داشتی از پیش برای ایشان نامی بلند و ثنائی ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۷۲ الْجَلِیَّ، وَأَهْبَطْتَ عَلَیْهِمْ مَلائِکَتَکَ، وَکَرَّمْتَهُمْ بِوَحْیکَ، آشـکار و فرو فرسـتادی برایشان فرشتگانت را و گرامی داشتی آنان را به وحی خود وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِکَ، وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرائِعَ إِلَیْکَ، وَالْوَسِیلَةَ إِلی و یاریشان کردی به علم خود و قرارشان دادی واسطه درگاهت و وسیله‌ای بسوی رِضْوانِکَ، فَبَعْضٌ أَسْکَنْتَهُ جَنَّتَکَ إِلی أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْها، وَبَعْضٌ خوشنودیت پس برخی را در بهشت جـا دادی تـا آنگـاه که از آنجـا بیرونش آوردی و برخی را حَمَلْتَهُ فِی فُلْکِکَ وَنَجَّیْتَهُ وَمَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَکَةِ بِرَحْمَتِکَ، در کشتی خود سوار کردی و او و همراهـانش را که ایمـان آورده بودنـد به مهر خود از هلاـکت نجـات دادی وَبَعْضٌ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِکَ خَلِیلًا، وَسَأَلَکَ لِسانَ صِدْقٍ فِی و برخی را برای خود خلیل گرفتی و او از تو درخواست کرد نام نیک را در امتهای الْآخِرِینَ، فَأَجَبْتَهُ، وَجَعَلْتَ ذلِکَ عَلِیّاً، وَبَعْضٌ کَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةٍ آینـده و تو اجـابت کردی و نـام او را بلنـد گردانـدی و بـا برخی از میان درخت بطور مخصوصـی تَکْلِیماً، وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ اخِیهِ رِدْءاً وَوَزِیراً، وَبَعْضٌ أَوْلَدْتَهُ مِنْ سـخن گفتی و برای او برادرش را یاور و وزیر گردانیـدی و برخی را بدون غَیْرِ ابٍ، وَآتَیْتَهُ الْبَیناتِ، وَأَیَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ، وَکُلٌّ شَرَعْتَ لَهُ پدر بوجود آوردی و نشانه‌های آشـکاری به او دادی و

به روح القدس (جبرئیل) یاری فرمودی و برای همه آنها دین و قانونی شَرِیعَةً، وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهاجاً، وَتَخَیَّرْتَ لَهُ أَوْصِیاءَ، مُسْتَحْفِظاً بَعْدَ مقرر داشتی و برایش طریقه و برنامه‌ای قرار دادی و اوصیائی برای او انتخاب کردی تا یکی پس از دیگری ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۷۳ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُدَّةٍ إِلی مُدَّةٍ، اقامَةً لِدِینِکَ، وَحُجَّةً عَلی عِبادِکَ، نگهبان باشد از زمانی تا زمانی تا برپا ماند دین تو و حجتی باشند بر بندگانت وَلِئَلّا یَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ، وَیَغْلِبَ الْباطِلُ عَلی أَهْلِهِ، وَلِئَلّا یَقُولَ و تا زائل نگردد (دین) حق از جای خود و تا پیروز نگردد باطل بر اهل حق و کسی نگوید أَحَدٌ لَوْلا أَرْسَلْتَ إِلَیْنا رَسُولًا مُنْذِراً، وَأَقَمْتَ لَنا عَلَماً هادِیاً، چرا نفرستادی بسوی ما پیامبری که ما را بترساند و چرا بپا نداشتی پرچمی راهنما فَنَتَّبِعَ آیاتِکَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزی إِلی أَنِ انْتَهَیْتَ بِالْأَمْرِ إِلی تا پیروی کنیم از آیات تو پیش ازآنکه خوار و رسوا گردیم تا اینکه رساندی کار را حَبِیبِکَ وَنَجِیبِکَ مُحَمَّدٍ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، فَکانَ کَما بدست حبیب خود و برگزیده‌ات (حضرت) محمد صلی الله علیه و آله و او چنان بود انْتَجَبْتَهُ سَیِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ، وَصَفْوَةَ مَنِ اصْطَفَیْتَهُ، وَأَفْضَلَ مَنِ که او را برگزیدی بزرگ آفریدگانت و برگزیده برگزیدگانت و برترین اجْتَبَیْتَهُ، وَأَکْرَمَ مَنِ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَّمْتَهُ عَلی أَنْبِیائِکَ، وَبَعَثْتَهُ إِلَی انتخاب شدگانت و گرامی‌ترین معتمدین تو بود و او را بر پیمبرانت مقدم داشتی و بسوی الثَّقَلَیْنِ مِنْ عِبادِکَ، وَأَوْطَأْتَهُ مَشارِقَکَ وَمَغارِبَکَ، وَسَخَّرْتَ لَهُ جن و انس از بندگانت مبعوث فرمودی و مشرقها و مغربهای عالم را زیر پایش گذاردی و براق را الْبُراقَ، وَعَرَجْتَ بِهِ [بِرُوحِهِ إِلی سَمائِکَ، وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ ما کانَ وَما مسخر او گرداندی و به آسمان خود او را بالا بردی و علم گذشته و آینده را تا ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۷۴ یَکُونُ إِلَی انْقِضاءِ خَلْقِکَ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ، وَحَفَفْتَهُ بِجَبْرَئِیلَ هنگام پایان آفرینش به اوسپردی آنگاه او را بوسیله ترس و رعب (در دل‌دشمنش) یاری کردی و گرداگردش جبرئیل وَمِیکائِیلَ وَالْمُسَوِّمِینَ مِنْ مَلائِکَتِکَ، وَوَعَدْتَهُ أَنْ تُظْهِرَ دِینَهُ و میکائیل و فرشتگان نشاندارت را واداشتی و به او وعده دادی که دینش را بر عَلَی الدِّینِ کُلِهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ، وَذلِکَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مُبَوَّأَ همه دینها پیروز گردانی اگرچه مشرکان خوش نداشته باشند، و این جریان پس از آنی بود که قرارش در جایگاه صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ، وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی شایسته در خاندانش (یعنی آنان را برای حفظ دینش معین کردی) و قراردادی برای او و خاندانش نخستین خانه‌ای را که برای مردم بنا شد بِبَکَّةَ مُبارَکاً وَهُدیً لِلْعالَمِینَ، فِیهِ آیاتٌ بَیِناتٌ مَقامُ إِبْراهِیمَ، که مکه است و مایه برکت و موجب راهنمایی جهانیان است و درآن نشانه‌های آشکاری است چون مقام ابراهیم وَمَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً، وَقُلْتَ: إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ و هر که در آن درآید ایمن است، و فرمودی: «جز این نیست که خدا اراده فرموده تا دور کند از شما خاندان پلیدی را الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِرَکُمْ تَطْهِیراً، وَ جَعَلْتَ أَجْرَ مُحَمَّدٍ و بخوبی شما را پاک گرداند» آنگاه مزد محمد را صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِی کِتابِکَ، فَقُلْتَ: قُلْ لا أَسْأَلُکُمْ- که درودهای تو بر او وآلش باد- درکتاب خود دوستی و مودت ایشان قراردادی و فرمودی: «بگو من از شما برای رسالت عَلَیْهِ أَجْراً إِلَّاالْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبی وَقُلْتَ: ما سَأَلْتُکُمْ مِنْ أَجْرٍ مزدی نخواهم جز دوستی خویشانم» و فرمودی: «آنچه مزد از شما خواستم ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۷۵ فَهُوَ لَکُمْ، وَقُلْتَ: ما أَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شاءَ أَنْ آن هم بسود شما است» و فرمودی: «من از شما برای رسالت مزدی نخواهم مگر کسی که بخواهد یَتَّخِذَ إِلی رَبِّهِ سَبِیلًا، فَکانُوا هُمُ السَّبِیلَ إِلَیْکَ، وَالْمَسْلَکَ إِلی بسوی پروردگار خویش راهی پیش گیرد» و اینها بودند آن راه بسوی تو و طریقه سلوک بسوی رِضْوانِکَ، فَلَمَّا انْقَضَتْ أَیَّامُهُ أَقامَ وَلِیَّهُ عَلِیَّ بْنَ أَبِی‌طالِبٍ، خوشنودیت و چون روزگار آن حضرت سپری شد برگماشت علی بن ابی‌طالب را صَلَواتُکَ عَلَیْهِما وَآلِهِما، هادِیاً، إِذْ کانَ هُوَ الْمُنْذِرَ، وَلِکُلِّ قَوْمٍ- که‌درودهای‌توبر هر دوی آنها و بر آلشان باد- برای راهنمائی زیرا که آن جناب بیم‌دهنده و راهنمای هر هادٍ، فَقالَ وَالْمَلَأُ أَمامَهُ: «مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَعَلِیٌّ مَوْلاهُ. اللَّهُمَّ والِ ملتی‌بود، ودر برابر مردم حاضر فرمود: هر که من مولا و سرپرست اویم علی مولا و سرپرست او است خدایا دوست دار مَنْ والاهُ، وَعادِ مَنْ عاداهُ، وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ هر که دوستش دارد و دشمن دار هر که دشمنش باشد و یاری کن هر که یاریش کند و خوار کن هرکه خَذَلَهُ»، وَقالَ: «مَنْ کُنْتُ أَنَا نَبِیَّهُ فَعَلِیٌّ أَمِیرُهُ»، وَقالَ: «أَنَا وَعَلِیٌّ دست از یاریش بردارد، و فرمود: هرکه من پیامبر او هستم علی امیر و فرمانروای او است، و فرمود: من و علی هر دو مِنْ شَجَرَةٍ واحِدَةٍ، وَسائِرُ النَّاسِ

مِنْ شَجَرٍ شَتّى ، وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ از یـک درخت هستیم و سایر مردم از درختهای متفرقی هسـتند، و رتبه او را نسبت به خود هارُونَ مِنْ مُوسی فَقالَ: «أَنْتَ مِنِّی بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ مُوسی چون رتبه هارون نسبت به موسی قرار داد و بدو فرمود: مقام تو در پیش من مانند مقام هارون است از موسی ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۷۶ إِلّا أَنَّهُ لا نَبِیَّ بَعْدِی»، وَزَوَّجَهُ ابْنَتَهُ، سَیِّدَةَ نِساءِ الْعالَمِینَ، وَأَحَلَّ جز اینکه پیامبری پس از من نیست و تزویج کرد به او دخترش بـانوی زنـان جهانیـان را و جـایز ساخت لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ ما حَلَّ لَهُ، وَسَدَّ الْأَبْوابَ إِلّا بابَهُ، ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ برای او از مسـجدش آنچه برای خود او جایز بود، و ببست درهای مسجد را جزدرخانه علی را، سپس علم وَحِکْمَتَهُ، فَقالَ: «أَنَا مَدِینَةُ الْعِلْمِ وَعَلِیٌّ بابُها، فَمَنْ أَرادَ الْحِکْمَةَ و حکمت خود را به او سپرد و فرمود: من شهر علمم و علی دَرِ آن شهر است پس هر که حکمت خواهـد فَلْیَأْتِها مِنْ بابِها»، ثُمَّ قالَ: «أَنْتَ اخِی وَ وَصِیِّی باید از دَرِ آن درآید، سـپس فرمود: تویی برادر من و وصـی من وَوارِثِی، لَحْمُکَ مِنْ لَحْمِی، وَدَمُکَ مِنْ دَمِی، وَسِلْمُکَ سِلْمِی، و وارث من گوشتت از گوشت من و خونت از خون من است صـلح تو صـلح من وَحَرْبُکَ حَرْبِی، وَالْإِیمـانُ مُخالِطٌ لَحْمَکَ وَدَمَکَ، کَمـا خالَطَ و جنگ تو جنگ من است و ایمان با گوشت و خون تو آمیخته شـده چنانچه با گوشت لَحْمِی وَدَمِی، وَأَنْتَ غَداً عَلَی الْحَوْضِ خَلِیفَتِی، وَأَنْتَ تَقْضِی و خون من آمیخته و تو در فردای محشر بر سر حوض (کوثر) جانشین منی و تو می‌پردازی دَیْنِی، وَتُنْجِزُ عِداتِی، وَشِیعَتُکَ عَلی مَنابِرَ مِنْ نُورٍ، مُبْیَضَّةً قرض مرا و وفا می‌کنی به وعده‌های من و شیعیانت بر منبرهایی از نور با روهای وُجُوهُهُمْ، حَوْلِی فِی الْجَنَّةِ، وَهُمْ جِیرانِی، وَلَوْلا أَنْتَ یا عَلِیُّ سفیـد در بهشت اطراف منند و آنهـا همسایگـان منند و اگر تـو نبودی- ای علی- ادعیه و زیـارات مـدینه منوره، ص: ۷۷ لَمْ یُعْرَفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِی»، وَکانَ بَعْدَهُ هُدیً مِنَ الضَّلالِ وَنُوراً مؤمنان پس از من شـناخته نمی‌شدند، و آن جناب پس از رسول خدا راهنمای گمراهی و روشـنائی مِنَ الْعَمی وَحَبْلَ اللَّهِ الْمَتِینَ وَصِراطَهُ الْمُسْتَقِیمَ، لا یُسْبَقُ از کور دلی جهالت و رشته محکم خدا و راه راست او بود، کسی پیشی نگرفت بر او بِقَرابَةٍ فِی رَحِمٍ، وَلا بِسابِقَةٍ فِی دِینٍ، وَلا یُلْحَقُ فِی مَنْقَبَةٍ مِنْ در نزدیکی خویشاوندی به رسول خدا و نه از نظر سابقه در دین و نه کسـی توانست در یکی از منقبتها مَناقِبِهِ، یَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِما وَآلِهِما، وَیُقاتِلُ به‌اوبرسد، هماننـد رسول خـدا بود- که درود خـدا بر هر دوی ایشان باد- و او بود که بر طبق تأویل و عَلَی التَّأْوِیلِ، وَلا تَأْخُذُهُ فِی اللَّهِ لَوْمَةُ لائِمٍ قَدْ وَتَرَ فِیهِ صَنادِیدَ باطن قرآن می‌جنگیـد و درباره خدا باکی از سـرزنش ملامت کنندگان نداشت در راه‌خدا خون بزرگان الْعَرَبِ، وَقَتَلَ أَبْطالَهُمْ، وَناوَشَ ذُؤْبانَهُمْ، فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقاداً عرب‌رابه خاک ریخت و دلاورانشان را بکشت و با گرگانشان در افتاد و همین سبب شد در دلهای ایشان کینه‌ها بگذارد بَدْرِیَّةً وَخَیْبَرِیَّةً وَحُنَیْنِیَّةً وَغَیْرَهُنَّ، فَأَضَبَّتْ عَلی عَداوَتِهِ، کینه‌های جنگ بدر و خیبر و حنین و غیر آنها پس دشـمنی او را به دل گرفتند وَاکَبَّتْ عَلی مُنابَذَتِهِ، حَتّی قَتَلَ النّاکِثِینَ وَالْقاسِطِینَ وَالْمارِقِینَ، و به جنگ و مخالفت با او بر خاسـتند تـا بیعت شـکنان و زورگویان و از دین گریزان را کشت وَلَمّا قَضـی نَحْبَهُ، وَقَتَلَهُ أَشْقَی الْآخِرِینَ، یَتْبَعُ أَشْقَیالْأَوَّلِینَ، و چون شقی‌ترین مردم عصر که پیروی کرد از تبه‌کارترین پیشینیان، او را کشت، امتثال ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۷۸ لَمْ یُمْتَثَلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ فِی الْهادِینَ بَعْدَ نشد از دسـتور رسول خدا صلی الله علیه و آله که در باره راهنمایان دین یکی پس از الْهادِینَ، وَالْاُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلی مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلی قَطِیعَةِ رَحِمِهِ، دیگری فرموده بود و امت پافشاری بر دشمنی آن حضرت کردند و گرد آمدند برای قطع رحم او وَاقْصاءِ وُلْدِهِ، إِلَّا الْقَلِیلَ مِمَّنْ وَفی لِرِعایَةِ الْحَقِ فِیهِمْ، فَقُتِلَ مَنْ و تبعید کردن (و آواره ساختن) فرزندانش جز اندکی از کسانی که رعایت کردند حق ایشان را و درنتیجه قُتِلَ، وَسُبِیَ مَنْ سُبِیَ، وَاقْصِیَ مَنْ اقْصِیَ، وَجَرَی الْقَضاءُ لَهُمْ جمعی کشته وگروهی‌اسیر و دسته‌ای از وطن آواره گشتند و قلم تقدیر طوری بر ایشان جاری شد بِما یُرْجی لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ کانَتِالْأَرْضُ لِلَّهِ یُورِثُها مَنْ که امیـد پـاداش نیـک در آن می‌رود زیرا (کره) زمین از خـدا است و به هرکه از بنـدگانش که بخواهـد یَشاءُ مِنْعِبادِهِ وَالْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِینَ، وَ سُبْحانَ رَبِناإِنْ کانَ وَعْدُ آن‌راارث دهد و بدو واگذارد و سـرانجام از آن پرهیزکاران است و منزه است پروردگار ما که حتماً وعـده پروردگارمان رَبِنا لَمَفْعُولًا، وَلَنْ یُخْلِفَاللَّهُ وَعْدَهُ، وَهُوَالْعَزِیزُ الْحَکِیمُ، فَعَلَی انجام شـدنی است و خـدا خلف وعـده نمی‌کنـد و او است نیرومنـد فرزانه پس بر الْأَطایِبِ مِنْ أَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِیٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِما وَآلِهِما، پاکیزگان از خاندان محمد و

علی- درود خدا بر هر دو ایشان و آلشان باد- فَلْيَبْكِ الْباكُونَ، وَإِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ، وَلِمِثْلِهِمْ فَلْتَدِرْ باید گریه کنندگان بگریند و بر آنها باید زاری کنندگان زاری کنند و برای امثال آنها باید اشکها ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۷۹ الدُّمُوعُ، وَلْيَصْرُخِ الصَّارِخُونَ، وَيَضِجَّ الضَّاجُّونَ، وَيَعِجَّ روان گردد و فریاد زنندگان فریاد زنند و شیون کنندگان شیون کنند و خروش کنندگان الْعاجُّونَ، أَيْنَ الْحَسَنُ، أَيْنَ الْحُسَيْنُ، أَيْنَ أَبْناءُ الْحُسَيْنِ، صالِحٌ خروش سر دهند کجاست حسن، و کجاست حسین، و کجایند فرزندان حسین، شایسته‌ای بَعْدَ صالِحٍ، وَصادِقٌ بَعْدَ صادِقٍ، أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ، أَيْنَ پس از شایسته دیگر و راستگویی پس از راستگوی دیگر کجاست آن راه حق پس از راه‌دیگر، کجایند الْخِيَرَةُ بَعْدَ الْخِيَرَةِ، أَيْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ، أَيْنَ الْأَقْمارُ الْمُنِيرَةُ، برگزیدگان (خدائی) هر یک پس از دیگری، کجایند خورشید های تابان، کجایند ماههای نور افشان، أَيْنَ الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ، أَيْنَ أَعْلامُ الدِّينِ وَقَواعِدُ الْعِلْمِ، أَيْنَ کجایند اختران فروزان، کجایند بزرگان دین و پایه‌های دانش، کجا است به‌جامانده بَقِيَّةُاللَّهِ الَّتِي لا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ الْهادِيَةِ، أَيْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دابِرِ خدا که بیرون از خانـدان عترت راهنما (ی رسول خدا) نیست، کجاست آنکه آماده ریشه‌کن ساختن الظَّلَمَةِ، أَيْنَ الْمُنْتَظَرُ لِإِقامَةِ الْأَمْتِ وَالْعِوَجِ، أَيْنَ الْمُرْتَجى ستمگران است؟ کجاست آنکه چشم براهش هستند برای اصلاح نادرستیها و کجیها، کجاست آن مایه امید لِإِزالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوانِ، أَيْنَ الْمُدَّخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرائِضِ وَالسُّنَنِ، برای زدودن ستم و تجاوز، کجاست ذخیره الهی برای نو کردن فریضه‌ها و سنتهای دین، أَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لِإِعادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ، أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْياءِ کجاست آن برگزیده برای بازگرداندن کیش و آئین به عرصه جامعه، کجاست آن مایه امید برای زنده کردن ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۸۰ الْكِتابِ وَحُدُودِهِ، أَيْنَ مُحْيِي مَعالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ، أَيْنَ قاصِمُ قرآن و حدود آن، کجاست زنده کننده آثار دین و اهل دین، کجاست درهم شکننده شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ، أَيْنَ هادِمُ أَبْنِيَةِ الشِّرْكِ وَالنِّفاقِ، أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ شوکت زورگویان، کجاست ویران کننده بناهای شرک و دو روئی، کجاست نابود کننده اهل الْفُسُوقِ وَالْعِصْيانِ وَالطُّغْيانِ، أَيْنَ حاصِدُ فُرُوعِ الْغَيِ وَالشِّقاقِ، فسق و گناه و طغیان، کجاست آنکه شاخه‌های گمراهی و اختلاف را ببرد، أَيْنَ طامِسُ آثارِالزَّيْغِ وَالْأَهْواءِ، أَيْنَ قاطِعُ حَبائِلِ الْكِذْبِ کجاست محو کننده آثار کجروی و هوا و هوسها، کجاست پاره کننده دامهای دروغ وَالْافْتِراءِ، أَيْنَ مُبِيدُ الْعُتاةِ وَالْمَرَدَةِ، أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنادِ و بهتان، کجاست نابود کننده سرکشان و متمردان، کجاست ریشه کن کننده ستیزه جویان وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحادِ، أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِياءِوَمُذِلُّ الْأَعْداءِ، أَيْنَ جامِعُ و گمراهگران و بی‌دینان، کجاست عزت بخش دوستان و خوار کننده دشمنان، کجاست آن عامل وحدت مردم الْكَلِمِ عَلَى التَّقْوى أَيْنَ بابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتى أَيْنَ وَجْهُاللَّهِ بر اساس پرهیزکاری، کجاست آن راه وصول به خدا، کجاست آن آئینه خدایی الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِياءُ، أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَالْأَرْضِ که بسویش توجه کنند اولیاء، کجاست آن سبب ارتباط میان زمین وَالسَّماءِ، أَيْنَ صاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَناشِرُ رايَةِ الْهُدى أَيْنَ مُؤَلِّفُ و آسمان، کجاست آن فرمانروای روز پیروزی و برافرازنده پرچم هدایت، کجاست گرد آورنده ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۸۱ شَمْلِ الصَّلاحِ وَالرِّضا، أَيْنَ الطَّالِبُ بِذُحُولِ الْأَنْبِياءِ وَأَبْناءِ شایستگی و رضایت مردم، کجاست خون خواه پیمبران و فرزندان الْأَنْبِياءِ، أَيْنَالطَّالِبُ بِدَمِالْمَقْتُولِ بِكَرْبَلاءَ، أَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلى پیمبران، کجاست خون خواه کشته کربلا، کجاست آن یاری شده و پیروزمند بر مَنِاعْتَدى عَلَيْهِ وَافْتَرى أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجابُ إِذا دَعا، أَيْنَ کسانی که بر او ستم کردند و دروغ بستند، کجاست آن درمانده‌ای که چون دعا کند به اجابت رسد، کجاست صَدْرُ الْخَلائِقِ ذُو الْبِرِ وَالتَّقْوى أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِ الْمُصْطَفى وَابْنُ صدر مخلوقات عالم آن نیکوکار با تقوی، کجاست فرزند پیامبر برگزیده و فرزند عَلِيٍ الْمُرْتَضى وَابْنُ خَدِيجَةَ الْغَرَّاءِ، وَابْنُ فاطِمَةَ الْكُبْرى، بِأَبِي علی مرتضی و فرزند خدیجه روشن سیما و فرزند فاطمه کبری، پدر أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوِقاءُ وَالْحِمى يَاابْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، و مادرم بفدایت و خودم بلاگردان و سپر پیش روی تو باشم ای فرزند بزرگان مقرب درگاه حق يَاابْنَ النُّجَباءِ الْأَكْرَمِينَ، يَاابْنَ الْهُداةِ الْمَهْدِيِّينَ، يَاابْنَ الْخِيَرَةِ ای فرزند نجیبان گرامی، ای فرزند راهنمایان راه یافته ای فرزند نیکان الْمُهَذَّبِينَ، يَاابْنَ الْغَطارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ، يَاابْنَ الْأَطايِبِ الْمُطَهَّرِينَ، پاکیزه ای فرزند گرامیان برگزیده ای فرزند پاکان پاکیزه يَاابْنَ الْخَضارِمَةِ الْمُنْتَجَبِينَ، يَاابْنَ الْقَماقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ، يَاابْنَ ای فرزند جوانمردان پرجود برگزیده ای فرزند دریاهای بخشش و تابان ای فرزند ادعیه و

زیارات مـدینه منوره، ص: ۸۲ الْبُـدُورِالْمُنِيرَةِ، يَاابْنَ‌السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ، يَاابْنَ الشُّهُبِ الثَّاقِبَةِ، يَاابْنَ ماههای نور افشان ای فرزنـد چراغهای تابـان ای فرزنـد الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ، يَاابْنَ السُّبُلِ الْواضِحَةِ، يَاابْنَ الْأَعْلامِ اللّائِحَةِ، ستارگان فروزان ای فرزنـد اختران درخشان ای فرزند راههـای روشن ای فرزنـد نشانه‌های آشـکار يَاابْنَ الْعُلُومِ الْكامِلَةِ، يَاابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، يَاابْنَ الْمَعالِمِ ای فرزنـد دانشـهای کامل ای فرزند آئینهای معروف و مشـهور ای فرزند آثار و معالم الْمَأْثُورَةِ، يَاابْنَ‌الْمُعْجِزاتِ الْمَوْجُودَةِ، يَاابْنَ الدَّلائِلِ الْمَشْهُودَةِ، رسیده (از خدا و انبیاء) ای فرزند معجزات موجود ای فرزند دلیلهای آشـکار يَاابْنَ الصِراطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَاابْنَ النَّبَأِ الْعَظِيمِ، يَاابْنَ مَنْ هُوَ فِي ای فرزند راه مستقیم ای فرزنـد آن خبر بسیار بزرگ ای فرزنـد کسـی که در دفتر أُمِ الْكِتـابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ، يَاابْنَ الْآياتِ وَالْبَيِّناتِ، يَاابْنَ اصلی نزد خداونـد «علی» (والا) و فرزانه است ای فرزنـد آیـات و نشانه‌هـای آشـکار ای فرزنـد الـدَّلائِلِ الظّاهِراتِ، يَا ابْنَ الْبَراهِينِ الْواضِحاتِ الْباهِراتِ، يَاابْنَ دلیلهای هویـدا ای فرزنـد برهانهای نمایان روشن ای فرزنـد الْحُجَجِ الْبالِغاتِ، يَا ابْنَ النِعَمِ السّابِغاتِ، يَاابْنَ طه وَالْمُحْكَمـاتِ، حجتهـای رسـا ای فرزنـد نعمتهـای شایان و فراوان ای فرزنـد طه و آیات محکم قرآن يَاابْنَ يس وَالـذّارِياتِ، يَاابْنَ الطُّورِ وَالْعادِياتِ، يَاابْنَ مَنْ دَنى ای‌فرزند یس و ذاریات، ای فرزند طور و عادیات، ای فرزند کسـی که (در شب معراج) نزدیک شـد ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۸۳ فَتَدَلّى فَكانَ قابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنى دُنُوّاً وَاقْتِراباً مِنَ الْعَلِيِ و نزدیک‌تر شد به فاصله دو کمان یا نزدیکـتر، در نزدیکی و قرب نسـبت بـه خـدای والاـی الْأَعْلى لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوى بَلْ ايُّ أَرْضٍ اعلی، ای کـاش می‌دانسـتم در چه جـایی منزل گرفته‌ای و چه سـرزمین و مکانی تُقِلُّكَ أَوْ ثَرى أَ بِرَضْوى أَوْ غَيْرِها أَمْ ذِي طُوى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تو را بر خود نگهداشته آیا در کوه رضوایی یا غیر آن یا در ذی طوی، گران است بر من که أَرَى الْخَلْقَ وَلا تُرى وَلا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيساً وَلا نَجْوى عَزِيزٌ مردم را ببینم ولی تو دیـده نشوی و نشـنوم از تو صدا و نه رازی، گران است عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِيَ الْبَلْوى وَلا يَنالُكَ مِنِي ضَجِيجٌ وَلا بر من که بی من بر تو تنها بلا احاطه کند، و صدای زاری و شـکوه من به شَكْوى بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تو نرسد، جانم به قربانت ای پنهانی که از میان ما بیرون نیستی جانم به قربانت ای دور نازِحٍ ما نَزَحَ عَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ امْنِيَّةُ شائِقٍ يَتَمَنّى مِنْ مُؤْمِنٍ از نظری که از مـا دور نیست جـانم به قربـانت ای آرمان هر مشـتاقی که آرزویت کننـد از مردان وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرا فَحَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدِ عِزٍّ لا يُسامى بِنَفْسِي و زنان با ایمانی که به یاد تو ناله از دل کشند جانم به قربانت ای بسته به عزتی که کسـی برتو برتری نگیرد جانم أَنْتَ مِنْ أَثِيلِ مَجْدٍ لا يُحاذى بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلادِ نِعَمٍ به قربانت ای مجد و شوکت ریشه‌داری که همطراز نـدارد و جـانم به قربـانت ای نعمت دیرینه‌ای که ادعیه و زیـارات مـدینه منـوره، ص: ۸۴ لا تُضاهى بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفِ شَرَفٍ لا يُساوى إِلى مَتى شبیه نـدارد جانم به قربانت ای قرین شـرف و بزرگواری که برابر نـدارد، تا کی أَحارُ فِيكَ يا مَوْلايَ، وَإِلى مَتى وَايَّ خِطابٍ اصِفُ فِيكَ وَايَّ سـرگردان تو بـاشم ای مولای من، و تا کی و به چه زبانی وصف تو گویم و نَجْوى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أُجابَ دُونَكَ وَأُناغى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ راز دل کنم گران و ناگوار است بر من که پاسـخ از دیگری جز تو بشـنوم و گفتگو کنم، گران است بر من که أَبْكِيَكَ وَيَخْذُلَكَ الْوَرى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ ما بر تو بگریم ولی مردم تو را واگذارند، گران است بر من که بر تو بگـذرد آنچه می‌گـذرد نه جَرى هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبُكـاءَ، هَلْ مِنْ جَزُوعٍ بر دیگران، آیا کمک‌کاری هست که با او فریاد و گریه را طولانی کنم آیا بی‌تابی هست فَأُساعِدَ جَزَعَهُ إِذا خَلا، هَلْ قُذِيَتْ عَيْنٌ فَساعَدَتْها عَيْنِي عَلَى که‌چون به خلوت رود درزاری و جزع کمکش کنم آیـا چشـمی هست که خـار فراق در آن خلیـده و گریـان باشـد تـا چشم پرخار الْقَذى هَلْ إِلَيْكَ يَاابْنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقى هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمُنا من نیز یاریش دهـد، آیا ای پسـر احمـد بسویت راهی هست تا دیـدارت کنم آیا روز جـدائی ما به وعـده تو پیوست مِنْكَ بِعِدَةٍ فَنَحْظى مَتى نَرِدُ مَناهِلَكَ الرَّوِيَّةَ فَنَرْوى مَتى نَنْتَقِعُ می‌شود تا بهره مند گردیم؟ کی می‌شود که به سرچشـمه‌های پرآبت درآئیم و سـیراب‌شویم؟ کی می‌شود که سـیراب گردیم مِنْ عَذْبِ مائِكَ فَقَدْ طالَ الصَّدى مَتى نُغادِيكَ وَنُراوِحُكَ از آب وصـل توکه تشـنگی مـا به‌داراز کشـید؟ کی می‌شودکه صـبح وشام را باتو بسـر بریم ودیـده روشن‌کنیم؟ ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۸۵ فَنُقِرَّ عَيْنـاً، مَتى تَرانا وَنَراكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِواءَ النَّصْرِ تُرى أَتَرانا کی می‌شود که تو ما را ببینی و ما تو را

ببینیم و پرچم نصرتت را برافراشته باشی و مردم آن را مشاهده کنند؟ آیا می‌شود که ببینیم نَحُفُّ بِکَ وَأَنْتَ تَؤُمُّ الْمَلَأَ، وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَاذَقْتَ آن روزی که گرداگردت را گرفته و تو رهبر مردم باشی و زمین را پر از عدل و داد کنی و بچشانی أَعْداءَکَ هَواناً وَعِقاباً، وَابَرْتَ الْعُتاةَ وَجَحَدَةَ الْحَقِ، وَقَطَعْتَ به دشمنانت خواری و کیفر را و نابود کنی سرکشان و منکران حق را و بزنی دابِرَ الْمُتَکَبِرینَ، وَاجْتَثَثْتَ اصُولَ الظّالِمینَ، وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ ریشه گردنکشان را و بر کنی اساس ستمکاران را و ما بگوئیم: ستایش لِلّهِ رَبِ الْعالَمینَ. اللّهُمَّ أَنْتَ کَشّافُ الْکُرَبِ وَالْبَلْوی وَإِلَیْکَ خاص خدا پروردگار جهانیان است خدایا تویی برطرف کننده گرفتاریها و بلا ـ و از تو أَسْتَعْدِی فَعِنْدَکَ الْعَدْوی وَأَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَالْأُولی، فَأَغِثْ یا دادرسی و یاری جویم که در نزد تو است دادخواهی و یاری و توئی پروردگار آخرت و دنیا پس فریاد رسی کن ای غِیاثَ الْمُسْتَغِیثینَ عُبَیْدَکَ الْمُبْتَلی وَ أَرِهِ سَیِدَهُ یا شَدِیدَ الْقُوی فریادرس درماندگان از بنده خُرد گرفتارت، و بنمایان به او آقایش را ای سخت نیرو وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسی وَالْجَوی وَبَرِّدْ غَلِیلَهُ یا مَنْ عَلَی الْعَرْشِ و زائل کن به دیدار آن حضرت از او اندوه و سوز دلش را و فرو نشان سوز عطشش را ای که بر عرش اسْتَوی وَمَنْ إِلَیْهِ الرُّجْعی وَالْمُنْتَهی اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عَبِیدُکَ استواری و ای که بسوی او است بازگشت و سر منزل هر چیز خدایا و مائیم بندگان تو ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۸۶ الشّائِقُونَ إِلی وَلِیکَ الْمُذَکِرِ بِکَ وَبِنَبِیِّکَ، خَلَقْتَهُ لَنا عِصْمَةً که شیفته دیدار نماینده‌ات هستیم آنکه مردم را به یاد تو و پیامبرت اندازد و تو او را آفریدی که نگهدار وَمَلاذاً، وَأَقَمْتَهُ لَنا قِواماً وَمَعاذاً، وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِینَ مِنَّا اماماً، و پشتیبان ما باشد و برپایش داشتی تا قوام و پناهگاه ما باشد و او را پیشوای مؤمنین فَبَلِغْهُ مِنَّا تَحِیَّةً وَسَلاماً، وَزِدْنا بِذلِکَ یا رَبِ إِکْراماً، وَاجْعَلْ از ما گردانی پس برسان به آن جناب از طرف ما تحیت و سلامی و بیفزا بدینوسیله ای پروردگار ما بر کرامت و مقام ما مُسْتَقَرَّهُ لَنا مُسْتَقَرّاً وَمُقاماً، وَأَتْمِمْ نِعْمَتَکَ بِتَقْدِیمِکَ إِیّاهُ أَمامَنا، و جایگاه او را جایگاه و اقامتگاه ما قرار ده و کامل کن نعمتت را بر ما به مقدم داشتن آن بزرگوار را در پیش روی ما حَتّی تُورِدَنا جِنانَکَ وَمُرافَقَةَ الشُّهَداءِ مِنْ خُلَصائِکَ. اللَّهُمَّ تا ما را به بهشتهای تو درآورد و به رفاقت (و هم نشینی) شهیدان از بندگان خالصت برساند خدایا صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِ عَلی مُحَمَّدٍ جَدِّهِ درود فرست بر محمد و آل محمد و درود فرست بر محمد جد بزرگوار او وَرَسُولِکَ السَّیِدِ الْأَکْبَرِ، وَعَلی أَبِیهِ السَّیِدِ الْأَصْغَرِ، وَجَدَّتِهِ و رسول تو آن آقای بزرگ و بر علی پدر بزرگوارش آن آقای کوچکتر و بر جده‌اش الصِّدِّیقَةِ الْکُبْری فاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ، وَعَلی مَنِ اصْطَفَیْتَ صدیقه کبری فاطمه دختر محمد که درود خدا بر او وآلش باد و به برگزیدگان نیک رفتار مِنْ آبائِهِالْبَرَرَةِ، وَعَلَیْهِ أَفْضَلَ وَأَکْمَلَ وَأَتَمَّ وَأَدْوَمَ وَأَکْبَرَ وَأَوْفَرَ ما از پدران آن حضرت و برخود آن جناب فزونترین و کاملترین وتمامترین و مدامترین وبزرگترین و فراوانترین ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۸۷ صَلَّیْتَ عَلی أَحَدٍ مِنْ أَصْفِیائِکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَصَلِ درودی که بفرستی بر یکی از برگزیدگان و نیکان از خلق خود و درود فرست بر آن جناب عَلَیْهِ صَلوةً لا غایَةَ لِعَدَدِها، وَلا نِهایَةَ لِمَدَدِها، وَلا نَفادَ لِأَمَدِها، درودی که شماره‌اش بی حد و مدتش بی نهایت و تمام نشدنی باشد اللَّهُمَّ وَاقِمْ بِهِ الْحَقَّ، وَأَدْحِضْ بِهِ الْباطِلَ، وَادِلْ بِهِ خدایا حق را بوسیله آن حضرت برپا دار و باطل را بدو نابود گردان و دوستانت را بوسیله‌اش أَوْلِیاءَکَ، وَأَذْلِلْ بِهِ أَعْداءَکَ، وَصِلِ اللَّهُمَّ بَیْنَناوَبَیْنَهُ وُصْلَةً تُؤَدِّی به دولت رسان ودشمنانت رابدست او خوارگردان و پیوند کن خدایا میان ما و او را به پیوندی که برساند ما را إِلی مُرافَقَةِ سَلَفِهِ، وَاجْعَلْنا مِمَّنْ یَأْخُذُ بِحُجْزَتِهِمْ، وَیَمْکُثُ فِی به رفاقت پدران گذشته او و بگردان ما را از کسانی که دامن آنها را بگیرند و در سایه لطف ظِلِهِمْ، وَاعِنَّا عَلی تَأْدِیَةِ حُقُوقِهِ إِلَیْهِ، وَالْإِجْتِهادِ فِی طاعَتِهِ، آنها بایستند و کمکمان کن بر ادای حقوق آن حضرت و سعی و کوشش در فرمانبرداریش وَاجْتِنابِ مَعْصِیَتِهِ، وَامْنُنْ عَلَیْنا بِرِضاهُ، وَهَبْ لَنا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ و دوری از نافرمانیش و منت نه بر ما به خوشنودیش و ببخش بر ما رأفت و مهربانی وَدُعاءَهُ وَخَیْرَهُ، ما نَنالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِکَ، وَفَوْزاً عِنْدَکَ، و دعا و خیر آن حضرت را بدان حد که برسیم بدانوسیله به رحمت وسیع تو و به کامیابی از نزد تو وَاجْعَلْ صَلاتَنا بِهِ مَقْبُولَةً، وَذُنُوبَنا بِهِ مَغْفُورَةً، وَدُعاءَنا بِهِ و بگردان نمازهای ما را بوسیله او پذیرفته و گناهانمان را آمرزیده و دعاهایمان را ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۸۸ مُسْتَجاباً، وَاجْعَلْ أَرْزاقَنا بِهِ مَبْسُوطَةً، وَهُمُومَنا بِهِ مَکْفِیَّةً، مستجاب شده و قرار ده روزیهای ما را بدان حضرت گسترده و اندوههای ما را بوسیله‌اش برطرف شده

وَحوائِجَنـا بِهِ مَقْضِیَّهً، وَأَقْبِلْ إلَیْنا بِوَجْهِکَ الْکَریم، وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنا و حاجتهایمان را روا شـده و رو کن بسوی ما (پروردگارا) بـدان روی بزرگوارت و بپـذیر تقرب‌جویی إلَیْکَ، وَانْظُرْ إلَیْنا نَظْرَهً رَحِیمَـهً، نَسْتَکْمِلُ بِهَا الْکَرامَهَ عِنْدَکَ، ثُمَّ ما را بدرگاهت و بنگر بسوی ما به نگاهی مهربانانه تا بدانوسیله بتوانیم مقام خود را در پیش تو به کمال رسانیم و دیگر لا تَصْرِفْها عَنَّا بِجُودِکَ، وَاسْقِنا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ آن مقام را از ما بازنگردان به جود خودت و سیرابمان کن از حوض جـدش- که درود خـدا بر او وَآلِهِ بِکَأْسِهِ وَبِیَدِهِ، رَیّاً رَوِیّاً هَنِیئاً سائِغاً لا ظَمَأَ بَعْدَهُ، یا أَرْحَمَ و آلش باد- از جام او و بدست آن جناب و سیر و سیراب و گوارا و خوش که تشنگی پس از آن نباشد ای مهربانترین الرَّاحِمِینَ». مهربانان.»

## دعای سمات

دعـای سـمات که به دعـای شبّور هم معروف است محتوایی اعتقادی و تاریخی دارد، و با اشاره به نامهای پروردگار و شـگفتی‌های خلقت خـدا و قـدرت بی‌نظیر او که ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۸۹ در بعثت پیامبران و معجزه‌ها آشـکار می‌شـد، و با یادی از حضـرت موسـی، حضـرت ابراهیم، حضـرت یعقوب، حضـرت اسـحاق، و حضـرت محمّـد صـلی الله علیه و آله، و حوادث مربوط به پیامبران الهی، خداونـد را به همه مقـدّسات سوگند می‌دهد، و مغفرت و رحمت او را می‌طلبد. این دعا در «مصـباح» شـیخ طوسـی و «جمال الأسـبوع» سـیّد ابن طاووس وکتاب‌های کفعمی از «محمّدبن عثمان عمری»- که یکی از نوّاب چهارگانه حضرت مهدی عجّل اللَّه تعالی فرجه الشّـریف بود- از امام باقر و امام صادق علیهما السـلام روایت شده، و مسـتحب است این دعا را در ساعات آخر روز جمعه بخواننـد. بیشتر علمـای گذشـته بر خوانـدن این دعـا مواظبت می‌کردنـد. متن دعـا این‌گونه است: «اللَّهُمَّ إنِی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِ «خـدایا از تو می‌خواهم به حق نام بزرگ و بزرگترت و آن عزیزتر و برجسته‌تر الْأَکْرَمِ الَّذِی إذا دُعِیتَ بِهِ عَلی مَغـالِقِ أَبْوابِ السَّمـاءِ لِلْفَتْحِ و گرامیترت همان نامی که هرگاه بخواننـدت بـدان نام برای گشودن درهای بسـته آسـمان ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۹۰ بِالرَّحْمَـهِ انْفَتَحَتْ، وَإذا دُعِیتَ بِهِ عَلی مَضایِقِ أَبْوابِ الْأَرْضِ به رحمت گشوده شود و هرگاه بخوانندت بـدان نـام برای بـاز شـدن تنگناهـای درهـای زمین لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ، وَإذا دُعِیتَ بِهِ عَلَی الْعُسْرِ لِلْیُسْرِ تَیَسَّرَتْ، وَإذا بـاز شـود و هرگـاه بخواننـدت بـدان نـام برای آسـان شـدن سـختی آسـان گردد و هرگـاه دُعِیـتَ بِـهِ عَلَی الْأَمْواتِ لِلنُّشُـورِ انْتَشَـرَتْ، وَإذا دُعِیتَ بِهِ عَلی بخواننـدت بـدان نام برای زنده شدن مردگان زنده شود و هرگاه بخوانندت بدان نام برای کَشْفِ الْبَأْساءِ وَالضَّرَّاءِ انْکَشَـفَتْ، وَبِجَلالِ وَجْهِـکَ الْکَرِیمِ، برطرف شـدن دشواریهـا برطرف گردد و سوگنـد به عظمت ذات بزرگـوارت که أَکْرَمِ الْوُجُـوهِ وَاعَزِ الْوُجُوهِ، الَّذِی عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ، وَخَضَـعَتْ لَهُ بزرگوارترین و عزیزترین ذوات است و تمام روها دربرابرش خوار گشـته و گردنها در مقابلش الرِّقابُ، وَخَشَـعَتْ لَهُالْأَصْواتُ، وَوَجِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ خم شـده و صـداها از هیبتش خاموش گشـته و دلها همه از ترس او مَخافَتِکَ، وَبِقُوَّتِکَ الَّتِی تُمْسِکُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَی هراسان گشـته و سوگند به نیرو و قدرتت که بدان آسـمان را نگهداشـته‌ای از اینکه بر زمین الْأَرْضِ إلَّا بِاذْنِکَ، وَتُمْسِکُ السَّماواتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولا، افتـد جز به اجازه خودت و نگهداشـته‌ای آسـمانها و زمین را از اینکه از جای خود زایل شوند وَبِمَشِیَّتِکَ الَّتِی دانَ لَهَا الْعالَمُونَ، وَبِکَلِمَتِکَ الَّتِی خَلَقْتَ و سوگند به مشیت و اراده‌ات که جهانیان در برابرش خوار گشته و به حق آن کلمات که ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۹۱ بِهَا السَّماواتِ وَالْأَرْضَ، وَبِحِکْمَتِکَ الَّتِی صَـنَعْتَ بِهَا آسمانها و زمین را بـدان آفریـدی و به حق آن حکمتت که بوسیله آن (موجودات) شـگفت الْعَجائِبَ، وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَـهَ وَجَعَلْتَها لَیْلًا، وَجَعَلْتَ اللَّیْلَ سـاختی و تـاریکی را بـدان خلق فرمودی و آنرا شب قرار دادی و شب را نیز (وقت) سَـکَناً، وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهاراً، وَجَعَلْتَ النَّهارَ نُشُوراً آرامش‌قرار دادی ونور وروشـنی رابدان آفریدی وروزش‌قراردادی وروزراهم (هنگام کار و) جنبش مُبْصِـراً، وَخَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِـیاءً، وَخَلَقْتَ و مایه بینش قرار دادی و بدان خورشـید را آفریدی و خورشید را نیز فروزان کردی، و بدان بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ نُوراً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْکَواکِبَ وَجَعَلْتَها ماه‌را خلق کردی و آنرا نور و روشنایی قرارش دادی و بدان ستارگان را

آفریدی و قرارشان دادی نُجُوماً وَبُرُوجاً وَمَصابِیحَ وَزِینَةً وَرُجُوماً، وَجَعَلْتَ لَها مَشارِقَ اخترانی تابناک و برجها و چراغهایی و زیور بخش آسمان و وسیله راندن (شیاطین) و قرار دادی برای آنها خاورها وَمَغارِبَ، وَجَعَلْتَ لَها مَطالِعَ وَمَجارِیَ، وَجَعَلْتَ لَها فَلَکاً و باخترها و نیز برایش طلوع گاهها و گردشگاهها مقرر ساختی و برای هریک از آنها مدار حرکت وَمَسابِحَ، وَقَدَّرْتَها فِی السَّماءِ مَنازِلَ فَأَحْسَنْتَ تَقْدِیرَها، و شناگاهی قرار دادی و روی اندازه‌های معین در آسمان منزلشان دادی و به خوبی اندازه گرفتی وَصَوَّرْتَها فَأَحْسَنْتَ تَصْوِیرَها، وَأَحْصَیْتَها بِأَسْمائِکَ إِحْصاءً، و صورتشان دادی و نیکو صورتشان دادی و آنها را بنامهای خویش دقیقاً برشمردی ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۹۲ وَدَبَّرْتَها بِحِکْمَتِکَ تَدْبِیراً، وَأَحْسَنْتَ تَدْبِیرَها، وَسَخَّرْتَها و با حکمت خویش با کمال تدبیر اداره نمودی و به نیکی تدبیر کردی و بوسیله بِسُلْطانِ اللَّیْلِ وَ سُلْطانِ النَّهارِ وَ عَرَّفْتَ بِها السَّاعاتِ وَ عَدَدَ السِّنِینَ تسلّط شب و روز تسخیرشان کردی و با آن شناساندی ساعت‌ها و شماره سال‌ها وَالْحِسابِ، وَجَعَلْتَ رُؤْیَتَها لِجَمِیعِ النَّاسِ مَرْأًی واحِداً، و برقراری حساب را و دیدنشان را بر همه مردم یکنواخت کردی وَأَسْأَ لُکَ اللَّهُمَّ بِمَجْدِکَ الَّذِی کَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَکَ وَرَسُولَکَ و از تو می‌خواهم خدایا به حق آن بزرگواری و مجدت که سخن گفتی بدان با بنده و فرستاده‌ات مُوسَی بْنَ عِمرانَ عَلَیْهِ السَّلامُ فِی الْمُقَدَّسِینَ فَوْقَ إِحْساسِ موسی بن عمران علیه السلام در میان قدسیان برتر از احساس الْکَرُّوبِیِّینَ فَوْقَ غَمائِمِ النُّورِ فَوْقَ تابُوتِ الشَّهادَةِ فِی عَمُودِ کروبیان بالاتر از ابرهای نور و بالاتر از صندوق شهادت که در میان ستونی النَّارِ، وَفِی طُورِ سَیْناءَ، وَفِی جَبَلِ حُورِیثَ، فِی الْوادِ الْمُقَدَّسِ از آتش (بود) و هم در طور سیناء و در کوه حوریث در وادی مقدس فِی الْبُقْعَةِ الْمُبارَکَةِ مِنْ جانِبِ الطُّورِالْأَیْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ، وَفِی در بقعه مبارک از جانب راست کوه طور از درخت و در أَرْضِ مِصْرَ بِتِسْعِ آیاتٍ بَیِّناتٍ، وَیَوْمَ فَرَقْتَ لِبَنِی اسْرائِیلَ سرزمین مصر با نُه معجزه آشکار (به‌مجد و بزرگواریت در) روزی که دریا را برای بنی‌اسرائیل ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۹۳ الْبَحْرَ، وَفِی الْمُنْبَجِساتِ الَّتِی صَنَعْتَ بِهَا الْعَجائِبَ فِی بَحْرِ شکافتی ونیز در (روز) چشمه‌های جوشیده و جاری (از سنگ) که از آن عجایبی ساختی در دریای سُوفٍ، وَعَقَدْتَ ماءَ الْبَحْرِ فِی قَلْبِ الْغَمْرِ کَالْحِجارَةِ، سوف و در دل آن دریای عظیم آب آن دریا را مانند سنگ سخت بستی وَجاوَزْتَ بِبَنِی اسْرائِیلَ الْبَحْرَ، وَتَمَّتْ کَلِمَتُکَ الْحُسْنی عَلَیْهِمْ و بنی‌اسرائیل را از دریا عبور دادی و وعده نیکت را به خاطر صبری که کردند بر ایشان بِما صَبَرُوا، وَأَوْرَثْتَهُمْ مَشارِقَالْأَرْضِ وَمَغارِبَهَا الَّتِی بارَکْتَ تمام کردی و آنان‌را بر شرق و غرب سرزمینی که برای جهانیان مبارک گردانده بودی فِیها لِلْعالَمِینَ، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ وَمَراکِبَهُ فِی الْیَمِّ، وارث و مالک کردی و فرعون و سپاهیانش را با مرکبهایشان در دریا غرق کردی وَبِاسْمِکَالْعَظِیمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَکْرَمِ، وَبِمَجْدِکَ و به حق نام بزرگ و اعظم و عزیزتر و برتر و گرامی‌ترت سوگند و به حق آن مجد و بزرگیت که الَّذِی تَجَلَّیْتَ بِهِ لِمُوسی کَلِیمِکَ عَلَیْهِ السَّلامُ فِی طُورِ سَیْناءَ، بدان بر موسی کلیم خود علیه السلام در طور سیناء تجلی کردی وَلِإِبْراهِیمَ عَلَیْهِ السَّلامُ خَلِیلِکَ مِنْ قَبْلُ فِی مَسْجِدِ الْخَیْفِ، و پیش از آن نیز برای ابراهیم علیه السلام خلیل خود در مسجد خیف (تجلی کردی) وَلِإِسْحاقَ صَفِیِّکَ عَلَیْهِ السَّلامُ فِی بِئْرِ شِیَعٍ، وَلِیَعْقُوبَ نَبِیِّکَ و برای اسحاق برگزیده‌ات علیه السلام در بئر شیع (تجلی کردی) و برای یعقوب پیامبرت علیه السلام ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۹۴ عَلَیْهِ السَّلامُ فِیبَیْتِ إِیلٍ، وَ أَوْفَیْتَ لِإِبْراهِیمَ عَلَیْهِالسَّلامُ بِمِیثاقِکَ، در بیت ایل (خانه خدا) تجلی کردی، (و به مجد و بزرگواریت که) برای ابراهیم علیه السلام وَ لِإِسْحاقَ عَلَیْهِالسَّلامُ بِحَلْفِکَ، وَ لِیَعْقُوبَ عَلَیْهِالسَّلامُ بِشَهادَتِکَ، به پیمان خود وفا کردی و برای اسحاق به سوگندت و برای یعقوب به گواهیت و برای مؤمنان وَلِلْمُؤْمِنِینَ بِوَعْدِکَ، وَلِلدَّاعِینَ بِأَسْمائِکَ، فَأَجَبْتَ، وَبِمَجْدِکَ به وعده‌ات و برای خوانندگان به نامهایت که اجابتشان کردی، و به همان مجد و بزرگیت که برای الَّذِی ظَهَرَ لِمُوسَی بْنِ عِمْرانَ عَلَیْهِالسَّلامُ عَلی قُبَّةِ الرُّمَّانِ، وَبِآیاتِکَ موسی بن عمران علیه السلام در قبهٔ الرمان (عبادتگاهش) آشکار گردید و به آن معجزات الَّتِی وَقَعَتْ عَلی أَرْضِ مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْغَلَبَةِ، بِآیاتٍ و نشانه‌هایت که واقع شد که در سرزمین مصر با مجد و عزت و غلبه و به آن معجزات عَزِیزَةٍ، وَبِسُلْطانِ الْقُوَّةِ، وَبِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ، وَبِشَأْنِ الْکَلِمَةِ التَّامَّةِ، باشکوه و به آن تسلط نیرومند و قدرت با عزت و به مقام آن کلمه کاملت وَبِکَلِماتِکَ الَّتِی تَفَضَّلْتَ بِها عَلی أَهْلِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ، و به حق آن کلماتی که تفضل کردی بدانها بر اهل

آسمانها و زمین وَأَهْلِ الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ، وَبِرَحْمَتِکَ الَّتِی مَنَنْتَ بِها عَلی و اهل دنیا و آخرت و به آن رحمتت که بدان بر همه مخلوقات جَمِیعِ خَلْقِکَ، وَبِاسْتِطاعَتِکَ الَّتِی أَقَمْتَ بِها عَلَی الْعالَمِینَ، مِنّت نهادی و به آن توانائیت که جهانیان را بدان برپاداشتی ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۹۵ وَبِنُورِکَ الَّذِی قَدْ خَرَّ مِنْ فَزَعِهِ طُورُ سَیْناءَ، وَبِعِلْمِکَ وَجَلالِکَ و بدان روشنی و نورت که درافتاد از دهشت آن طور سیناء و بدان علم و جلال وَکِبْرِیائِکَ وَعِزَّتِکَ وَجَبَرُوتِکَ الَّتِی لَمْ تَستَقِلَّهَاالْأَرْضُ، و بزرگواری و عزت و جبروتت که زمین قدرت کشیدن آن را نداشت وَانْخَفَضَتْ لَهَا السَّماواتُ، وَانْزَجَرَ لَهَا الْعُمْقُ‌الْأَکْبَرُ، وَرَکَدَتْ و آسمانها در برابرش به زانو درآمد و عمق اکبر زمین در مقابلش خود را واپس کشید و دریاها لَهَا الْبِحارُ وَالْأَنْهارُ، وَخَضَعَتْ لَهَا الْجِبالُ، وَسَکَنَتْ لَهَاالْأَرْضُ و نهرها از جنبش ایستاد و کوهها در برابرش فروتن گشت و زمین با همه پست و بلندیهایش بِمَناکِبِها، وَاسْتَسْلَمَتْ لَهَا الْخَلائِقُ کُلُّها، وَخَفَقَتْ لَهَا الرِّیاحُ فِی برای او ساکن شد و تمام مخلوقات در برابرش تسلیم گردیدند و بادها بخاطر آن در جَرَیانِها، وَخَمَدَتْ لَهَا النِّیرانُ فِی أَوْطانِها، وَبِسُلْطانِکَ الَّذِی جریان خود مضطرب گردید و آتشها بواسطه آن در جاهای خود خاموش شد و به فرمانروایی مطلق عُرِفَتْ لَکَ بِهِ الْغَلَبَهُ دَهْرَ الدُّهُورِ، وَحُمِدْتَ بِهِ فِی السَّماواتِ که به واسطه آن همیشه به پیروزی و غلبه معروف گشتی و بواسطه آن در آسمانها وَالْأَرَضِینَ، وَبِکَلِمَتِکَ کَلِمَهِ الصِدْقِ الَّتِی سَبَقَتْ لِأَبِینا آدمَ و زمینها ستایش شدی و به حق آن کلمه صدق و راستت که پیش از این برای پدر ما آدم علیه السلام و فرزندانش وَذُرِّیَّتِهِ بالرَّحْمَهِ، وَأَسْأَلُکَ بِکَلِمَتِکَ الَّتِی غَلَبَتْ کُلَّ به لطف و رحمت سبقت جست و می‌خوانمت به حق آن گفتارت که بر هر چیز ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۹۶ شَیْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِکَ الَّذِی تَجَلَّیْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَکّاً، وَخَرَّ غلبه‌کرده‌وبه‌نور ذاتت که بوسیله آن بر کوه تجلی فرمودی و آنرا از هم متلاشی ساختی و موسی مُوسی صَعِقاً، وَبِمَجْدِکَ الَّذِی ظَهَرَ عَلی طُورِ سَیْناءَ، فَکَلَّمْتَ مدهوش درافتاد و به مجد و بزرگواریت که آشکار شد بر طور سیناء و بوسیله آن با بنده و بِهِ عَبْدَکَ وَرَسُولَکَ مُوسَی بْنَ عِمْرانَ، وَبِطَلْعَتِکَ فِی ساعِیرَ، پیامبرت موسی بن عمران تکلم کردی و به طلوع پرتوت در کوه ساعیر وَظُهُورِکَ فِی جَبَلِ فارانَ بِرَبَواتِ الْمُقَدَّسِینَ، وَجُنُودِ الْمَلائِکَهِ و به ظهورت در کوه فاران (جای مناجات رسول خدا) در جایگاه مرتفع قدسیان و صفوف لشکر الصَّافِینَ، وَخُشُوعِ الْمَلائِکَهِ الْمُسَبِحِینَ، وَبِبَرَکاتِکَ الَّتِی بارَکْتَ فرشتگان و در میان خشوع ملائکه تسبیح کننده و به حق آن برکاتت که برکت دادی فِیها عَلی إِبْراهِیمَ خَلِیلِکَ عَلَیْهِ السَّلامُ فِی أُمَّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ در آنها بر ابراهیم خلیلت علیه السلام در میان امت محمد صلی الله علیه و آله عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَبارَکْتَ لِإِسْحاقَ صَفِیِّکَ فِی أُمَّهِ عِیسی و برکت دادی بر اسحاق برگزیده‌ات در میان امت عیسی علیهما السلام عَلَیْهِمَا السَّلامُ، وَبارَکْتَ لِیَعْقُوبَ اسْرائِیلِکَ فِی أُمَّهِ مُوسی و برکت دادی بر یعقوب اسرائیل در امت موسی علیهما السلام عَلَیْهِمَا السَّلامُ، وَبارَکْتَ لِحَبِیبِکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی‌اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ فِی و برکت دادی بر حبیبت محمد صلی الله علیه و آله در عترت ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۹۷ عِتْرَتِهِ وَذُرِّیَّتِهِ وَأُمَّتِهِ. اللَّهُمَّ وَکَماغِبْناعَنْ ذلِکَ وَلَمْ نَشْهَدْهُ، وَآمَنَّا و فرزندان و امتش خدایا چنانچه ما در آن جریانات نبودیم و آنها را مشاهده نکرده و ندیده بِهِوَلَمْ نَرَهُ صِدْقاً وَعَدْلًا، أَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ‌مُحَمَّدٍ، وَأَنْ ازروی راستی و درستی بدان ایمان آوردیم همانطور می‌خواهیم درود فرستی برمحمد و آل‌محمد و تُبارِکَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَرَحَّمَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مبارک کنی بر محمد و آل محمد و رحمت فرست بر محمد و آل مُحَمَّدٍ، کَأَفْضَلِ ما صَلَّیْتَ وَبارَکْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلی إِبْراهِیمَ محمد مانند بهترین درود و برکت و رحمتی که بر ابراهیم و آل وَآلِ إِبْراهِیمَ، إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ، فَعَّالٌ لِما تُرِیدُ، وَأَنْتَ عَلی ابراهیم فرستادی که براستی تو ستوده و بزرگواری و هر چه بخواهی انجام دهی و تو کُلِّ شَیْءٍقَدِیرٌ شَهِیدٌ». بر هر چیز توانایی.» پس حاجات خود را ذکر می‌کنی و می گویی: «اللَّهُمَّ بِحَقِّ هذَا الدُّعاءِ، وَبِحَقِ هذِهِ‌الْأَسْماءِ الَّتِی لایَعْلَمُ «خدایا به حق این دعا و به حق این نامهایی که ندانند تَفْسِیرَها وَلایَعْلَمُ باطِنَها غَیْرُکَ، صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، تفسیرش را و ندانند باطن آنها را کسی جز تو درود فرست بر محمد و آل محمد ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۹۸ وَافْعَلْ بِی ما أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلا تَفْعَلْ بِی ما أَنَا أَهْلُهُ، وَاغْفِرْ لِی مِنْ و بجای آر درباره من آنچه را تو شایسته آنی و انجام مده درباره من آنچه من سزاوار آنم و بیامرز ذُنُوبِی ما تَقَدَّمَ مِنْها وَما تَأَخَّرَ، وَوَسِعْ عَلَیَّ مِنْ حَلالِ رِزْقِکَ، گناهانم را آنچه گذشته و آنچه

پس از این سر زند و وسعت ده بر من از روزی حلالت وَ اکْفِنِی مَؤُونَةَ إِنْسانِ سَوْءٍ، وَجارِسَوْءٍ، وَقَرِینِ سَوْءٍ، وَ سُلْطانِ و مرا از زحمت و شرّ انسان بد و همسایه بد و رفیق بد و سلطان بد سَوْءٍ، إِنَّکَ عَلی ما تَشاءُ قَدِیرٌ، وَبِکُلِ شَیْ ءٍ عَلِیمٌ، آمِینَ رَبَّ کفایت فرما که تو بر هر چیز توانایی و به هر چیز دانایی اجابت فرما ای پروردگار الْعالَمِینَ». جهانیان.» در بعضی از نسخ آمده است که بعد از وَ أَنْتَ عَلی کُلِ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ هر حاجت داری ذکر کن و بگو: «یا حَنَّانُ یا مَنَّانُ، یا بَدِیعَ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ، یا ذَا «ای خدا ای مهر پیشه و ای نعمت بخش ای پدید آورنده آسمانها و زمین ای صاحب الْجَلالِ وَالْإِکْرام، یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ». جلال و بزرگواری ای مهربانترین مهربانان.» و مستحب است بعد از دعای سمات این دعا را بخوانند: ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۹۹ «اللَّهُمَّ بِحَقِ هذَا الدُّعاءِ، وَبِحَقِ هذِهِالْأَسْماءِ الَّتِی لا یَعْلَمُ «خدایا بحق این دعا و به حق این نامهایی که نداند تَفْسِیرَها وَلا تَأْوِیلَها، وَلا باطِنَها وَلا ظاهِرَها غَیْرُکَ، أَنْ تُصَلِیَ تفسیرش راونه‌تأویلش‌را ونه باطنش را ونه ظاهرش‌راکسی‌جزتو (ازتومی‌خواهم) که‌درود فرستی عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَرْزُقَنِی خَیْرَ الدُّنْیا وَالْآخِرَةَ». بر محمد و آل محمد و اینکه روزی من گردانی خیر دنیا و آخرت را.» پس حاجت خود را بطلبد و بگوید: «وَافْعَلْ بِی ما أَنْتَ أَهْلُهُ وَلا تَفْعَلْ بی ما أَنَا أَهْلُهُ، وَانْتَقِمْ لِیْ «وانجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی ومکن با من‌آنچه رامن‌سزاوارآنم و برای من مِنْ فُلانِ بْنِ فُلان». از فلان پسر فلان انتقام بگیر.» و به جای فلان بن فلان نام و نام پدر دشمن را بگوید: «وَاغْفِرْ لِی ذُنُوبِی ما تَقَدَّمَ مِنْها وَما تَأَخَّرَ، «و بیامرز گناهانم را آنچه گذشته و آنچه از این پس سرزند وَلِوالِدَیَّ، وَلِجَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِناتِ، وَوَسِعْ عَلَیَّ مِنْ و بیامرز پدر و مادرم و همه مردان و زنان مؤمن را و وسعت ده بر من از ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۰۰ حَلالِ رِزْقِکَ، وَاکْفِنِی مَؤُونَةَ إِنْسانِ سَوْءٍ، وَجارِ سَوْءٍ، وَسُلْطانِ روزی حلالت و مرا از زحمت و شرّ انسان بد و همسایه بد و سلطان سَوْءٍ، وَقَرِینِ سَوْءٍ، وَیَوْمِ سَوْءٍ، وَساعَةِ سَوْءٍ، وَانْتَقِمْ لِی مِمَّنْ بد و رفیق بد و روز بد و ساعت بد کفایت فرما و از کسی که به یَکِیدُنِی، وَمِمَّنْ یَبْغِی عَلَیَّ، وَیُرِیدُ بِی، وَبِأَهْلِی، وَأَوْلادِی، من نیرنگ زند و بر من ستم کند و قصد ظلم به من و به خاندان و فرزندان وَإِخْوانِی، وَجِیرانِی، وَقَراباتِی مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِناتِ ظُلْماً، و برادران و همسایگان و نزدیکان من از مردان مؤمن و زنان مؤمنه را دارد انتقام مرا بگیر إِنَّکَ عَلی ماتَشاءُ قَدِیرٌ، وَبِکُلِ شَیْ ءٍ عَلِیمٌ، آمِینَ رَبَّ الْعالَمِینَ». که تو بر هر چه بخواهی توانایی و به هر چیز دانایی اجابت فرما ای پروردگار جهانیان.» پس بگوید: «اللَّهُمَّ بِحَقِ هذَا الدُّعاءِ تَفَضَّلْ عَلی فُقَراءِ الْمُؤْمِنِینَ «خدایا به حق این دعاء بر (همه اهل ایمان) تفضل کن (امّا) بر فقرای مؤمنین وَالْمُؤْمِناتِ بِالْغِنی وَالثَّرْوَةِ، وَعَلی مَرْضَی الْمُؤْمِنِینَ و مؤمنات به ثروت و توانگری و بر بیماران از مؤمنین وَالْمُؤْمِناتِ بِالشِّفاءِ وَالصِّحَّةِ، وَعَلی أَحْیاءِ الْمُؤْمِنِینَ و مؤمنات به شفاء و تندرستی و بر زندگان مؤمنین ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۰۱ وَالْمُؤْمِناتِ بِاللُّطْفِ وَالْکَرامَةِ، وَعَلی أَمْواتِ الْمُؤْمِنِینَ و مؤمنات به لطف و بزرگواری و بر مردگان مؤمنین وَالْمُؤْمِناتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَعَلی مُسافِرِی الْمُؤْمِنِینَ و مؤمنات به آمرزش و رحمت و بر مسافرین مؤمنین وَالْمُؤْمِناتِ بِالرَّدِ إِلی أَوْطانِهِمْ سالِمِینَ غانِمِینَ، بِرَحْمَتِکَ یا و مؤمنات به بازگشتن بسوی وطنهای خویش به سلامتی و بهره‌مندی به رحمتت ای أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ، وَصَلَّی اللَّهُ عَلی سَیِدِنا مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیِینَ مهربانترین مهربانان و صلوات و درود فرستد خداوند بر آقای ما محمد خاتم پیمبران وَعِتْرَتِهِ الطَّاهِرِینَ، وَسَلَّمَ تَسْلِیماً کَثِیراً». و عترت پاکیزه‌اش سلام فرستد بسیار.» و شیخ بن فهد گفته که مستحبّ است بعد از دعاء سمات بگوئی: «اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ بِحُرْمَةِ هذَا الدُّعاءِ، وَبِما فاتَ مِنْهُ مِنَ «خدایا از تو می‌خواهم به حرمت این دعا و به آنچه از نامهایت که در آن الْأَسْماءِ، وَبِما یَشْتَمِلُ عَلَیْهِ مِنَ التَّفْسِیرِ وَالتَّدْبِیرِ الَّذِی لا یُحِیطُبِهِ ذکر نشده و به آنچه دربردارد از تفسیر و تدبیری که کسی جز تو بر آن احاطه إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تَفْعَلَ بِی کَذا وَکَذا». ندارد که درباره من چنین و چنان کنی.» و بجای کذا و کذا حاجت‌خود را بخواهد. ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۰۲

### دعای توسّل

حاجتها را باید از خداوند خواست، امّا برای برآورده شدن آنها باید کسانی را که مقرّب درگاه خدایند، وسیله قرار داد، و خدا را به

حق و مقام و منزلت آنان قسم داد، و آنان را شفیع ساخت. این کار «توسّل» نام دارد. مرحوم علامه مجلسی نقل می‌فرماید: دعای توسل را محمّد بن بابویه از معصوم علیه السلام روایت کرده و گفته است: در هیچ امری این دعا را نخواندم، مگر آن که به زودی اثر اجابت آن را یافتم: «اللّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَیکَ بِنَبِیکَ نَبِی الرَّحْمَهِٔ مُحَمَّدٍ «خدایا از تو می‌خواهم و بسویت رو کنم بوسیله پیامبرت پیامبر رحمت محمد صلی الله علیه و آله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وآلِهِ، یاأَبَاالْقاسِمِ یا رَسُولَ اللَّهِ یا امامَ الرَّحْمَهِٔ یا ای اباالقاسم ای رسول خدا ای پیشوای رحمت ای سَیدَنا وَ مَوْلینا، إِنَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وتَوَسَّلْنابِکَ إِلَی‌اللَّهِ آقای ما و سرور ما، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به‌درگاه خدا وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یاوَجِیهاً عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، و تو را پیش روی حاجت‌های خویش قرار دادیم ای آبرومند در نزد خدا برای ما، نزد خدا ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۰۳ یا أَبَاالْحَسَنِ یا أَمِیرَالْمُؤْمِنِینَ یا عَلِیَّ بْنَ أَبِی‌طالِبٍ یا حُجَّهَٔاللَّهِ شفاعت کن ای اباالحسن ای امیرمؤمنان ای علی بن ابی‌طالب ای حجت خدا عَلی خَلْقِهِ یاسَیدَنا وَمَوْلینا، إِنَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بر خلق ای آقای ما و سرور ما ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بِکَ إِلَی اللَّهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجِیهاً عِنْدَ اللَّهِ بەوسیله تو به درگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خویش قرار دادیم ای آبرومند نزد خدا اشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللَّهِ، یا فاطِمَهَٔ الزَّهْراءِ یابِنْتَ مُحَمَّدٍ یاقُرَّهَٔ عَیْنِ شفاعت کن برای ما نزد خدا، ای فاطمه زهرا ای دختر محمد ای نور چشم الرَّسُولِ یا سَیدَتَنا وَمَوْلاتَنا، إِنَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکِ پیغمبر ای بانوی ما و سرور ما ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو إِلَی اللَّهِ وَقَدَّمْناکِ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجِیهَهًٔ عِنْدَ اللَّهِ اشْفَعِی به درگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خویش قرار دادیم ای آبرومند پیش خدا، شفاعت کن لَنا عِنْدَ اللَّهِ، یا أَبامُحَمَّدٍ یا حَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ أَیُّهَاالْمُجْتَبی یَاابْنَ برای ما نزد خدا، ای ابا محمد، ای حسن بن علی، ای برگزیده، ای فرزند رَسُولِ اللَّهِ یا حُجَّهَٔاللَّهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیدَنا وَمَوْلینا، إِنَّا تَوَجَّهْنا رسول خدا، ای حجت خدا بر خلق، ای آقای ما و سرور ما ما روآوردیم وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ إِلَی‌اللَّهِ وَقَدَّمْناکَ‌بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خود قرار دادیم ای ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۰۴ وَجِیهاً عِنْدَاللَّهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، یا أَباعَبْدِاللَّهِ یا حُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍ آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما پیش خدا، ای ابا عبداللَّه، ای حسین بن علی أَیُّهَا الشَّهِیدُ یَاابْنَ رَسُولِ اللَّهِ یا حُجَّهَٔاللَّهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیدَنا ای شهید (راه حق)، ای فرزند رسول خدا، ای حجت بر خلق، ای آقا وَ مَوْلینا، إِنَّا تَوَجَّهْنا وَ اسْتَشْفَعْنا وَ تَوَسَّلْنا بِکَ إِلَی اللَّهِ وَقَدَّمْناکَ و سرور ما، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا و تو را پیش روی بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجِیهاً عِنْدَاللَّهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، یا حاجتهای خود قرار دادیم، ای آبرومند نزد خدا برای ما پیش خدا شفاعت کن، ای أَبَاالْحَسَنِ یا عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ یازَیْنَ‌الْعابِدِینَ یَاابْنَ رَسُولِ اللَّهِ یا اباالحسن، ای علی بن الحسین، ای زیور پرستش‌کنندگان، ای فرزند رسول خدا، ای حُجَّهَٔاللَّهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیدَنا وَمَوْلینا، إِنَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا حجت خدا بر خلق، ای آقا و سرور ما، ما روآوردیم و شفیع گرفتیم وَتَوَسَّلْنا بِکَ إِلَی اللَّهِ وَقَدَّمْناکَ‌بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجِیهاً و توسل جستیم بوسیله تو بدرگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خود قرار دادیم، ای آبرومند عِنْدَاللَّهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، یا أَبا جَعْفَرٍ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍ نزد خدا شفاعت کن برای ما پیش خدا، ای اباجعفر، ای محمد بن علی أَیُّهَاالْباقِرُ یَاابْنَ رَسُولِ اللَّهِ یا حُجَّهَٔاللَّهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیدَنا ای شکافنده علوم، ای فرزند رسول خدا، ای حجت خدا بر خلق، ای آقا و ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۰۵ وَمَوْلینا، إِنَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ إِلَی اللَّهِ وَقَدَّمْناکَ سرور ما، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا و تو را پیش روی بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجِیهاً عِنْدَاللَّهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، یا حاجتهای خویش قرار دادیم، ای آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما پیش خدا، ای أَباعَبْدِاللَّهِ یا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ أَیُّهَا الصَّادِقُ یَاابْنَ رَسُولِ اللَّهِ یا اباعبداللَّه، ای جعفر بن محمد، ای (امام) صادق ای فرزند رسول خدا، ای حُجَّهَٔاللَّهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیدَنا وَ مَوْلینا، إِنَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا حجت خدا بر خلق، ای آقای ما و سرور ما، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم وَتَوَسَّلْنا بِکَ إِلَی اللَّهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجِیهاً وتوسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خویش قرار دادیم، ای آبرومند عِنْدَاللَّهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، یا أَبَاالْحَسَنِ یا مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ أَیُّهَا

پیش خدا شفاعت کن برای ما نزد خدا، ای ابالحسن، ای موسی بن جعفر الْکاظِمُ یَاابْنَ رَسُولِ اللَّهِ یا حُجَّةَاللَّهِ عَلی خَلْقِهِ یاسَیِدَنا وَمَوْلینا، ای کاظم، ای فرزند رسول خدا، ای حجت خدا بر خلق، ای آقای ما و سرور ما إِنَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ إِلَی اللَّهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو بدرگاه خدا و تو را پیش روی حاجاتِنا، یا وَجِیهاً عِنْدَاللَّهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، یا أَبَاالْحَسَنِ یا حاجتهای‌خویش قراردادیم، ای آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما پیش خدا، ای ابا الحسن ای ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۰۶ عَلِیَّ بْنَ مُوسی أَیُّهَا الرِّضا یَاابْنَ رَسُولِ‌اللَّهِ یاحُجَّةَاللَّهِعَلی خَلْقِهِ علی بن موسی، ای (حضرت) رضا، ای فرزند رسول خدا، ای حجت خدا بر خلق یا سَیِدَنا وَمَوْلینا، إِنَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ إِلَی اللَّهِ ای آقا و سرور ما، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو به درگاه خدا وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجِیهاً عِنْدَاللَّهِ اشْفَعْ لَنا و تو را پیش روی حاجتهای خویش قرار دادیم، ای آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما عِنْدَاللَّهِ، یا أَباجَعْفَرٍ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍ أَیُّهَا الْجَوادُ یَاابْنَ پیش خدا، ای ابا جعفر، ای محمد بن علی، ای حضرت تقی جواد، ای فرزند رَسُولِ‌اللَّهِ یا حُجَّةَاللَّهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیِدَنا وَمَوْلینا، إِنَّا تَوَجَّهْنا رسول خدا، ای حجت خدا بر خلق، ای آقا و سرور ما، ما رو آوردیم وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ إِلَی‌اللَّهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو بدرگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خویش قرار دادیم ای وَجِیهاً عِنْدَاللَّهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، یا أَبَاالْحَسَنِ یا عَلِیَّ بْنَ مُحَمَّدٍ آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما نزد خدا، ای ابا الحسن، ای علی بن محمد أَیُّهَا الْهادِی النَّقِیُّ یَاابْنَ رَسُولِ اللَّهِ یا حُجَّةَاللَّهِ عَلی خَلْقِهِ یا ای حضرت هادی نقی، ای فرزند رسول خدا، ای حجت خدا بر خلق، ای سَیِدَنا وَمَوْلینا، إِنَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ إِلَی اللَّهِ آقای ما و سرور ما، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو بدرگاه خدا ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۰۷ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجِیهاً عِنْدَاللَّهِ اشْفَعْ لَنا و تو را پیش روی حاجتهای خویش قرار دادیم، ای آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما عِنْدَاللَّهِ، یا أَبامُحَمَّدٍ یا حَسَنَ بْنَ عَلِیٍ یَا ابْنَ نزدخدا ای ابا محمد، ای حسن بن علی، ای زکی عسکری رَسُولِ اللَّهِ یا حُجَّةَاللَّهِ عَلی خَلْقِهِ یاسَیِدَنا وَمَوْلینا، إِنَّا تَوَجَّهْنا ای فرزند رسول خدا، ای حجت خدا بر خلق، ای آقای ما و سرور ما، ما وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ إِلَی اللَّهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم بوسیله تو بدرگاه خدا و تو را پیش روی یا وَجِیهاً عِنْدَاللَّهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ، یا وَصِیَّ الْحَسَنِ وَالْخَلَفَ حاجتهای خویش قرار دادیم ای آبرومند نزد خدا شفاعت کن برای ما نزد خدا ای وصی امام حسن عسکری الْحُجَّةَ أَیُّهَا الْقائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِیُّ یَاابْنَ رَسُولِ اللَّهِ یا و یادگار شایسته و حجت، ای امام قائم منتظر مهدی، ای فرزند رسول خدا، ای حُجَّةَاللَّهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیِدَنا وَمَوْلینا، إِنَّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا حجت خدا بر خلق، ای آقا و سرور ما، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم وَتَوَسَّلْنا بِکَ إِلَی اللَّهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا، یا وَجِیهاً و توسل جستیم بوسیله تو بدرگاه خدا و تو را پیش روی حاجتهای خویش قرار دادیم، ای آبرومند عِنْدَاللَّهِ اشْفَعْ لَنا عِنْدَاللَّهِ». نزد خدا شفاعت کن برای ما پیش خدا.» ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۰۸ پس حاجات خود را بطلبد که برآورده می‌شود إِنْشاءَاللَّه تعالی و در روایت دیگر وارد شده که بعد از این بگوید: «یا سادَتِی وَمَوالِیَّ إِنِی تَوَجَّهْتُ بِکُمْ أَئِمَّتِی وَعُدَّتِی لِیَوْم «ای آقایان من و سرورانم من رو آوردم بوسیله شما پیشوایان و ذخیرگانم در روز فَقْرِی وَحاجَتِی إِلَی اللَّهِ، وَتَوَسَّلْتُ بِکُمْ إِلَی اللَّهِ، وَاسْتَشْفَعْتُ نداری و نیازمندی بدرگاه خدا و توسل جستم بوسیله شما به درگاه خدا و شفاعت جستم بِکُمْ إِلَی اللَّهِ، فَاشْفَعُوا لِی عِنْدَاللَّهِ، وَاسْتَنْقِذُونِی مِنْ ذُنُوبِی بوسیله شما به درگاه خدا پس شفاعت کنید برای من در پیشگاه خدا و از او بخواهید مرا از گناهانم عِنْدَاللَّهِ، فَإِنَّکُمْ وَسِیلَتِی إِلَی اللَّهِ، وبِحُبِکُمْ وَبِقُرْبِکُمْ أَرْجُو نَجاةً نجات دهد زیرا شمایید وسیله من به درگاه خدا و بوسیله دوستی و قرب به شما امید نجات مِنَ اللَّهِ، فَکُونُوا عِنْدَاللَّهِ رَجائِی یا سادَتِی یا أَوْلِیاءَاللَّهِ، از خدا دارم پس شما هم مایه امید من به درگاه خدا باشید ای آقایان من ای اولیای خدا صَلَّی‌اللَّهُ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أَعْداءَاللَّهِ ظالِمِیهِمْ مِنَ درود خدا بر همگی ایشان و خدا ستم‌کنندگان به ایشان را که دشمنان خدا هستند الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ، آمِینَ رَبَّ الْعالَمِیْنَ». از رحمت خویش دورکند اوّلین و آخرین آنها را.» ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۰۹

### دعای رفع گرفتاری

مرحوم شیخ کفعمی در بلدالأمین دعایی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که هر ملهوف و مکروب و محزون و گرفتار و ترسانی آنرا بخواند، حقّ تعالی او را فرج کرامت فرماید، و آن دعا این است: «یا عِمادَ مَنْ لاعِمادَ لَهُ، وَیا ذُخْرَ مَنْ لاذُخْرَ لَهُ، وَیا سَنَدَ مَنْ «ای تکیه‌گاه کسی که تکیه‌گاه ندارد ای ذخیره کسی که ذخیره ندارد و ای پشتیبان کسی لا سَنَدَ لَهُ، وَیا حِرْزَ مَنْ لا حِرْزَ لَهُ، وَیا غِیاثَ مَنْ لاغِیاثَ لَهُ، که پشتیبان ندارد و ای پناه کسی که پناهی ندارد و ای دادرس کسی که دادرس ندارد وَیا کَنْزَ مَنْ لا کَنْزَ لَهُ، وَیا عِزَّ مَنْ لا عِزَّ لَهُ، یا کَرِیمَ الْعَفْوِ، یا و ای گنج آن کس که گنجی ندارد و ای عزت آن کس که عزتی ندارد ای بزرگوار گذشت ای حَسَنَ التَّجاوُزِ، یا عَوْنَ الضُّعَفاءِ، یا کَنْزَ الْفُقَراءِ، یا عَظِیمَ نیکو در گذر ای یار ناتوانان ای گنج بی‌نوایان ای بزرگ الرَّجاءِ، یا مُنْقِذَ الْغَرْقی یا مُنْجِیَ الْهَلْکی یا مُحْسِنُ یا مُجْمِلُ امید من ای نجات‌دهنده غریقان ای رهاننده هلاک‌شدگان ای احسان کننده ای نیکوکار ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۱۰ یا مُنْعِمُ یا مُفْضِلُ، أَنْتَ الَّذِی سَجَدَ لَکَ سَوادُ اللَّیْلِ وَنُورُ النَّهارِ ای نعمت‌بخش ای زیاده‌بخش تویی که سجده (وخضوع) کرد برایت سیاهی شب و روشنی روز وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعاعُ الشَّمْسِ وَحَفِیفُ الشَّجَرِ وَدَوِیُّ الْماءِ، یا و تابش ماه و پرتو خورشید و صدای درخت و صدای مخصوص آب ای اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ، لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، وَحْدَکَ لاشَرِیکَ لَکَ، یا رَبّاهُ خدا ای خدا ای خدا معبودی نیست جز تو خدای یگانه ای که شریکی برایت نیست پروردگارا یا اللَّهُ، صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِنا ما أَنْتَ أَهْلُهُ». ای خدا درود فرست بر محمد وآل محمد و انجام ده درباره ما آنچه را تو شایسته آنی.» پس هر چه حاجت داری طلب کن.

### دعای فَرَج

مرحوم کفعمی در کتاب «مصباح» دعایی نقل کرده و فرموده است: این دعا را امام هادی علیه السلام به «یَسَع بن حمزه قمی» تعلیم داد، و فرمود که آل محمّد صلی الله علیه و آله هنگام پیش آمدن بلاها و مواجهه با دشمنان و خوف از خطر و فقر این دعا را می‌خوانند، و برای ایمنی مفید می‌باشد. و این دعا، از دعاهای صحیفه سجّادیه است: ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۱۱ «یا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقَدُالْمَکارِهِ، وَیا مَنْ یُفْثَأُ بِهِ حَدُّالشَّدائِدِ، وَیا «ای که گشوده شود بوسیله او گره گرفتاریها و ای‌که شکسته شود بوسیله او تندی سختیها و ای مَنْ یُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلی رَوْحِ الْفَرَجِ، ذَلَّتْ لِقُدْرَتِکَ که از او خواهش شود برای رهایی یافتن (از غمها و آمدن) بسوی فضای روح بخش گشایش، کارهای دشوار در برابر قدرتت الصِّعابُ، وَ تَسَبَّبَتْ بِلُطْفِکَ الْأَسْبابُ، وَ جَری بِقُدْرَتِکَ الْقَضاءُ، آسان گشته و اسباب و وسایل به‌سبب لطف تو فراهم گشته و قضا و قدر به قدرتت جاری گشته وَمَضَتْ عَلی إِرادَتِکَ الْأَشْیاءُ، فَهِیَ بِمَشِیَّتِکَ دُونَ قَوْلِکَ و همه چیز برطبق اراده تو گذشته است پس تمام چیزها به محض اراده تو بدون اینکه نیازی به گفتن مُؤْتَمِرَةٌ، وَبِارادَتِکَ دُونَ نَهْیِکَ مُنْزَجِرَةٌ، أَنْتَ الْمَدْعُوُّ باشد مطیع وفرمانبردارند و به محض ارادات بدون احتیاج به نهی و بازداشتن بازداشته‌اند تویی که برای رفع دشواریها لِلْمُهِمَّاتِ، وَأَنْتَ الْمَفْزَعُ فِی الْمُلِمَّاتِ، لا یَنْدَفِعُ مِنْها إِلّا ما خوانندت و تویی پناهگاه در سختیها دور نشود از آن سختیها مگر آنچه دَفَعْتَ، وَلا یَنْکَشِفُ مِنْها إِلّا ما کَشَفْتَ، وَقَدْ نَزَلَ بِی یا رَبِ ما را که تو دور کنی و برطرف نگردد چیزی از آنها مگر آنچه را تو برطرف کنی و براستی ای‌پروردگار من چیزی بر من رسیده قَدْ تَکَأَّدَنِی ثِقْلُهُ، وَالَمَّ بِی‌ما قَدْ بَهَظَنِی حَمْلُهُ، وَبِقُدْرَتِکَ أَوْرَدْتَهُ که سنگینی آن مرا به زحمت انداخته و وارد شده بر من‌آنچه به‌دوش کشیدنش وامانده‌ام کرده و البته به نیروی خودت آنرا بر عَلَیَّ، وَبِسُلْطانِکَ وَجَّهْتَهُ إِلَیَّ، فَلا مُصْدِرَ لِما أَوْرَدْتَ، وَلا من وارد کردی و به سلطنت و قدرت خویش آنرا متوجه من کردی پس آنچه را تو فرستادی بازگرداننده برایش نیست و آنچه راتو ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۱۲ صارِفَ لِما وَجَّهْتَ، وَلا فاتِحَ لِما أَغْلَقْتَ، وَلا مُغْلِقَ لِما متوجه ساخته‌ای برگرداننده ندارد و آنچه را تو بسته‌ای گشاینده ندارد و

آنچه را تو گشودی کسش فَتَحْتَ، وَلا مُیَسِّرَ لِما عَسَّرْتَ، وَلا ناصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ، فَصَلِ نتواند بست و آنچه را تو دشوار سازی آسان کننده ندارد و آن کس را که تو خوارکنی یاور برایش نیست پس درود فرست عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْتَحْ لِی یا رَب بابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِکَ، وَاکْسِرْ بر محمد و آلش و بگشا به فضل خود پروردگارا بر من در گشایش را و قدرت تسلطی را که عَنِی سُلْطانَ الْهَمِ بِحَوْلِکَ، وأَنِلْنِی حُسْنَ النَّظَرِ فِیما شَکَوْتُ، اندوه و غم بر من پیدا کرده به نیروی خود درهم شکن و خوش‌بینی خودت را در آنچه شکوه کردم به من عنایت کن وَأَذِقْنِی حَلاوَةَ الصُّنْعِ فِیما سَأَلْتُ، وَهَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً و شیرینی رفتارت را درباره خواسته‌ام به من بچشان و از نزد خویش رحمت و گشایش وَفَرَجاً هَنِیئاً، وَاجْعَلْ لِی مِنْ عِنْدِکَ مَخْرَجاً وَحِیّاً، وَلا تَشْغَلْنِی گوارایی به من ببخش و هم از نزد خود راه چاره فوری برایم قرار ده و سرگرمم مکن بِالْإِهْتِمامِ عَنْ تَعاهُدِ فُرُوضِکَ وَاسْتِعْمالِ سُنَّتِکَ، فَقَدْ ضِقْتُ به اهمیت دادن به گرفتاریهای دنیا از انجام واجبات و بکار بستن سنتها و دستوراتت زیرا که براستی ای پروردگار من لِما نَزَلَ بِی یا رَب ذَرْعاً، وَامْتَلَأْتُ بِحَمْلِ ما حَدَثَ عَلَیَّ هَمّاً، سینه‌ام از این پیش‌آمدی که برایم کرده تنگ شده و برای تحمل این حادثه سر تا پایم را اندوه گرفته وَأَنْتَ الْقادِرُ عَلی کَشْفِ ما مُنِیتُ بِهِ، وَدَفْعِ ما وَقَعْتُ فِیهِ، و تو بر دفع آنچه بدان گرفتار شده‌ام و برطرف کردن آنچه بدان درافتاده‌ام توانایی ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۱۳ فَافْعَلْ بِی ذلِکَ وَإِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْکَ، یا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَذَا پس تو این‌کار را درباره من بکن اگرچه من سزاوار این محبت تو نیستم ای صاحب عرش عظیم و دارنده الْمَنِ‌الْکَرِیمِ، فَأَنْتَ قادِرٌ یاأَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ، آمِینَ‌رَبَ‌الْعالَمِینَ». نعمت بزرگ زیرا که تو توانایی ای مهربانترین مهربانها آمین ربّ العالمین.»

### دعای سریع الإجابه

مرحوم کفعمی در «مصباح» دعایی از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام نقل کرده، و فرموده است: این دعا منزلتی عظیم دارد، و زود به اجابت می‌رسد. متن دعا چنین است: «اللَّهُمَّ إِنِی أَطَعْتُکَ فِی أَحَبِ الْأَشْیاءِ إِلَیْکَ وَهُوَ التَّوْحِیدُ، «خدایا همانا من درمحبوبترین چیزها در نزد تو که‌عبارت از توحید و یگانگیت بود از تو پیروی کردم وَلَمْ أَعْصِکَ فِی أَبْغَضِ‌الْأَشْیاءِ إِلَیْکَ وَهُوَ الْکُفْرُ، فَاغْفِرْ لِی ما ودر مبغوض‌ترین چیزها در نزدت که عبارت‌از کفر بتو بود نافرمانیت نکردم پس‌آنچه دراین میان است بَیْنَهُما یا مَنْ إِلَیْهِ مَفَرِّی، آمِنِی مِمَّا فَزِعْتُ مِنْهُ إِلَیْکَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ ازگناهانم بیامرز ای‌که بسوی‌اوست گریزگاه من مرااز آنچه به خاطر آن بسویت پناه آوردم امان بخش خدایا بیامرز ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۱۴ لِیَ الْکَثِیرَ مِنْ مَعاصِیکَ، وَاقْبَلْ مِنِی الْیَسِیرَ مِنْ طاعَتِکَ، یا گناهان بسیارم را و بپذیر از من طاعت اندکم را ای عُدَّتِی دُونَ الْعُدَدِ، ویا رَجائِی وَالْمُعْتَمَدَ، وَیا کَهْفِی وَالسَّنَدَ، ذخیره در مقابل سایر ذخیره‌ها و ای مایه امید و تکیه‌گاه من و ای پناهگاه ونگهبانم وَیا واحِدُ یا أَحَدُ، یا قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ یَلِدْ وَلَمْ و ای‌یگانه یکتا ای‌آنکه دروصف خود به پیغمبرت گفتی بگو او خدای یکتا است خدا بی‌نیاز است، نزاید یُولَدْ، وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ، أَسْأَلُکَ بِحَقِ مَنِ اصْطَفَیْتَهُمْ مِنْ و نه زاییده شده و نیست برایش همتا و مانندی از تو می‌خواهم به حق آنانکه از میان خلق خود آنها را خَلْقِکَ، وَلَمْ تَجْعَلْ فِی خَلْقِکَ مِثْلَهُمْ أَحَداً، أَنْ تُصَلِیَ عَلی برگزیدی و در خلق خود هیچکس را مانند ایشان نکردی که درود فرستی بر مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ أَنْ تَفْعَلَ بِی ما أَنْتَ أَهْلُهُ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ محمد و آل او و درباره من انجام دهی آنچه را تو شایسته آنی خدایا از تو می‌خواهم بِالْوَحْدانِیَّةِ الْکُبْری وَالْمُحَمَّدِیَّةِ الْبَیْضاءَ، وَالْعَلَوِیَّةِ الْعُلْیا، به حق مقام وحدانیت و یکتایی بزرگ خودت و به مقام محمدی آن مقام تابنده و به مقام علوی آن مقام والا وَبِجَمِیعِ مَا احْتَجَجْتَ بِهِ عَلی عِبادِکَ، وَبِالْإِسْمِ الَّذِی حَجَبْتَهُ و به تمام حجتهای خود بر بندگانت و به حق آن نامی که از خلق خود عَنْ خَلْقِکَ، فَلَمْ یَخْرُجْ مِنْکَ إِلّا إِلَیْکَ، صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، پنهان داشتی که اظهار نشود از تو مگر بخودت که درود فرستی بر محمد و آل محمد ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۱۵ وَاجْعَلْ لِی‌مِنْ‌أَمْرِی فَرَجاً وَمَخْرَجاً، وَارْزُقْنِی مِنْ‌حَیْثُ أَحْتَسِبُ و برای من در کارم گشایش و راه نجاتی قرار دهی و به من روزی دهی از آنجا که گمان دارم و از آنجا که گمان ندارم وَمِنْ حَیْثُ لا أَحْتَسِبُ، إِنَّکَ تَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ». که تو روزی دهی هر که را بخواهی

بی‌حساب.»

## دعای حضرت مهدی صلوات اللّه علیه

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنا تَوْفِیقَ الطَّاعَهِٔ، وَبُعْدَ الْمَعْصِیَهِٔ، وَصِدْقَ النِّیَّهِٔ، «خدایا روزی ما کن توفیق اطاعت و دوری از گناه و صدق و صفای در نیت وَعِرْفانَ الْحُرْمَهِٔ، وَأَکْرِمْنا بِالْهُدی وَالْإِسْتِقامَهِٔ، وَسَدِّدْ أَلْسِنَتَنا و شناختن آنچه حرمتش لازم است و گرامی‌دار ما را بوسیله هدایت شدن و استقامت و استوار کن زبانهای ما را بِالصَّوابِ وَالْحِکْمَهِٔ، وَامْلَأْ قُلُوبَنا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَهِٔ، وَطَهِرْ به درستگویی و حکمت و لبریز کن دلهای ما را از دانش و معرفت و پاک کن بُطُونَنا مِنَ الْحَرامِ وَالشُّبْهَهِٔ، وَاکْفُفْ ایْدِیَنا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَهِٔ، اندرون ما را از غذاهای حرام و شبهه‌ناک و بازدار دستهای ما را از ستم و دزدی وَاغْضُضْ أَبْصارَنا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِیانَهِٔ، وَاسْدُدْ أَسْماعَنا عَنِ و بپوشان چشمان ما را از هرزگی و خیانت و ببند گوشهای ما را از شنیدن سخنان ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۱۶ اللَّغْوِ وَالْغِیبَهِٔ، وَتَفَضَّلْ عَلی عُلَمائِنا بِالزُّهْدِ وَالنَّصِیحَهِٔ، وَعَلَی بیهوده و غیبت و تفضل فرما بر علمای ما به پارسایی و خیرخواهی کردن و بر الْمُتَعَلِمِینَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَهِٔ، وَعَلَی الْمُسْتَمِعِینَ بِالْاتِباعِ دانش‌آموزان به کوشش داشتن و شوق و بر شنوندگان به پیروی کردن وَالْمَوْعِظَهِٔ، وَعَلی مَرْضَی الْمُسْلِمِینَ بِالشِّفاءِ وَالرَّاحَهِٔ، وَعَلی و پند گرفتن و بر بیماران مسلمان به بهبودی یافتن و آسودگی و بر مَوْتاهُمْ بِالرَّأْفَهِٔ وَالرَّحْمَهِٔ، وَعَلی مَشایِخِنا بِالْوَقارِ وَالسَّکِینَهِٔ، مردگان آنها به عطوفت و مهربانی کردن و بر پیرانمان به وقار و سنگینی وَعَلَی الشَّبابِ بِالْإِنابَهِٔ وَالتَّوْبَهِٔ، وَعَلَی النِساءِ بِالْحَیاءِ وَالْعِفَّهِٔ، و بر جوانان به بازگشت و توبه و بر زنان به شرم و عفت وَعَلَیالْأَغْنِیاءِ بِالتَّواضُعِ وَالسَّعَهِٔ، وَعَلَی الْفُقَراءِ بِالصَّبْرِ و بر توانگران به فروتنی و بخشش کردن و بر مستمندان به شکیبایی وَالْقَناعَهِٔ، وَعَلَی الْغُزاهِٔ بِالنَّصْرِ وَالْغَلَبَهِٔ، وَعَلَی الأُسَراءِ و قناعت و بر پیکار کنندگان به یاری و پیروزی و بر اسیران بِالْخَلاصِ وَالرَّاحَهِٔ، وَعَلَی الْأُمَراءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَهِٔ، وَعَلَی به رهایی یافتن و آسودگی و بر زمامداران به عدالت داشتن و دلسوزی و بر الرَّعِیَّهِٔ بِالْإِنْصافِ وَحُسْنِ السِّیرَهِٔ، وَبارِکْ لِلْحُجَّاجِ وَالزُّوَّارِ فِی ملت به انصاف و خوش‌رفتاری و برکت ده برای حاجیان و زائران در ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۱۷ الزَّادِ وَالنَّفَقَهِٔ، وَاقْضِ ما أَوْجَبْتَ عَلَیْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَهِٔ، توشه و خرجی و به انجام رسان آنچه را بر ایشان واجب کردی از اعمال حج و عمره بِفَضْلِکَ وَرَحْمَتِکَ یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ». بوسیله فضل و رحمت خودت ای مهربانترین مهربانان.»

## مناجات شعبانیّه

دعایی است سرشار از مضامین عرفانی و بلند، و این دعا از «ابن خالویه» روایت شده است. وی گفته است: این مناجات حضرت امیرالمؤمنین و دیگر امامان معصوم علیهم السلام بوده، و آنان بر خواندن این دعا در ماه شعبان مداومت می‌کردند. و بدین جهت بزرگان دین، مانند حضرت امام خمینی قدس سره به این مناجات علاقه خاصی داشتند. خواندن این مناجات، با مفاهیم عالیه‌ای که دارد برای هر وقتی که انسان حضور قلب و توجّه داشته باشد مناسب است. «اللَّهُمَّ صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْمَعْ دُعائِی إذا «خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بشنو دعایم را هنگامی که ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۱۸ دَعَوْتُکَ وَاسْمَعْ نِدائِیإذا نادَیْتُکَ، وَأَقْبِلْ عَلَیَّ إذا ناجَیْتُکَ، فَقَدْ تو را خوانم و بشنو صدایم را هر گاه تو را صدا زنم و رو به من کن هرگاه با تو راز گویم زیرا هَرَبْتُ إِلَیْکَ، وَ وَقَفْتُ بَیْنَ یَدَیْکَ، مُسْتَکِیناً [مِسْکِیْناً] لَکَ مُتَضَرِّعاً من به سوی تو گریختم و پیش رویت ایستادم در حال بیچارگی و فروتنی به درگاهت إِلَیْکَ، راجِیاً لِمالَدَیْکَ ثَوابِی، وَتَعْلَمُمافِینَفْسِی، وَتَخْبُرُ حاجَتِی، و امیدوارم ثوابم را که در پیش تو است و تو آنچه را من در دل دارم می‌دانی و حاجتم را آگاهی وَتَعْرِفُ ضَمِیرِی، وَلا یَخْفی عَلَیْکَ أَمْرُ مُنْقَلَبِی وَمَثْوایَ، وَما و از نهادم باخبری و سرانجام کار و سرمنزل من بر تو روشن است و نیز آنچه را اُرِیدُ أنْ اُبْدِیَ بِهِ مِنْ مَنْطِقِی وَأَتَفَوَّهُ بِهِ مِنْ طَلِبَتِی، وَأَرْجُوهُ می‌خواهم از گفتارم بدان لب گشایم و آن طلبی را که می‌خواهم به زبان آرم و امید آن را برای لِعاقِبَهِٔ أَمْرِی، وَقَدْ جَرَتْ

مَقادِیرُکَ عَلَیَّ یاسَیِّدِی فِیما یَکُونُ مِنِی سرانجام کارم دارم، ای آقای من مقدّرات تو بر من جاری گشته در آنچه از من تا إِلی آخِرِ عُمُری مِنْ سَرِیرَتِی وَعَلانِیَتِی، وَبِیَدِکَ لا بِیَدِ غَیْرِکَ آخر عمر سر زند چه از کارهای پنهانم و چه آشکارم و بدست تو است نه به دست دیگری کم زِیادَتِی وَنَقْصِی وَنَفْعِی وَضَرِّی، إِلهِی إِنْ حَرَمْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی و زیاد شدن و سود و زیان من خدایا اگر تو مرا محروم کنی پس کیست که یَرْزُقُنِی، وَإِنْ خَذَلْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی یَنْصُرُنِی، إِلهِی أَعُوذُ بِکَ روزیم دهد و اگر تو خوارم کنی پس کیست که یاریم دهد خدایا پناه برم به تو ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۱۹ مِنْ غَضَبِکَ وَحُلُولِ سَخَطِکَ، إِلهِی إِنْ کُنْتُ غَیْرَ مُسْتَأْهِلٍ از خشمت و فروریختن عذابت خدایا اگر من شایستگی لِرَحْمَتِکَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَیَّ بِفَضْلِ سَعَتِکَ، إِلهِی کَأَنِی رحمت تو را ندارم ولی تو شایسته آنی که از زیاده بخششت به من احسان کنی خدایا خود را چنان می‌نگرم که گویا بِنَفْسِی واقِفَةٌ بَیْنَ یَدَیْکَ وَقَدْ أَظَلَّها حُسْنُ تَوَکُّلِی عَلَیْکَ، فَفَعَلْتَ در برابرت ایستاده و آن توکل نیکویی که بر تو دارم بر سر من سایه افکنده و تو نیز آن‌چه را ما أَنْتَ أَهْلُهُ وَتَغَمَّدْتَنِی بِعَفْوِکَ، إِلهِی إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلی مِنْکَ شایسته آنی درباره من انجام و مرا در سراپرده عفو خویش پوشانده‌ای خدایا اگر بگذری پس کیست که از تو بدین بِذلِکَ، وَإِنْ کانَ قَدْ دَنا اجَلِی وَلَمْ یُدْنِنِی مِنْکَ عَمَلِی، فَقَدْ کار سزاوارتر باشد و اگر مرگم نزدیک شده و عملم مرا به تو نزدیک نکرده من جَعَلْتُ الْإِقْرارَ بِالذَّنْبِ إِلَیْکَ وَسِیلَتِی، إِلهِی قَدْ جُرْتُ عَلی به ناچار قرار می‌دهم اقرار به گناه را وسیله خویش به درگاهت خدایا من بر خویشتن نَفْسِی فِی النَّظَرِ لَها، فَلَهَا الْوَیْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَها، إِلهِی لَم یَزَلْ ستم کردم در آن توجهی که بدان کردم پس وای بر او اگر نیامرزیش خدایا پیوسته بِرُّکَ عَلَیَّ أَیَّامَ حَیاتِی، فَلا تَقْطَعْ بِرَّکَ عَنِی فِی مَماتِی، إِلهِی در دوران زندگی نیکی تو بر من می‌رسد پس نیکیت را در هنگام مرگ نیز از من مگیر خدایا کَیْفَ آیَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِکَ لِی بَعْدَ مَماتِی، وَأَنْتَ لَمْ تُوَلِّنِی إِلَّا من چگونه مأیوس شوم از اینکه پس از مرگ مورد حسن نظر تو واقع گردم در صورتی که ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۲۰ الْجَمِیلَ فِی حَیاتِی، إِلهِی تَوَلَّ مِنْ أَمْرِی ما أَنْتَ أَهْلُهُ، وَعُدْ عَلَیَّ در دوران زندگیم جز به نیکی سرپرستیم نکردی خدایا سرپرستی کن کار مرا چنانچه تو شایسته آنی و توجه کن بر من بِفَضْلِکَ عَلی مُذْنِبٍ قَدْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ، إِلهِی قَدْ سَتَرْتَ عَلَیَّ ذُنُوباً به فضل خویش که همچون گنهکاری هستم که نادانیش سراپا او را فراگرفته خدایا براستی تو گناهانی را فِی الدُّنْیا، وَأَنَا أَحْوَجُ إِلی سَتْرِها عَلَیَّ مِنْکَ فِی الْاخْری، إِلهِی در دنیا بر من پوشاندی که من به پوشاندن آنها در آخرت محتاج‌ترم قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَیَّ إِذْ لَمْ تُظْهِرْها لِأَحَدٍ مِنْ عِبادِکَ الصَّالِحِینَ، فَلا با اینکه آشکارش نکردی برای هیچیک از بندگان شایسته‌ات پس تَفْضَحْنِی یَوْمَ الْقِیامَةِ عَلی رُؤُسِ الْأَشْهادِ، إِلهِی جُودُکَ بَسَطَ در روز قیامت در برابر دیدگان مردم مرا رسوا مکن خدایا جود و بخششت آرزویم را أَمَلِی، وَعَفْوُکَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِی، إِلهِی فَسُرَّنِی بِلِقائِکَ یَوْمَ گستاخ کرده و گذشت تو برتر است از عمل من خدایا مرا در آن روزی که میان بندگانت داوری کنی تَقْضِی فِیهِ بَیْنَ عِبادِکَ، إِلهِی اعْتِذارِی إِلَیْکَ اعْتِذارُ مَنْ لَمْ به دیدارت مسرور ساز خدایا عذرخواهی من به درگاهت عذرخواهی کسی است که یَسْتَغْنِ عَنْ قَبُولِ عُذْرِهِ، فَاقْبَلْ عُذْرِی یا أَکْرَمَ مَنِ اعْتَذَرَ إِلَیْهِ بی‌نیاز نشده از پذیرفتن عذرش پس عذر مرا بپذیر ای بزرگوارترین کسی که گنهکاران به درگاهش الْمُسِیئُونَ، إِلهِی لا تَرُدَّ حاجَتِی وَلا تُخَیِّبْ طَمَعِی، وَلا تَقْطَعْ معذرت خواهی کنند خدایا حاجتم را بازمگردان و طمعم را به نومیدی مکشان و امید و آرزویم را از ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۲۱ مِنْکَ رَجائِی وَأَمَلِی، إِلهِی لَوْ أَرَدْتَ هَوانِی لَمْ تَهْدِنِی، وَلَوْ درگاهت قطع مفرما خدایا اگر خواری مرا خواسته بودی راهنمائیم نمی‌کردی و اگر أَرَدْتَ فَضِیحَتِی لَمْ تُعافِنِی، إِلهِی ما اظُنُّکَ تَرُدُّنِی فِی حاجَةٍ قَدْ رسوائیم را می‌خواستی تندرستیم نمی‌دادی خدایا گمان ندارم که مرا بازگردانی در مورد أَفْنَیْتُ عُمُرِی فِی طَلَبِها مِنْکَ، إِلهِی فَلَکَ الْحَمْدُ أَبَداً أَبَداً دائِماً حاجتی که عمر خویش را در خواستن آن از تو سپری کردم خدایا ستایش خاص تو است ستایش ابدی سَرْمَداً، یَزِیدُ وَلا یَبِیدُ کَما تُحِبُّ وَتَرْضی إِلهِی إِنْ اخَذْتَنِی جاویدان همیشگی که فزون شود ولی کم نگردد بدان نحو که دوست‌داری و خوشنود شوی خدایا اگر مرا به جنایتم بِجُرْمِی اخَذْتُکَ بِعَفْوِکَ، وَإِنْ اخَذْتَنِی بِذُنُوبِی اخَذْتُکَ مأخوذ داری من هم تو را به عفوت بگیرم و اگر به گناهم بگیری من هم تو را به آمرزشت بِمَغْفِرَتِکَ، وَإِنْ أَدْخَلْتَنِیالنَّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَها أَنِی أُحِبُّکَ، إِلهِی

إنْ بگیرم و اگر بـه دوزخـم بـبری بـدوزخیان اعلام می‌کنم که من تـو را دوست دارم خـدایا اگر عمـل من در کـانَ صَـغُرَ فِی جَنْبِ طاعَتِـکَ عَمَلِی، فَقَدْ کَبُرَ فِی جَنْبِ رَجائِـکَ کنار اطاعت از تو کوچک است ولی آرزویم در کنار امیـد تو أَمَلِی، إلِهِی کَیْفَ أَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِکَ بالْخَیْبَةِ مَحْرُوماً، وَقَدْ کانَ بزرگ است خدایا چگونه من از پیش تو محروم برگردم با اینکه چنان حُسْنُ ظَنِّی بِجُودِکَ أنْ تَقْلِبَنِی بِالنَّجاةِمَرْحُوماً، إلِهِی وَقَدْ أَفْنَیْتُ حسن‌ظنی من به جود و بخشـشت داشـتم که مرا مورد رحمت خویش قرار داده با نجات بازم خـواهی گردانـد خـدایا من عمرم را ادعیه و زیـارات مـدینه منوره، ص: ۱۲۲ عُمُرِی فِی شِرَّةِ السَّهْوِ عَنْکَ، وَأَبْلَیْتُ شَبابِی فِی سَـکْرَةِ التَّباعُـدِ در حرص غفلـت از تـو سپری کردم و جـوانیم را در مسـتی دوری از تـو از بین مِنْـکَ، إلِهِی فَلَمْ أَسْتَیْقِـظْ أَیَّامَ اغْتِرارِی بِکَ وَرُکُونِی إلی سَبِیـلِ بردم و از اینرو خـدایا بیـدار نشـدم در آن روزگاری که به کرم تو مغرور بودم و به راه خشم تو سَـخَطِکَ، إلِهِی وَأَنَا عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ قائِمٌ بَیْنَ یَدَیْکَ، مُتَوَسِلٌ متمایل گشـته بودم خدایا من بنده تو و فرزند بنده توام که در برابرت ایسـتاده و به وسیله کرم تو بِکَرَمِکَ إلَیْکَ، إلِهِی أَنَا عَبْدٌ أَتَنَصَّلُ إلَیْکَ مِمَّا کُنْتُ اواجِهُکَ بِهِ به درگاهت توسل جویم خدایا من بنده‌ای هستم که می‌خواهم از آلودگی آنچه بدان با تو روبرو شدم مِنْ قِلَّةِ اسْـتِحْیائِی مِنْ نَظَرِکَ، وَأَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْکَ، اذ الْعَفْوُ نَعْتٌ از بی‌حیایی خودم در پیش روی تو خود را پـاک سـازم و از تو گـذشت می‌خواهم زیرا گـذشت وصف لِکَرَمِکَ، إلِهِی لَمْ یَکُنْ لِی حَوْلٌ فَأَنْتَقِلَ بِهِ عَنْ مَعْصِیَتِکَ إلَّا فِی شـناسایی کرم تو است خـدایا من آن نیرویی که بتوانم بوسـیله آن خود را از نافرمانیت منتقل سازم نـدارم مگر در وَقْتٍ ایْقَظْتَنِی لِمَحَبَّتِـکَ، وَکَمـا أَرَدْتَ أَنْ أَکُونَ کُنْتُ، فَشَکَرْتُکَ آن وقت که تو برای دوسـتیت بیـدارم کنی و آن طور که خواهی باشم پس تو را سپاس گویم که بِإدْخالِی فِی کَرَمِکَ وَلِتَطْهِیرِ قَلْبِی مِنْ أَوْساخِ الْغَفْلَةِ عَنْکَ، مرا در کرم خویش داخل کردی و دلم را از چرکیهـای بی‌خبری و غفلت از خویش پـاکیزه سـاختی إلِهِی أُنْظُرْ إلَیَّ نَظَرَ مَنْ نـادَیْتَهُ فَأَجابَکَ، وَاسْـتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِکَ خـدایا به من بنگر نگریسـتن کسـی که او را خوانده‌ای و او پاسخت داده و به یاری خویش به کارش واداشته‌ای ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۲۳ فَأَطاعَـکَ، یا قَرِیباً لا یَبْعُـدُ عَنِ الْمُغْتَرِ بِهِ، وَیا جَواداً لا یَبْخَلُ و فرمانبریت کرده، ای نزدیکی که دور نگردی از آن کس که بـدو مغرور گشـته و ای بخشـنده‌ای که بخل نورزد عَمَّنْ رَجا ثَوابَهُ، إلِهِی هَبْ لِی قَلْباً یُـدْنِیهِ مِنْکَ شَوْقُهُ، وَلِساناً از آنکس که امید نیکیش دارد خـدایا دلی به من بـده که اشتیاقش به تو موجب نزدیکیش به تو گردد و زبانی یُرْفَعُ إلَیْکَ صِدْقُهُ، وَنَظَراً یُقَرِّبُهُ مِنْکَ حَقُّهُ، إلِهِی إنَّ مَنْ تَعَرَّفَ که صدق گفتارش بسوی تو بالا آید و نظر حقیقت بینی که همان حقیقتش او را به تو نزدیک گرداند خدایا کسـی‌که بوسـیله تو بِکَ غَیْرُ مَجْهُولٍ، وَمَنْ لاذَ بِکَ غَیْرُ مَخْـذُولٍ، وَمَنْ أَقْبَلْتَ عَلَیْهِ شـناخته شد گمنام نیست و کسـی‌که به تو پناهنده شد خوار نیست و کسـی که تو بسویش رو کنی بنـده غَیْرُ مَمْلُولٍ، إلِهِی إنَّ مَنِ انْتَهَجَ بِکَ لَمُسْـتَنِیرٌ، وَإنَّ مَنِ اعْتَصَمَ دیگری نخواهد بود خدایا براستی هرکس به تو راه جوید راهش روشن است و هر که به تو پناه بِکَ لَمُسْتَجِیرٌ، وَقَدْ لُذْتُ بِکَ یا إلِهِی، فَلا تُخَیِبْ ظَنِی‌مِنْ جوید پنـاه دارد و مـن ای خـدا بـه تـو پنـاه آوردهام پس گمـانی را که به رحمتت رَحْمَتِـکَ وَلا تَحْجُبْنِی عَنْ رَأْفَتِـکَ، إلِهِی اقِمْنِی فِی‌أَهْلِ وِلایَتِـکَ دارم نومیـد مکن و از مهر خویش منعم مکن خـدایا جای مرا در میان دوسـتدارانت مُقامَ مَنْ رَجَا الزِّیادَةَ مِنْ مَحَبَّتِکَ، إلِهِی وَالْهِمْنِی وَلَهاً بِذِکْرِکَ جای آن دسته از ایشان قرار ده که امید افزایش دوستیت را دارند خدایا در دلم انداز شـیدایی و شیفتگی إلی ذِکْرِکَ، وَهِمَّتِی فِی رَوْحِ نَجاحِ أَسْـمائِکَ وَمَحَلِ قُدْسِکَ، ذکر خود را پیاپی و همتم را در نشاط فیروز شدن اسـمائت و محل قدست قرار ده ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۱۲۴ إلِهِی بِـکَ عَلَیْـکَ إلَّا الْحَقْتَنِی بِمَحَلِ أَهْلِ طاعَتِکَ، وَالْمَثْوَی خـدایا به حق خودت بر خودت سوگنـد که مرا به محل فرمانبرداریت و جایگاه الصَّالِحِ مِنْ مَرْضاتِکَ، فَإنِی لا أَقْدِرُ لِنَفْسِـی دَفْعاً وَلا أَمْلِکُ لَها شایسـته‌ای از مقـام خوشـنودیت برسـانی زیرا که من قـادر بر دفع چیزی از خود نیسـتم و مالـک سودی نَفْعـاً، إلِهِی أَنـا عَبْـدُکَ الضَّعِیفُ الْمُـذْنِبُ وَمَمْلُوکُـکَ الْمُنِیبُ، فَلا هم برایش نیسـتم خـدایا من بنـده نـاتوان گنهکـار تو و مملوک زاری و بـازگشت به درگـاهت هسـتم پس تَجْعَلْنِی مِمَّنْ صَرَفْتَ عَنْهُ وَجْهَکَ، وَحَجَبَهُ سَـهْوُهُ عَنْ عَفْوِکَ، مرا در زمره کسـانی که روی از آنهـا گردانـدی و غفلتشـان مـانع از گـذشت تو گشـته قرارم مـده إلِهِی هَبْ لِی کَمالَ الْإنْقِطاعِ إلَیْکَ، وَأَنِرْ أَبْصارَ قُلُوبِنا بِضِیاءِ خدایا بریدن کاملی از خلق بسوی خود به

من عنایت کن و دیده‌های دلمان را به نور نَظَرِها إِلَیْکَ، حَتّی تَخْرِقَ أَبْصارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ، فَتَصِلَ توجهشان به سوی خود روشن گردان تا دیده‌های دل پرده‌های نور را پاره کند و به مخزن اصلی إِلی مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ، وَتَصِیرَ أَرْواحُنا مُعَلَّقَةً بِعِزِ قُدْسِکَ، إِلهِی بزرگی و عظمت برسد و ارواح ما مرتبط به عزت قدست گردد خدایا وَاجْعَلْنِی مِمَّنْ نادَیْتَهُ فَأَجابَکَ، وَلاحَظْتَهُ فَصَعِقَ لِجَلالِکَ، قرارم ده از کسانی که او را خواندی و پاسخت داد و در معرض توجه قرارش دادی و او در برابر جلال تو مدهوش گشت فَناجَیْتَهُ سِرّاً وَعَمِلَ لَکَ جَهْراً، إِلهِی لَمْ اسَلِطْ عَلی حُسْنِ ظَنِی و از این رو در پنهانی با او به راز گویی پرداختی ولی او آشکارا برایت کار کرد خدایا به خوش بینی من ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۲۵ قُنُوطَ الْأَیاسِ، وَلَا انْقَطَعَ رَجائِی مِنْ جَمِیلِ کَرَمِکَ، إِلهِی إِنْ ناامیدی را مسلط مکن و امیدم را که به کرم نیکویت دارم قطع مکن خدایا اگر کانَتِ الْخَطایا قَدْ أَسْقَطَتْنِی لَدَیْکَ، فَاصْفَحْ عَنِی بِحُسْنِ تَوَکُّلِی خطاهایم مرا از نظرت انداخته پس بدان اعتماد خوبی که به تو دارم از عَلَیْکَ، إِلهِی إِنْ حَطَّتْنِی الذُّنُوبُ مِنْ مَکارِمِ لُطْفِکَ، فَقَدْ نَبَّهَنِی من درگذر خدایا اگر گناهانم بواسطه بزرگواریهای لطفت مرا بی‌مقدار ساخته ولی در عوض الْیَقِینُ إِلی کَرَمِ عَطْفِکَ، إِلهِی إِنْ أَنامَتْنِی الْغَفْلَةُ عَنِ الْاسْتِعْدادِ یقین به بزرگ توجه تو مرا هشیار کرده خدایا اگر بی‌خبری از آماده شدن برای دیدارت لِلِقائِکَ، فَقَدْ نَبَّهَتْنِی الْمَعْرِفَةُ بِکَرَمِ آلائِکَ، إِلهِی إِنْ دَعانِی إِلَی مرا به خواب فرو برده ولی در عوض معرفت به بزرگ نعمتهایت مرا بیدار کرده خدایا اگر بزرگ النَّارِ عَظِیمُ عِقابِکَ فَقَدْ دَعانِی إِلَی الْجَنَّةِ جَزِیلُ ثَوابِکَ، إِلهِی کیفرت مرا به دوزخ می‌خواند ولی در مقابل پاداش فراوانت مرا به بهشت دعوت می‌کند خدایا فَلَکَ أَسْأَلُ وَإِلَیْکَ أَبْتَهِلُ وَأَرْغَبُ، وَأَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِیَ عَلی پس از تو خواهم و بسوی تو زاری کنم و بگرایم و از تو خواهم که درود فرستی بر مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَنِی مِمَّنْ یُدِیمُ ذِکْرَکَ، وَلا یَنْقُضُ محمد و آل محمد و مرا از کسانی قرارم دهی که پیوسته به یاد توانند و پیمانت را عَهْدَکَ، وَلا یَغْفُلُ عَنْ شُکْرِکَ، وَلا یَسْتَخِفُّ بِأَمْرِکَ، إِلهِی نمی‌شکنند و از شکر تو غافل نشوند و دستور تو را سبک نشمارند خدایا ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۲۶ وَالْحِقْنِی بِنُورِ عِزِّکَ الْأَبْهَجِ، فَأَکُونَ لَکَ عارِفاً وَعَنْ سِواکَ برسان مرا به نور درخشان عزتت تا عارف به ذاتت باشم و از غیر تو مُنْحَرِفاً وَمِنْکَ خائِفاً مُراقِباً، یا ذَا الْجَلالِ وَالْإِکْرامِ، وَصَلَّی اللَّهُ روگردان باشم و از تو ترسان و نگران باشم ای صاحب جلالت و بزرگواری و درود خدا بر عَلی مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِینَ وَسَلَّمَ تَسْلِیماً کَثِیراً». محمد پیامبرش و بر آل پاکش باد و سلام بسیار بر ایشان باد.»

### مناجات امیر مؤمنان علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ «اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ الْأَمانَ یَوْمَ لا یَنْفَعُ مالٌ وَلا بَنُونَ إِلّا مَنْ «خدایا از تو امان خواهم در آن روزی که سود ندهد کسی را نه مال و نه فرزندان مگر آن کس که أَتَی اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِیمٍ، وَأَسْأَلُکَ الْأَمانَ یَومَ یَعَضُّ الظَّالِمُ عَلی دلی پاک به نزد خدا آورد و از تو امان خواهم در آن روزی که بگزد شخص ستمکار هر یَدَیْهِ یَقُولُ یا لَیْتَنِی اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِیلًا، وَأَسْأَلُکَ الْأَمانَ دو دست خود را و گوید ای کاش گرفته بودم با پیامبر راهی و از تو امان خواهم ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۲۷ یَوْمَ یُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِیماهُمْ فَیُؤْخَذُ بِالنَّواصِی وَالْأَقْدامِ، در روزی که شناخته شوند جنایتکاران به سیما و رخسارشان و بگیرندشان به پیشانیها و قدمها وَأَسْأَلُکَ الْأَمانَ یَوْمَ لا یَجْزِی والِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلا مَوْلُودٌ هُوَ جازٍ و از تو امان خواهم در آن روزی که کیفر نبیند پدری بجای فرزندش و نه فرزندی کیفر شود عَنْ والِدِهِ شَیْئاً إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ، وَأَسْأَلُکَ الْأَمانَ یَوْمَ لا یَنْفَعُ بجای پدرش براستی وعده خدا حق است و از تو امان خواهم در آن روزی که سود ندهد الظَّالِمِینَ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ، وَأَسْأَلُکَ ستمکاران‌را عذرخواهیشان و بر ایشان است لعنت و ایشان را است بدی آن سرای و از تو امان الْأَمانَ یَوْمَ لا تَمْلِکُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَیْئاً وَالْأَمْرُ یَومَئِذٍ لِلَّهِ، خواهم در روزی که مالک نیست کسی برای کسی دیگر چیزی را و کار در آن‌روز بدست خدا است وَأَسْأَلُکَ الْأَمانَ یَوْمَ یَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِیهِ وَأُمِهِ وَأَبِیهِ وَصاحِبَتِهِ و از تو خواهم امان در آن روزی که بگریزد انسان از برادر و مادر و پدر و همسر وَبَنِیهِ لِکُلِ

امْرِءٍ مِنْهُمْ یَوْمَئِذٍ شَأْنٌ یُغْنِیهِ، وَأَسْأَلُکَ الْأَمانَ یَوْمَ و فرزندانش برای هرکس از ایشان در آن‌روز کاری است که (فقط) بدان پردازد و از تو خواهم امان در آن‌روزی یَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ یَفْتَدِی مِنْ عَذابِ یَوْمَئِذٍ بِبَنِیهِ وَصاحِبَتِهِ وَاخِیهِ که شخص جنایتکار دوست دارد که فدا دهد از عذاب آن‌روز پسرانش و همسرش و برادرش وَفَصِیلَتِهِ الَّتِی تُؤْوِیهِ وَمَنْ فِی الْأَرْضِ جَمِیعاً ثُمَّ یُنْجِیهِ کَلّا إِنَّها و خویشاوندانش که او را در پناه گیرند و هر که در زمین هست یکسره که بلکه او را نجات دهد، هرگز که ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۲۸ لَظی نَزّاعَةً لِلشَّوی مَوْلایَ یا مَوْلایَ أَنْتَ الْمَوْلی وَأَنَا الْعَبْدُ جهنم آتشی است سوزان که پوست از سر بکند مولای من، مولایم تویی سرور و منم بنده وَهَلْ یَرْحَمُ الْعَبْدَ إِلَّا الْمَوْلی مَوْلایَ یا مَوْلایَ أَنْتَ الْمالِکُ وَأَنَا و آیا رحم کند بر بنده جز سرور او مولای من ای مولای من تویی مالک و منم الْمَمْلُوکُ وَهَلْ یَرْحَمُ الْمَمْلُوکَ إِلَّا الْمالِکُ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ مملوک و آیا رحم کند بر مملوک جز مالک مولای من ای مولایم أَنْتَ الْعَزِیزُ وَأَنَا الذَّلِیلُ وَهَلْ یَرْحَمُ الذَّلِیلَ إِلَّا الْعَزِیزُ، مَوْلایَ یا تویی عزتمند و منم خوار و ذلیل و آیا رحم کند بر شخص خوار جز عزیز مولای من ای مَوْلایَ أَنْتَ الْخالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَهَلْ یَرْحَمُ الْمَخْلُوقَ إِلَّا مولای من تویی آفریدگار و منم آفریده و آیا رحم کند بر آفریده جز الْخالِقُ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ أَنْتَ الْعَظِیمُ وَأَنَا الْحَقِیرُ وَهَلْ آفریدگار. مولای من، ای مولای من، تویی بزرگ و منم ناچیز و آیا رحم کند یَرْحَمُ الْحَقِیرَ إِلَّاالْعَظِیمُ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ أَنْتَ الْقَوِیُّ بر ناچیز جز بزرگ، مولای من، ای مولای من، تو قوی و توانمندی وَ أَنَا الضَّعِیْفُ، وَهَلْ یَرْحَمُ الضَّعِیْفَ إِلَّا الْقَوِیُّ، و من ضعیف و ناتوان، آیا رحم کند بر ضعیف و ناتوان، جز قوی و توانمند؟ مَوْلایَ یا مَوْلایَ أَنْتَ الغَنِیُّ وَأَنَا الْفَقِیرُ وَهَلْ یَرْحَمُ مولای من، ای مولای من، تویی بی‌نیاز و منم نیازمند و آیا رحم کند ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۲۹ الْفَقِیرَ إِلَّا الْغَنِیُّ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ أَنْتَ الْمُعْطِی وَأَنَا بر نیازمند جز بی‌نیاز؟ مولای من، ای مولای من، تویی عطابخش و منم السَّائِلُ، وَهَلْ یَرْحَمُ السَّائِلَ إِلَّا الْمُعْطِی، مَوْلایَ یا مَوْلایَ أَنْتَ سائل و آیا رحم کند بر سائل جز عطاکننده مولای من ای مولای من تویی الْحَیُّ، وَأَنَا الْمَیتُ وَهَلْ یَرْحَمُ الْمَیتَ إِلَّا الْحَیُّ، مَوْلایَ یا زنده و منم مرده و آیا رحم کند مرده را جز زنده مولای من ای مَوْلایَ أَنْتَ الْباقِی وَأَنَا الْفانِی وَهَلْ یَرْحَمُ الْفانِیَ إِلَّا الْباقِی، مولای من تویی باقی و منم فانی و آیا رحم کند بر فانی جز خدای باقی مَوْلایَ یا مَوْلایَ أَنْتَ الدَّائِمُ وَأَنَا الزّائِلُ وَهَلْ یَرْحَمُ الزَّائِلَ إِلَّا مولای من ای مولای من تویی همیشگی و منم زوال‌پذیر و آیا رحم کند بر زوال‌پذیر جز الدَّائِمُ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ أَنْتَ الرَّازِقُ وَأَنَا الْمَرْزُوقُ وَهَلْ یَرْحَمُ خدای همیشگی مولای من ای مولای من تویی روزی‌ده و منم روزی‌خور و آیا رحم کند الْمَرْزُوقَ إِلَّا الرَّازِقُ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ أَنْتَ الْجَوادُ وَأَنَا الْبَخِیلُ روزی خور را جز روزی‌ده مولای من ای مولای من تویی سخاوتمند و منم بخیل وَهَلْ یَرْحَمُ الْبَخِیلَ إِلَّا الْجَوادُ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ أَنْتَ الْمُعافِی و آیا رحم کند بر بخیل جز سخاوتمند مولای من ای مولای من تویی عافیت‌بخش وَأَنَا الْمُبْتَلی وَهَلْ یَرْحَمُ الْمُبْتَلی إِلَّا الْمُعافِی، مَوْلایَ یا مَوْلایَ و منم گرفتار و آیا رحم کند بر شخص گرفتار جز عافیت‌بخش مولای من ای مولای من ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۳۰ أَنْتَ الْکَبِیرُ وَأَنَا الصَّغِیرُ وَهَلْ یَرْحَمُ الصَّغِیرَ إِلَّا الْکَبِیرُ، مَوْلایَ یا تویی بزرگ و منم کوچک و آیا رحم کند بر کوچک جز بزرگ مولای من ای مَوْلایَ أَنْتَ الْهادِی وَأَنَا الضَّالُّ وَهَلْ یَرْحَمُ الضَّالَّ إِلَّا الْهادِی، مولای من تویی راهنما و منم گمراه و آیا رحم کند بر گمراه جز راهنما مَوْلایَ یا مَوْلایَ أَنْتَ الرَّحْمانُ وَأَنَا الْمَرْحُومُ وَهَلْ یَرْحَمُ مولای من ای مولای من تویی بخشاینده و منم بخشش‌پذیر و آیا رحم کند الْمَرْحُومَ إِلَّا الرَّحْمانُ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ أَنْتَ السُّلْطانُ وَأَنَا بخشش‌پذیر را جز بخشاینده مولای من ای مولای من تویی سلطان و منم الْمُمْتَحَنُ وَهَلْ یَرْحَمُ الْمُمْتَحَنَ إِلَّا السُّلْطانُ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ گرفتار آزمایش و آیا رحم کند به بنده گرفتار آزمایش جز سلطان مولای من ای مولای من أَنْتَ الدَّلِیلُ وَأَنَا الْمُتَحَیرُ وَهَلْ یَرْحَمُ الْمُتَحَیرَ إِلَّا الدَّلِیلُ، مَوْلایَ تویی دلیل و راهنما و منم متحیر و سرگردان و آیا رحم کند سرگردان را جز راهنما مولای من یا مَوْلایَ أَنْتَ الْغَفُورُ، وَأَنَا الْمُذْنِبُ وَهَلْ یَرْحَمُ الْمُذْنِبَ إِلَّا ای مولای من تویی آمرزنده و منم گنهکار و آیا رحم کند گنهکار را جز الْغَفُورُ مَوْلایَ یا مَوْلایَ أَنْتَ الْغالِبُ وَأَنَا الْمَغْلُوبُ وَهَلْ یَرْحَمُ آمرزنده مولای من ای مولای من تویی غالب و منم مغلوب و آیا رحم کند الْمَغْلُوبَ إِلَّا الْغالِبُ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ أَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْمَرْبُوبُ بر مغلوب جز غالب مولای من ای مولای من تویی پروردگار و منم پروریده ادعیه و زیارات مدینه منوره،

ص: ۱۳۱ وَهَلْ یَرْحَمُ الْمَرْبُوبَ إِلَّا الرَّبُّ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ أَنْتَ الْمُتَکَبِرُ و آیا رحم کند پروریده را جز پروردگار مولای من ای مولای من تویی خدای با کبریا و بزرگمنش وَأَنَا الْخاشِعُ وَهَلْ یَرْحَمُالْخاشِعَ إِلَّا الْمُتَکَبِرُ، مَوْلایَ یا مَوْلایَ و منم بنده فروتن و آیا رحم کند بر فروتن جز خدای بزرگمنش مولای من ای مولای من ارْحَمْنِیبِرَحْمَتِکَ، وَارْضَ عَنِیبِجُودِکَ وَکَرَمِکَ وَفَضْلِکَ یا ذَا به من رحم کن به رحمت خود و خوشنود شو از من به جود و کرم و فضل خود ای صاحب الْجُودِ وَ الْإِحْسانِ وَالطَّوْلِ وَ الْإِمْتِنانِ بِرَحْمَتِکَ یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ». جود و احسان و نعمت و امتنان به رحمتت ای مهربانترین مهربانان.» ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۳۲

## چند مناجات از مناجات خمسهٔ عشر

پانزده مناجات از امام زین العابدین علیه السلام روایت شده که مرحوم علّامه مجلسی در بحار الأنوار فرموده: من این مناجات را در کتب بعضی از اصحاب دیدم. که چند نمونه آن را در اینجا ذکر می کنیم:

### مناجات تائبین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم «إِلهِی الْبَسَتْنِی الْخَطایا ثَوْبَ مَذَلَّتِی، وَجَلَّلَنِی التَّباعُدُ مِنْکَ «خدایا خطاها و گناهان لباس خواری بر تنم کرده و دوری از تو لِباسَ مَسْکَنَتِی، وَأَماتَ قَلْبِی عَظِیمُ جِنایَتِی، فَأَحْیِهِ بِتَوْبَةٍ مِنْکَ جامه بیچارگی بر تنم افکنده و بزرگ جنایتم دلم را میرانده پس تو زنده‌اش کن به بازگشت خودت یا أَمَلِی وَبُغْیَتِی، وَیا سُؤْلِی وَمُنْیَتِی، فَوَعِزَّتِکَ ما أَجِدُ لِذُنُوبِی (بسوی من) ای آرزو و مقصودم و ای خواسته و آرمانم به عزتت سوگند برای گناهانم سِواکَ غافِراً، وَلا اری لِکَسْرِی غَیْرَکَ جابِراً، وَقَدْ خَضَعْتُ جز تو آمرزنده‌ای نیابم و برای شکستگیم جز تو شکسته‌بندی نبینم و من بوسیله آه و ناله کردن بسوی ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۳۳ بِالْإِنابَةِ إِلَیکَ، وَعَنَوْتُ بالْاسْتِکانَةِ لَدَیْکَ، فَانْطَرَدْتَنِی مِنْ بابِکَ تو بدرگاهت خاضع گشته و با زاری کردن در برابرت خود را به خواری کشاندم پس اگر توام از درگاه خویش برانی در آن‌حال فَبِمَنْ الُوذُ، وَإِنْ رَدَدْتَنِی عَنْ جَنابِکَ فَبِمَنْ أَعُوذُ، فَوا اسَفاهُ مِنْ به که روآورم، و اگر توام از نزد خویش بازگردانی به که پناه برم، و بس افسوس از خَجْلَتِی وَافْتِضاحِی، وَوالَهْفاهُ مِنْ سُوءِ عَمَلِی وَ اجْتِراحِی، شرمندگی و رسواییم و ای دریغ از کار بد و گناهانی که بدست آورده‌ام أَسْأَلُکَ یا غافِرَ الذَّنْبِ الْکَبِیرِ، وَیا جابِرَ الْعَظْمِ الْکَسِیرِ، أنْ تَهَبَ از تو خواهم ای آمرزنده گناه بزرگ و ای ترمیم کننده استخوان شکسته که ببخشی لِی مُوبِقاتِ الْجَرائِرِ، وَتَسْتُرَ عَلَیَّ فاضِحاتِ السَّرائِرِ، وَلا تُخْلِنِی بر من گناهان نابود کننده‌ام را و بپوشی بر من کارهای پنهانی رسواکننده را و مرا فِی مَشْهَدِ الْقِیامَةِ مِنْ بَرْدِ عَفْوِکَ وَغَفْرِکَ، وَلا تُعْرِنِی مِنْ جَمِیلِ در بازار قیامت از نسیم جان‌بخش عفو و آمرزشت محروم نفرمایی و از لباس زیبای گذشت و صَفْحِکَ وَسَتْرِکَ، إِلهِی ظَلِّلْ عَلی ذُنُوبِی غَمامَ رَحْمَتِکَ، چشم‌پوشی خود برهنه‌ام نکنی خدایا سایه ابر رحمتت را بر گناهانم بینداز وَأَرْسِلْ عَلی عُیُوبِی سَحابَ رَأْفَتِکَ، إِلهِی هَلْ یَرْجِعُ الْعَبْدُ و ابر ریزان مهربانی و رأفتت را برای شستشوی عیبهایم بفرست خدایا آیا بنده فراری الْآبِقُ إِلّا إِلی مَوْلاهُ، أَمْ هَلْ یُجِیرُهُ مِنْ سَخَطِهِ أَحَدٌ سِواهُ، إِلهِی جز به درگاه مولایش به کجا بازگردد یا آیا کسی جز او هست که وی‌را از خشم او پناه دهد معبودا ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۳۴ إِنْ کانَ النَّدَمُ عَلَی الذَّنْبِ تَوْبَةً فَإِنِی وَعِزَّتِکَ مِنَ النَّادِمِینَ، وَإِنْ اگر پشیمانی بر گناه توبه محسوب شود پس به عزتت سوگند که براستی من از پشیمانانم و اگر کانَ الْاسْتِغْفارُ مِنَ الْخَطِیئَةِ حِطَّةً فَإِنِّی لَکَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِینَ، لَکَ آمرزش خواهی از خطا آنرا پاک کند پس براستی من از آمرزش خواهانم خدایا تو را الْعُتْبی حَتَّی تَرْضی إِلهِی بِقُدْرَتِکَ عَلَیَّ تُبْ عَلَیَّ، وَبِحِلْمِکَ سزد که مرا مؤاخذه کنی تا گاهی که خوشنود شوی خدایا به همان قدرتی که بر من داری توبه‌ام بپذیر و به بردباریت عَنِّی اعْفُ عَنِی، وَبِعِلْمِکَ بِی ارْفَقْ بِی، إِلهِی أَنْتَ الَّذِی فَتَحْتَ از من بگذر و به همان علمت که به احوالم داری با من مدارا کن خدایا تویی که دری از عفو لِعِبادِکَ باباً إِلی عَفْوِکَ سَمَّیْتَهُ التَّوْبَةَ، فَقُلْتَ خود بسوی بندگانت باز کردی و نامش را توبه گذاردی و فرمودی «بسوی خدا بازگردید تُوبُوا إِلَی اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحاً، فَما عُذْرُ مَنْ

أَغْفَلَ دُخُولَ الْبابِ بَعْدَ فَتْحِهِ، إِلهِی إِنْ باتوبه صادقانه» پس‌دیگرچه عـذری دارد آن کس که از وارد شدن در این در باز شده غفلت ورزد خـدایا اگر کانَ قَبُحَ الـذَّنْبُ مِنْ عَبْدِکَ فَلْیَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْعِنْدِکَ، إِلهِی ما أَنَا براستی سر زدن گناه از بندهات زشت است ولی گـذشت نیز از نزد تو نیکو است معبودا من نخستین کسـی نیسـتم بِأَوَّلِ مَنْ عَصاکَ فَتُبْتَ عَلَیْهِ وَتَعَرَّضَ لِمَعْرُوفِکَ فَجُدْتَ عَلَیْهِ، که نافرمانیت کرده و توبه پذیرش گشته‌ای و خواستار احسانت گشته و تو بر او احسان کرده‌ای یا مُجِیبَ الْمُضْطَرِ، یا کاشِفَ الضُّرِ، یا عَظِیمَ الْبِرِ، یـا عَلِیماً بما ای پذیرنـده بیچاره ای غمزدا ای بزرگ احسان ای دانای ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۱۳۵ فِی السِرِ، یا جَمِیلَ السِتْرِ، اسْتَشْفَعْتُ بِجُودِکَ وَکَرَمِکَ إِلَیْکَ، اسرار نهـان ای نیکو پرده‌پوش شـفیع گردانم نزد تو جود و کرمت را وَتَوَسَّلْتُ بِحَنانِکَ، وَتَرَحُّمِکَ لَدَیْکَ، فَاسْتَجِبْ دُعائِی، وَلا و توسل جسـتم به حضـرتت و به مهربانیت در پیش تو پس دعایم مستجاب کن و امیـدم را تُخَیِّبْ فِیکَ رَجائِی، وَتَقَبَّلْ تَوْبَتِی، وَکَفِرْ خَطِیئَتِی، بِمَنِکَ درباره خودت به نومیـدی مبدل مکن و توبه‌ام را بپذیر و گناهم را به کرم و مهربانی وَرَحْمَتِکَ یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ». خود نادیده گیر ای مهربانترین مهربانان.»

## مناجات شاکین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم «إِلهِی إِلَیْکَ أَشْکُو نَفْساً بِالسُّوءِ امَّارَةً، وَإِلَی الْخَطِیئَةِ «خدایا به سوی تو شکایت آورم از نفسی که مرا همواره به بدی مُبادِرَةً، وَبِمَعاصِیکَ مُولَعَةً، وَ لِسَخَطِکَ مُتَعَرِّضَةً، تَسْلُکُ وادارد و به سوی گناه شتاب دارد و به نافرمانیهایت حریص است و به موجبات خشـمت ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۳۶ بِی مَسالِکَ الْمَهالِکَ، وَتَجْعَلُنِی عِنْدَکَ أَهْوَنَ هالِکٍ، دست درازی کند مرا به راههـایی که منجر به هلاـکت می‌شـود می‌کشانـد و بصورت پست‌ترین کَثِیرَةَ الْعِلَلِ طَوِیلَةَ الْأَمَلِ، إِنْ مَسَّهَا الشَّرُّ تَجْزَعُ، وَإِنْ نابودشـدگان در آورد بیماریهایش بسـیار و آرزویش دراز است اگر شـری به او رسـد بی‌تاب شود و اگر مَسَّهَا الْخَیْرُ تَمْنَعُ، مَیَّالَةً إِلَی اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ، مَمْلُوَّةً بِالْغَفْلَةِ خیری نصـیبش گردد سرکشـی کند به اسـباب بازی و سـرگرمیهای بیهوده بسـیار متمایل و از بی‌خبری و وَالسَّهْوِ، تُسْرِعُ بِی إِلَی الْحَوْبَةِ، وَتُسَوِّفُنِی بِالتَّوْبَةِ، إِلهِی أَشْکُو فراموشی انباشته است مرا به سوی گناه شتاب دهد و به نوبت توبه امروز و فردایم کند خدایا به تو شـکایت إِلَیْکَ عَدُوّاً یُضِلُّنِی، وَشَیْطاناً یُغْوِینِی، قَدْ مَلَأَ بِالْوَسْواسِ آورم از دشمنی که گمراهم کند و شیطانی کـه مرا از راه بـدر برد سـینه‌ام را پر از صَـدْرِی، وَأَحـاطَتْ هَـواجِسُهُ بِقَلْبِی، یُعاضِـدُ لِیَ الْهَوی وَیُزَیِّنُ وسـوسه کرده و تحریکـات زهرآگینش قلبم را احاطه کرده به هوی و هوسم کمک کنـد و دوستی دنیا را لِی حُبَّ الدُّنْیا، وَیَحُولُ بَیْنِی وَبَیْنَ الطَّاعَةِ وَالزُّلْفی إِلهِی إِلَیْکَ پیش چشـمم آرایش دهـد میـان مـن و فرمـانبرداری و تقرب به درگـاهت حائـل گردد خـدایا پیش تـو أَشْکُو قَلْباً قاسِیاً، مَعَ الْوَسْواسِ مُتَقَلِّباً، وَبِالرَّیْنِ وَ الطَّبْعِ مُتَلَبِساً، شـکوه آرم از دلی که سـخت شـده و بدست وسوسه‌ها بگردد و به زنگ (خودبینی) و خوی زشت پوشـیده شـده وَ عَیْناً عَنِ الْبُکاءِ مِنْ خَوْفِکَ جامِدَةً، وَ إِلی ما یَسُرُّها طامِحَةً، و از دیده‌ای که به هنگام گریه کردن از خوف تو خشک است ولی برای نگریستن به مناظر خوش‌آینـدش خیره و حریص است ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۱۳۷ إِلهِی لا حَوْلَ لِی وَ لاـ قُوَّةَ إِلّا بِقُدْرَتِکَ، وَلا نَجاةَ لِی مِنْ مَکارِهِ خـدایا جنبش و نیرویی برای من نیست جز به نیروی تو و راه نجاتی از گرفتاریهای الدُّنْیا إِلّا بِعِصْمَتِکَ، فَأَسْأَلُکَ بِبَلاغَةِ حِکْمَتِکَ، وَنَفاذِ مَشِیَّتِکَ، دنیا ندارم جز نگهداری تو پس از تو می‌خواهم به حکمت رسایت و به مشیت جاری و گذرایت أَنْ لا تَجْعَلَنِی لِغَیْرِ جُودِکَ مُتَعَرِّضاً، وَلا تُصَیرَنِی لِلْفِتَنِ غَرَضاً، که مرا تنها در معرض جود و بخشش خود درآوری و هدف تیرهای بلا و آزمایش قرارم ندهی وَکُنْ لِی عَلَی الْأَعْداءِ ناصِراً، وَعَلَی الْمَخازِی وَالْعُیُوبِ ساتِراً، و مرا در پیروزی بر دشـمنان یـاری کنی و رسوائیهـا و عیوبم را بپوشانی وَمِنَ الْبَلایا واقِیاً، وَعَنِ الْمَعاصِی عاصِماً، بِرَأْفَتِکَ وَرَحْمَتِکَ یا و از بلا محافظتم کنی و از گناهان نگاهم داری به مهر و رحمتت ای أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ». مهربانترین مهربانان.»

## مناجات خائفین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ «إِلهِی أَتَراکَ بَعْدَ الْإِیمانِ بِکَ تُعَذِّبُنِی، أَمْ بَعْدِ حُبِی «خدایا آیا چنان می‌بینی که پس از ایمان آوردنم به تو ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۳۸ إِیَّاکَ تُبَعِدُنِی، أَمْ مَعَ رَجائِی لِرَحْمَتِکَ وَصَفْحِکَ تَحْرِمُنِی، مرا عذاب کنی یا پس از دوستیم به تو مرا از خود دور کنی یا با امیدی که به رحمت ام مَعَ اسْتِجارَتِی بِعَفْوِکَ تُسْلِمُنِی، حاشا لِوَجْهِکَ الْکَرِیمِ و چشم‌پوشیت دارم محرومم سازی یا با پناه آوردنم به عفو و گذشتت مرا بدست دوزخ سپاری؟ هرگز! أَنْ تُخَیِّبَنِی، لَیْتَ شِعْرِی الِلشَّقاءِ وَلَدَتْنِی أُمِی، أَمْ لِلْعَناءِ از ذات بزرگوار تو دور است که محرومم کنی، ای کاش می‌دانستم که آیا مادرم مرا برای بدبختی زائیده رَبَّتْنِی، فَلَیْتَها لَمْ تَلِدْنِی وَلَمْ تُرَبِینِی، وَلَیْتَنِی عَلِمْتُ امِنْ یا برای رنج و مشقت مرا پروریده، کاش مرا نزائیده و بزرگ نکرده بود و کاش می‌دانستم ای خدا أَهْلِ السَّعادَةِ جَعَلْتَنِی، وَبِقُرْبِکَ وَجِوارِکَ خَصَصْتَنِی، فَتَقَرَّ که آیا مرا از اهل سعادت قرارم داده و به مقام قرب و جوار خویش مخصوصم گردانده‌ای تا چشمم بِذلِکَ عَیْنِی وَتَطْمَئِنَّ لَهُ نَفْسِی، إِلهِی هَلْ تُسَوِّدُ وُجُوهاً خَرَّتْ بدین سبب روشن گشته و دلم مطمئن گردد خدایا آیا براستی سیاه کنی چهره‌هایی را که در برابر عظمتت ساجِدَةً لِعَظَمَتِکَ، أَوْ تُخْرِسُ أَلْسِنَةً نَطَقَتْ بِالثَّناءِ عَلی مَجْدِکَ به خاک افتاده یا لال کنی زبانهایی را که به ثناگویی درباره مجد وَجَلالَتِکَ، أَوْ تَطْبَعُ عَلی قُلُوبِ انْطَوَتْ عَلی مَحَبَّتِکَ، أَوْ تُصِمُّ و شوکتت گویا شده یا مُهر زنی بر دلهایی که دوستی تو را در بردارد یا کَر کنی أَسْماعاً تَلَذَّذَتْ بِسَماعِ ذِکْرِکَ فِی إِرادَتِکَ، أَوْ تَغُلُّ اکُفّاً رَفَعَتْهَا گوشهایی را که به شنیدن ذکرت در ارادت ورزی به تو لذت برند یا ببندی به زنجیر کیفر دستهایی را که ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۳۹ الْآمالُ إِلَیْکَ رَجاءَ رَأْفَتِکَ، أَوْ تُعاقِبُ أَبْداناً عَمِلَتْ بِطاعَتِکَ آمال و آرزوها به امید مِهرت آنها را به سوی تو بلند کرده یا کیفر کنی بدنهایی را که در طاعتت کار کرده حَتّی نَحِلَتْ فِی مُجاهَدَتِکَ، أَوْ تُعَذِّبُ أَرْجُلًا سَعَتْ فِی تا به جایی که در راه کوشش برای تو نزار گشته یا شکنجه دهی پاهایی را که در عِبادَتِکَ، إِلهِی لا تُغْلِقْ عَلی مُوَحِّدِیکَ أَبْوابَ رَحْمَتِکَ، وَلا پرستشت راه یافته خدایا درهای رحمتت را به روی یکتا پرستانت مبند و تَحْجُبْ مُشْتاقِیکَ عَنِ النَّظَرِ إِلی جَمِیلِ رُؤْیَتِکَ، إِلهِی نَفْسٌ مشتاقانت را از مشاهده جمال دیدارت محروم مکن خدایا نفسی را أَعْزَزْتَها بِتَوْحِیدِکَ کَیْفَ تُذِلُّها بِمَهانَةِ هِجْرانِکَ، وَضَمِیرٌ انْعَقَدَ که به وسیله توحید و یگانه پرستیت عزیز داشته‌ای چگونه به خوارِیِ هجرانت پست کنی و نهادی را که با عَلی مَوَدَّتِکَ کَیْفَ تُحْرِقُهُ بِحَرارَةِ نِیرانِکَ، إِلهِی أَجِرْنِی مِنْ أَلِیمِ دوستی تو پیوند شده چگونه به حرارت آتشت بسوزانی خدایا پناهم ده از خشم غَضَبِکَ وَعَظِیمِ سَخَطِکَ، یا حَنَّانُ یا مَنَّانُ، یا رَحِیمُ یا رَحْمانُ، دردناک و غضب بزرگت ای مِهرورز ای پربخشش ای مهربان ای بخشاینده یا جَبَّارُ یاقَهَّارُ، یا غَفَّارُ یا سَتَّارُ، نَجِنِی بِرَحْمَتِکَ مِنْ عَذابِ ای دارای بزرگی و عظمت ای به قهر گیرنده ای پرده‌پوش نجاتم ده به رحمت خود از عذاب النَّارِ، وَفَضِیحَةِ الْعارِ، اذَا امْتازَ الْأَخْیارُ مِنَ الْأَشْرارِ، وَحالَتِ دوزخ و رسوایی ننگ (یا برهنگی) در آن هنگام که نیکان از بدان جدا گردند و احوال ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۴۰ الْأَحْوالُ، وَقَرُبَ الْمُحْسِنُونَ، وَبَعُدَ الْمُسِیئُونَ، وَوُفِیَتْ دگرگون شود و نزدیک و مقرب شوند نیکوکاران و دور گردند بدکاران و به هر کُلُّ نَفْسٍ ما کَسَبَتْ وَهُمْ لایُظْلَمُونَ». کس هر چه کرده است داده شود و ستم به ایشان نشود.»

### زیارت اوّل جامعه

این زیارت در کتب کافی، تهذیب و کامل الزیارات نقل شده است، و در تمام زیارتگاه‌های ائمّه و انبیا واوصیا علیهم السلام خوانده می‌شود: «السَّلامُ عَلی أَوْلِیاءِ اللَّهِ وَأَصْفِیائِهِ، السَّلامُ عَلی امَناءِ اللَّهِ «سلام بر بندگان مقرب خدا و بر برگزیدگانش سلام بر آنانکه امین خدا وَأَحِبَّائِهِ، السَّلامُ عَلی أَنْصارِ اللَّهِ وَخُلَفائِهِ، السَّلامُ عَلی مَحالِ و دوستان اویند سلام بر یاران خدا و جانشینانش سلام بر جایگاههای مَعْرِفَةِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی مَساکِنِ ذِکْرِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی مُظْهِرِی معرفت خدا سلام بر مسکنهای ذکر خدا سلام بر آشکار سازندگان أَمْرِ اللَّهِ وَنَهْیِهِ، السَّلامُ عَلَی الدُّعاةِ إِلَی اللَّهِ، السَّلامُ عَلَی امر و نهی خدا سلام بر خوانندگان (مردم) بسوی خدا سلام ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۴۱ الْمُسْتَقِرِّینَ فِی مَرْضاةِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَی الْمُخْلِصِینَ فِی طاعَةِ بر استقرار یافتگان در خوشنودیهای خدا

سلام بر مخلصان در فرمانبرداری اللَّهِ، السَّلامُ عَلَی الْأَدِلّاءِ عَلَی اللَّهِ، السَّلامُ عَلَی الَّذِینَ مَنْ خدا سلام بر راهنمایان بسوی خدا سلام بر آن بزرگوارانی که هر که والاهُمْ فَقَدْ والَی اللَّهَ، وَمَنْ عاداهُمْ فَقَدْ عادَی اللَّهَ، وَمَنْ دوستشان دارد خدای را دوست داشته و هر که دشمنشان دارد خدای را دشمن داشته و هر که عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ، وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ، وَمَنِ آنان را بشناسد خدای را شناخته و هر که نشناسدشان خدای را نشناخته و هر که اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، وَمَنْ تَخَلَّی مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّی مِنَ بدانان چنگ زند به خدا چنگ زده و هر که آنان را رها کند خدای اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَاشْهِدُ اللَّهَ أَنِی سِلْمٌ لِمَنْ سالَمْتُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ عزوجل را رها کرده است و خدای را گواه گیرم که من تسلیمم برای هر کس که شما تسلیم اوئید در جنگم با هر که حارَبْتُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّکُمْ وَعَلانِیَتِکُمْ، مُفَوِّضٌ فِی ذلِکَ کُلِهِ إِلَیْکُمْ، شما در جنگید ایمان دارم به نهان و آشکار شما و اختیار همه این کارها را به شما واگذار کنم لَعَنَ اللَّهُ عَدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِ وَالْإِنْسِ، وَأَبْرَأُ إِلَی اللَّهِ مِنْهُمْ، خدا لعنت کند دشمن آل محمد را از جنّ و انس و بیزاری جویم بدرگاه خدا از ایشان وَصَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ». و درود خدا بر محمد و آلش باد.» ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۴۲

## زیارت جامعه کبیره

زیارت جامعه، زیارتی است که به خاطر جامع بودن مطالب و تعبیرها و صفات و خصوصیات امامان علیهم السلام که در آن بیان شده، جامعیّت خاصّی دارد، و می‌توان هر یک از امامان و معصومین علیهم السلام را با آن زیارت کرد. نمونه‌های متعدّدی به عنوان زیارت جامعه در کتاب‌ها آمده‌است، که «زیارت جامعه کبیره» مفصّل‌تر و جامع‌تر از همه است، و یک دوره «امام شناسی» به حساب می‌آید. صفات و فضایل و ویژگی‌های ائمّه معصومین علیهم السلام در این زیارت گرد آمده، و کتاب‌های متعدّدی هم در شرح آن نوشته شده است. زائری که با معرفت و از روی بصیرت این زیارت را با توجه به معنایش در کنار قبور ائمّه علیهم السلام بخواند، نوعی مرور بر اعتقادات و باورها و تجدید میثاق با اولیای دین کرده است. شیخ صدوق در «فقیه» و «عیون» روایت کرده از موسَی بن عبداللّه نخعی، که گفت: به حضرت امام علیّ النّقی علیه السلام عرض ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۴۳ کردم: یابن رسول اللّه! مرا تعلیم فرما زیارتی که با بلاغت کامل باشد، هرگاه خواستم زیارت کنم یکی از شما را، آن را بخوانم. فرمود: چون به آستانه در حرم رسیدی توقف کن، و شهادتین را بگو: «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لاشَرِیکَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ «گواهی دهم که معبودی جز خدای یکتای بی‌همتا نیست، و گواهی دهم که مُحَمَّداً صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ». محمّد- درود خدا بر او و آلش باد- بنده و فرستاده او است.» و در حلی که غُسل زیارت کرده‌ای داخل حَرَم می‌شوی و آنگاه که قبر را دیدی توقف کن و سی مرتبه «اللَّهُ أَکْبَرُ» بگو، پس با دل آرام اندکی پیش برو، و گام‌ها را نزدیک بگذار، آنگاه توقف کن و سی مرتبه «اللَّهُ أَکْبَرُ» بگو، پس نزدیک قبر مُطهّر برو، و چهل مرتبه «اللَّهُ أَکْبَرُ» بگو تا صد تکبیر تمام شود، پس بگو: «اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا أَهْلَ بَیْتِ النُّبُوَّةِ، وَمَوْضِعَ الرِّسالَةِ، «سلام بر شما ای خاندان نبوت و جایگاه رسالت ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۴۴ وَمُخْتَلَفَ الْمَلائِکَةِ، وَمَهْبِطَ الْوَحْیِ، وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ، وَخُزَّانَ و مرکز رفت و آمد فرشتگان و جای فرود آمدن وحی (الهی) و معدن رحمت (حق) و گنجینه‌داران الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَی الْحِلْمِ، وَاصُولَ الْکَرَمِ، وَقادَةَ الْامَمِ، وَأَوْلِیاءَ دانش و سرحد نهائی بردباری و اصول و اساس کرم و بزرگواری و پیشوایان ملتها و در اختیار دارندگان النِعَمِ، وَعَناصِرَ الْأَبْرارِ، وَدَعائِمَ الْأَخْیارِ، وَساسَةَ الْعِبادِ، وَأَرْکانَ نعمتها و ریشه و اصول نیکان و استوانه‌های خوبان و زمامداران بندگان و پایه‌ها و ستونهای الْبِلادِ، وَأَبْوابَ الْإِیمانِ، وَامَناءَ الرَّحْمانِ، وَسُلالَةَ النَّبِیینَ، شهرها و بلاد و درهای ایمان و امینهای خدای رحمان و نژاد پیمبران وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِینَ، وَعِتْرَةَ خِیَرَةِ رَبِ الْعالَمِینَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ و زبده (اولاد) رسولان و عترت انتخاب شدگان پروردگار جهانیان، و رحمت خدا و وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلی أَئِمَّةِ الْهُدی وَمَصابِیحِ الدُّجی وَأَعْلامِ برکاتش (نیز بر آنها باد) سلام بر پیشوایان هدایت و چراغهای تاریکی و نشانه‌های التُّقی وَذَوِی النُّهی وَأُولِی الْحِجی وَکَهْفِ الْوَری وَوَرَثَةِ پرهیزکاری و صاحبان خرد و دارندگان عقل و فطانت و پناهگاه مردمان و وارثان الْأَنْبِیاءِ، وَالْمَثَلِ الْأَعْلی وَالدَّعْوَةِ الْحُسْنی وَحُجَجِ اللَّهِ

عَلی پیمبران ونمونه اعلای (الهی) واهل دعوت‌نیکو (که مردم را به خـدا می‌خواننـد) و حجتهای خـدا بر أَهْلِ الـدُّنْیا وَالْآخِرَهِْ وَالْاولی وَرَحْمَـهُْ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلی اهل دنیا و آخرت و این جهان و رحمت خدا و برکاتش (نیز بر ایشان باد) سـلام بر ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۴۵ مَحالِ مَعْرِفَهِْ اللَّهِ، وَمَساکِنِ بَرَکَهِْ اللَّهِ، وَمَعادِنِ حِکْمَهِْ اللَّهِ، جایگاههای شـناسایی خدا و مسکنهای برکت خدا و کانهای حکمت خدا وَحَفَظَهِْ سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلَهِْ کِتابِ اللَّهِ، وَأَوْصِیاءِ نَبِیِ اللَّهِ، وَذُرِّیَّهِْ و نگهبانان راز خدا و حاملان کتاب خدا و اوصیاء پیامبر خـدا و فرزنـدان رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَرَحْمَهُْ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ رسول خدا صـلی الله علیه و آله، و رحمت خدا و برکـاتش (نیز بر ایشـان باد) سـلام عَلَی الـدُّعاهِْ إِلَی اللَّهِ، وَالْأَدِلّاءِ عَلی مَرْضاهِْ اللَّهِ، وَالْمُسْتَقِرِّینَ بر خواننـدگان بسوی خـدا و رهنمایان بسوی موجبات خوشـنودی خدا و استقرار یافتگان فِی أَمْرِ اللَّهِ، وَالتَّامِینَ فِی مَحَبَّهِْ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصِینَ فِی تَوْحِیدِ در فرمان خدا و کاملان در دوستی و محبت خدا و مخلصان در یگانه‌پرستی اللَّهِ، وَ الْمُظْهِرِینَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْیِهِ، وَعِبادِهِ الْمُکْرَمِینَ، الَّذِینَ خدا و آشکار کنندگان امر و نهی خـدا و بندگان گرامی خدا آنانکه لا یَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ یَعْمَلُونَ، وَرَحْمَهُْ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، پیشـی نگیرند بر خداوند در گفتـار و آنـانکه بدسـتورش عمـل کننـد، و رحمت خـدا و برکاتش (بر ایشان باد) السَّلامُ عَلَی الْأَئِمَّهِْ الـدُّعاهِْ، وَالْقادَهِْ الْهُـداهِْ، وَالسَّادَهِْ الْوُلاهِْ، سـلام بر امامان دعوت کننـده (بحق) و پیشوایان راهنما و آقایان سـرپرست وَالذَّادَهِْ الْحُماهِْ، وَأَهْلِ الذِّکْرِ وَأُولِی الْأَمْرِ، وَبَقِیَّهِْ اللَّهِ وَخِیَرَتِهِ و دفاع کننـدگان و حامیان (از دین خـدا) و اهل ذکر و فرمانـداران و نمایندگان خدا و برگزیدگان او ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۴۶ وَحِزْبِهِوَعَیْبَهِْ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَصِراطِهِ وَنُورِهِوَبُرْهانِهِ، وَرَحْمَهُْ اللَّهِ و گروه او و گنجینه دانشش و حجت او و راه او و نور او و دلیل روشن او، و رحمت وَبَرَکاتُهُ، أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، کَما خـدا و برکاتش (بر ایشان باد) گواهی دهم که نیست معبودی جز خدای یگانه که شریک ندارد چنانچه شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ مَلائِکَتُهُ وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ، گواهی داده خـدا برای خودش و گواهی دادنـد برای او فرشـتگانش و دانشـمندان از خلق او لا إِلهَ إِلّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ معبودی نیست جز او که نیرومند و فرزانه است و گواهی دهم که محمد بنده انتخاب شده او است وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضـی أَرْسَلَهُ بِالْهُـدی وَدِینِ الْحَقِ لِیُظْهِرَهُ عَلَی و رسول پسـندیده او است که فرسـتاد او را با هـدایت و آئین حق تا پیروزش کنـد بر الـدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ، وَأَشْهَدُ أَنَّکُمُ الْأَئِمَّهُْ همه آئینهـا و گرچه خوش نداشـته باشـند مشرکان و گواهی دهم که شـمائید پیشوایـان راهبر الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِیُّونَ الْمَعْصُومُونَ الْمُکَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ راه یـافته معصـوم گرامی مقرب پرهیزکـار الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ، الْمُطِیعُونَ لِلَّهِ، الْقَوَّامُونَ بِأَمْرِهِ، راسـتگوی زبـده فرمـانبرداران خـدا و قیـام کننـدگان به فرمـانش الْعـامِلُونَ بِإِرادَتِهِ، الْفـائِزُونَ بِکَرامَتِهِ، اصْطَفاکُمْ بِعِلْمِهِ، و انجام دهندگان خواسته‌اش و آنانکه به مقام کرامت او رسیدند، برگزید شما را به علم خود ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۴۷ وَارْتَضاکُمْ لِغَیْبِهِ، وَاخْتارَکُمْ لِسِرِّهِ، وَاجْتَباکُمْ بِقُدْرَتِهِ، وَأَعَزَّکُمْ و پسندیدتان برای جریانات غیب (و پس پرده) خود و انتخابتان کرد برای راز خود و اختیارتان کرد به قـدرتش و عزیزتان کرد بِهُداهُ وَخَصَّکُمْ بِبُرْهانِهِ، وَانْتَجَبَکُمْ بِنُورِهِ، وَأَیَّدَکُمْ بِرُوحِهِ، به راهنمائی خود و مخصوصـتان داشت به دلیل روشـنش و برگزیـد شـما را برای نور خود و تأییـد کرد شـما را به روح خود وَرَضِیَکُمْ خُلَفاءَ فِیأَرْضِهِ، وَحُجَجاً عَلی بَرِیَّتِهِ، وَأَنْصاراً لِدِینِهِ، وپسـندید شما را برای جانشینی در زمینش و تا که حجتهائی باشید بر مخلوقش و یـاورانی برای دینش وَحَفَظَهًْلِسِرِّهِ، وَخَزَنَهًْلِعِلْمِهِ، وَمُسْتَوْدَعاًلِحِکْمَتِهِ، وَتَراجِمَهًْ لِوَحْیِهِ، و نگهبـانـانی برای رازش و گنجینه دارانی برای دانشـش و سپردگـان حکمتش و مفسـران وَأَرْکانـاً لِتَوْحِیـدِهِ، وَشُـهَداءَ عَلی خَلْقِهِ، وَأَعْلامـاً لِعِبـادِهِ، وَمَنـاراً وحیش و پایه‌هـای یگـانه شناسـیش و گواهـانی بر خلقش و نشانه‌هـایی برای بنـدگانش فِی بِلادِهِ، وَأَدِلّاءَ عَلی صِراطِهِ، عَصَمَکُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ، وَآمَنَکُمْ و مشـعلهایی در شـهرها و بلادش و راهنمایـانی بر راهش، خداونـد نگهـداشت شـما را از لغزش مِنَ الْفِتَنِ، وَطَهَّرَکُمْ مِنَ الـدَّنَسِ، وَأَذْهَبَعَنْکُمُالرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ و ایمن داشت شـمارا ازفتنه‌ها وآزمایشـها وپاکتان کرد از چرکی و دورکرد ازشما اهل‌بیت پلیدی را وَطَهَّرَکُمْتَطْهِیراً، فَعَظَّمْتُمْ جَلالَهُ، وَأَکْبَرْتُمْ شَأْنَهُ، وَمَجَّدْتُمْ کَرَمَهُ، و بخوبی پاکیزه‌تان کرد، شما نیز (در برابر) عظیم شمردید شوکتش را و مقـامش را بزرگ دانستیـد و کرمش را سـتودید وَأَدْمَنْتُمْ ذِکْرَهُ، وَوَکَّدْتُمْ مِیثاقَهُ، وَأَحْکَمْتُمْ عَقْدَ طاعَتِهِ، وَنَصَحْتُمْ و به ذکر او ادامه

دادید و پیمانش را محکم کردید و آن عهدی را که در فرمانبرداریش داشتید سخت استوار کردید و در پنهانی و ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۴۸ لَهُ فِی السِّرِ وَالْعَلانِیَهِْ، وَدَعَوْتُمْ إِلی سَبِیلِهِ بِالْحِکْمَهِْ وَالْمَوْعِظَهِْ آشکار برای او خیرخواهی کردید و مردم را با حکمت و پند نیکو به راهش الْحَسَنَهِْ، وَبَذَلْتُمْ أَنْفُسَکُم فِی مَرْضاتِهِ، وَصَبَرْتُمْ عَلی ما اصابَکُم دعوت کردید و در راه خوشنودی او بذل جان کردید و در مقابل پیش‌آمدهای ناگوار بخاطر او فِی جَنْبِهِ، وَأَقَمْتُمُ الصَّلاهَْ، وَآتَیْتُمُ الزَّکاهَْ، وَأَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ، بردباری کردید، و نماز را بپا داشتید و زکات را پرداختید و امر به معروف وَنَهَیْتُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ، وَجاهَدْتُمْ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، حَتّی أَعْلَنْتُمْ و نهی از منکر کردید و در راه خدا آن طور که باید جهاد و مبارزه کردید تا بالاخره دعوت حق را دَعْوَتَهُ، وَبَیَّنْتُمْ فَرائِضَهُ، وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ، وَنَشَرْتُمْ شَرائِعَ آشکار و واجبات او را بیان داشتید و حدود و مقرراتش را برپا داشتید و دستورات و احکامش أَحْکامِهِ، وَسَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ، وَصِرْتُمْ فِی ذلِکَ مِنْهُ إِلَی الرِّضا، را منتشر ساختید و روش او را مقرر داشتید و در راه رضای او گام برداشتید وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضاءَ، وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضی فَالرَّاغِبُ و تسلیم قضا و قدر او شدید و پیمبران گذشته او را تصدیق کردید پس آنکه از شما عَنْکُمْ مارِقٌ، وَاللَّازِمُ لَکُمْ لاحِقٌ، وَالْمُقَصِّرُ فِی حَقِّکُمْ زاهِقٌ، رو گرداند از دین خارج گشته و آنکه ملازم شما بود به حق رسیده و آنکه کوتاهی کرد در حق شما نابود گردید وَالْحَقُّ مَعَکُمْ وَفِیکُمْ وَمِنْکُمْ وَإِلَیْکُمْ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ، و حق همراه شما و در میان شما خاندان و از جانب شما است و بسوی شما بازگردد و شمائید اهل حق ومعدن آن ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۴۹ وَمِیراثُ النُّبُوَّهِْ عِنْدَکُمْ، وَایابُ الْخَلْقِ إِلَیْکُمْ، وَحِسابُهُمْ عَلَیْکُمْ، و میراث نبوت نزد شما است و بازگشت خلق خدا بسوی شما است و حسابشان با شما است وَفَصْلُ الْخِطابِ عِنْدَکُمْ، وَآیاتُ اللَّهِ لَدَیْکُمْ، وَعَزائِمُهُ فِیکُمْ، و سخنی که حق و باطل را جدا کند نزد شما است و آیات خدا پیش شما است و تصمیمات قطعی او (یا دستورات لازمش) درباره شما است وَنُورُهُ وَبُرْهانُهُ عِنْدَکُمْ، وَأَمْرُهُ إِلَیْکُمْ، مَنْ والاکُمْ فَقَدْ والَی اللَّهَ، و نور و دلیل روشنش نزد شما است و امر امامتش محول به شما است، هر که شما را دوست دارد خدای را دوست داشته وَمَنْ عاداکُمْ فَقَدْ عادَی اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّکُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ و هر که شما را دشمن دارد خدای را دشمن داشته و هرکس به شما محبت داشته باشد به خدا محبت داشته و هرکس أَبْغَضَکُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَمَنِ اعْتَصَمَ بِکُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، با شما کینه ورزد با خدا کینه‌توزی کرده و هرکه به شما چنگ زند به خدا چنگ زده أَنْتُمُ الصِّراطُ الْأَقْوَمُ، وَشُهَداءُ دارِ الْفَناءِ، وَشُفَعاءُ دارِ الْبَقاءِ، شمائید شاهراه و راه راست و گواهان در این دار فانی (دنیا) و شفیعان در خانه پایدار (قیامت) وَالرَّحْمَهُْ الْمَوْصُولَهُْ، وَالْآیَهُْ الْمَخْزُونَهُْ وَالْأَمانَهُْ الْمَحْفُوظَهُْ، ورحمت پیوسته (حق) و آن آیت و نشانه پنهان در گنجینه و آن امانتی که نگهداری شده (یا حفظش بر مردم واجب است) وَالْبابُ الْمُبْتَلی بِهِ النَّاسُ، مَنْ أَتاکُمْ نَجا، وَمَنْ لَمْ یَأْتِکُمْ هَلَکَ، و آن درگاهی که مردم بدان آزمایش شوند هرکه به‌نزد شما آمد نجات یافت وهرکس نیامد هلاک شد إِلَی اللَّهِ تَدْعُونَ، وَعَلَیْهِ تَدُلُّونَ، وَبِهِ تُؤْمِنُونَ، وَلَهُ تُسَلِّمُونَ، (شما مردم را) بسوی خدا می‌خوانید و بر او راهنمایی کنید و به او ایمان دارید و تسلیم او هستید ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۵۰ وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَ إِلی سَبِیلِهِ تُرْشِدُونَ، وَبِقَوْلِهِ تَحْکُمُونَ، سَعِدَ وبدستورش عمل کنید و بسوی راه او (مردم را) ارشاد کنید و به گفتار او حکم کنید، نیک بخت شد مَنْ والاکُمْ، وَهَلَکَ مَنْ عاداکُمْ، وَخابَ مَنْ جَحَدَکُمْ، وَضَلَّ مَنْ هر که شما را دوست دارد و به هلاکت رسید هر که شما را دشمن داشت و زیانکار شد آنکه منکر شما گشت و گمراه شد آنکه فارَقَکُمْ، وَفازَ مَنْ تَمَسَّکَ بِکُمْ، وَامِنَ مَنْ لَجَأَإِلَیْکُمْ، وَسَلِمَ مَنْ از شما جدا گشت و رستگار شد آن که به شما چنگ زد و ایمن گشت آنکه بدرگاه شما پناه آورد، و سلامت یافت هر که صَدَّقَکُمْ، وَهُدِیَ مَنِ اعْتَصَمَ بِکُمْ، مَنِ اتَّبَعَکُمْ فَالْجَنَّهُْ مَأْواهُ، شما را تصدیق کرد و هدایت شد هر که به شما چنگ زد، هر که پیروی شما را کرد بهشت مأوای او است وَمَنْ خالَفَکُمْ فَالنَّارُ مَثْواهُ، وَمَنْ جَحَدَکُمْ کافِرٌ، وَمَنْ حارَبَکُمْ و هر که مخالفت شما را کرد دوزخ جایگاه او است، و هر که منکر شما شد کافر و هر که با شما جنگ کرد مُشْرِکٌ، وَمَنْ رَدَّ عَلَیْکُم فِی أَسْفَلِ دَرَکٍ مِنَ الْجَحِیمِ، أَشْهَدُ أَنَّ مشرک است و هر کس شما را رد کرد در ته جهنم جای دارد گواهی دهم که هذا سابِقٌ لَکُمْ فِیما مَضی وَجارٍ لَکُمْ فِیما بَقِیَ، وَأَنَّ أَرْواحَکُمْ این مقام و منزلت در زمان گذشته برای شما ثابت بوده و در آینده زمان نیز برای شما جاری است و همانا روانهای

شما وَنُورَکُمْ وَطِینَتَکَمْ واحِدَهٌ، طابَتْ وَطَهُرَتْ بَعْضُـها مِنْ بَعْضٍ، ونورتان وسرشتتان یکی است همگی پاک و پاکیزه است و برخی از برخی دیگر گرفته شده خَلَقَکُمُ اللَّهُ أَنْواراً، فَجَعَلَکُمْ بِعَرْشِهِ مُحْدِقِینَ، حَتّی مَنَّ عَلَیْنا خداوند شما را بصورت نورهائی آفرید و گرداگرد عرش خود قرارتان داد تا آنگاه که با آوردنتان در این جهان بر ما ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۵۱ بِکُمْ، فَجَعَلَکُمْ فِی بُیُوتٍ اذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَیُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ، منت گذارد و قرارتان داد در خانه‌هایی که اجازه داد بلند گردند و نام او در آنها برده شود وَجَعَلَ صَلاتَنا عَلَیْکُمْ وَما خَصَّنا بِهِ مِنْ وِلایَتِکُمْ طِیباً لِخَلْقِنا، و مقرر داشت که درودهای ما بر شما و هم چنین آنچه را از دوستی شما برای ما مخصوص داشته همه اینها موجب پاکی اخلاق ما وَطَهارَهً لِأَنْفُسِنا، وَتَزْکِیَهً لَنا، وَکَفَّارَهً لِذُنُوبِنا، فَکُنَّا عِنْدَهُ و پاک شدن خود ما و تزکیه ما و کفاره گناهان ما باشد و ما در نزد خدا از زمره مُسَلِمِینَ بِفَضْلِکُم، وَمَعْرُوفِینَ بِتَصْدِیقِنا إیَّاکُمْ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِکُمْ تسلیم‌شدگان برتری شما و شناخته شدگان به تصدیق مقام شما بودیم پس خداوند برساند شما را أَشْرَفَ مَحَلِ الْمُکْرَمِینَ، وَأَعْلی مَنازِلِ الْمُقَرَّبِینَ، وَأَرْفَعَ به شریفترین جایگاه گرامیان و بلندترین منازل مقربان و بالاترین دَرَجاتِ الْمُرْسَلِینَ، حَیْثُ لا یَلْحَقُهُ لاحِقٌ، وَلا یَفُوقُهُ فائِقٌ، درجات رسولان آنجا که کسی بدان نرسد و فوق آن جایگاه کسی راه نیابد و پیش وَلا یَسْبِقُهُ سابِقٌ، وَلا یَطْمَعُ فِی‌اذْراکِهِ طامِعٌ، حَتَّی لایَبْقی مَلَکٌ روی بر آن پیشی نگیرد و برای رسیدن بدانجا کسی طمع نبندد، تا اینکه بجای نماند فرشته مُقَرَّبٌ، وَلا نَبِیٌّ مُرْسَلٌ، وَلاصِدِّیقٌ وَلا شَهِیدٌ، وَلا عالِمٌ وَلا مقربی و نه پیامبر مرسلی و نه صدیق و نه شهیدی و نه عالم و نه جاهِلٌ، وَلادَنِیٌّ وَلا فاضِلٌ، وَلا مُؤْمِنٌ صالِحٌ، وَلا فاجِرٌ طالِحٌ، جاهلی و نه پست و نه برتری و نه مؤمن نیک کردار و نه تبهکار بدکاری ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۵۲ وَلا جَبَّارٌ عَنِیدٌ، وَلا شَیْطانٌ مَرِیدٌ، وَلاخَلْقٌ فِیما بَیْنَ ذلِکَ و نه گردنکش ستیزه‌جو و نه اهریمن متمردی و نه خلق دیگری که در این میان شَهِیدٌ، إلّا عَرَّفَهُمْ جَلالَهَ أَمْرِکُمْ، وَعِظَمَ خَطَرِکُمْ، وَکِبَرَ شَأْنِکُمْ، گواه باشد جز آنکه بشناساند به او خداوند جلالت و قدر و عظمت مقام و بزرگی منزلت وَتَمامَ نُورِکُمْ وَصِدْقَ مَقاعِدِکُمْ، وَثَباتَ مَقامِکُمْ، وَشَرَفَ و کامل بودن نورتان را و درستی منصبها و پابرجا بودنتان را (در اطاعت حق) و شرافت مَحَلِّکُمْ، وَمَنْزِلَتِکُمْ عِنْدَهُ، وَکَرامَتَکُمْ عَلَیْهِ، وَخاصَّتَکُمْ لَدَیْهِ، همگان و منزلت شما را در پیش خود و مقام گرامی شما را و خصوصیتی که در نزد او دارید وَقُرْبَ مَنْزِلَتِکُمْ مِنْهُ، بِأَبِی أَنْتُمْ وَأُمِی وَأَهْلِی وَمالِی وَاسْرَتِی، و جایگاه نزدیکی که نسبت به او دارید پدر و مادر و خاندان و مال و فامیلم فدای شما، اشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهِدُکُمْ أَنِی مُؤْمِنٌ بِکُمْ وَبِما آمَنْتُمْبِهِ، کافِرٌ بِعَدُوِّکُمْ گواه گیرم خدا را و گواه گیرم شما را که من ایمان دارم به شما و بدانچه شما بدان ایمان دارید و کافرم نسبت به دشمن شما وَبِما کَفَرْتُمْ بِهِ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِکُمْ وَبِضَلالَهِ مَنْ خالَفَکُمْ، مُوالٍ و بدانچه شما انکار آن را کردید بینایم به مقام شما و به گمراهی آنکه با شما مخالفت کرد دوست دار لَکُمْ وَلِأَوْلِیائِکُمْ، مُبْغِضٌ لِأَعْدائِکُمْ وَمُعادٍ لَهُمْ، سِلْمٌ لِمَنْ شما و (دوستدار) دوستان شمایم و بغض دشمنانتان را در دل دارم و دشمن آنهایم، صلحم با هر که سالَمَکُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ، مُحَقِقٌ لِما حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِما باشما صلح کند ودر جنگم با هرکس که با شما در جنگ است حق می‌دانم آنچه را شما حق دانستید و باطل دانم آنچه را ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۵۳ أَبْطَلْتُمْ، مُطِیعٌ لَکُمْ، عارِفٌ بِحَقِکُمْ، مُقِرٌّ بِفَضْلِکُمْ، مُحْتَمِلٌ شما باطل دانستید پیرو شمایم عارف به حق شمایم اقرار به برتری شما دارم بار علم دانش شما را لِعِلْمِکُمْ، مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِکُمْ، مُعْتَرِفٌ بِکُمْ، مُؤْمِنٌ بِایابِکُمْ، تحمل کنم و از مهالک در پرده عهد و امان شما روم به شما (وحقتان) اعتراف دارم و به بازگشتتان ایمان دارم مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِکُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِکُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِکُمْ، آخِذٌ و رجعت شما را تصدیق دارم و چشم براه فرمان شما و منتظر دولت شمایم گفتارتان بِقَوْلِکُمْ، عامِلٌ بِأَمْرِکُمْ، مُسْتَجِیرٌ بِکُمْ، زائِرٌ لَکُمْ، لائِذٌ عائِذٌ را بگیرم و دستورتان را انجام دهم و به شما پناه جویم و شما را زیارت کنم و به قبرهای بِقُبُورِکُمْ، مُسْتَشْفِعٌ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِکُمْ، وَمُتَقَرِّبٌ بِکُمْ إِلَیْهِ، شما پناه آرم و شما را بدرگاه خدای عزوجل شفیع آرم و بوسیله شما به پیشگاهش تقرب جویم وَمُقَدِّمُکُمْ أَمامَ طَلِبَتِی وَحَوائِجِی وَإِرادَتِی فِی کُلِ أَحْوالِی و شما را در پیش روی خواسته و حاجات و اراده‌ام قرار دهم در همه حالات وَأُمُورِی، مُؤْمِنٌ بِسِرِّکُمْ وَعَلانِیَتِکُمْ وَشاهِدِکُمْ وَغائِبِکُمْ وَاوَّلِکُمْ و کارهایم، ایمان دارم به نهان شما و آشکارتان و حاضرتان و غائبتان و اول وَآخِرِکُمْ، وَمُفَوِّضٌ فِی ذلِکَ کُلِهِ إِلَیْکُمْ، وَمُسَلِمٌ فِیهِ مَعَکُمْ، و آخرتان و در این باره کار را به

خودتان وامی گذارم (و هیچگونه ایرادی به کارهای شما ندارم) و تسلیم شمایم وَقَلْبی لَکُمْ مُسَلِمٌ، وَرَأْیِی لَکُمْ تَبَعٌ، وَنُصْرَتِی لَکُمْ مُعَدَّةٌ، حَتّی و دلم نیز تسلیم شما است و رأی من نیز تابع (رای) شما است و یاریم برایتان آماده است تا آنکه ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۵۴ یُحْیِیَ اللَّهُ تَعالی دِینَهُ بِکُمْ، وَیَرُدَّکُمْ فِی أَیَّامِهِ، وَیُظْهِرَکُمْ لِعَدْلِهِ، خدای تعالی دینش را بوسیله شما زنده کند و دوباره بازگرداند شما را در روزها (ی حکومت) خود و آشکارتان سازد برای عدل خود وَیُمَکِنَکُمْ فِی أَرْضِهِ، فَمَعَکُمْ مَعَکُمْ لا مَعَ غَیْرِکُمْ، آمَنْتُ بِکُمْ، و پابرجایتان کند در روی زمینش، پس با شما باشم با شما نه با غیر شما و ایمان دارم به شما وَتَوَلَّیْتُ آخِرَکُمْ بِما تَوَلَّیْتُ بِهِ اوَّلَکُمْ، وَبَرِئْتُ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ و دوست دارم آخرین فرد شما را به همان دلیل که دوست دارم اولین شخص شما را و بیزاری جویم به پیشگاه خدای عزوجل مِنْ أَعْدائِکُمْ وَمِنَ الْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالشَّیاطِینِ وَحِزْبِهِمُ از دشمنانتان و از جبت و طاغوت (خلفای ناحق) و شیاطین و پیروانشان الظَّالِمِینَ لَکُمْ، وَالْجاحِدِینَ لِحَقِکُمْ، وَالْمارِقِینَ مِنْ وِلایَتِکُمْ، آن ستمکاران بر شما و منکران حق شما و بیرون‌رونـدگان از زیر بـار ولایت شـما وَالْغاصِبِینَ لِإِرْثِکُمْ، وَالشَّاکِینَ فِیکُمُ، الْمُنْحَرِفِینَ عَنْکُمْ، وَمِنْ و غصب کننـدگان میراث شـما و شک کنندگان درباره شما و منحرف شدگان از طریقه شما و از کُلِ وَلِیجَةٍ دُونَکُمْ، وَکُلِ مُطاعٍ سِواکُمْ، وَمِنَ الْأَئِمَّةِ الَّذِینَ هر همدم و وسیله‌ای غیر از شـما و هر فرمانروائی جز شـما و از پیشوایانی که یَدْعُونَ إِلَی النَّارِ، فَثَبَّتَنِیَ اللَّهُ أَبَداً ما حَیِیتُ عَلی مُوالاتِکُمْ مردم را به دوزخ می‌خوانند پس خداوند پابرجایم بدارد همیشه تا زنده‌ام بر موالات وَمَحَبَّتِکُمْ وَدِینِکُمْ، وَوَفَّقَنِی لِطاعَتِکُمْ، وَرَزَقَنِی شَفاعَتَکُمْ، و دوستی و دین و آئین شـما و موفقم دارد برای فرمانبرداری شـما و روزیم گرداند شـفاعت شـما را ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۵۵ ووَجَعَلَنِی مِنْ خِیارِ مَوالِیکُمْ، التَّابِعِینَ لِما دَعَوْتُمْ إِلَیْهِ، وَجَعَلَنِی و قرارم دهـد از برگزیـدگان دوسـتانتان آنـانکه تابع دعوت شـما هسـتند و بگرداند مرا مِمَّنْ یَقْتَصُّ آثارَکُمْ، وَیَسْلُکُ سَبِیلَکُمْ، وَیَهْتَدِی بِهُداکُمْ، از کسانی که پیروی کند از آثار شما و می‌رود به راه شما و راهنمایی جوید به راهنمایی شـما وَیُحْشَرُ فِی زُمْرَتِکُمْ، وَیَکِرُّ فِی رَجْعَتِکُمْ، وَیُمَلَّکُ فِی دَوْلَتِکُمْ، و محشور گردد در گروه شما و بازگردد در دوران رجعت و بازگشت شما و به فرمانروائی رسد در دوران حکومت شما وَیُشَرَّفُ فِی عافِیَتِکُمْ، وَیُمَکَّنُ فِی أَیَّامِکُمْ، وَتَقَرُّ عَیْنُهُ غَداً و مفتخر گردد به عافیت (و حسن عاقبت) از شـما و مقتدر گردد در روزهای (حکومت) شـما و روشن گردد دیده‌اش فردای قیامت بِرُؤْیَتِکُمْ، بِأَبِی أَنْتُمْ وَأُمِی وَنَفْسِیوَأَهْلِیوَمالِی، مَنْ اراداللَّهَ بدیدار شما پدر و مادرم و خودم و خاندان و دارائیم به فدای شما هر که آهنگ خدا کند بَدَأَبِکُمْ، وَ مَنْ وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنْکُمْ، وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِکُمْ، از شـما (باید) شـروع کند و آنکس که خدا را به یکتائی شـناسد (طریقه‌اش را) از شـما پـذیرد و هر که قصـد او کنـد به شـما رو کنـد مَوالِیَّ لا احْصِی ثَناءَکُمْ، وَلا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ کُنْهَکُمْ، وَمِنَ سروران من ثنـای شـما را نتوانم کرد و بـا مـدح به کنه و حقیقت شـما نرسم و بـا الْوَصْفِ قَدْرَکُمْ، وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْیارِ، وَهُداةُ الْأَبْرارِ، وَحُجَجُ توصیف قدر و منزلت شـما را بیان نتوانم که شـمائید روشـنی خوبان و راهنمای نیکان و حجتهای الْجَبَّارِ، بِکُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِکُمْ یَخْتِمُ، وَبِکُمْ یُنَزِّلُ الْغَیْثَ، وَبِکُمْ خدای جبار، خداوند (عالم وجود را) به شما آغاز کرد و به شما نیز ختم کند و بخاطر شما فرو ریزد باران را و بخاطر شما ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۵۶ یُمْسِکُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَی الْأَرْضِ إِلَّا بِاذْنِهِ، وَبِکُمْ یُنَفِسُ الْهَمَّ نگه‌دارد آسـمان را از اینکه بر زمین افتد جز به اذن او و بخاطر شـما بگشاید اندوه را وَیَکْشِفُ الضُّرَّ، وَعِنْدَکُمْ ما نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ، وَهَبَطَتْ بِهِ و برطرف کنـد سـختی را و در پیش شـما است آنچه را پیمبرانش فرود آورده مَلائِکَتُهُ، وَإِلی جَدِّکُمْ». وفرشـتگانش بزمین‌آوردند وبسوی جدّ شما.» و اگر زیارت امیر مؤمنان علیه السلام باشد به جای «وَإِلی جَدِّکُمْ» بگو: «وَ إِلی أَخِیکَ»، «و به سوی برادرت»، بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِینُ، آتاکُمُ اللَّهُ ما لَمْ یُؤْتِ أَحَداً مِنَ «روح‌الامین (جبرئیل) نازل گردید، به شما داده است خداوند آنچه را به هیچیک از مردم الْعالَمِینَ، طَأْطَأَ کُلُّ شَرِیفٍ لِشَرَفِکُمْ، وَبَخَعَ کُلُّ مُتَکَبِرٍ جهانیان نداده سر (فروتنی) بزیر آورده هر شخص شریفی در برابر شـرف شـما و گردن نهاده هر متکبری لِطاعَتِکُمْ، وَخَضَعَ کُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِکُمْ، وَذَلَّ کُلُّ شَیْءٍ لَکُمْ، به فرمانبرداری شـما و فروتن گشـته هر گردنکشـی در برابر فضل شـما و خوار شده هر چیزی برای شـما وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِکُمْ، وَفازَ الْفائِزُونَ بِوِلایَتِکُمْ، بِکُمْ و روشن شد زمین به پرتو نور شـما و رسـتگار شدند مردمان رسـتگار بوسـیله ولایت و دوستی شـما، بوسیله شما ادعیه و زیارات مدینه

منوره، ص: ۱۵۷ یُسْلَکَ إِلَی الرِّضْوانِ، وَعَلی مَنْ جَحَدَ وِلایَتَکُمْ غَضَبُ به بهشت رضوان توان رسید و برآنکس که منکر فرمانروائی شما است خشم خدای الرَّحْمانِ، بِأَبی أَنْتُمْ وَأُمِی وَنَفْسِی وَأَهْلِی وَمالِی، ذِکْرُکُمْ فِی رحمان (حتم و مسلم) است، پدر و مادرم و خودم و خانـدان و دارائیم فدای شـما باد، (ای سـروران من گرچه) ذکر شـما در (زبان) الذَّاکِرِینَ، وَأَسْماؤُکُمْ فِی الْأَسْماءِ، وَأَجْسادُکُمْ فِی الْأَجْسادِ، ذکرکننـدگان است و نامهایتـان در میـان نامهـا و پیکرتـان بـا سـایر پیکرهـا وَأَرْواحُکُمْ فِی الْأَرْواحِ، وَأَنْفُسُکُمْ فِی النُّفُوسِ، وَآثارُکُمْ فِی و روانتان در میان سایر روانها و جانهاتان در (عداد) سایر جانها و آثارتان در میان الْآثارِ، وَقُبُورُکُمْ فِی الْقُبُورِ، فَما أَحْلی أَسْماءَکُمْ، وَأَکْرَمَ آثار (دیگران) و قبرهاتان در (شمار) سایر قبرها است ولی (شما را چه نسبت با دیگران) چه شیرین است نامهایتان و بزرگوار است أَنْفُسَکُمْ، وَأَعْظَمَ شَأْنَکُمْ، وَأَجَلَّ خَطَرَکُمْ، وَأَوْفی عَهْدَکُمْ، جانهاتان و بزرگ است مقامتان و برجسته‌است منزلت و موقعیتتان و با وفا است عهدتان وَأَصْدَقَوَعْدَکُمْ، کَلامُکُمْنُورٌ، وَأَمْرُکُمْ رُشْدٌ، وَوَصِیَّتُکُمُ التَّقْوی و راست است وعده‌تان سخنتان نور و دستورتان یکپارچه رشد و رستگاری است سفارشتان پرهیزکاری وَفِعْلُکُمُ الْخَیْرُ، وَعادَتُکُمُ الْإِحْسانُ، وَسَجِیَّتُکُمُ الْکَرَمُ، وَشَأْنُکُمُ و کارتـان خیر و خوبی و عـادت شـما احسـان و نیکی و شـیوه شـما کرم و بزرگواری و رفتارتان الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ، وَقَوْلُکُمْ حُکْمٌ وَحَتْمٌ، وَرَأْیُکُمْ عِلْمٌ حق و راستی و مـدارائی است و گفتارتـان مسـلم و حتمی است و رأی شـما دانش ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۱۵۸ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ، إِنْ ذُکِرَ الْخَیْرُ کُنْتُمْ أَوَّلَهُ وَأَصْلَهُ وَفَرْعَهُ وَمَعْدِنَهُ و بردبـاری و دوراندیشـی است اگر از خیر و خوبی ذکری به میان آید آغاز و ریشه و شاخه و مرکز وَمَأْواهُ وَمُنْتَهاهُ، بِأَبی أَنْتُمْ وَأُمِی وَنَفْسِی، کَیْفَ أَصِفُ حُسْنَ و جایگاه و پایانش شـمائید پدر و مادرم و خودم به فدای شـما چگونه توصـیف کنم ثنای ثَنائِکُمْ، وَأُحْصِی جَمِیلَ بَلائِکُمْ، وَبِکُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِ، نیکوی شما را و چگـونه شـماره کنم آزمایشـهای خوبی که دادیـد و بوسـیله شـما بود که خـدا مـا را از ذلت بیرون آورد وَفَرَّجَ عَنَّا غَمَراتِ الْکُرُوبِ، وَأَنْقَذَنا مِنْ شَفا جُرُفِ الْهَلَکاتِ و گشـایش داد به گرفتاریهای سـخت ما و نجاتمان داد از پرتگاه هلاکت و نابودی وَمِنَ النَّارِ، بِأَبی أَنْتُمْ وَأُمِی وَنَفْسِی، بِمُوالاتِکُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعالِمَ و هم از آتش دوزخ، پـدر و مـادرم و خودم به فـدای شـما که بوسـیله دوستی شـما خداوند به ما یاد داد دستورات دِینِنا، وَأَصْلَحَ ما کانَ فَسَدَ مِنْ دُنْیانا، وَبِمُوالاتِکُمْ تَمَّتِ الْکَلِمَةُ، دینمان را و اصلاح کرد آنچه را که از دنیای ما تباه‌گشته بود و بوسیله شما کلمه (توحید و معارف دین) کامل شد وَعَظُمَتِ النِعْمَةُ، وَائْتَلَفَتِ الفُرْقَةُ، وَبِمُوالاتِکُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ و نعمت بزرگ گشت و جدائی و اختلاف مبدل به الفت و اتحاد گردید و بوسـیله موالات شما پذیرفته گردد عبادت‌های الْمُفْتَرَضَةُ، وَلَکُمُ الْمَوَدَّةُ الْواجِبَةُ، وَالدَّرَجاتُ الرَّفِیعَةُ، وَالْمَقامُ واجب و (تنها) دوستی شـما است که بر خلق لازم و فرض است و از آن شـما است درجـات بلنـد و مقـام الْمَحْمُودُ، وَالْمَکـانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالْجاهُ الْعَظِیمُ، شایسته و جایگاه معین و معلوم در نزد خـدای عزوجـل و منزلت عظیم ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۱۵۹ وَالشَّأْنُ الْکَبِیرُ، وَالشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ، رَبَّنا آمَنَّا بِما أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا و رتبه بزرگ و شـفاعت پـذیرفته، پروردگارا ما ایمان داریم بـدانچه نازل فرمودی و پیروی کردیم الرَّسُولَ فَاکْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدِینَ، رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنا از پیامبرت پس نام ما را با گواهان (به این حقایق) ثبت فرما، پروردگارا منحرف مکن دلهای ما را پس از آنکه راهنمائیمـان کردی وَهَبْ لَنـا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، سُبْحانَ رَبِنـا إِنْ و ببخش به ما از نزد خویش رحمتی که براستی تویی بخشایشـگر، منزه است پروردگـار مـا که کـانَ وَعْدُ رَبِنـا لَمَفْعُولًـا، یا وَلِیَ‌اللَّهِ، إِنَّ بَیْنِی وَبَیْنَ‌اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ براستی وعـده او انجام شدنی است ای ولی خدا همانا میان من و خدای عزوجل ذُنُوباً لا یَأْتِی عَلَیْها إِلَّا رِضاکُمْ، فَبِحَقِ مَنِ ائْتَمَنَکُمْ عَلی سِرِّهِ، گناهانی است که محو و پاک نکنـد آنها را جز رضایت شـما پس به حق آن خدائی که شـما را امین به راز خود کرده وَاسْتَرْعاکُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ طاعَتَکُمْ بِطاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ و سرپرستی کار خلق خود را به شـما واگـذارده و فرمانبرداری شـما را به فرمانبرداری خود که شـما بخشـش گناهانم را ذُنُوبِی، وَکُنْتُمْ شُفَعائِی، فَإِنِی لَکُمْ مُطِیعٌ، مَنْ أَطاعَکُمْ فَقَدْ (از خـدا) بخواهیـد و شـفیعان من گردیـد زیرا که من فرمـانبردار شـمایم، هر کـه از شـما فرمـانبرداری کنـد خـدای را أَطـاعَ‌اللَّهَ، وَمَـنْ عَصـاکُمْ فَقَـدْ عَصَـی‌اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّکُمْ فَقَدْأَحَبَ‌اللَّهَ، فرمـانبرداری کرده و هر که نافرمـانی شـما کنـد خـدای را نافرمانی کرده و هر که شـما را دوست دارد خـدای را دوست داشـته وَمَنْ

أَبْغَضَـکُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ. اللَّهُمَّ إِنِی لَوْ وَجَدْتُ شُـفَعاءَ و هر که شما را دشمن دارد خدای را دشمن داشته. خدایا! اگر من شفیعانی را می‌یـافتم ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۱۶۰ أَقْرَبَ إِلَیْـکَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْـلِ‌بَیْتِهِ الْأَخْیـارِ الْأَئِمَّهِْ الْأَبْرارِ لَجَعَلْتُهُمْ که نزدیکتر باشـند بدرگاهت از محمد و خاندان نیکویش آن پیشوایان نیکوکار بطور مسـلم آنها را شُفَعائِی، فَبِحَقِهِمُ الَّذِی أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَیْکَ أَسْأَ لُکَ أَنْ تُـدْخِلَنِی شـفیعان خود قرار می‌دادم پس از تو می‌خواهم بـدان حقی که برای ایشـان بر خود واجب کردی مرا فِی جُمْلَهِْ الْعارِفِینَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ، وَفِی زُمْرَهِْ الْمَرْحُومِینَ در زمره عارفان به مقام آنها و به حق آنها قرارم ده و نیز در زمره کسانی که بوسـیله شفاعت آنها بِشَـفاعَتِهِمْ، إِنَّکَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ، وَصَـلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مورد مهر قرار گرفته‌انـد که تو مهربـانترین مهربانـانی و درود خـدا بر محمد و آل الطَّاهِرِینَ، وَسَلَّمَ تَسْلِیماً کَثِیراً، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَکِیلُ». پاکش و سلام مخصوص و بسیاری بر آنها باد و بس است ما را خدا و نیکو وکیلی است.»

### زیارت امین اللّه

یکی از زیارت‌های بسیار معروف و معتبر است که در کتاب‌های زیارات نقل شـده است. مرحوم علامه مجلسـی آن را از نظر متن و سنـد از بهترین زیارات دانسته که مناسب است در همه حرمها و مزارهای ائمّه علیهم السـلام بر آن مداومت شود. این زیارت، هم از زیارتهای مطلقه محسوب می‌شود که ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۶۱ در هر وقت می‌توان خواند، هم از زیارتهای مخصوصه روز غدیرخم است، و هم از زیارات جامعه‌ای است که در همه حرمهای مقدّس ائمّه علیهم السـلام خوانده می‌شود. محتوایی عرفانی و سراسـر شور و اشتیـاق به قرب الهی دارد. کیفیّت آن چنـان است که به سـندهای معتبر روایت شـده از جابر از امام محمّـدباقر علیه السـلام که امام زین العابدین علیه السـلام به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد، و نزد قبر آن حضرت ایستاد، و گریست، و گفت: «السَّلامُ عَلَیْکَ یـا أَمِینَ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلی عِبـادِهِ، «سـلام بر تو ای امانتـدار خـدا در زمین او و حجتش بر بنـدگان او السَّلامُ عَلَیْکَ یـا أَمِیرَالْمُؤْمِنِینَ، أَشْهَدُ أَنَّکَ جاهَـدْتَ فِی اللَّهِ حَقَّ سـلام بر تو ای امیر مؤمنـان گواهی دهم که تو در راه خـدا جهـاد کردی جِهـادِهِ، وَعَمِلْتَ بِکِتـابِهِ، وَاتَّبَعْتَ سُـنَنَ نَبِیِهِ صَـلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، چنانچه بایـد و رفتار کردی به کتاب خـدا (قرآن) و پیروی کردی از سنتهای پیامبرش صـلی الله علیه و آله حَتّی دَعاکَ اللَّهُ إِلی جِوارِهِ، فَقَبَضَکَ إِلَیْهِ بِاخْتِیارِهِ، وَالْزَمَ تا اینکه خداوند تو را به جوار خویش دعوت فرمود و به اختیـار خودش جـانت را قبض نمود و ملزم کرد أَعْـداءَکَ الْحُجَّهَْ مَعَ مـا لَکَ مِنَ الْحُجَـجِ الْبالِغَهِْ عَلی جَمِیعِ خَلْقِهِ، دشـمنانت را به حجت و برهـان بـا حجتهـای رسـای دیگری که با تو بود بر تمامی خلق خود ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۱۶۲ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِـی مُطْمَئِنَّهًْ بِقَدَرِکَ، راضِیَهًْ بِقَضائِکَ، مُولَعَهًْ خدایا قرار ده نفس مرا آرام به تقدیرت و خوشنود به قضایت و حریص بِذِکْرِکَ وَدُعائِکَ، مُحِبَّهًْ لِصَفْوَهِْ أَوْلِیائِکَ، مَحْبُوبَهًْ فِی أَرْضِکَ به ذکر و دعایت و دوستدار برگزیدگان دوستانت و محبوب در زمین وَسَـمائِکَ، صـابِرَهًْ عَلی نُزُولِ بَلائِـکَ، شـاکِرَهًْ لِفَواضِـلِ نَعْمائِـکَ، و آسـمانت و شـکیبا در مـورد نزول بلاـیت و سپاسـگزار در برابر نعمتهـای فزونت ذاکِرَهًْ لِسَوابِغِ آلائِـکَ، مُشْـتاقَهًْ إِلی فَرْحَـهِْ لِقائِـکَ، مُتَزَوِّدَهًْ التَّقْوی و متـذکر عطایـای فراوانت مشـتاق به شـاد گشـتن دیدارت توشه‌گیر پرهیزکاری لِیَوْمِ جَزائِکَ، مُسْتَنَّهًْ بِسُنَنِ أَوْلِیائِکَ، مُفارِقَهًْ لِأَخْلاقِ أَعْدائِکَ، برای روز پاداشت پیروی کننده روشهای دوسـتانت دوری گزیننده اخلاق دشـمنانت مَشْـغُولَهًْ عَنِ الدُّنْیا بِحَمْدِکَ وَثَنائِکَ». سرگرم از دنیا به ستایش و ثنایت.» پس گونه خود را بر قبر گذاشت و گفت: «اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِینَ إِلَیْکَ والِهَهٌْ، وَسُـبُلَ الرَّاغِبِینَ إِلَیْکَ «خدایا براستی دلهای فروتنان درگاهت بسوی تو حیران است و راههای مشـتاقان به جانب تو شارِعَـهٌْ، وَأَعْلامَ الْقاصِدِینَ إِلَیْکَ واضِـحَهٌْ، وَأَفْئِدَهَْ الْعارِفِینَ مِنْکَ باز است و نشانه‌های قاصـدان کویت آشـکار و نمایان است و قلبهای عارفان از تو ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۶۳ فازِعَهٌْ، وَأَصْواتَ الدَّاعِینَ إِلَیْکَ صاعِـدَهٌْ، وَأَبْوابَ الْإِجابَهِْ لَهُمْ ترسـان است و صـداهای خواننـدگان بطرف تو صاعـد و درهـای اجـابت برویشـان مُفَتَّحَـهٌْ، وَدَعْوَهَْ مَنْ ناجـاکَ مُسْـتَجابَهٌْ، وَتَوْبَهَْ مَنْ أَنابَ إِلَیْکَ باز است و دعای آنکس که با تو راز گویـد مسـتجاب است و توبه آنکس که به درگاه تو

بازگردد مَقْبُولَـةٌ، وَعَبْرَةَ مَنْ بَکی مِنْ خَوْفِکَ مَرْحُومَـةٌ، وَالْإِغاثَـةَ لِمَنِ پـذیرفته است و اشک دیده آنکس که از خوف تو گرید مورد رحم و مهر است و فریادرسی تو برای کسـی که اسْتَغاثَ بِکَ مَوْجُودَةٌ، وَالْإِعانَـةَ لِمَنِ اسْتَعانَ بِکَ مَبْذُولَةٌ، به تو اسـتغاثه کند آماده است و کمک‌کاریت برای آنکس که از تو کمک خواهد رایگان است وَعِداتِکَ لِعِبادِکَ مُنْجَزَةٌ، وَزَلَلَ مَنِ اسْتَقالَکَ مُقالَةٌ، وَأَعْمالَ و وعده‌هایی که به بندگانت دادی وفایش حتمی است و لغزش کسـی که از تو پوزش طلبد بخشوده است و کارهای الْعامِلِینَ لَدَیْکَ مَحْفُوظَةٌ، وَأَرْزاقَکَ إِلَی الْخَلائِقِ مِنْ لَدُنْکَ آنانکه برای تو کار کنند در نزد تو محفوظ است و روزیهایی که به آفریدگانت دهی از نزدت نازِلَـةٌ، وَعَوائِـدَ الْمَزِیـدِ إِلَیْهِـمْ واصِـلَةٌ، وَذُنُـوبَ الْمُسْـتَغْفِرِینَ ریزان است و بهره‌هـای بیشـتری هـم بسویشـان می‌رسـد و گنـاه آمرزش‌خواهان (از تو) مَغْفُورَةٌ، وَحَوائِـجَ خَلْقِکَ عِنْـدَکَ مَقْضِـیَّةٌ، وَجَوائِزَ السَّائِلِینَ آمرزیده است و حاجتهای آفریدگانت نزد تو روا شـده است و جایزه‌های سائلان عِنْـدَکَ مُوَفَّرَةٌ، وَعَوائِـدَ الْمَزِیدِ مُتَواتِرَةٌ، وَمَوائِدَ الْمُسْـتَطْعِمِینَ در پیش تو فراوان است و بهره‌های فزون پیاپی است و خوانهای احسان تو برای طعام خواهان ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۶۴ مُعَدَّةٌ، وَمَناهِلَ الظِّماءِ لَدَیْکَ مُتْرَعَةٌ. اللَّهُمَّ فَاسْـتَجِبْ دُعائِی، آماده است و حوضـهای آب برای تشـنگان لبریز است خدایا پس دعایم را مسـتجاب کن وَاقْبَلْ ثَنائِی، وَاجْمَعْ بَیْنِی وَبَیْنَ أَوْلِیـائِی، بِحَـقِ مُحَمَّدٍ وَعَلِیٍ و بپـذیر مـدح و ثنـایم را و گردآور میـان مـن و دوسـتانم به حـق محمـد و علی وَفاطِمَـةَ وَالْحَسَـنِ وَالْحُسَـیْنِ، إِنَّکَ وَلِیُّ نَعْمـائِی وَمُنْتَهی مُنـایَ و فاطمـهٔ و حسن و حسـین که براستی تویی صـاحب نعمتهـایم و منتهـای آرزویم وَغـایَةُ رَجائِی فِی مُنْقَلَبِی وَمَثْوایَ». و سـرحد نهایی امیـدم و بازگشـتگاه و اقامتگاهم.» و در کامل الزّیارات بعـد از زیارت این جملات آمده است: «أَنْتَ إِلهِی وَسَـیِّدِی وَمَوْلایَ، اغْفِرْ لِی وَ لِأَوْلِیائِنـا، وَکُفَّ عَنَّا «تویی معبود و آقا و مولای من بیامرز دوسـتان ما را و بازدار از ما أَعْداءَنا، وَاشْـغَلْهُمْ عَنْ اذانا، وَاظْهِرْ کَلِمَةَ الْحَقِ وَاجْعَلْهَا الْعُلْیا، دشمنانمان را و سرگرمشان کن از آزار ما و آشکار کن گفتار حق را و آنرا برتر قرار ده وَأَدْحِضْ کَلِمَـةَ الْباطِـلِ وَاجْعَلْهَاالسُّفْلی إِنَّکَ عَلی کُـلِّ شَـیْءٍ و از میـان ببـر گفتـار باطـل را و آنرا پسـت گردان که براستی تو بر هرچیز قَدِیرٌ». توانایی.» ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۶۵

## زیارت وارث

زیارت مطلقه امام حسـین علیه السـلام معروف به زیارت وارث این زیارت معتبر و پرمحتوا، ابراز علاقه و همبسـتگی با سیدالشّـهدا و شهدای دیگر علیهم السـلام کربلاست، و سلسله نورانی نیاکان امام حسین و دودمان رسالت علیهم السلام را به یاد می‌آورد. و پیوند زائر را با اهلبیت عصـمت تحکیم می‌کنـد. پس چون قصـد زیارت امام حسـین علیه السـلام نمودی بگو: «السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یـا «سـلام بر تو ای وارث آدم برگزیـده خـدا سـلام بر تو ای وارِثَ نُوحٍ نَبِیِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ إِبْراهِیمَ خَلِیـلِ اللَّهِ، وارث نوح پیغمبر خـدا سـلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیـل خـدا السَّلامُ عَلَیْکَ یاوارِثَ مُوسـی کَلِیمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ سـلام بر تو ای وارث موسـی هم سـخن با خـدا سـلام بر تو ای وارث عِیسـی رُوحِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِیبِ اللَّهِ، عیسـی روح خـدا سـلام بر تو ای وارث محمـد حبیب خدا ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۶۶ السَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ سـلام بر تو ای وارث امیر مؤمنان علیه السلام سلام یَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفی السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ عَلِیٍ بر تو ای فرزند محمد مصطفی سلام بر تو ای فرزند علی الْمُرْتَضی السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءَ، السَّلامُ عَلَیْکَ مرتضی سلام بر تو ای فرزنـد فاطمه زهرا سـلام برتو یَاابْنَ خَدِیجَـةَ الْکُبْری السَّلامُ عَلَیْکَ یا ثارَاللَّهِ وَابْنَ ثارِهِ وَالْوِتْرَ ای فرزنـد خـدیجه کبری سـلام بر تو ای کسـی که خـدا خونخواهیش کنـد و فرزنـد چنین خونی و ای تک و تنها مانـده‌ای که الْمَوْتُورَ، أَشْـهَدُ أَنَّکَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاةَ، وَآتَیْتَ الزَّکـاةَ، وَأَمَرْتَ انتقام خونت گرفته نشـد گواهی دهم که تو بپاداشتی نماز را و بـدادی زکات را و امر کردی بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ، وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَتّی به معروف (کـار نیـک) و نهی کردی از منکر (کـار زشت) و پیروی کردی از خـدا و رسولش تا أَتاکَ الْیَقِینُ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْکَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْکَ، وَلَعَنَ به شـهادت رسـیدی پس خـدا لعنت کنـد مردمی که تو را کشـتند و

خدا لعنت کند مردمی که به تو ستم کردند اللَّهُ أَمَّةً سَمِعَتْ بِذلِکَ فَرَضِیَتْ بِهِ، یا مَوْلایَ یاأَباعَبْدِاللَّهِ، أَشْهَدُ وخدا لعنت کند مردمی که این جریان را شنیدند وبدان راضی شدند ای‌مولای من‌ای اباعبداللَّه گواهی دهم أَنَّکَ کُنْتَ نُوراً فِی الْأَصْلابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ، که تو براستی نوری بودی در صُلبهای شامخ (و بلند) و رَحِمْهای پاک، آلودهات ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۶۷ لَمْ تُنَجِّسْکَ الْجاهِلِیَّةُ بِأَنْجاسِها، وَلَمْ تُلْبِسْکَ مِنْ مُدْلَهِمَّاتِ ثِیابِها، نکرد زمان جاهلیت به پلیدیهایش و نپوشاندت از جامه‌های آلوده و چرکش وَأَشْهَدُ أَنَّکَ مِنْ دَعائِمِ الدِّینِ وَأَرْکانِ الْمُؤْمِنِینَ، وَأَشْهَدُ أَنَّکَ و گواهی دهم که براستی تو از جمله ستونهای دین و پایه‌های محکم مردان با ایمانی و گواهی دهم که براستی تو الْإِمامُ الْبَرُّ التَّقِیُّ الرَّضِیُّ الزَّکِیُّ الْهادِی الْمَهْدِیُّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ پیشوائی هستی نیکوکار و با تقوی و پسندیده و پاکیزه و راهنمای راه یافته و گواهی دهم که الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِکَ کَلِمَةُ التَّقْوی وَأَعْلامُ الْهُدی وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقی امامان از فرزندان تو اساس (و حقیقت) تقوی و نشانه‌های هدایت و دستاویز محکم (حق) وَالْحُجَّةُ عَلی أَهْلِ الدُّنْیا، وَاشْهِدُ اللَّهَ وَمَلائِکَتَهُ وَأَنْبِیاءَهُ وَرُسُلَهُ، و حجتهایی بر مردم دنیا هستند و گواه گیرم خدا و فرشتگانش و پیمبرانش و رسولانش را أَنِی بِکُمْ مُؤْمِنٌ وَبِایابِکُمْ مُوقِنٌ، بِشَرائِعِ دِینِی وَخَواتِیمِ عَمَلِی، که من براستی به شما ایمان دارم و به بازگشتتان یقین دارم طبق مقررات دین و مذهبم و پایان کردارم وَقَلْبِی لِقَلْبِکُمْ سِلْمٌ، وَأَمْرِی لِأَمْرِکُمْ مُتَّبِعٌ، صَلَواتُ اللَّهِ و دلم تسلیم دل شما است و کارم پیرو کار شما است درودهای خدا عَلَیْکُمْ، وَعَلی أَرْواحِکُمْ، وَعَلی أَجْسادِکُمْ، وَعَلی أَجْسامِکُمْ، بر شما و بر روانهایتان و بر جسدهاتان و بر پیکرتان وَعَلی شاهِدِکُمْ، وَعَلی غائِبِکُمْ، وَعَلی ظاهِرِکُمْ، وَعَلی و بر حاضرتان و بر غائبتان و بر آشکارتان و بر ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۶۸ باطِنِکُمْ، بِأَبِی أَنْتَ وَأُمِی یَاابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، بِأَبِی أَنْتَ وَأُمِی یا نهانتان پدر و مادرم به فدای تو ای فرزند رسول خدا پدر و مادرم فدای تو ای أَباعَبْدِاللَّهِ، لَقَدْعَظُمَتِ الرَّزِیَّةُ، وَجَلَّتِ الْمُصِیبَةُ بِکَ عَلَینا وَعَلی ابا عبداللّه براستی بزرگ گشت عزایت و گران شد مصیبت تو بر ما و بر جَمِیعِ أَهْلِ السَّماواتِ وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ همه اهل آسمانها و زمین پس خدا لعنت کند مردمی را که اسبان را زین کردند وَالْجَمَتْ وَتَهَیَّأَتْ لِقِتالِکَ، یا مَوْلایَ یا أَباعَبْدِاللَّهِ، و دهانه زدند و آماده کشتارت شدند ای مولای من ای ابا عبداللّه قَصَدْتُ حَرَمَکَ وَأَتَیْتُ مَشْهَدَکَ أَسْأَلُ اللَّهَ من آهنگ کردم حرم تو را و آمدم به زیارتگاهت از خدا خواهم بِالشَّأنِ الَّذِی لَکَ عِنْدَهُ وَبِالْمَحَلِ الَّذِی لَکَ لَدَیْهِ أَنْ یُصَلِیَ عَلی بدان منزلتی که در پیش او داری و بدان مقامی که نزدش داری که درود فرستد بر مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ یَجْعَلَنِی مَعَکُمْ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ». محمد و آل محمد و قرار دهد مرا با شما در دنیا و آخرت.» پس دو رکعت نماز زیارت با هر سوره که می‌خواهی بخوان، و چون از نماز فارغ شدی بگو: «اللَّهُمَّ إِنِی صَلَّیْتُ وَرَکَعْتُ وَسَجَدْتُ لَکَ، وَحْدَکَ «خدایا من نماز خواندم و رکوع کردم و سجده بجا آوردم برای تو تنها که ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۶۹ لا شَرِیکَ لَکَ، لِأَنَّ الصَّلاةَ وَالرُّکُوعَ وَالسُّجُودَ لا تَکُونُ إِلّا لَکَ، شریک نداری زیرا نماز و رکوع و سجده نیست جز برای تو لِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ چونکه تویی خدائی که معبودی جز تو نیست خدایا درود فرست بر محمد و آل مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغْهُمْ عَنِی أَفْضَلَ السَّلامِ وَالتَّحِیَّةِ، وَارْدُدْ عَلَیَّ مِنْهُمْ محمد و برسان از جانب من بدانها بهترین سلام و تحیت را و باز گردان از جانب آنها نیز بر من السَّلامَ. اللَّهُمَّ وَهاتانِ الرَّکْعَتانِ هَدِیَّةٌ مِنِیإِلیمَوْلایَ الْحُسَیْنِ بْنِ سلام خدایا و این دو رکعت نمازی که خواندم هدیه‌ای است از من به پیشگاه سرورم حضرت حسین ابن عَلِیٍ عَلَیْهِمَا السَّلامُ، اللَّهُمَّ صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وَعَلَیْهِ، وَتَقَبَّلْ علی علیهما السلام خدایا درود فرست بر محمد و بر آن حضرت و بپذیر مِنِی، وَاجْزِنِی عَلی ذلِکَ بِأَفْضَلِ أَمَلِی وَرَجائِی فِیکَ وفِی از من و پاداشم بده در برابر آن برطبق بهترین آرزو و امیدی که درباره وَلِیکَ، یا وَلِیَّ الْمُؤْمِنِینَ». ولیّ تو دارم ای سرپرست مؤمنان.» آنگاه به قصد زیارت علیّ بن الحسین علیهما السلام بگو: «السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ نَبِی اللَّهِ، «سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند پیامبر خدا ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۷۰ السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ سلام بر تو ای فرزند امیرمؤمنان سلام بر تو ای فرزند الْحُسَیْنِ الشَّهِیدِ، السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الشَّهِیدُ بْنُ الشَّهِیدِ، السَّلامُ حسین شهید سلام بر تو ای شهید و فرزند (آن امام) شهید، سلام عَلَیْکَ أَیُّهَا الْمَظْلُومُ بْنُ الْمَظْلُومِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْکَ، وَ لَعَنَ بر تو ای ستم رسیده

و فرزنـد (آن امام) سـتمدیده خدا لعنت کندمردمی که تو را کشـتند وخدا اللَّهُ أَمَّهً ظَلَمَتْکَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ أَمَّهً سَـمِعَتْ بِذلِکَ فَرَضِـیَتْ بِهِ. لعنت کند مردمی که به‌تو ستم کردند وخدا لعنت کند مردمی را که از این جریان اطلاع پیدا کرده و بدان راضی شدند. أَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللَّهِ وَ ابْنَ وَلِیهِ، لَقَـدْ عَظُمَتِ الْمُصِـیبَهُ سـلام بر تو ای ولیّ خـدا و فرزند ولی خدا براستی که بزرگ گشت مصـیبت تو وَ جَلَّتِ الرَّزِیَّهُ بِکَ عَلَیْنا وَ عَلی جَمِیعِ الْمُسْلِمِینَ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهً و گران شد عزای تو بر ما و بر تمام مسلمانان، خدا لعنت کند مردمی قَتَلَتْکَ، وَ أَبْرَأُ إِلَی اللَّهِ وَ إِلَیْکَ مِنْهُمْ». که تو را کشتند وبیزاری جویم بسوی خدا و بسوی تو از آنها.» سپس به نیّت زیارت دیگر شهدای کربلا بگو: «السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا أَوْلِیاءَ اللَّهِ وَ أَحِبَّائَهُ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا «سـلام بر شـما ای اولیاء خدا و دوستانش سلام بر شما ای ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۷۱ أَصْفِیاءَ اللَّهِ وَ اوِدَّائَهُ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا أَنْصارَ دِینِ اللَّهِ، السَّلامُ برگزیدگان خدا و دوستدارانش سلام بر شما ای یـاوران دین خـدا سـلام عَلَیْکُمْ یـا أَنْصـارَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یـا أَنْصـارَ بر شـما ای یـاران رسول خـدا سـلام بر شـما ای یاران أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا انصارَ فاطِمَهَ سَیِدَهِ نِساءِ امیرمؤمنان سـلام بر شما ای یاران فاطمه بانوی زنان الْعالَمِینَ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا أَنْصارَ أَبِی‌مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍ جهانیان سـلام بر شما ای یاران حضرت ابا محمد حسن بن علی الْوَلِیِ الزَّکِیِ النَّاصِحِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا أَنْصارَ أَبِی‌عَبْدِاللَّهِ، بِأَبِی آن دوست خیرخواه سـلام بر شما ای یاران حضرت اباعبدالله پدر أَنْتُمْ وَأُمِی، طِبْتُمْ وَطابَتِ الْأَرْضُ الَّتِی فِیها دُفِنْتُمْ، وَفُزْتُمْ فَوْزاً و مادرم به فدای شـما براستی پاکیزه شدید و پاکیزه گشت آن زمینی که شـما در آن مدفون شدید و به رستگاری عَظِیماً، فَیا لَیْتَنِی کُنْتُ مَعَکُمْ فَأَفُوزَ مَعَکُمْ فِی الجِنانِ مَعَ بزرگی رسـیدید پس ای کاش من هم با شما بودم که با شما رستگار گردم با الشُّهَداءِ وَالصَّالِحِینَ وَحَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ شـهیدان و شایسـتگان که آنان نیکو رفیقانی می‌باشـند سـلام بر شما وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ». و رحمت و برکات خدا بر شما باد.» ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۷۲

## زیارهٔ آل یس

مرحوم مجلسـی در کتـاب بحـار الأنوار به نقـل از نـاحیه مقدّسه چنین آورده است که هرگاه خواستی به‌وسـیله ما به سوی خـداوند تبارک وتعالی و به‌سوی ما توجه کنید، بگویید: «سَـلامٌ عَلی آلِ یس، السَّلامُ عَلَیْکَ یا داعِیَ اللَّهِ وَرَبَّانِیَّ «سـلام بر آل یاسین [خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله سلام بر تو ای دعوت کننده بسوی خدا و عارف آیاتِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا بابَ اللَّهِ وَدَیَّانَ دِینِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا به آیاتش سـلام بر تو ای واسـطه خـدا و سـرپرست دین او سـلام بر تو ای خَلِیفَهَ اللَّهِ وَناصِـرَ حَقِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ وَدَلِیلَ خلیفه خـدا و یـاور حق او سـلام بر تو ای حجت خـدا و راهنمـای إِرادَتِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا تالِیَ کِتابِ اللَّهِ وَتَرْجُمانَهُ، السَّلامُ اراده او سلام بر تو ای تلاوت کننـده کتاب خـدا و تفسیر کننده آیات او سـلام عَلَیْکَ فِی آناءِ لَیْلِکَ وَأَطْرافِ نَهارِکَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا بَقِیَّهَ اللَّهِ بر تو در تمام آنات و دقایق شب و سرتاسر روز سـلام بر تو ای بجای مانده از طرف خدا ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۷۳ فِی أَرْضِهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا میثاقَ اللَّهِ الَّذِی اخَذَهُ وَوَکَّدَهُ، در روی زمین سـلام بر تو ای پیمان محکم خدا که آن را از مردم گرفت و تأکید کرد السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَعْدَ اللَّهِ الَّذی ضَـمِنَهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْعَلَمُ سـلام بر تو ای وعده خدا که تضـمینش کرده سـلام بر تو ای پرچم الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَصْـبُوبُ، وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَهُ الْواسِـعَهُ برافراشته و دانش ریزان و فریادرس خلق و رحمت وسیع حق وَعْداً غَیْرَ مَکْذُوبٍ، السَّلامُ عَلَیْکَ و آن وعده‌ای که دروغ نشود سـلام بر تو هنگامی که بپا می‌ایستی سـلام بر تو حِینَ تَقُومُ، السَّلامُ عَلَیْکَ حِینَ تَقْعُدُ، السَّلامُ عَلَیْکَ حینَ تَقْرَأُ وَتُبَیِنُ، السَّلامُ عَلَیْکَ‌حینَ هنگـامی که می‌نشـینی سـلام بر تـو هنگـامی که (فرامین حق را) می‌خوانی و تفسـیر می‌کنی سـلام بر تو هنگامی که تُصَـلِی وَتَقْنُتُ، السَّلامُ عَلَیْکَ حِینَ تَرْکَعُ وَتَسْـجُدُ، السَّلامُ نماز می‌خوانی و قنوت کنی سـلام بر تو هنگامی که رکوع و سـجده بجای آوری سـلام عَلَیْکَ حِینَ تُهَلِلُ وَتُکَبِرُ، السَّلامُ عَلَیْکَ حینَ تَحْمَـدُ وَتَسْـتَغْفِرُ، بر تو هنگامی که «لا اله الا اللّه» و «اللّه اکبر» گوئی سلام بر تو هنگامی که خدا را ستایش کنی و از او آمرزش خواهی السَّلامُ عَلَیْکَ حینَ تُصْـبِحُ وَتُمْسِـی، السَّلامُ عَلَیْکَ فِی اللَّیْلِ إِذا سـلام بر تو هنگامی که بامـداد کنی و شام کنی سـلام بر تو در شب هنگامی که ادعیه و

زیارات مدینه منوره، ص: ۱۷۴ یَغْشی وَالنَّهارِ اذا تَجَلّی السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْإِمامُ الْمَأْمُونُ، تاریکیش فراگیرد و در روز هنگامی که پرده برگیرد سلام بر تو ای امام امین السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ، السَّلامُ‌عَلَیْکَ بِجَوامِعِ سلام بر تو ای مقدم (بر همه خلق و) مورد آرزو (ی آنان) سلام بر تو به همه السَّلام، أُشْهِدُکَ یا مَوْلایَ أَنِی أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ سلامها گواه گیرم تو را ای مولا و سرور من که من گواهی دهم به اینکه معبودی نیست جز خدای یگانه که لا شَرِیکَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عبْدُهُ وَرَسُولُهُ لا حَبِیبَ إِلّا هُوَ وَأَهْلُهُ، شریک ندارد و نیز (گواهی دهم که) محمد بنده و رسول او است و محبوبی نیست جز او و خاندانش وَأُشْهِدُکَ یا مَوْلایَ أَنَّ عَلِیّاً أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ حُجَّتُهُ، وَالْحَسَنَ و گواه گیرم تو را ای مولای من که علی امیر مؤمنان حجت خدا است و حسن حُجَّتُهُ، وَالْحُسَیْنَ حُجَّتُهُ وَعَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ حُجَّتُهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ حجت او است و حسین حجت او است و علی بن الحسین حجت او است و محمد بن عَلِیٍّ حُجَّتُهُ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ علی حجت او است و جعفر بن محمد حجت او است و موسی بن جعفر حُجَّتُهُ، وَعَلِیَّ بْنَ مُوسی حُجَّتُهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍ‌حُجَّتُهُ، وَعَلِیَّ حجت او است و علی بن موسی حجت او است و محمد بن علی حجت او است و علی ابْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ حُجَّتُهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ حُجَّةُ اللَّهِ، بن محمد حجت او است و حسن بن علی حجت او است و گواهی دهم که تو حجت خدائی، ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۷۵ أَنْتُم‌الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، «۱» وَأَنَ‌رَجْعَتَکُمْ حَقٌّ لا رَیْبَ فِیها، یَوْمَ لا یَنْفَعُ شمائید اول و آخر و مسلماً بازگشت شما حق است که شکی در آن نیست روزی که سود نَفْساً ایمانُها لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ کَسَبَتْ فِی ایمانِها ندهد کسی را ایمانش که پیش از آن ایمان نیاورده یا در (مدت) ایمان خویش خَیْراً، وَأَنَ‌الْمَوْتَ حَقٌّ، وَأَنَ‌ناکِراً وَنَکِیراًحَقٌّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ کار خیری انجام نداده و همانا مرگ حق است و ناکر و نکیر حق است و گواهی دهم که زنده شدن پس از مرگ حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّراطَ حَقٌّ، وَالْمِرْصادَ حَقٌّ، وَالْمِیزانَ حق است و برانگیخته شدن حق است و صراط حق است و مرصاد (کمینگاه) حق است و میزان حَقٌّ، وَالْحَشْرَ حَقٌّ، وَالْحِسابَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ، حق است و حشر (در قیامت) حق است و حساب حق است و بهشت و دوزخ حق است وَالْوَعْدَ وَالْوَعِیدَ بِهِما حَقٌّ، یا مَوْلایَ شَقِیَ مَنْ خالَفَکُمْ وَسَعِدَ و وعده و تهدید درباره آن دو حق است ای مولای من بدبخت است کسی که مخالفت شما را کرد و سعادتمند است ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۷۶ مَنْ أَطاعَکُمْ، فَاشْهَدْ عَلی ما أَشْهَدْتُکَ عَلَیْهِ، وَأَنَا وَلِیٌّ لَکَ بَرِیءٌ کسی که پیرویتان کرد پس گواهی ده بر آنچه تو را بر آن گواه گرفتم و من دوست توام و بیزارم مِنْ عَدُوِّکَ، فَالْحَقُّ ما رَضِیتُمُوهُ، وَالْباطِلُ ما سَخَطْتُمُوهُ، از دشمنت حق آنست‌که شما پسند کردید و باطل همانست که شما بدان خشم کردید وَالْمَعْرُوفُ ما أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْکَرُ ما نَهَیْتُمْ عَنْهُ، فَنَفْسِی مُؤْمِنَةٌ و معروف همان بود که شما بدان دستور دادید و منکر همان بود که شما از آن جلوگیری و نهی کردید، من ایمان دارم بِاللَّهِ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَبِکُمْ یا به خدای یگانه‌ای که شریک ندارد و به رسول او و به امیر مؤمنان و به شما- ای مَوْلایَ اوَّلِکُمْ وَآخِرِکُمْ، وَنُصْرَتِی مُعَدَّةٌ لَکُمْ، وَمَوَدَّتِی خالِصَةٌ مولای من- از اول تا آخرتان و یاریم برای شما آماده است و دوستیم خالص و پاک لَکُمْ آمینَ آمینَ». برای شما است آمین آمین.» سپس بگو: «اللَّهُمَّ انّی أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِیَ عَلی مُحَمَّدٍ نَبِیِ رَحْمَتِکَ «خدایا از تو خواهم که درود فرستی بر محمد پیامبر رحمتت وَکَلِمَةِ نُورِکَ، وَأَنْ تَمْلَأَ قَلْبِی نُورَ الْیَقِینِ، وَصَدْرِی‌نُورَ الْإِیمانِ، و کلمه نورت و دیگر آنکه پرکنی دل مرا با نور یقین و سینه‌ام را با نور ایمان ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۷۷ وَفِکْرِی نُورَ النِّیَّاتِ، وَعَزْمِی نُورَ الْعِلْمِ، وَقُوَّتِی نُورَ الْعَمَلِ، و اندیشه‌ام را با نور تصمیمها و اراده‌ام را با نور علم و نیرویم را با نور عمل وَلِسانِی نُورَ الصِّدْقِ، وَدِینِی نُورَ الْبَصائِرِ مِنْ عِنْدِکَ، وَبَصَرِی و زبانم را با نور راستگویی و دین و مذهبم را با نور بینائیهایی از نزد خودت و چشمم را نُورَ الضِیاءِ، وَسَمْعِی نُورَ الْحِکْمَةِ، وَمَوَدَّتِی نُورَ الْمُوالاةِ با نور روشنایی و گوشم را با نور فرزانگی و حکمت و دوستیم را با نور موالات لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ حَتّی أَلْقاکَ وَقَدْ وَفَیْتُ بِعَهْدِکَ محمد و آلش علیهم السلام تا تو را دیدار کنم و من به عهد وَمیثاقِکَ فَتُغَشِّیَنِی رَحْمَتَکَ یا وَلِیُّ یا حَمِیدُ. و پیمان تو وفا کردم پس رحمت خود را بر من بپوشان ای سرپرست و ای ستوده اللَّهُمَّ صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ خدایا درود فرست بر محمد حُجَّتِکَ فِی أَرْضِکَ، وَخَلیفَتِکَ فِی‌بِلادِکَ، وَالدَّاعِی إِلی حجت تو در روی زمینت و جانشین تو در شهرهایت و دعوت

کننـده بسوی سَبِیلِکَ، وَالْقائِمِ بِقِسْطِکَ، وَالثَّائِرِ بِأَمْرِکَ، وَلِیِ الْمُؤْمِنِینَ وَبَوارِ راهت و قیام کننـده به عـدل و دادت و انقلاب کننده به دستور تو، دوست مؤمنان و نابودکننـده الْکافِرِینَ، وَمُجَلِی الظُّلْمَهِ، وَمُنِیرِ الْحَقِ، وَالنَّاطِقِ بِالْحِکْمَهِ کافران و برطرف کننـده تاریکی و روشـن کننـده حق و گویـای به حکمت وَالصِدْقِ، وَکَلِمَتِکَ التَّامَّهُ فِی أَرْضِکَ، الْمُرْتَقِبِ الْخائِفِ و راسـتی و آن کلمه (دسـتور و فرمـان) کـاملت در روی زمین که در حال انتظار و بیم بسر برد ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۱۷۸ وَالْوَلِیِ النَّاصِحِ، سَفِینَهُ النَّجاهِ وَعَلَمِ الْهُدی وَنُورِ أَبْصارِ الْوَری و آن سـرپرست خیرخواه و کشتی نجات و پرچم هـدایت و روشـنی دیـدگان مردم وَخَیْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدی وَمُجَلِی الْعَمی الَّذِی یَمْلَأُ الْأَرْضَ و بهترین کسـی که جامه و رداء ببر کرد و زداینده گمراهی آنکس که پرکند زمین را عَدْلًا وَقِسْطاً کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً، إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ‌ءٍ قَدِیرٌ، از عدل و داد چنانچه پرشده باشد از ستم و بیدادگری که براستی تو بر هر چیز توانایی اللَّهُمَّ صَلِ عَلی وَلِیِّکَ وَابْنِ أَوْلِیائِکَ الَّذِینَ فَرَضْتَ طاعَتَهُمْ، خـدایا درود فرست بر بنده مقرب درگاهت و فرزند بندگان مقربت آنانکه فرض کردی فرمانبرداریشان را وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِیراً، و واجب گرداندی حقشان را و دور کردی از ایشان پلیدی را و بخوبی پاکیزه‌شان کردی اللَّهُمَّ انْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِینِکَ، وَانْصُرْ بِهِ أَوْلِیاءَکَ وَأَوْلِیاءَهُ خدایا یاریش کن و بدست او دینت را یاری کن و یاری کن بوسـیله او دوستان خودت و دوستان او وَشیعَتَهُ وَأَنْصارَهُ، وَاجْعَلْنا مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ اعِذْهُ مِنْ شَرِ کُلِ باغٍ و شـیعیان و یـاورانش را و مـا را نیز از آنان قرار ده خـدایا نگاهش دار از شـر هر متجاوز وَطاغٍ وَمِنْ شَرِ جَمِیعِ خَلْقِکَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ و سرکشـی و از شر همه مخلوق خودت و محافظتش کن از پیش رُویش و از پشت سرش وَعَنْ یَمِینِهِ وَعَنْ شِمالِهِ، وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ مِنْ أَنْ یُوصَلَ إِلَیْهِ و از سمت راستش و از طرف چپش و پاسداریش کن و نگاهش دار از اینکه گزند و آسیبی ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۱۷۹ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فِیهِ رَسُولَکَ وَآلَ رَسُولِکَ، وَاظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، بـدو رسـد و (شوکت و عزت) رسول و آل رسولت را در (وجود) او حفـظ فرما و آشـکار (یا پیروز) گردان بـدست او عـدل و داد را وَایِدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانْصُرْ ناصِرِیهِ، وَاخْذُلْ خاذِلِیهِ، وَاقْصِمْ و بیـاریت کمکش‌کن ویاورش را نیز یاری کن و هر که دست از یاریش بردارد خوار گردان و در هم شـکن قاصِمِیهِ، وَاقْصِمْ بِهِ جَبابِرَهَ الْکُفْرِ، وَاقْتُلْ بِهِ الْکُفَّارَ وَالْمُنافِقِینَ شکننده‌اش را و بشکن بدست او قدرت و شوکت کافران را و آنـان را بـدست آن حضـرت به خـاک هلاک افکن و هم چنین منافقان وَجَمِیعَ الْمُلْحِدِینَ حَیْثُ کانُوا مِنْ مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها و همه بی‌دینان ستیزه‌جو را در هر جا هسـتند از خاورهای زمین و باخترهای آن بَرِّها وَبَحْرِها، وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَاظْهِرْ بِهِ دِینَ نَبِیِّکَ چه در خشکی و چه در دریا، و پرکن بوسیله او زمین را از عدل و داد و آشکار (یا پیروز) کن بوسیله‌اش دین پیامبرت صلی الله علیه و آله صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِی اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصارِهِ وَأَعْوانِهِ وَأَتْباعِهِ- درود خـدا بر او و آلش- را و قرار ده خـدایا، مرا نیز از یاران و کمـک کـاران و پیروان وَشِیعَتِهِ، وَأَرِنِی فِی آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ مـا یَأْمُلُونَ وَفِی و شـیعیانش و به من بنمایان در مورد آل محمد علیهم السـلام آنچه را آرزو داشـتند و در عَدُوِّهِمْ ما یَحْذَرُونَ، إِلهَ الْحَقِ آمِینَ، یا ذَا الْجَلالِ وَالْإِکْرامِ یا مورد دشـمنشان آنچه از آن می‌ترسـند مسـتجاب گردان ای معبـود حـق و ای صـاحب جلالـت و بزرگـواری ای أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ». مهربـانترین مهربانـان.» ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۸۰

## دعای بعد از زیارت ائمّه علیهم السلام

این دعا به خاطر مفاهیم بسیار ارزشمند و عالی آن، به دعای عالیهٔ المضامین معروف است که آن را سید بن طاوس در مصباح الزایر بعد از زیارت جامعه مذکوره نقل فرموده و آن دعای شـریف این است: «اللَّهُمَّ إِنِی زُرْتُ هَذَا الْإِمامَ مُقِرّاً بِإِمامَتِهِ مُعْتَقِداً لِفَرْضِ «خدایا من‌زیارت کردم این امام را در حالی که اقرار به امامتش دارم و معتقدم که اطاعتش بر من طَاعَتِهِ فَقَصَدْتُ مَشْهَدَهُ بِذُنُوبِی وَ عُیُوبِی وَ مُوبِقاتِ آثامِی وَ واجب است و با این حال آهنگ زیارتگاهش را کردم و با گناهانی که دارم و با عیوب و جرمهای هلاکت بارم و کَثْرَةِ سَیِئاتِی وَ خَطَایـایَ وَ مـا تَعْرِفُهُ مِنِی مُسْتَجِیراً بِعَفْوِکَ بـدیهای بسـیار وخطاکاری‌هایم و آنچه تو خود می‌دانی و پناه آورده‌ام به

گـذشت مُسْتَعِیذاً بِحِلْمِکَ راجیاً رَحْمَتَکَ لاجِئاً إِلَی رُکْنِکَ عَائِذاً و به بردباریت و امیـدوارم به رحمتت و ملتجی گشـته‌ام به پایه و اساس مرحمتت و پناهنـده‌ام بِرَأْفَتِکَ مُسْتَشْفِعاً بِوَلِیِّکَ وَ ابْنِ أَوْلِیَائِکَ وَ صَفِیِّکَ وَ ابْنِ به مهرت و شـفیع گرفته‌ام ولی تـو و فرزند اولیائت را و برگزیده‌ات و پسر ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۸۱ أَصْفِیَائِکَ وَ أَمِینِکَ وَ ابْنِ أُمَنَائِکَ وَ خَلِیفَتِکَ وَ ابْنِ خُلَفَائِکَ برگزیـدگانت را و امین تو و فرزنـدان امانتـدارانت را و جانشـین تو و فرزنـدان جانشـینانت را الَّذِینَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِیلَةَ إِلی رَحْمَتِکَ وَ رِضْوانِکَ وَ الذَّرِیعَةَ إِلَی آنـانکه قرارشان دادی وسیله‌ای بسوی رحمت و خوشـنودیت و واسطه‌ای رَأْفَتِکَ وَ غُفْرَانِکَ أَللَّهُمَّ وَ أَوَّلُ حَاجَتِی إِلَیْکَ أَنْ تَغْفِرَ لِی مَا برای مهر و آمرزشت خـدایا نخستین حـاجتم بـدرگاه تو این است که بیـامرزی سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِی عَلی کَثْرَتِهَا وَ أَنْ تَعْصِمَنِی فِیما بَقِیَ مِنْ گناهان گذشـته‌ام را با بسـیاری آنها و نگاهم داری از گناه در باقیمانـده عُمُری وَ تُطَهِرَ دِینِی مِمَّا یُدَنِسُهُ وَ یَشِینُهُ وَ یُزْرِی بِهِ وَ تَحْمِیَهُ عمرم و پاک کنی دین و آئین مرا از آنچه آلوده و چرکینش کند و معیوبش سازد و نگاهداریش کنی مِنَ الرَّیْبِ وَ الشَّکِ وَ الْفَسَادِ وَ الشِرْکِ وَ تُثَبِتَنِی عَلی طَاعَتِکَ وَ از شک و شبهه و فساد و شرک و استوارم بداری بر فرمانبرداری خود و طَاعَةِ رَسُولِکَ وَ ذُرِّیَّتِهِ النُّجَبَاءِ السُّعَدَاءِ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِمْ وَ فرمانبرداری پیامبرت و فرزندان نجیب و سعادتمندش- که درودهای تو و رَحْمَتُکَ وَ سَلامُکَ وَ بَرَکَاتُکَ وَ تُحْیِیَنِی ما أَحْیَیْتَنِی عَلَی رحمت و سلام و برکاتت بر ایشان باد- و زنده‌ام بداری تا هر قدر که زنـده‌ام بر طَاعَتِهِمْ وَ تُمِیتَنِی إِذَا أَمَتَّنِی عَلیطَاعَتِهِمْ وَ أَنْ لا تَمْحُوَ مِنْ قَلْبِی فرمانبرداریشان و بمیرانیم هرگاه که مُردم بر فرمانبرداریشان و محو نکنی از دل من ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۸۲ مَوَدَّتَهُمْ وَ مَحَبَّتَهُمْ وَ بُغْضَ أَعْدَائِهِمْ وَ مُرَافَقَةَ أَوْلِیَائِهِمْ وَ بِرَّهُمْ وَ دوستی و محبت ایشـان و بغض دشـمنانشان و رفـاقت دوسـتانشان و نیکی کردن به ایشـان را أَسْأَلُکَ یا رَبِ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِکَ مِنِی وَ تُحَبِبَ إِلَیَّ عِبَادَتَکَ وَ و از تو خواهم پروردگارا که بپـذیری این (زیارت و دعا) را از من و مرا دوسـتدار عبادتت کنی الْمُواظَبَةَ عَلَیْهَا وَ تُنَشِطَنِی لَهَا وَ تُبَغِضَ إِلَیَّ مَعَاصِیَکَ وَ و مواظبتم دهی بر آن و بنشاطم آوری برای عبادت و متنفرم کنی از گناهان مَحَارِمَکَ وَ تَدْفَعَنِی عَنْهَا وَ تُجَنِبَنِی التَّقْصِیرَ فِی صَلاتِی و محرماتت و بازم داری از آنها و برکنارم داری از کوتاهی کردن در نمازهایم وَالْإِسْتِهَانَةَ بِهَا وَ التَّرَاخِیَ عَنْهَا وَ تُوَفِقَنِی لِتَأْدِیَتِهَا کَما فَرَضْتَ وَ و سرسری گرفتن آن و سستی و کاهلی کردن در آن و موفقم دار برای اداء آن چنانچه واجب کرده‌ای أَمَرْتَ بِهِ عَلیسُنَّةِ رَسُولِکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ رَحْمَتُکَ وَ و دسـتور فرمـوده‌ای به روش پیـامبرت- که درودهـای تـو و رحمت بَرَکَاتُکَ خُضُوعاً وَ خُشُوعاً وَ تَشْرَحَ صَدْرِی لِإِیتاءِ الزَّکَاةِ وَ و برکاتت بر او و آلش باد- با حال خضوع و خشوع و دیگر آنکه سینه‌ام را باز کنی (و بلندی نظر به من دهی) برای پرداختن زکات إِعْطَاءِ الصَّدَقَاتِ وَ بَذْلِ الْمَعْرُوفِ وَ الْإِحْسَانِ إِلَی شِیعَةِ آلِ و دادن صدقات و انجام کار نیک و احسان نسبت به شیعیان مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ وَ مُواسَاتِهِمْ وَ لا تَتَوَفَّانِی إِلَّا بَعْدَ أَنْ آل محمد علیهم السلام و مواسـات بـا آنهـا و نمیرانیم مگر بعـد ازاینکه ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۱۸۳ تَرْزُقَنِی حَجَّ بَیْتِکَ الْحَرَامِ وَ زِیَارَةَ قَبْرِ نَبِیِکَ وَقُبُورِ الْأَئِمَّةِ عَلَیْهِمُ روزیم کنی حـج خـانه کعبه‌ات و زیارت قبر پیامبرت و قبور امامان علیهم السـلام را السَّلامُ وَ أَسْأَلُکَ یا رَبِ تَوْبَةً نَصُوحاً تَرْضَاهَا وَ نِیَّةً تَحْمَدُهَا وَ و از تو خواهم پروردگارا توبه حقیقی مورد پسندت را و نیتی که سـتوده درگاه تو باشد عَمَلًا صَالِحاً تَقْبَلُهُ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِی وَ تَرْحَمَنِی إِذَا تَوَفَّیْتَنِی وَ تُهَوِّنَ و کردار شایسـته‌ای که تـو بپـذیری و دیگر آنکه مرا بیـامرزی و به من رحم کنی هنگـامی که از این جهـان مرا ببری و آسـان کنی عَلَیَّ سَکَرَاتِ الْمَوْتِ وَ تَحْشُرَنِی فِی زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ بر من سـختیهای مرگ را و محشورم کنی در گروه محمد و آلش- درود خدا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ وَ تُدْخِلَنِی الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِکَ وَ تَجْعَلَ بر او و اهل بیت باد- و داخـل بهشـتم کنی به رحمت خودت دَمْعِی غَزِیراً فِی طَاعَتِکَ وَ عَبْرَتِی جَارِیَةً فِیما یُقَرِّبُنِی مِنْکَ وَ واشـکم‌را فراوان کنی در انجام طاعتت و سِرشـکم را ریزان نمایی در آنچه مرا به تو نزدیک گردانـد قَلْبِی عَطُوفاً عَلیأَوْلِیَائِکَ وَ تَصُونَنِی فِی هَذِهِ الدُّنْیا مِنَ و دلم را مهربـان کنی نسبت به دوسـتانت و نگـاهم داری در این دنیا الْعَاهَاتِ وَ الْآفَاتِ وَ الْأَمْرَاضِ الشَّدِیدَةِ وَ الْأَسْقامِ الْمُزْمِنَةِ وَ از آسـیبها و آفـات و بیماریهـای سـخت و دردهـای مزمن جَمِیعِ أَنْواعِ الْبَلاءِ وَ الْحَوادِثِ وَ تَصْرِفَ قَلْبِی عَنِ الْحَرَامِ وَ و از هر نوع بلا و حادثه‌ای و بگردانی دلم را از توجه به حرام ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۱۸۴ تُبَغِضَ إِلَیَّ مَعَاصِیَکَ وَ تُحَبِبَ إِلَیَّ الْحَلالَ وَ تَفْتَحَ لِی أَبْوَابَهُ

وَ و مبغوض گردانی در نزد من نافرمانیهـایت را و محبوب گردانی در پیش من حلال را و بگشائی برویم درهای آن را تُثَبِّتَ نِیَّتِی وَ فِعْلِی عَلَیْهِ وَ تَمُدَّ فِی عُمُرِی وَ تُغْلِقَ أَبْوابَ الْمِحَنِ و استوار کنی نیت و کارم را بر آن و دراز گردانی عمرم را و بربندی برویم درهای غم عَنِی وَ لا تَسْلُبَنِی ما مَنَنْتَ بِهِ عَلَیَّ وَ لا تَسْتَرِدَّ شَیْئاً مِمَّا أَحْسَنْتَ و محنت را و نعمتهایی که به من داده‌ای از من نگیری و چیزی از احسانهای (بیشمار) بِهِ إِلَیَّ وَ لا تَنْزِعَ مِنِی النِعَمَ الَّتِی أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَیَّ وَ تَزِیدَ فِیما خود را از من باز نستانی و جدا نکنی از من نعمتهای (بسیاری) را که به من عنایت فرمودی خَوَّلْتَنِی وَ تُضَاعِفَهُ أَضْعَافاً مُضَاعَفَةً وَ تَرْزُقَنِی مَالًا کَثِیراً وَاسِعاً و بیفزائی بر آنچه به من ارزانی داشتی و مضاعف گردانی آنرا به چندین برابر و روزیم کنی مالی بسیار و وسیع سَائِغاً هَنِیئاً نَامِیاً وَافِیاً وَ عِزّاً بَاقِیاً کَافِیاً وَ جَاهاً عَرِیضاً مَنِیعاً وَ و ریزان و گوارا و با برکت و رسا، و نیز عزتی باقی و کافی، و آبروئی پهناور و شکوهمند نِعْمَةً سَابِغَةً عَامَّةً وَ تُغْنِیَنِی بِذَلِکَ عَنِ الْمَطَالِبِ الْمُنَکَّدَةِ وَ و نعمتی شایان و فراگیرنده و بی‌نیازم کن بدینوسیله از تکاپوهای پر مشقت الْمَوارِدِ الصَّعْبَةِ وَ تُخَلِصَنِی مِنْهَا مُعَافیً فِی دِینِی وَ نَفْسِی وَ و موارد سخت و دشوار و رهائیم دهی از آنها با سلامتی دین و جان و وُلْدِی وَ ما أَعْطَیْتَنِی وَ مَنَحْتَنِی وَ تَحْفَظَ عَلَیَّ مَالِی وَ جَمِیعَ مَا فرزنـدانم و چیزهای دیگری که به من عطا کرده و ارزانی داشتی و نگهـداری برایم مالم و همه آنچه را ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۸۵ خَوَّلْتَنِی وَ تَقْبِضَ عَنِی أَیْدِیَ الْجَبَابِرَةِ وَ تَرُدَّنِی إِلَی وَطَنِی وَ به من بخشیده‌ای و برگیری از سر من دستهای (ستم پیشه) گردنکشان را و بازم گردانی به وطنم تُبَلِغَنِی نِهَایَةَ أَمَلِی فِی دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی وَ تَجْعَلَ عَاقِبَةَ أَمْرِی و برسانی مرا بـه نهـایت آرزویـم در دنیـا و آخرتم و بگردانی سرانجام کـارم را مَحْمُودَةً حَسَنَةً سَلِیمَةً وَ تَجْعَلَنِی رَحِیبَ الصَّدْرِ وَاسِعَ الْحَالِ پسندیده و نیکو وسالم، و قرارم دهی فراخ سینه (و بلنـد نظر) و فراخ حال حَسَنَ الْخُلْقِ بَعِیداً مِنَ الْبُخْلِ وَ الْمَنْعِ وَ النِفَاقِ وَالْکِذْبِ و خوش خلقی و دور از بخل و ممانعت (از احسان و دستگیری) و نفاق و دروغ وَالْبَهْتِ وَ قَوْلِ الزُّورِ وَتُرْسِخَ فِی قَلْبِی مَحَبَّةَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ و بهتان و زورگویی و ریشه‌دار کنی در دلم دوستی محمد و آل محمد وَ شِیعَتِهِمْ وَ تَحْرُسَنِی یا رَبِ فِی نَفْسِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ وُلْدِی و شیعیانشان را و محـافظتم کنی پروردگـارا در جانم و خانـدان و مال و فرزنـدان وَ أَهْلِ حُزَانَتِی وَ إِخْوانِی وَ أَهْلِ مَوَدَّتِی وَ ذُرِّیَّتِی بِرَحْمَتِکَ وَ و نـانخوران و برادران و دوسـتان و نژادم به مهر و جُودِکَ اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَاتِی عِنْدَکَ وَ قَدِ اسْتَکْثَرْتُهَا لِلُؤْمِی وَ جودت خـدایا اینها بود حاجتهایی که من بـدرگاه تو دارم و اینکه زیادشان کردم بخاطر گـدا صـفتی و حرص شُحِی وَ هِیَ عِنْدَکَ صَغِیرَةٌ حَقِیرَةٌ وَ عَلَیْکَ سَهْلَةٌ یَسِیرَةٌ زیادی است که من دارم ولی همه آنها در نزد تو کوچک و اندک است و انجامش برای تو سهل و آسـان است ادعیه و زیـارات مـدینه منوره، ص: ۱۸۶ فَأَسْأَلُکَ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ عِنْدَکَ وَ پس از تو خواهم به آن آبروئی که محمد و آل محمد- که بر او و بر ایشان سلام باد- در نزد تو دارند بِحَقِهِمْ عَلَیْکَ وَ بِما أَوْجَبْتَ لَهُمْ وَ بِسَائِرِ أَنْبِیَائِکَ وَ رُسُلِکَ وَ و بـه حقی که ایشـان بر تـو دارنـد و بـدانچه واجب کرده‌ای برای ایشـان و به حق سـایر پیمـبران و رسولان و أَصْفِیَائِکَ وَ أَوْلِیَائِکَ الْمُخْلَصِینَ مِنْ عِبَادِکَ وَ بِاسْمِکَ الْأَعْظَمِ برگزیـدگان و دوسـتان مخلص از بنـدگانت و به حق بزرگترین نام اعظمت الْأَعْظَمِ لَمَّا قَضَیْتَها کُلَّها وَ أَسْعَفْتَنِی بِهَا وَ لَمْ تُخَیِبْ أَمَلِی وَ که همه این حاجتها را برایم برآوری و کامروایم سازی بـدانها و امید و آرزویم را مبدل به رَجَائِی، اللَّهُمَّ وَشَفِعْ صَاحِبَ هَذَا الْقَبْرِ فِیَّ یا سَیِدِی یا وَلِیَّ اللَّهِ نومیدی نکنی خدایا و شفاعت صاحب این قبر را درباره من بپـذیر، ای آقای من ای ولی خدا یا أَمِینَ اللَّهِ أَسْأَلُکَ أَنْ تَشْفَعَ لِی إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِی هَذِهِ وای امانتدار خدا از تو خواهم که شفاعت کنی از من بـدرگاه خـدای عزوجـل در همه این الْحَاجَاتِ کُلِهَا بِحَقِ آبَائِکَ الطَّاهِرِینَ وَ بِحَقِ أَوْلادِکَ الْمُنْتَجَبِینَ حاجتها به حق پـدران پاکت و بحق فرزندان برگزیده‌ات فَإِنَّ لَکَ عِنْدَ اللَّهِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ الْمَنْزِلَةَ الشَّرِیفَةَ وَ زیرا که برای تو در نزد خداوندی که نامهایش منزه است مقامی است بس شریف الْمَرْتَبَةَ الْجَلِیلَةَ وَ الْجَاهَ الْعَرِیضَ اللَّهُمَّ لَوْ عَرَفْتُ مَنْ هُوَ أَوْجَهُ و مرتبتی است برجسته و آبروئی است پهناور و بسیار خدایا اگر من کسی را سراغ داشتم که آبرومندتر بود ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۸۷ عِنْدَکَ مِنْ هَذَا الْإِمامِ وَ مِنْ آبَائِهِ وَ أَبْنائِهِ الطَّاهِرِینَ عَلَیْهِمُ در نزد تو از این امام بزرگوار و از پدران و فرزندان پاکیزه‌اش علیهم السلام السَّلامُ وَ الصَّلاةُ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِی وَ قَدَّمْتُهُمْ أَمامَ حَاجَتِی وَ بطور مسلم آنها را شفیعان خود می‌گرفتم و پیش روی حاجتها طَلِبَاتِی

هَذِهِ فَاسْمَعْ مِنِی وَ اسْتَجِبْ لِی وَ افْعَلْ بِی ما أَنْتَ أَهْلُهُ و خواسته‌هایم قرار می‌دادم پس از من بپذیر و دعایم را به اجابت رسان و انجام ده درباره من آنچه را تو شایسته آنی یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ، اللَّهُمَّ وَ ما قَصُرَتْ عَنْهُ مَسْأَلَتِی وَ عَجَزَتْ ای مهربانترین مهربانان خدایا و هر چه را کوتاه آمد از آن درخواست من (و از یادم رفت) و ناتوان شد عَنْهُ قُوَّتِی وَ لَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتِی مِنْ صَالِحِ دِینِی وَ دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی از آن نیرویم، و فکرم بدان نرسید از آنچه به صلاح دین و دنیا و آخرتم باشد فَامْنُنْ بِهِ عَلَیَّ وَ احْفَظْنِی وَ احْرُسْنِی وَ هَبْ لِی وَ اغْفِرْ لِی وَ مَنْ پس آنها را بر من منت گذار (و عطا فرما) و محافظتم کن و پاسداریم کن و به بخش بر من و بیامرز مرا، و هر کس أَرَادَنِی بِسُوءٍ أَوْ مَکْرُوهٍ مِنْ شَیْطَانٍ مَرِیدٍ أَوْ سُلْطَانٍ عَنِیدٍ أَوْ که قصد دارد به من آسیبی یا امر ناخوشایندی وارد کند چه از شیطانی متمرد یا سلطانی معاند مُخَالِفٍ فِی دِینٍ أَوْ مُنازِعٍ فِی دُنْیَا أَوْ حاسِدٍ عَلَیَّ نِعْمَةً أَوْ ظالِمٍ یا مخالف در دین یا ستیزه‌جوئی در مال دنیا یا حسودی که در نعمتی بر من رشک برد یا ستمکار أَوْ بَاغٍ فَاقْبِضْ عَنِی یَدَهُ وَ اصْرِفْ عَنِی کَیْدَهُ وَ اشْغَلْهُ عَنِی یا زورگویی (که باشد) قدرتش را از سر من بازگیر و نقشه‌اش را از من بازگردان و او را بخودش ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۸۸ بِنَفْسِهِ وَ اکْفِنِی شَرَّهُ وَ شَرَّ أَتْبَاعِهِ وَ شَیَاطِینِهِ وَ أَجِرْنِی مِنْ کُلِ مَا مشغول کن و شر خودش و شر پیروان و شیاطینش را از من کفایت فرما و پناهم ده از هر چه یَضُرُّنِی وَ یُجْحِفُ بِی وَ أَعْطِنِی جَمِیعَ الْخَیْرِ کُلِهِ مِمَّا به من زیان زند و به هلاکتم اندازد و هر خیر و خوبی است همه را به من عطا فرما چه آنکه أَعْلَمُ وَ مِمَّا لا أَعْلَمُ، اللَّهُمَّ صَلِ عَلی‌مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ می‌دانم و چه آن را که نمی‌دانم خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز لِی وَ لِوالِدَیَّ وَ لِإِخْوانِی وَ أَخَواتِی وَ أَعْمامِی وَ عَمَّاتِی وَ مرا و پدر و مادرم و برادران و خواهرانم و عموهایم و عمه‌هایم أَخْوالِی وَ خَالاتِی وَ أَجْدَادِی وَ جَدَّاتِی وَ أَوْلادِهِمْ وَ ذَرَارِیهِمْ و دائیهایم و خاله‌هایم و اجداد و جده‌هایم را و فرزندانشان و نژادشان و وَ أَزْوَاجِی وَ ذُرِّیَّاتِی وَ أَقْرِبَائِی وَ أَصْدِقَائِی وَ جِیرَانِی وَ إِخْوانِی همسران و فرزندان خودم و خویشانم و رفقا و همسایگانم و برادران دینیم را فِیکَ مِنْ أَهْلِ الشَّرْقِ وَ الْغَرْبِ وَ لِجَمِیعِ أَهْلِ مَوَدَّتِی مِنَ از اهل شرق و غرب عالم و تمام آنانکه با من دوستی داشته و دارند از الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِناتِ، الْأَحْیَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْواتِ وَ لِجَمِیعِ مَنْ مردان و زنان با ایمان زنده و مرده‌شان را و تمام کسانی که عَلَّمَنِی خَیْراً أَوْ تَعَلَّمَ مِنِی عِلْماً، اللَّهُمَّ أَشْرِکْهُمْ فِی صَالِحِ دُعَائِی کار خیری را به من یاد داده یا از من علمی آموخته‌اند خدایا شریک ساز ایشان را در دعای خیری که کرده‌ام ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۸۹ وَ زِیَارَتِی لِمَشْهَدِ حُجَّتِکَ وَ وَلِیکَ وَ أَشْرِکْنِی فِی صَالِحِ و زیارتی که از زیارتگاه حجت و ولیت نصیبم شده و مرا نیز در دعاهای خیر ایشان أَدْعِیَتِهِمْ بِرَحْمَتِکَ یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَ بَلِّغْ وَلِیَّکَ مِنْهُمُ السَّلامَ شریک ساز به مهرت ای مهربانترین مهربانان و سلام برسان از طرف آنها بر ولی خودت، وَ السَّلامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ یا سَیِدِی وَ مَوْلایَ یَا و سلام بر تو باد ای سرور و آقای من ای فُلانَ بْنَ فُلانٍ بجای «فلان بن فلان» نام امامی را که زیارت می‌کند و نام پدر آن بزرگوار را بگوید: صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ وَ عَلی رُوحِکَ وَ بَدَنِکَ أَنْتَ وَسِیلَتِی إِلَی دورد خدا بر تو و بر روح و جسمت تویی وسیله من اللَّهِ وَ ذَرِیعَتِی إِلَیْهِ وَ لِی حَقُّ مُوالاتِی وَ تَأْمِیلِی فَکُنْ شَفِیعِی بدرگاه خدا و واسطه من در پیشگاهش و من بر تو حق دوستی و آرزومندی دارم پس شفیع من شو إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِی الْوُقُوفِ عَلَی قِصَّتِی هَذِهِ وَ صَرْفِی عَنْ بدرگاه خدای عزوجل در اطلاع بر جریان کارم و بازگرداندنم از مَوْقِفِی هَذَا بِالنُّجْحِ بِما سَأَلْتُهُ کُلِهِ بِرَحْمَتِهِ وَ قُدْرَتِهِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِی اینجا با کامیابی بدانچه درخواست کرده‌ام همه را به مهر و قدرتت. خدایا! روزیم کن عَقْلًا کَامِلًا وَ لُبّاً رَاجِحاً وَ عِزّاً بَاقِیاً وَ قَلْباً زَکِیاً وَ عَمَلًا کَثِیراً وَ عقلی کامل و خردی که بچربد (بر هوای نفس) و عزتی باقی و دلی پاک و کرداری بسیار ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۹۰ أَدَباً بَارِعاً وَ اجْعَلْ ذَلِکَ کُلَّهُ لِی وَ لا تَجْعَلْهُ عَلَیَّ بِرَحْمَتِکَ یَا و ادبی نیکو و همه را بسود من قرار ده نه به زیان من به مهرت أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ». ای مهربانترین مهربانان.»

### دعا برای حضرت حجهٔ بن الحسن

– عجل اللّه‌فرجه‌الشریف– هرگاه بخواهی برای خویش یا دیگران دست به دعا برداری بهتر آن است که نخست به نیّت دعا برای

حضرت ولی عصر (عجل اللّه فرجه الشریف) این دعا را بخوانی: «اللّهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّکَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ، صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَعَلی «خدایا باش برای ولی خود حضرت حجت فرزند امام حسن عسکری که درودهای تو بر او و بر آبائِهِ، فِی هذِهِ السَّاعَةِ وَ فِی کُلِّ ساعَةٍ، وَلِیّاً وَ حافِظاً وَ قائِداً وَناصِراً پدرانش باد در این ساعت و در هر ساعت یار و مددکار و نگهبان و رهبر و یاور و راهنما وَدَلِیلًا وَعَیْناً، حَتّی تُسْکِنَهُ أَرْضَکَ طَوْعاً، وَتُمَتِّعَهُ فِیها طَوِیلًا». و دیده‌بان تا او را از روی میل و رغبت مردم در روی زمین سکونت دهی و بهره‌مندش سازی زمانی دراز.» ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۹۱

## دعای عهد

از حضرت صادق علیه السلام روایت است که هر کس چهل بامداد این دعا را بخواند از یاوران قائم ما باشد و چنانچه پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند او را زنده سازد تا در خدمت آن حضرت باشد و خداوند به هر کلمه این دعا هزار حسنه به او کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند. «اللّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِیمِ، وَرَبَّ الْکُرْسِیِّ الرَّفِیعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ «خدایا ای پروردگار نور بزرگ و پروردگار کرسی بلند و پروردگار دریای الْمَسْجُورِ، وَمُنْزِلَ التَّوْراةِ وَالْإِنْجِیلِ وَالزَّبُورِ، وَرَبَّ الظِلِ جوشان و فرو فرستنده تورات و انجیل و زبور و پروردگار سایه وَالْحَرُورِ، وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِیمِ، وَرَبَّ الْمَلائِکَةِ الْمُقَرَّبِینَ و آفتاب داغ و فرو فرستنده قرآن بزرگ و پروردگار فرشتگان مقرب وَالْأَنْبِیاءِ وَالْمُرْسَلِینَ. اللّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ بِوَجْهِکَ الْکَرِیمِ، وَبِنُورِ و پیمبران و مرسلین خدایا از تو خواهم به ذات بزرگوارت و به نور وَجْهِکَ الْمُنِیرِ وَمُلْکِکَ الْقَدِیمِ، یا حَیُّ یا قَیُّومُ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ جمال تابانت و فرمانروائی دیرینه‌ات ای زنده ای پاینده از تو می‌خواهم بدان نامت ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۹۲ الَّذِی أَشْرَقَتْ بِهِ السَّماواتُ وَالْأَرَضُونَ، وَبِاسْمِکَ الَّذِی یَصْلَحُ که روشن شد بدان آسمانها و زمینها و بدان نامت که صالح و شایسته گشتند بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالآخِرُونَ، یا حَیٌّ قَبْلَ کُلِ حَیٍّ، وَیا حَیٌّ بَعْدَ کُلِ بدان پیشینیان و پسینیان ای زنده پیش از هر موجود، و ای زنده پس از هر حَیٍّ، وَیا حَیٌّ حِینَ لا حَیَّ، یا مُحْیِیَ الْمَوْتی وَمُمِیتَ الْأَحْیاءِ، یا موجود زنده و ای زنده در آن هنگام که زنده‌ای وجود نداشت ای زنده کن مردگان و ای میراننده زندگان ای حَیُّ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ. اللّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلانَاالْإِمامَ الْهادِیَ الْمَهْدِیَّ زنده‌ای که معبودی جز تو نیست خدایا برسان به مولای ما آن امام راهنمای راه یافته الْقائِمَ بِأَمْرِکَ، صَلَواتُ اللّهِ عَلَیْهِ وَعَلی آبائِهِ الطَّاهِرِینَ، عَنْ و قیام کننده به فرمان تو- که درودهای خدا بر او و پدران پاکش باد- از طرف جَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِناتِ فِی مَشارِقِ الْأَرْضِ وَمَغارِبِها، همه مردان و زنان با ایمان در شرقهای زمین و غربهای آن سَهْلِها وَجَبَلِها وَبَرِّها وَبَحْرِها، وَعَنِی وَ عَنْ والِدَیَّ مِنَ هموار آن و کوه آن، خشکی آن و دریایش، و از طرف من و پدر و مادرم الصَّلَواتِ زِنَةَ عَرْشِ‌اللّهِ وَمِدادَ کَلِماتِهِ وَما أَحْصاهُ عِلْمُهُ وَأَحاطَ درودهائی هموزن عرش خدا و شماره کلمات و سخنان او و آنچه را دانشش احصاء کرده و کتاب و دفترش بِهِ کِتابُهُ. اللّهُمَّ إِنِی أُجَدِّدُ لَهُ فِی صَبِیحَةِ یَوْمِی هذا وَما عِشْتُ بدان احاطه دارد خدایا من تازه می‌کنم در بامداد این روز و هر چه زندگی کنم ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۹۳ مِنْ أَیَّامِی عَهْداً وَعَقْداً وَبَیْعَةً لَهُ فِی عُنُقِی، لا أَحُولُ عَنْها وَلا از روزهای دیگر عهدو پیمان و بیعتی برای آن حضرت در گردنم که هرگز از آن سرنپیچم أَزُولُ أَبَداً. اللّهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ أَنْصارِهِ وَأَعْوانِهِ، وَالذّابِینَ عَنْهُ، و دست نکشم هرگز. خدایا! قرار ده مرا از یاران و کمک کارانش و دفاع کنندگان از او وَالْمُسارِعِینَ إِلَیْهِ فِی قَضاءِ حَوائِجِهِ، وَالْمُمْتَثِلِینَ لِأَوامِرِهِ، و شتابندگان بسوی او در برآوردن خواسته‌هایش و انجام دستورات و اوامرش وَالْمُحامِینَ عَنْهُ، وَالسَّابِقِینَ إِلی إِرادَتِهِ، وَالْمُسْتَشْهَدِینَ بَیْنَ و مدافعین از آن حضرت و پیشی گیرندگان بسوی خواسته‌اش و شهادت یافتگان یَدَیْهِ. اللّهُمَّ إِنْ حالَ بَیْنِی وَبَیْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِی جَعَلْتَهُ عَلی عِبادِکَ پیش رویش خدایا اگر حائل شد میان من و او مرگی که قرار داده‌ای آن را بر بندگانت حَتْماً مَقْضِیّاً، فَأَخْرِجْنِی مِنْ قَبْرِی، مُؤْتَزِراً کَفَنِی، شاهِراً سَیْفِی، حتمی و مقرر پس بیرونم آر از گورم کفن به خود پیچیده با شمیشر آخته مُجَرَّداً قَناتِی، مُلَبِیاً دَعْوَةَ الدَّاعِی فِی الْحاضِرِ وَالْبادِی. اللّهُمَّ و نیزه برهنه پاسخ‌گویان به ندای آن خواننده بزرگوار در شهر و بادیه خدایا أَرِنِی الطَّلْعَةَ الرَّشِیدَةَ، والْغُرَّةَ الْحَمِیدَةَ، وَاکْحَلْ ناظِرِی بِنَظْرَةٍ بنمایان به من آن جمال

ارجمندو آن پیشانی نورانی پسندیده را و سرمه وصال دیدارش را به یک نگاه مِنِی إِلَیْهِ، وَعَجِلْ فَرَجَهُ وَسَهِلْ مَخْرَجَهُ، وَأَوْسِعْ مَنْهَجَهُ وَاسْلُکْ به دیده‌ام بکش و شتاب کن در ظهورش و آسان گردان خروجش را و وسیع گردان راهش را و مرا به ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۹۴ بِی مَحَجَّتَهُ، وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ وَاشْدُدْ ازْرَهُ، وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلادَکَ، راه او درآور و دستورش را نافذ گردان و پشتش را محکم کن و آباد گردان خدایا بدست او شهرها و بلادت را وَأَحْیِ بِهِ عِبادَکَ، فَإِنَّکَ قُلْتَ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ: ظَهَرَ الْفَسادُ فِی و زنده گردان بوسیله‌اش بندگانت را زیرا که تو فرمودی و گفته‌ات حق است (که فرمودی): «آشکار شد تبهکاری در الْبَرِ وَالْبَحْرِ بِما کَسَبَتْ ایْدِی النّاسِ، فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنا وَلِیَّکَ خشکی و دریا بخاطر کرده‌های مردم» پس آشکار کن برای ما خدایا نماینده‌ات را وَابْنَ بِنْتِ نَبِیِّکَ الْمُسَمّی بِاسْمِ رَسُولِکَ حَتّی لا یَظْفَرَ بِشَیْءٍ مِنَ و فرزند دختر پیامبرت که همنام رسول تو است تا دست نیابد به هیچ الْباطِلِ إِلّا مَزَّقَهُ، ویُحِقَّ الْحَقَّ وَیُحَقِقَهُ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْزَعاً باطلی جز آنکه از هم بدراند و پابرجا کند حق را و ثابت کند آن را و بگردان آن بزرگوار را خدایا پناهگاه لِمَظْلُومِ عِبادِکَ، وَناصِراً لِمَنْ لا یَجِدُ لَهُ ناصِراً غَیْرَکَ، وَمُجَدِّداً ستمدیدگان بندگانت و یاور کسی که جز تو یاوری برایش یافت نشودو تازه کننده لِما عُطِلَ مِنْ أَحْکامِ کِتابِکَ، وَمُشَیِداً لِما وَرَدَ مِنْ أَعْلامِ دِینِکَ آن احکامی که از کتاب تو تعطیل مانده و محکم کننده‌آنچه رسیده از نشانه‌های دین وَسُنَنِ نَبِیکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّن حَصَّنْتَهُ و آئینت و دستورات پیامبرت صلی الله علیه و آله و قرارش ده خدایا از آنانکه نگاهش داری مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِینَ. اللَّهُمَّ وَسُرَّ نَبِیَّکَ مُحَمَّداً صَلَّی‌اللَّهُ‌عَلَیْهِ وَآلِهِ از صولت و حمله زورگویان خدایا شاد گردان (دل) پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۹۵ بِرُؤْیَتِهِ وَمَنْ تَبِعَهُ عَلی دَعْوَتِهِ، وَارْحَمِ اسْتِکانَتَنا بَعْدَهُ، را به دیدارش و همچنین هر که در دعوتش از آن حضرت پیروی کرد و رحم کن به بیچارگی ما پس از آن حضرت اللَّهُمَّ اکْشِفْ هذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَعَجِلْ لَنا خدایا بگشا این اندوه را از این امت به حضور امام زمان و شتاب کن برای ما ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ یَرَوْنَهُ بَعِیداً وَنَراهُ قَرِیباً، بِرَحْمَتِکَ یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ. در ظهور آن جناب که اینان ظهورش را دور پندارند ولی ما نزدیک می‌بینیم به مهرت ای مهربانترین مهربانان.» پس سه‌بار دست بر ران راست خود می‌زنی و هربارمی گویی: «الْعَجَلَ، الْعَجَلَ یا مَوْلایَ یا صاحِبَ الزَّمانِ. «تعجیل و شتاب فرما، ای مولای من، ای صاحب زمان.»

## نماز شب

روایات وارده از سوی پیشوایان معصوم در فضیلت نماز شب فراوان است که به ذکر برخی از آنها می‌پردازیم: امام صادق علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که آن حضرت به وصیّش حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: یا علی ترا به چند چیز سفارش می کنم به خاطر بسپار ... و بر تو باد به نماز شب، و بر تو باد به نماز شب، و بر تو باد به ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۹۶ نماز شب، ... «۱» و از انس نقل شده است که گوید: از پیامبر شنیدم که می‌فرمود: دو رکعت نماز در دل شب بهتر است از دنیا و آنچه که در اوست. «۲»

## کیفیت نماز شب

نماز شب یازده رکعت است، و می توان در هر رکعت به حمد تنها اکتفا کرد، هشت رکعت آن را به نیت نماز شب باید خواند و بعد از هر دو رکعت سلام گفت، سپس دو رکعت به نیت نماز شَفْع و یک رکعت به نیت نماز وِتْر و بهتر است که نمازگزار در قنوت نماز وتر هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبّی وَاتُوبُ إِلَیْهِ» و سپس هفت بار: «هذا مَقامُ الْعائِذِ بِکَ مِنَ النَّارِ» و بعد سیصد مرتبه «الْعَفْو» بگوید و آنگاه برای چهل نفر از مؤمنان دعا کند و بعد برای خویش دعا نماید و چون از قنوت فارغ شد رکوع و سجود گزارد و نماز را تمام نماید و پس از ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۱۹۷ نماز، تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را انجام دهد و بعد

هر چه می‌خواهد دعا کند.

## نماز حضرت فاطمه علیها السلام

روایت شده که حضـرت فاطمه علیها السـلام دو رکعت نماز می گزارد که جبرئیل علیه السلام تعلیم او کرده بود، در رکعت اوّل بعد از حمـد صـد مرتبه سوره قَدْر و در رکعت دوّم بعـد از حمـد صـد مرتبه سوره توحیـد و چون سـلام می گفت این دعا را می‌خواند: «سُبْحانَ ذِی الْعِزِ الشَّامِخِ الْمُنِیفِ، سُبْحانَ ذِی الْجَلالِ «منزه است (خـدای) صـاحب عزت بسیار بلنـد و مرتفع، منزه است (خـدای) صـاحب جلال الْباذِخِ الْعَظِیم، سُبْحانَ ذِی الْمُلْکِ الْفاخِرِ الْقَدِیم، سُبْحانَ مَنْ والا و بزرگ، منزه است (خـدای) صاحب فرمانروایی فاخر قـدیم منزه است کسـی لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمالَ، سُبْحانَ مَنْ تَرَدّی بِالنُّورِ وَالْوَقارِ، که در بردارد خرّمی و زیبایی را منزه است آنکه به ردای نور و وقـار خود را آراسـته سُبْحانَ مَنْ یَری اثَرَ النَّمْلِ فِی الصَّفـا، سُبْحانَ مَنْ یَری وَقْعَ منزه است آنکه جـای پای مور را در روی سـنگ صاف ببینـد منزه است آنکه گـذرگاه ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۱۹۸ الطَّیْرِ فِی الْهَواءِ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ هکَذا لا هکَذا غَیْرُهُ». پرنـده را در هـوا ببینـد منزه است آنکه او این چنین است و جز او چنین نیست.» شـیخ در مصـباح المتهجـدین فرمـوده: سزاوار است کسـی که این نمـاز را بجـا می‌آورد چون از تسبیـح فـارغ شود زانوهـا و ذراعها را برهنه نمایـد و بچسـباند همه مواضِع سجود خود را بزمین بـدون حـاجز و حـایلی و حـاجت خود را از خـدا بخواهـد و دعا کنـد آنچه می‌خواهـد و در همان حال سـجده بگویـد: «یا مَنْ لَیْسَ غَیْرَهُ رَبٌّ یُدْعی یا مَنْ لَیْسَ فَوْقَهُ إِلهٌ یُخْشـی یا «ای کسـی که جز او پروردگاری نیست که خوانده شود و فوق او معبودی نیست که از او بترسند ای مَنْ لَیْسَ دُونَهُ مَلِکٌ یُتَّقی یا مَنْ لَیْسَ لَهُ وَزِیرٌ یُؤْتی یا مَنْ لَیْسَ آنکه جز او پادشاهی نیست که از او بپرهیزنـد ای کسـی که وزیری برایش نیست که به نزدش رونـد ای آنکه لَهُ حاجِبٌ یُرْشـی یا مَنْ لَیْسَ لَهُ بَوَّابٌ یُغْشـی یا مَنْ لا یَزْدادُ پرده‌داری ندارد تا به او رشوه دهند ای کسـی که دربانی ندارد که او را پنهان کنند ای آنکه درخواست عَلی کَثْرَةِ السُّؤالِ إِلّا کَرَماً وَ جُوداً وَعَلی کَثْرَةِ الـذُّنُوبِ إِلّا عَفْواً فراوان نیفزایـد جز به کرم و جود خود و بر بسـیاری گناه (بنـدگان) جز به گذشت وَصَـفْحاً، صَـلِ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بی کَذا وَکَذا». و چشم‌پوشـی درود فرست بر محمد و آل محمد و به من چنین و چنان کن.» و بجای کلمه «کذا و کذا» حاجات خود را از خدا بخواهد.

## نماز دیگر از حضرت فاطمه علیها السلام:

شیـخ طوسـی و سیّد بن طاوس روایت کرده‌انـد از صـفوان که محمّد بن علیّ حلبی روز جمعه خدمت حضـرت صادق علیه السـلام شرفیاب شد و عرض کرد: می‌خواهم مرا عملی تعلیم فرمائی که در این روز بهترین اعمال باشد. حضـرت فرمود: من کسی را بهتر از حضرت فاطمه علیها السلام، نزد پیامبر سراغ ندارم و چیزی را بهتر از آنچه حضرت به او آموخت نشان ندارم. سپس فرمود: هر کس در روز جمعه غسل کنـد و چهار رکعت نماز گزارد بـدو سـلام و بخوانـد در رکعت اوّل بعد از حمد پنجاه مرتبه توحید، در رکعت دوّم بعـد از حمـد پنجاه مرتبه وَالْعادِیاتِ در رکعت سوّم بعـد از حمـد پنجاه مرتبه إِذا زُلْزِلَتْ و در رکعت چهارم بعـد از حمـد پنجاه مرتبه «إِذا جآءَ نَصْرُ اللَّهِ چون از نماز فارغ شود این دعا بخواند: «إِلهِی وَسَیِدِی مَنْ تَهَیَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ اعَدَّ او اسْتَعَدَّ لِوِفادَةٍ «ای معبود و ای آقـای من هرکس آماده و مجهز و مهیا و مستعد برای ورود بر مَخْلُوقٍ رَجاءَ رِفْدِهِ وَفَوائِدِهِ ونائِلِهِ وَفَواضِلِهِ وَجَوائِزِهِ، فَإِلَیْکَ مخلوقی شـده به امیـد دهش و فوائـد و بخشـش و عطایـا و جـوائزش ولی ای ادعیه و زیـارات مـدینه منـوره، ص: ۲۰۰ یـا إِلهِی کانَتْ تَهْیِئَتِی وَتَعْبِئَتِی وَإِعْدادِی وَاسْتِعْدادِی، رَجاءَ معبود من به سوی تو است آمادگی و تجهیز و تهیه و اسـتعداد من به امیـد فَوائِدِکَ وَمَعْرُوفِکَ وَنائِلِکَ وَجَوائِزِکَ، فَلاتُخَیِبْنِی مِنْ ذلِکَ، یا فوائـد و نیکی و بخشـش و جوائز تو پس از این باره محرومم مکن ای مَنْ لا تَخِیبُ عَلَیْهِ مَسْأَلَةُ السَّائِلِ، وَلا تَنْقُصُهُ عَطِیَّةُ نائِلٍ، فَإِنِی که ناامید نکند سائلی را در سؤال و نکاهد از او عطا و بخشـش و من لَمْ آتِکَ بِعَمَلٍ صالِحٍ

قَدَّمْتُهُ، وَلا ـ شَفاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ أَتَقَرَّبُ بـا کردار شایسته‌ای که پیش کش باشد به درگاهت نیامده و نه به شفاعت مخلوقی امید بسته‌ام کـه بـدان وسیله به تـو تقرب إِلَیْکَ بِشَفاعَتِهِ، إِلّا مُحَمَّداً وَأَهْلَ بَیْتِهِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ، جویم جز به شفاعت محمد و خاندانش که درود تـو بر او و ایشـان بـاد أَتَیْتُکَ أَرْجُو عَظیمَ عَفْوِکَ الَّذِی عُدْتَ بِهِ عَلَی الْخاطِئِینَ عِنْدَ به درگاهت آمده و امید گذشت عظیم تو را دارم همان گذشتی که توجه کنی بـدان بر آنانکه بسیار خطا کنند در آن هنگامی عُکُوفِهِمْ عَلَی الْمَحارِمِ، فَلَمْ یَمْنَعْکَ طُولُ عُکُوفِهِمْ عَلَی که بر کارهای حرام درافتاده‌اند و توقف طولانی آنها بر الْمَحارِمِ أَنْ جُدْتَ عَلَیْهِمْ بِالْمَغْفِرَةِ، وَأَنْتَ سَیِدِی الْعَوّادُ محرمات باز ندارد تو را از اینکه آمرزشت را از ایشان بازداری و تو ای آقای من بسیار عادت بِالنَّعْماءِ، وَأَنَا الْعَوّادُ بِالْخَطاءِ، أَسْأَلُکَ بِحَقِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ به نعمت‌بخشی داری و من بسیار عادت به خطا کاری، از تو می‌خواهم به حق محمد و خاندان ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۰۱ الطّاهِرِینَ أَنْ تَغْفِرَ لِی ذَنْبِیَ الْعَظِیمَ، فَإِنَّهُ لا یَغْفِرُ الْعَظِیمَ إِلَّا پاکش که گناه بزرگ مرا بیامرزی که گناه بزرگ را جز شخص بزرگ نیامرزد الْعَظِیمُ، یـا عَظِیمُ یـاعَظِیمُ یـاعَظِیمُ یـاعَظِیمُ یـاعَظِیمُ یـاعَظِیمُ». ای‌خدای‌بزرگ، ای‌خدای‌بزرگ، ای‌خدای‌بزرگ، ای‌خدای‌بزرگ، ای‌خدای‌بزرگ، ای‌خدای‌بزرگ، ای‌خدای‌بزرگ.»

## نماز حضرت صاحب الزَّمان علیه السلام

نماز حضرت صاحب الزَّمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعالی فَرَجَهُ دو رکعت است می‌خوانی در هر رکعت سوره حَمْد را و چون به إِیّاکَ نَعْبُدُ وَإِیّاکَ نَسْتَعِینُ رسیدی آن را صد مرتبه تکرار می‌کنی و سپس بقیه سوره را می‌خوانی و بعد قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را یکبار می‌خوانی و چون از نماز فارغ شدی این دعا را می‌خوانی: «اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلاءُ، وَبَرِحَ الْخَفاءُ، وَانْکَشَفَ الْغِطاءُ، «خدایا بلاء و گرفتاری بزرگ شد و درد پنهان آشکار گشت و پرده از روی کار برداشته شد وَضاقَتِ الْأَرْضُ بِما وَسِعَتِ السَّماءُ، وَإِلَیْکَ یا رَبِ الْمُشْتَکی و زمین با فراخیش تا آسمان بر ما تنگ شد و شکوه ما ای پروردگار بسوی توست وَعَلَیْکَ الْمُعَوَّلُ فِی الشِدَةِ وَالرَّخاءِ. اللَّهُمَّ صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ و اعتماد در سختی و آسانی بر تو است خدایا درود فرست بر محمد ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۰۲ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الَّذِینَ أَمَرْتَنا بِطاعَتِهِمْ، وَعَجِلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ و آل محمد آنان که ما را به پیروی ایشان مأمور کردی و شتاب کن خدایا در فرج ایشان بِقائِمِهِمْ، وَاظْهِرْ إِعْزازَهُ، یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ یا عَلِیُّ یا مُحَمَّدُ، بوسیله قائمشان و عزتش را آشکار کن ای محمد ای علی ای علی ای محمد اکْفِیانِی فَإِنَّکُما کافِیایَ، یا مُحَمَّدُ یا عَلیُّ یا عَلِیُّ یا مُحَمَّدُ، مرا کفایت کنید که کفایت کننده‌ام شمائید ای محمد و ای علی، ای علی و ای محمد انْصُرانِی فَإِنَّکُما ناصِرایَ، یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ یا عَلِیُّ یا مُحَمَّدُ، مرا یاری کنید که یاور من شمائید ای محمد و ای علی، ای علی و ای محمد احْفَظانِی فَإِنَّکُما حافِظایَ، یا مَوْلایَ یا صاحِبَ الزَّمانِ، یا نگهداریم کنید که نگهدارم شمائید ای مولای من ای صاحب زمان ای مَوْلایَ یا صاحِبَ الزَّمانِ، یا مَوْلایَ یا صاحِبَ الزَّمانِ، الْغَوثَ مولای من ای صاحب زمان ای مولای من ای صاحب زمان پناه خواهم الْغَوثَ الْغَوْثَ، أَدْرِکْنِی أَدْرِکْنِی أَدْرِکْنِی، الأَمانَ الْأَمانَ الْأَمانَ». پناه خواهم پناه خواهم دریابم دریابم دریابم امانم ده امانم ده امانم ده.» ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۰۳

## نماز حاجت

نماز حاجت به صورت‌های مختلفی روایت شده است و از جمله آنها نمازی است که مرحوم کلینی رحمه الله در کتاب کافی به سند معتبر از عبدالرحیم قصیر روایت کرده است که می‌گوید: حضرت صادق علیه السلام به من فرمود: چون مشکلی به تو روی آورد، پناه بیاور به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سپس دو رکعت نماز بگزار و آن را به آن حضرت هدیه کن، و چون سلام گفتی این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلامُ وَمِنْکَ السَّلامُ، وَإِلَیْکَ یَرجِعُ السَّلامُ، «خداوندا! نام تو «سلام» است و سلامت از سوی توست، و به تو باز می‌گردد، اللَّهُمَّ صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنِّی خداوندا! درود فرست بر محمّد و آلش و سلامم را به روح

حضـرت محمّـد صـلی الله علیه و آله السَّلامُ، وَ أَرْواحَ الْأَئِمَّةِ الصادِقِینَ سَلامِی، وَارْدُدْ عَلَیَّ مِنْهُمُ و به ارواح امامان راستین برسان، و سلام آنها را به من السَّلامُ، وَالسَّلامُ عَلَیْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ. اللَّهُمَّ إِنَّ هاتَیْنِ باز گردان، سلام و رحمت و برکات الهی بر آنان باد، خداوندا! این دو ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۰۴ الرَّکْعَتَیْنِ هَدِیَّةٌ مِنِی إِلی رَسُولِ اللَّهِ صلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ و آله وَ سَلَّمَ فَأَثِبْنِی رکعت را هـدیه می‌کنم به پیشگاه رسول اللَّه صلّی اللَّه علیه وآله وسلّم عَلَیْهِما ما أَمَّلْتُ وَرَجَوْتُ فِیکَ وَفِی رَسُولِکَ یا وَلِیَ الْمُؤْمِنینَ». و پاداشـی را که از تو امیـد و آرزو دارم و از پیامبرت برایم ثبت فرما ای یاور مؤمنان.» سـپس سـجده کن و چهل مرتبه بگو: «یا حَیُّ یا قَیُّومُ، یا حَیُّ لایَمُوتُ، یا حَیُّ لاإِلهَ إِلَّا أَنْتَ، یا ذَا «ای زنـده قائم به ذات، ای زنـده جاویدان، ای زنده‌ای که معبودی جز تو نیست، ای صـاحب الْجَلالِ وَالإِکْرام، یـا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ». جلالـت و کرامت، ای مهربـانترین مهربانان.» آنگاه گونه راست را بر زمین گـذار و همین دعـا را که در سـجده گفتی چهـل بـار بگو بعـد گونه چپ را به زمین بگـذار و همین دعـا را چهل بار تکرار کن، پس سـر از سجـده بردار و دست راست را بلنـد کن و چهل مرتبه آن را بخوان، بعد دست‌ها را روی گردن خود بگذار و با انگشت سبّابه اشاره کن و چهل مرتبه آن دعا را بگو، سپس محاسن خود را به دست چپ بگیر و شروع به گریه نما و چنانچه نتوانستی گریه کنی حالت گریه و زاری بخـود بگیر و بگو: ادعیه و زیـارات مـدینه منوره، ص: ۲۰۵ «یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله أَشْکُو إِلَی اللَّهِ وَإِلَیکَ حاجَتِی، «ای محمّد، ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، حاجتم را به تو وإِلی أَهْلِ بَیْتِکَ الرَّاشِدِینَ حاجَتِی، وَبِکُمْ أَتَوَجَّهُ إِلَی اللَّهِ فِی و به اهل بیت تو که هدایتگرند عرضه می‌دارم و به وسیله شـما برای برآورده شدن حاجاتم به خداوند حاجَتِی». رو می‌کنم.» سپس سـجده کن و در همان حال به‌اندازه یک نفس بگو: «یا اللَّهُ یا اللَّهُ»، بعد صـلوات فرست وحاجتت را از خدا بخواه. امام صادق علیه السـلام فرمود: کسی که این عمل را به جا آورد، من از سوی خدای عزّوجل ضمانت می‌کنم که از جای خود برنخیزد جز آنکه حاجت او برآورده گردد.

## نماز جعفر طیّار

نماز جعفر طیّار علیه السـلام با فضـیلت وسـند بسـیار معتبر وارد شده، که مهمترین فضـیلت آن، بخشـیده شدن گناهان کبیره است، و افضـل اوقـات‌آن پیش از ظهر روز جمعه‌است، وچگونگی آن چهـار رکعت است؛ دو نماز دو رکعتی، در هر رکعت پس از ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۲۰۶ حمـد و سوره، قبل از آن‌که رکوع کنـد، پانزده مرتبه بگویـد: «سُبْحانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَکْبَرُ»، و در رکوع پس از ذکر رکوع ده مرتبه آن را بگویـد، و پس از رکوع در حـال قیـام ده مرتبه، و در سـجده بعـد از ذکر سجده ده مرتبه، و در جلوس بین دو سـجده ده مرتبه، و در سجده دوم ده مرتبه، و پس از سجده دوم ده مرتبه بگوید، و در هر چهار رکعت به همین کیفیّت عمل کنـد، که مجموع آن سـیصد تسبیـح می‌شود، و سوره مخصوصـی در این نماز معیّن نشـده، ولی افضـل است که در رکعت اوّل پس از حمد، سوره «إِذا زُلْزِلَت» و در رکعت دوّم بعد از حمد، سوره «وَالْعادِیات» و در رکعت سوّم «إِذا جاءَ نَصْرُ اللَّه» و در رکعت چهارم «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند. و نیز مستحب است در سجده دوم از رکعت چهارم پس از اتمام تسبیحات بگویـد: «سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقارَ، سُبْحانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ «منزه است آنکس که صاحب عزت و وقار است منزه است آنکه مجـد و بزرگواری (بنـدگانش را) وَتَکَرَّمَ بِهِ، سُبْحانَ مَنْ لا یَنْبَغِی التَّسْبِیحُ إِلّا لَهُ، سُبْحانَ مَنْ مورد توجه قرار می‌دهد منزه است آنکه جز برای او تسبیـح سـزاوار نیست منزه است آنکه ادعیه و زیـارات مـدینه منوره، ص: ۲۰۷ أَحْصـی کُلَّ شَیْءٍ عِلْمُهُ، سُبْحانَ ذِی الْمَنِّ وَالنِّعَمِ، سُبْحانَ ذِی علمش همه‌چیز را شـمارش کرده منزه است خدای صاحب فضل ونعمت‌منزه‌است خدای صاحب الْقُدْرَةِ وَالْکَرَم. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ بِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِکَ، کرم و قـدرت خـدایا از تو می‌خواهم به حق آنچه موجب عزت عرش تو وَمُنْتَهَی الرَّحْمَةِ مِن کِتابِکَ، وَاسْمِکَ الْأَعْظَم، وَکَلِماتِکَ التَّامَّةِ گشـته و به حق منتهای رحمت از کتاب تو و اسم اعظمت و کلمات تامه‌ات (اسـماء حسـنی یـا کتابهای منزله یا غیر آن) الَّتِی تَمَّتْ صِدْقاً وَعَدْلًا، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَیْتِهِ وَافْعَلْ بِی که از نظر راستی و عـدالت به حد

کمال رسیده درود فرست بر محمد و خاندانش و درباره من کَذا وَکَذا». چنین و چنان کن.» و به جای «وَافْعَلْ بِی کَذا وَکَذا» حاجت خود را از خدا بخواهد که برآورده می‌شود إن شاء اللّه تعالی و مستحبّ است پس از اتمام چهار رکعت نماز دست‌ها را به دعا بردارد و بگوید: «یا رَب یا رَب» به قدر یک نفس و نیز کلمه «یا رَبَّاهُ یا رَبَّاهُ» را تکرار کند به قدر یک نفس، و «رَب رَب» به اندازه یک نفس، و «یا اللَّهُ یا اللَّهُ» به قدر یک نفس، و «یا حَیُّ یا حَیُّ» به اندازه یک نفس، و «یا رَحِیمُ یا رَحِیمُ» به اندازه یک نفس، ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۰۸ و بعد «یا رَحْمانُ یا رَحْمانُ» هفت مرتبه، و «یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ» هفت مرتبه، بگوید و آنگاه این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنِی أَفْتَتِحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِکَ، وَأَنْطِقُ بِالثَّناءِ عَلَیْکَ، «خدایا من گفتارم را به ستایش تو آغاز می‌کنم و به ثنای تو زبان می‌گشایم وَامَجِّدُکَ وَلا غایَةَ لِمَدْحِکَ، وَاثْنِی عَلَیْکَ، وَمَنْ یَبْلُغُ غایَةَ و تو را به بزرگی یاد می‌کنم و ستایشت پایان ندارد و تو را ثناگویم ولی آنکس که به منتهای ثَنائِکَ، وَأَمَدَ مَجْدِکَ وَأَنّی لِخَلِیقَتِکَ کُنْهُ مَعْرِفَةِ مَجْدِکَ؟ وَأَیَّ ثنای تو و انتهای مجد و عظمتت برسد کیست و کجا مخلوق تو می‌توانند به کنه معرفت مجد تو برسند و چه زَمَنٍ لَمْ تَکُنْ مَمْدُوحاً بِفَضْلِکَ، مَوْصُوفاً بِمَجْدِکَ، عَوَّاداً عَلَی وقت بوده که تو به فضل خویش ستوده نبوده‌ای و به مجد و عظمت موصوف نگشته‌ای و با بردباری الْمُذْنِبِینَ بِحِلْمِکَ تَخَلَّفَ سُکَّانُ أَرْضِکَ عَنْ طاعَتِکَ، فَکُنْتَ خود بر گنهکاران پی‌درپی بازنگشته‌ای ساکنان زمینت از اطاعت تو سرباز زدند ولی تو عَلَیْهِمْ عَطُوفاً بِجُودِکَ، جَواداً بِفَضْلِکَ، عَوَّاداً بِکَرَمِکَ، یا لا إِلهَ بر آنها به بخشش و عطایت مهر ورزی و به فضل خویش بر آنها جود کنی و به کرمت پی‌درپی بر آنها بازگردی ای که نیست معبودی إِلّا أَنْتَ الْمَنَّانُ ذُوالْجَلالِ وَالْإِکْرامِ». جز تو نعمت‌دهنده بسیار و صاحب جلالت و کرامت.» ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۰۹

## اعمال دهه اوّل ذی حجّه

ذی حجّه از ماه‌های شریف است، و از این رو چون این ماه داخل می‌شد صُلَحای صحابه و تابعین در عبادت و نماز و نیایش نهایت سعی و اهتمام را داشتند. و ایّام دهه اوّل آن «ایّام معلومات» است که در قرآن کریم ذکر شده است، و در نهایتِ فضیلت و برکت است. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده: که عمل خیر و عبادت در هیچ ایّامی نزد حقّ تعالی از این دهه محبوبتر نمی‌باشد، و از برای این دهه اعمالی است: اوّل: روزه گرفتن نُه روز اوّل این دهه که ثواب روزه تمام عُمر را دارد. دوّم: خواندن دو رکعت نماز بین مغرب و عشاء در تمام شب‌های این دهه، در هر رکعت بعد از حمد یک مرتبه توحید، و آیه وَواعَدْنامُوسی ثَلثِینَ لَیْلَةً وَ أَتْمَمْناها بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِیقاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِینَ لَیلَةً وَقالَ مُوسی لِأَخِیهِ هرُونَ اخْلُفْنِی فِی قَوْمِی وَأَصْلِحْ وَلا تَتَّبِعْ سَبِیلَ الْمُفْسِدِینَ را ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۱۰ بخواند تا با ثواب حاجیان شریک شود. سوّم: از روز اوّل تا عصر روز عَرَفه بعد از نماز صبح و پیش از مغرب این دعا را، که شیخ و سیّد از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند بخواند: «اللَّهُمَّ هذِهِ الْأَیَّامُ الَّتِی فَضَّلْتَها عَلَی غَیْرِها مِنَ الْأَیَّامِ وَشَرَّفْتَها، «خدایا این روزهایی است که برتری و شرافتش دادی بر سایر روزها و به وَقَدْ بَلَّغْتَنِیها بِمَنِّکَ وَرَحْمَتِکَ، فَأَنْزِلْ عَلَیْنا مِنْ بَرَکاتِکَ، وَأَوْسِعْ لطف و رحمتت مرا بدانها رساندی پس برکات خودت را بر ما فرو بار و از نعمتهای خود عَلَیْنا فِیها مِنْ نَعْمائِکَ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ در این روزها بر ما وسعت ده. خدایا! من از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَهْدِیَنا فِیها لِسَبِیلِ الْهُدی وَالْعَفافِ وَالْغِنی محمد و نیز خواهم که ما را در این روزها به راه هدایت وپاکدامنی و بی‌نیازی راهنمایی فرمایی وَالْعَمَلِ فِیها بِما تُحِبُّ وتَرْضی اللَّهُمَ‌إِنِی أَسْأَلُکَ یا مَوْضِعَ کُلِّ و موفقمان داری به انجام آنچه دوست داری و موجب خوشنودی تواست خدایا ازتو خواهم ای جایگاه هر شَکْوی وَیا سامِعَ کُلِّ نَجْوی وَیا شاهِدَکُلِّ مَلَاءٍ، وَیاعالِمَ کُلِّ شکایت و ای شنوای هر سخن سِرّی و راز و ای حاضر در هر جمع و ای دانای هر خَفِیَّةٍ، أَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَکْشِفَ عَنَّا فِیهَا نهان که درود فرستی بر محمد و آل محمد و بگشایی در این روزها از ما ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۱۱ الْبَلاءَ، وَتَسْتَجِیبَ لَنا فِیهَا الدُّعاءَ، وَتُقَوِّیَنا فِیها وَتُعِینَنا، وَتُوَفِّقَنا بلاء و گرفتاری را و مستجاب گردانی در آنها دعای ما را و نیرو دهی به ما در این روزها

و کمکمان دهی، و موفقمان فِیها لِما تُحِبُّ رَبَّنا وَتَرْضی وَعَلی مَا افْتَرَضْتَ عَلَیْنا مِنْ داری پروردگارا بدانچه دوست‌داری و خوشنود گردی و بر آن‌چه واجب کرده‌ای بر ما از طاعَتِکَ وَطاعَةِ رَسُولِکَ وَأَهْلِ وِلایَتِکَ. اللّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ یا اطاعت خودت و اطاعت پیامبرت و اهل ولایتت خدایا از تو خواهم ای أَرْحَمَ الرّاحِمِینَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَهَبَ مهربانترین مهربانان که درود فرستی بر محمد و آل محمد و در این ایام لَنا فِیهَا الرِّضا، إِنَّکَ سَمِیعُ الدُّعاءِ، وَلا تَحْرِمْنا خَیْرَ ما تُنْزِلُ فِیها خوشنودی خویش را به من ببخش که براستی تو شنوای دعائی و محروم مکن ما را از خیری که در این روزها مِنَ السَّماءِ، وَطَهِّرْنا مِنَ الذُّنُوبِ یا عَلّامَ الْغُیُوبِ، وَأَوْجِبْ لَنا از آسمان فرو باری و پاکمان کن از گناهان ای دانای بر نادیدنیها و واجب گردان فِیها دارَ الْخُلُودِ. اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَلا تَتْرُکْ در این ایام برای ما خانه جاویدان را خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و هیچ گناهی لَنا فِیها ذَنْباً إِلّاغَفَرْتَهُ، وَلا هَمّاً إِلّافَرَّجْتَهُ، وَلا دَیْناً إِلّا قَضَیْتَهُ، وَلا برای ما باقی مگذار جز آنکه بیامرزی و نه اندوهی جز آنکه بگشائی و نه بدهی جز آنکه بپردازی و نه غائِباً إِلّا أَدَّیْتَهُ، وَلا حاجَةً مِنْ حَوائِجِ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ إِلّا سَهَّلْتَها غائبی جز آنکه به ما برسانی و نه حاجتی از حاجات دنیا و آخرت جز آنکه آسان ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۱۲ وَیَسَّرْتَها، إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ. اللّهُمَّ یا عالِمَ الْخَفِیّاتِ، یا و هموارش گردانی که براستی تو بر هر چیز توانایی خدایا ای دانای اسرار پنهان ای راحِمَ الْعَبَراتِ، یا مُجِیبَ الدَّعَواتِ، یا رَبَّ الْأَرَضِینَ رحم کننده بر اشک دیدگان ای اجابت کننده دعاها ای پروردگار زمینها وَالسَّماواتِ، یا مَنْ لا تَتَشابَهُ عَلَیْهِ الْأَصْواتُ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ و آسمانها ای که صداها (ی بیشمار) بر او اشتباه نشود درود فرست بر محمد وآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنا فِیها مِنْ عُتَقائِکَ وَطُلَقائِکَ مِنَ النّارِ، و آل محمد و قرار ده ما را در این روزها از آزادشدگان و رهایی یافتگان از آتش وَالْفائِزِینَ بِجَنَّتِکَ، النّاجِینَ بِرَحْمَتِکَ، یا أَرْحَمَ الرّاحِمِینَ، و نائل شوندگان به بهشتت و نجات یافتگان بوسیله رحمتت ای مهربانترین مهربانان وَصَلَّی‌اللّهُ عَلی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ‌أَجْمَعِینَ، وَ سَلِمْ عَلَیْهِمْ تَسْلِیماً». و درود خدا برآقای ما محمد وآلش همگی، و درود فراوان برآنان فرست.» چهارم: در هر روز از دهه بخواند پنج دعایی را که حضرت جبرئیل از سوی خداوند برای حضرت عیسی هدیه آورده که در این دهه بخواند، و آن پنج دعا این است: (۱) «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ (۱) «گواهی‌دهم که معبودی جز خدای‌یگانه نیست که شریک‌ندارد ملک هستی از آن او است ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۱۳ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، وَهُوَ عَلی کُلِ شَیْءٍ قَدِیرٌ». و ستایش خاص او است هر چه خیر است بدست اوست و او بر هر چیز توانا است.» (۲) «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، أَحَداً صَمَداً (۲) «گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریک ندارد یگانه بی‌نیازی لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً». که همسر و فرزندی برای خود نگیرد.» (۳) «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، أَحَداًصَمَداً (۳) «گواهی دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست که شریک ندارد یگانه بی‌نیازی لَم یَلِدْ وَلَم یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ». که نزاید و نه زائیده شده و نیست برایش هیچ همتایی.» (۴) «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ (۴) «گواهی‌دهم که معبودی جز خدای یگانه نیست‌که شریکی ندارد ملک هستی از آن اوست وَلَهُ الْحَمْدُ، یُحْیِی وَیُمِیتُ، وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ، و خاص او است ستایش، زنده کند و بمیراند و او است زنده‌ای که نمیرد خیر بدست او است وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ». و او بر هر چیز توانا است.» (۵) «حَسْبِیَ اللّهُ وکَفی سَمِعَ اللّهُ لِمَنْ دَعا، لَیْسَ وَراءَ اللّهِ (۵) «بس است مرا خدا و کافی است، بشنود خدا صدای هر کس را که دعا کند ورای خدا ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۱۴ مُنْتَهی أَشْهَدُ لِلّهِ بِما دَعا، وَأَنَّهُ بَرِیءٌ مِمَّنْ تَبَرَّءَ، وَأَنَّ لِلّهِ الْآخِرَةَ انتهائی نیست، گواهی دهم برای خدا بدانچه خوانده است و اینکه بیزار است از هر که از او بیزاری جسته و برای خدا است آخرت وَالْاولی . و دنیا.» حضرت عیسی علیه السلام ثواب بسیاری برای خواندن هر کدام از این پنج دعا را صد بار، نقل کرده است. پنجم: بخواند در هر روز این دهه این تهلیلات را که از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده‌است با ثواب بسیار، و اگر روزی ده مرتبه بخواند بهتر است. «لا إِلهَ إِلَّا اللّهُ عَدَدَ اللَّیالِی وَالدُّهُورِ، لا إِلهَ إِلَّا اللّهُ عَدَدَ أَمْواجِ «معبودی جز خدا نیست به شماره شبها و روزگاران معبودی جز خدا نیست به شماره موجهای الْبُحُورِ، لا إِلهَ إِلَّا اللّهُ وَرَحْمَتُهُ خَیْرٌ مِمَّا یَجْمَعُونَ، لا إِلهَ إِلَّا اللّهُ دریاها معبودی جز خدا نیست و رحمت

او بهتر است از آنچه مردم جمع کنند معبودی جز خدا نیست عَدَدَ الشَّوْکِ وَالشَّجَرِ، لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ، لا اِلهَ اِلَّا به شماره هر خار و هر درخت معبودی جز خدا نیست به شماره هر مُو و کُرک معبودی جز اللّهُ عَدَدَ الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ، لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعُیُونِ، لا اِلهَ اِلَّا خدا نیست به شماره هر سنگ و کلوخ معبودی جز خدا نیست به شماره بهم خوردن چشمها معبودی ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۱۵ اللّهُ فِی اللَّیْلِ اِذاعَسْعَسَ، وَفِی الصُّبْحِ اِذا تَنَفَّسَ، لا اِلهَ اِلَّا جز خدا نیست در شب چون تاریک شود و در صبح چون بدمد معبودی نیست جز اللّهُ عَدَدَ الرِ یاحِ فِی البَرارِی وَالصُّخُورِ، لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ مِنَ الْیَوْمِ خدا به شماره بادها در صحراها و کوهها معبودی جز خدا نیست از امروز اِلی یَوْمِ یُنْفَخُ فِی الصُّورِ». تا روز دمیده شدن در صور.» روز اوّل ذی حجّه: روز بسیار مبارکی است، و در آن چند عمل وارد است: اوّل: روزه که ثواب روزه هشتاد ماه را دارد. دوّم: خواندن نماز حضرت فاطمه علیها السلام، و طبق روایتی که شیخ نقل کرده، چهار رکعت است؛ دو نماز دو رکعتی، مثل نماز امیر المؤمنین علیه السلام، در هر رکعت حمد یک مرتبه، و توحید پنجاه مرتبه، وبعد از نماز، تسبیح حضرت را بخواند، و بگوید: «سُبْحانَ ذِی الْعِزِ الشّامِخِ الْمُنِیفِ، سُبْحانَ ذِی الْجَلالِ «منزه است خدای صاحب عزت بلند و والا منزه است صاحب شوکت الْباذِخِ الْعَظِیمِ، سُبْحانَ ذِی الْمُلْکِ الْفاخِرِ الْقَدِیمِ، سُبْحانَ مَنْ مرتفع و بزرگ منزه است صاحب فرمانروائی گرانمایه و دیرینه منزه است آنکس ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۱۶ یَری اَثَرَ النَّمْلَةِ فِی الصَّفا، سُبْحانَ مَنْ یَری وَقْعَ الطَّیْرِ فِی که بیند جای پای مور را بر روی سنگ خارا منزه است آنکس که بیند ردّ عبور پرنده را در الْهَواءِ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ هکَذا وَلا هکَذا غَیْرُهُ». هوا منزه است آنکس که فقط او چنین است و جز او چنین نیست.» سوّم: نیم ساعت پیش از اذان ظهر، دو رکعت نماز گزارد، در هر رکعت حمد یک مرتبه، و بعد هر کدام از توحید و آیة الکرسی و سوره قدر، را ده مرتبه بخواند. چهارم: هر کس از ظالمی بترسد در این روز بگوید: «حَسْبِی حَسْبِی حَسْبِی مِنْ سُؤالِی عِلْمُکَ بِحالِی». «کفایت می‌کند، کفایت می‌کند، آگاهی تو از درخواستم و از حالم.» تا حق‌تعالی شرِّ ظالم را از او کفایت کند. و بدان که در این روز حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام متولّد شده، و به روایت شیخین تزویج حضرت فاطمه با امیر المؤمنین علیهما السلام در این روز می‌باشد. روز هفتم: سال صد و چهارده هجری قمری، شهادت حضرت امام محمّد باقر علیه السلام در مدینه واقع شده، که روز حُزن شیعه است. روز هشتم: روز تَرْوِیَه است، وروزه‌اش فضیلت دارد، و ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۱۷ روایت شده که کفّاره شصت سال گناه است، و شیخ شهید غسل این روز را مستحب دانسته است. شب نهم: شب عرفه، که از لیالی متبرّکه و شب مناجات با قاضی الحاجات است، و توبه در آن شب مقبول، و دعا در آن مستجاب است، و کسی که آن شب را به عبادت به سر آورد اجر صد و هفتاد سال عبادت دارد، و از برای آن شب چند عمل است که در بخش اوّل فصل سوّم ذکر می‌شود. روز نُهم: روز عرفه، و از اعیاد عظیمه است، اگر چه به اسم عید نامیده نشده است، و روزی است که حق تعالی بندگان خویش را به عبادت و اطاعت خود خوانده، و جود و احسان خود را برای ایشان گسترانیده، و شیطان در این روز خوار و حقیر و رانده‌تر و خشمگین‌تر از همه اوقات خواهد بود. برای این روز چند عمل است، که بعضی از آنها در اعمال روز عرفه (ادعیه و زیارات مکه مکرمه) خواهد آمد. شب دهم: از لیالی متبرّکه و از جمله چهار شبی است که احیای آنها مستحب است، و درهای آسمان در این شب باز است، و سنّت است در آن زیارت امام حسین علیه السلام و دعای: ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۱۸ «یا دائِمَ الْفَضْلِ عَلَی الْبَرِیَّةِ، یا باسِطَ الْیَدَیْنِ بِالْعَطِیَّةِ، یا «ای کسی‌که فضل و بخشش بر خلق دائمی است و ای‌آنکه دو دست احسانت به‌عطابخشی بازاست ای صاحِبَ الْمَواهِبِ السَّنِیَّةِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خَیْرِ الْوَری دارنده بخششهای ارجمند درود فرست بر محمد و آلش که بهترین مردمند سَجِیَّةً، وَاغْفِرْ لَنا یا ذَا الْعُلی فِی هذِهِ الْعَشِیَّةِ». در سرشت و نهاد، و بیامرز ما را ای خدای بلند مرتبه در این شب.» روز دهم: روزعید قربان وبسیار روز شریفی‌است، وبعضی اعمال آن در (ادعیه و زیارات مکه مکرمه) خواهد آمد.

### اعمال عید غدیر

عید غدیر، برای پیروان اهل بیت علیهم السلام، از اهمیّت خاصّی برخوردار است، چرا که عید آل محمّد علیهم السلام و عید عدالت و رهبری است، و نزد ائمّه دارای حرمت و قداست بسیاری می‌باشد. در این روز رسول خدا صلی الله علیه و آله در غدیر خم حضرت علی علیه السلام را به ولایت و جانشینی خویش منصوب فرمود. اعمالی که برای این روز مبارک نوشته‌اند بسیار است، از جمله چند عمل زیر است: ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۱۹ اوّل: روزه، که کفّاره گناهان است و پاداش بسیار دارد. دوّم: غسل. سوّم: زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، بخصوص «زیارت امینُ اللّه». چهارم: دو رکعت نماز و بهتر است در رکعت اوّل بعد از حمد سوره قَدْر و در رکعت دوّم بعد از حمد سوره توحید را بخواند وپس از پایان نماز به‌سجده رود وصد مرتبه شکر خدا کند (شُکْراً للَّهِ)، سپس سر از سجده بردارد واین‌دعارا بخواند: «اللّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ بِأَنَّ لَکَ الْحَمْدَ وَحْدَکَ لا شَرِیکَ لَکَ، «خدایا از تو درخواست می کنم بدانکه از برای تو است ستایش یگانه‌ای که شریک نداری وَأَنَّکَ واحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ، لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ، وَلَمْ یَکُنْ لَکَ کُفُواً و تویی یکتای یگانه‌ای بی‌نیاز که فرزندی نداری و فرزند کسی نیستی و نیست برایت أَحَدٌ، وَأَنَّ مَحَمَّداً عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ، صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ، یا مَنْ همتایی و براستی محمد بنده و رسول تو است درودهای تو بر او و آلش باد ای که هُوَ کُلَّ یَوْمٍ فِی شَأْنٍ، کَما کانَ مِنْ شَأْنِکَ أَنْ تَفَضَّلْتَ عَلَیَّ بِأَنْ هر روز در کاری هستی چنانچه از شأن تو بود که بر من تفضل فرمودی به جَعَلْتَنِی مِنْ أَهْلِ إِجابَتِکَ، وَأَهْلِ دِینِکَ، وَأَهْلِ دَعْوَتِکَ، اینکه مرا از اهل اجابتت و از اهل دینت و اهل دعوتت قرار دادی ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۲۰ وَوَفَّقْتَنِی لِذلِکَ فِی مُبْتَدَإِ خَلْقِی، تَفَضُّلًا مِنْکَ وَکَرَماً وَجُوداً، و موفقم داشتی بدان در آغاز آفرینشم از روی تفضل و کرم و بخشش ثُمَّ أَرْدَفْتَ الْفَضْلَ فَضْلًا وَالْجُودَ جُوداً وَالْکَرَمَ کَرَماً، رَأْفَةً مِنْکَ سپس دنبال آوردی این فضل را به فضلی دگر و این بخشش را به بخششی دگر و این کرم را به کرمی دگر که آن هم از روی وَرَحْمَةً، إِلی أَنْ جَدَّدْتَ ذلِکَ الْعَهْدَ لِی تَجْدِیداً بَعْدَ تَجْدِیدِکَ مهر و رحمتت بود تا بدانجا که تازه کردی این عهد را برایم از نو پس از تجدید خَلْقِی، وَکُنْتُ نَسْیاً مَنْسِیّاً ناسِیاً ساهِیاً غافِلًا، فَأَتْمَمْتَ نِعْمَتَکَ آفرینشم در صورتی که من در فراموشی بودم و فراموشکاری و بی‌خبری و غفلت پس تو نعمتت را بر من تمام کردی بِأَنْ ذَکَّرْتَنِی ذلِکَ، وَمَنَنْتَ بِهِ عَلَیَّ، وَهَدَیْتَنِی لَهُ، فَلْیَکُنْ مِنْ به اینکه آن را به یادم انداختی و بدان بر من منت نهادی و بر آن راهنمائیم کردی پس همچنان باید شَأْنِکَ یا إِلهِی وَسَیِّدِی وَمَوْلایَ أَنْ تُتِمَّ لِی ذلِکَ، ولا تَسْلُبْنِیهِ از شأن تو باشد ای معبود و آقا و مولای من که تمام کنی برایم آن نعمت را و از من سلب نفرمائی آن را حَتّی تَتَوَفَّانِی عَلی ذلِکَ وَأَنْتَ عَنِّی راضٍ، فَإِنَّکَ أَحَقُّ تا هنگامی که بمیرانیم بر آن در حالی که تو از من خوشنود باشی که براستی تو سزاوارترین الْمُنْعِمِینَ أَنْ تُتِمَّ نِعْمَتَکَ عَلَیَّ. اللَّهُمَّ سَمِعْنا وأَطَعْنا وَاجَبْنا نعمت بخشانی که نعمتت را بر من به پایان رسانی خدایا شنیدیم و پیروی کردیم و خوانندءات را داعِیکَ بِمَنِّکَ، فَلَکَ‌الْحَمْدُ، غُفْرانَکَ رَبَّنا وَ إِلَیْکَ الْمَصِیرُ، آمَنَّا اجابت کردیم به لطف تو پس از آن تو است حمد و آمرزشت را خواهانیم پروردگارا و به سوی تو است بازگشت، ایمان داریم ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۲۱ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ مَحَمَّدٍ، به خدای یگانه‌ای که شریک ندارد و به رسولش محمد صلی الله علیه و آله وَصَدَّقْنا وَاجَبْنا داعِیَ اللَّهِ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فِی مُوالاةِ مَوْلانا و تصدیق کردیم و اجابت کردیم داعی خدا را و پیروی کردیم از رسول (او) در مورد دوستی و اطاعت مولایمان وَمَوْلَی الْمُؤْمِنِینَ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ عَلِی بْنِ أَبِی طالِبٍ، عَبْدِ اللَّهِ و مولای مؤمنان امیر مؤمنان علی بن ابی طالب بنده خدا وَاخِی رَسُولِهِ، وَالصِدِّیقِ الْأَکْبَرِ وَالْحُجَّةِ عَلی بَرِیَّتِهِ، الْمُؤَیِّدِ بِهِ و برادر رسول او و صدیق اکبر و حجت او بر آفریدگانش آنکه خداوند نَبِیَّهُ وَدِینَهُ الْحَقَّ الْمُبِینَ، عَلَماً لِدِینِ اللَّهِ، وَخازِناً لِعِلْمِهِ، وَعَیْبَةَ پیامبرش و دین حق آشکارش را بوسیله او تایید کرد نشانه و پرچم دین خدا و خزینه‌دار دانش او و گنجینه غَیْبِ اللَّهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّ اللَّهِ، وَأَمِینَ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ، وَشاهِدَهُ فِی غیب خدا و جایگاه راز خدا و امین خدا بر خلق او و گواه او در بَرِیَّتِهِ. اللَّهُمَّ رَبَّنا إِنَّنا سَمِعْنا مُنادِیاً یُنادِی لِلْایمانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّکُمْ آفریدگانش خدایا ای پروردگار ما ما شنیدیم منادی را که ندا می کرد برای ایمان (و می گفت) ایمان آورید به پروردگارتان فآمَنَّا، رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَکَفِّرْ عَنَّا سَیِّئاتِنا وَتَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ، پروردگارا ما هم ایمان آوردیم پس بیامرز گناهانمان را و بدیهامان را پوشیده دار و ما را با نیکان بمیران رَبَّنا وَآتِنا ما وَعَدْتَنا

عَلی رُسُلِکَ وَلا تُخْزِنا یَوْمَ الْقِیامَهِٔ إِنَّکَ لا پروردگارا عطا کن به ما چیزی را که بوسیله فرستادگانت به ما وعده دادی و در روز رستاخیز رسوایمان مکن که براستی تو ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۲۲ تُخْلِفُ الْمِیعادَ، فَانَّا یارَبَّنا بِمَنِّکَ وَلُطْفِکَاجَبْنا داعِیکَ، وَاتَّبَعْنَا خلف وعده نمی‌کنی، پس ما ای پروردگار به احسان و لطف تو اجابت کردیم داعی تو را و پیروی کردیم الرَّسُولَ، وَصَدَّقْناهُ وَصَدَّقْنا مَوْلَی الْمُؤْمِنِینَ، وَکَفَرْنا بِالْجِبْتِ از رسول تو وتصدیقش کردیم ونیز تصدیق کردیم مولای مؤمنان را و کافر شدیم به جبت و طاغوت وَالطّاغُوتِ، فَوَلِّنا ما تَوَلَّیْنا، وَاحْشُرْنا مَعَ أَئِمَّتِنا، فَانَّا بِهِمْ (غاصبان حقوق آن‌حضرت) پس والی ما گردان آن را که ما به ولایت برگزیدیم وبا امامانمان محشورمان کن که مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ، وَلَهُمْ مُسَلِّمُونَ، آمَنَّا بِسِرِّهِمْ وَعَلانِیَتِهِمْ ایمان و اعتقاد داریم و تسلیم آنانیم ایمان داریم بر نهانشان و آشکارشان و وَشاهِدِهِمْ وَغائِبِهِمْ وَحَیِّهِمْ وَمَیِّتِهِمْ، وَرَضِینا بِهِمْ أَئِمَّهًٔ وَقادَهًٔ حاضرشان و غائبشان و زنده‌شان و مرده‌شان و خوشنودیم به امامتشان وَسادَهًٔ، وَحَسْبُنا بِهِمْ بَیْنَنا وَبَیْنَ اللَّهِ دُونَ خَلْقِهِ، لا نَبْتَغِی بِهِمْ و آقائیشان و همانها ما را در مابین خود و خدا از سایر خلق کافی هستند نجوئیم بجای ایشان بَدَلًا، ولا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَلِیجَهًٔ، وَبَرِئْنا إِلَی اللَّهِ مِنْ کُلِ مَنْ بدلی و نگیریم جز ایشان همدمی (یا معتمدی) و بیزاری جوئیم به درگاه خدا از هر که نَصَبَ لَهُمْ حَرْباً مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ، برپا کند در برابرشان جنگی از جن و انس از اولین و آخرین وَکَفَرْنا بِالْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ وَالْأَوْثانِ الْأَرْبَعَهِٔ وَأَشْیاعِهِمْ و کافر شدیم به جبت و طاغوت و بتهای چهارگانه و دنبال روندگان ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۲۳ وَأَتْباعِهِمْ وَکُلِّ مَنْ والاهُمْ مِنَ الْجِنِ وَالْإِنْسِ، مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ و پیروانشان و هر که دوستشان دارد از جن و انس از آغاز روزگار إِلی آخِرِهِ. اللَّهُمَّ إِنَّا نُشْهِدُکَ أَنَّا نَدِینُ بِما دانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَآلُ تا پایان آن خدایا تو را گواه می‌گیریم که ما متدین هستیم بدانچه متدین شد بدان محمد و آل مُحَمَّدٍ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ، وَقَوْلُنا ما قالُوا، وَدِینُنا ما دانُوا محمد درود خدا بر او و برایشان باد و گفتار ما همان است که آنها گفتند و دین ما همان است که آنها متدین بدان بِهِ، ما قالُوا بِهِ قُلْنا، وَما دانُوا بِهِ دِنَّا، وَما أَنْکَرُوا أَنْکَرْنا، وَمَنْ بودند هر چه را آنان گفتند ما هم گفتیم و هر چه را آنان متدین بدان شدند ما هم شدیم و هر چه را آنان انکار کردند ما هم انکار کردیم و هر که والَوْا والَیْنا، وَمَنْ عادَوْا عادَیْنا، وَمَنْ لَعَنُوا لَعَنَّا، وَمَنْ تَبَرَّءُوا مِنْهُ را دوست داشتند دوست داریم و هر که را دشمن دارند دشمن داریم و هر که را لعن کردند لعن کنیم و از هر که بیزاری جستند تَبَرَّأْنا مِنْهُ، وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَیْهِ تَرَحَّمْنا عَلَیْهِ، آمَنَّا وَسَلَّمْنا وَرَضِینا بیزاری جوئیم و بر هر که ترحم کردند ترحم کنیم ایمان آوردیم و تسلیم و خوشنود گشتیم وَاتَّبَعْنا مَوالِیَنا، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ. اللَّهُمَّ فَتَمِمْ لَنا ذلِکَ وَلا و پیروی کردیم از سرورانمان درودهای خدا بر ایشان باد خدایا پس تو آن را برای ما تکمیل کن و از ما تَسْلُبْناهُ، وَاجْعَلْهُ مُسْتَقِرّاً ثابِتاً عِنْدَنا وَلا تَجْعَلْهُ مُسْتَعاراً، وَأَحْیِنا سلب مفرما و آنرا پایگاهی ثابت در پیش ما قرار ده و پایگاه عاریت و موقتش قرار مده و زنده‌مان دار ما أَحْیَیْتَنا عَلَیْهِ، وَامِتْنا إِذا أَمَتَّنا عَلَیْهِ، آلُ مُحَمَّدٍ أَئِمَّتُنا، فَبِهِمْ نَأْتَمُّ بر همان تا هرگاه که زنده‌مان داری و بمیرانمان بر آن هرگاه می‌راندیمان، آل محمد پیشوایان مایند به آنها اقتدا کنیم ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۲۴ وَإِیَّاهُمْ نُوالِی، وَعَدُوَّهُمْ عَدُوَّ اللَّهِ نُعادِی، فَاجْعَلْنا مَعَهُمْ فِی و آنان را دوست داریم و دشمنشان را که دشمن خدا است دشمن داریم پس ما را در الدُّنْیا وَالْآخِرَهِٔ وَمِنَ الْمُقَرَّبِینَ، فَانَّا بِذلِکَ راضُونَ، یا أَرْحَمَ دنیا و آخرت با ایشان قرار ده و از مقربان درگاهت گردان که براستی ما به همان خوشنودیم ای مهربانترین الرَّاحِمِینَ». مهربانان.» باز به سجده رود و صد مرتبه «الْحَمْدُ للَّهِ» و صد مرتبه «شُکْراً لِلَّهِ» بگوید. و روایت شده که هر کس این عمل را بجا آورد ثواب کسی داشته باشد که در روز عید غدیر نزد حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله حاضر شده باشد، و با آن حضرت بر ولایت بیعت کرده باشد، و بهتر آن است که این نماز را نزدیک زوال گذارد، که حضرت در آن ساعت امیرالمؤمنین علیه السلام را در غدیر خم به امامت و خلافت برای مردم نصب فرمود. پنجم: خواندن دعای ندبه. ششم: خواندن این دعا، که سید بن طاوس از شیخ مفید نقل کرده است: «اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ بِحَقِ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ، وَعَلِیٍ وَلِیِّکَ، وَالشَّأْنِ «خدایا از تو درخواست کنم به حق محمد پیامبرت و به حق علی ولی تو و بدان منزلت ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۲۵ وَالْقَدْرِ الَّذِی خَصَصْتَهُما بِهِ دُونَ خَلْقِکَ، أَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ و مرتبه‌ای که بدان وسیله آن‌دو را از سایر مخلوق خود اختصاص دادی که درود

فرستی بر محمد وَعَلِیٍ، وَأَنْ تَبْدَأَ بِهِما فِی کُلِّ خَیْرٍ عاجِلٍ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی و علی و از آنان شروع کنی در دادن هر خیری که فوری است خدایا درود فرست بر مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الْأَئِمَّهِ الْقادَهِ، وَالدُّعاهِ السَّادَهِ، وَالنُّجُوم محمد و آل محمد پیشوایان رهبر و خوانندگان بزرگ و سرور و ستارگان الزَّاهِرَهِ، وَالْأَعْلامِ الْباهِرَهِ، وَساسَهِ الْعِبادِ، وَأَرْکانِ الْبِلادِ، وَالنَّاقَهِ درخشان و نشانه‌های فروزان و تدبیرکنندگان کار بندگان و پایه‌های جاهای آباد و ناقه الْمُرْسَلَهِ، وَالسَّفِینَهِ النَّاجِیَهِ الْجارِیَهِ فِی اللُّجَجِ الْغامِرَهِ. اللَّهُمَّ فرستاده شده و کشتی نجات که روان است در دریاهای ژرف پرآب خدایا صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، خُزَّانِ عِلْمِکَ، وَأَرْکانِ تَوْحِیدِکَ، درود فرست بر محمد و آل محمد گنجینه‌های دانشت و پایه‌های محکم توحید تو وَدَعائِمِ دِینِکَ، وَمَعادِنِ کَرامَتِکَ، وَصَفْوَتِکَ مِنْ بَرِیَّتِکَ، و ستونهای دین تو و معدنهای کرامت و برگزیدگان از خلقت وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، الْأَتْقِیاءِ الْأَنْقِیاءِ النُّجَباءِ الْأَبْرارِ، وَالْبابِ و بهترین آفریدگانت آن پرهیزکاران پاکیزه و برگزیدگان نیکوکار و درگاهی الْمُبْتَلی بِهِ النَّاسُ، مَنْ اتاهُ نَجا، وَمَنْ أَباهُ هَوی اللَّهُمَّ صَلِّ که مورد ابتلای مردم است هرکه بدان درگاه آمد نجات یافت و هرکه سرباز زد سقوط کرد خدایا درود ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۲۶ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَهْلِ الذِّکْرِ الَّذِینَ أَمَرْتَ بِمَسْأَلَتِهِمْ، فرست بر محمد و آل محمد اهل ذکری که دستور فرمودی بپرسش مسائل از آنها وَذَوِی الْقُرْبَی الَّذِینَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ، وَفَرَضْتَ حَقَّهُمْ، و خویشاوندانی که دستور فرمودی به دوست داشتنشان و حقشان را واجب کردی وَجَعَلْتَ الْجَنَّهَ مَعادَ مَنِ اقْتَصَّ آثارَهُمْ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ و بهشت را بازگشتگاه (و سرمنزل) کسی قرار دادی که آثارشان را پیروی کند خدایا درود فرست بر محمد وَآلِ مُحَمَّدٍ، کَما أَمَرُوا بِطاعَتِکَ، وَنَهَوْا عَنْ مَعْصِیَتِکَ، وَدَلُّوا و آل محمد چنانچه دستور پیروی تو را دادند و از نافرمانیت نهی کردند و بندگانت عِبادَکَ عَلی وَحْدانِیَّتِکَ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ را به یگانگیت راهنمایی کردند خدایا من از تو می‌خواهم به حق محمد پیامبرت وَنَجِیِّکَ وَصَفْوَتِکَ وَأَمِینِکَ وَرَسُولِکَ إِلی خَلْقِکَ، وَبِحَقِّ أَمِیرِ و گرامی و برگزیده و امین تو و فرستاده‌ات بسوی خلق و به حق امیر الْمُؤْمِنِینَ، وَیَعْسُوبِ الدِّینِ، وَقائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ، الْوَصِیِ مؤمنان و پیشوای دین و رهبر سفیدرویان آن وصی الْوَفِیِ، وَالصِّدِّیقِ الْأَکْبَرِ، وَالْفارُوقِ بَیْنَ الْحَقِّ وَالْباطِلِ، با وفا و صدیق اکبر و جداکننده بین حق و باطل وَالشَّاهِدِ لَکَ، وَالدَّالِّ عَلَیْکَ، وَالصَّادِعِ بِأَمْرِکَ، وَالْمُجاهِدِ فِی و گواه تو و راهنمایی کننده بر تو و آشکار کننده دستورت و جهادکننده در ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۲۷ سَبِیلِکَ، لَمْ تَأْخُذْهُ فِیکَ لَوْمَهُ لائِمٍ، أَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ راهت آنکه نگیردش (و ناراحتش نکند) درباره تو ملامت ملامت‌کننده‌ای که درود فرستی بر محمد و آل مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَنِی فِی هذَا الْیَوْمِ الَّذِی عَقَدْتَ فِیهِ لِوَلِیِّکَ محمد و مرا قرار دهی در این روزی که بستی برای ولی خود الْعَهْدَ فِی أَعْناقِ خَلْقِکَ، وَأَکْمَلْتَ لَهُمُ الدِّینَ مِنَ الْعارِفِینَ پیمان (امامت) را در گردن خلق خود و کامل گرداندی برای آنها دین را از عارفان بِحُرْمَتِهِ، وَالْمُقِرِّینَ بِفَضْلِهِ، مِنْ عُتَقائِکَ وَطُلَقائِکَ مِنَ النَّارِ، وَلا به‌حرمتش و اقرارکنندگان به فضل او از آزادشدگان و رهاشدگانت از آتش و تُشْمِتْ بِی حاسِدِی النِعَمِ. اللَّهُمَّ فَکَما جَعَلْتَهُ عِیدَکَ الْأَکْبَرَ، شاد مکن نسبت به من حسودانم را در نعمتهایت خدایا چنانچه آنرا عید بزرگ خود قرار داده‌ای وَسَمَّیْتَهُ فِی السَّماءِ یَوْمَ الْعَهْدِ الْمَعْهُودِ، وَفِی الْأَرْضِ یَوْمَ و نامیدی آنرا در آسمان روز عهد معهود و در زمین روز الْمِیثاقِ الْمَأْخُوذِ وَالْجَمْعِ الْمَسْؤُولِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ پیمان گرفتن و انجمن بازخواست شده درود فرست بر محمد و آل مَحَمَّدٍ، وَأَقْرِرْ بِهِ عُیُونَنا، وَاجْمَعْ بِهِ شَمْلَنا، وَلاتُضِلَّنا بَعْدَ إِذْ محمد و روشن کن بوسیله‌اش دیدگان ما را و گردآور بدستش پراکندگی ما را و گمراهمان مکن پس از آنکه هَدَیْتَنا، وَاجْعَلْنا لِأَنْعُمِکَ مِنَ الشَّاکِرِینَ، یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ، هدایتمان کردی و قرارمان ده از سپاسگزاران نعمتهایت ای مهربانترین مهربانان ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۲۸ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی عَرَّفَنا فَضْلَ هذَا الْیَوْمِ، وَبَصَّرَنا حُرْمَتَهُ، وَکَرَّمَنا ستایش خاص خدایی است که شناساند به ما فضیلت این روز را و بینامان کرد به حرمت این روز و گرامیمان داشت بِهِ، وَشَرَّفَنا بِمَعْرِفَتِهِ، وَهَدانا بِنُورِهِ، یا رَسُولَ اللَّهِ، یا أَمِیرَ بدان و شرافتمان داد به معرفتش و هدایتمان کرد به نورش ای رسول خدا ای امیر الْمُؤْمِنِینَ، عَلَیْکُما وَعَلی عِتْرَتِکُما وَعَلی مُحِبِیکُما مِنِی أَفْضَلُ مؤمنان بر شما و بر عترت شما و بر دوستان شما بهترین السَّلامِ ما بَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ، وَبِکُما أَتَوَجَّهُ إِلَی اللَّهِ رَبِی وَرَبِّکُما سلام و درود من باد تا برپاست شب و

روز و بوسیله او رو کنم بسوی خدا پروردگار من و پروردگارتان فِی نَجاحِ طَلِبَتِی، وَقَضاءِ حَوائِجِی، وتَیْسِیرِ أُمُورِی». در موفق شدن به مقصودم و برآورده شدن حاجاتم و آسان شدن کارهایم.» هفتم: آنکه در دیدار با برادران مؤمن، این تهنیت را به یکدیگر بگویند که سپاس نعمت ولایت است: «الْحَمْدُ للَّهِ الَّذِی جَعَلَنا مِنَ الْمُتَمَسِّکِینَ بِولایَةِ أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ «ستایش خاص خدایی است که قرار داد ما را از تمسک جویان به ولایت امیرمؤمنان وَالْأَئِمَّةِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ». و سایر امامان علیهم السّلام.» ونیز بخواند: ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۲۹ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَکْرَمَنا بِهذَا الْیَوْمِ، وَجَعَلَنا مِنَ الْمُوفِینَ «ستایش خاص خدایی است که گرامی داشت ما را به این روز و قرارمان داد از وفاکنندگان بِعَهْدِهِ إِلَیْنا وَمِیثاقِهِ الَّذِی واثَقَنا بِهِ مِنْ وِلایَةِ وُلاةِ أَمْرِهِ، وَالْقُوَّامِ به عهدی که با ما کرده بود و پیمانی که با ما بسته بود از ولایت سرپرستان امر دین او و برپادارندگان بِقِسْطِهِ، وَلَمْ یَجْعَلْنا مِنَ الْجاحِدِینَ وَالْمُکَذِّبِینَ بِیَوْمِ الدِّینِ». عدلش و قرارمان نداد از منکران و تکذیب کنندگان روز جزا.» هشتم آنکه صد مرتبه بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ کَمالَ دِینِهِ وَتَمامَ نِعْمَتِهِ بِوِلایَةِ «ستایش خاص خدایی است که قرار داد کمال دین و تمام شدن نعمتش را به ولایت أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ عَلِیِ بْنِ أَبِی طالِبٍ عَلَیْهِ السَّلامُ». امیر مؤمنان علی بن ابی‌طالب علیه السلام.»

### اعمال روز مباهله

طبق یک سنّت دیرین، گاه دو نفر یا دو گروه با هم در مسأله‌ای اختلاف نظر داشتند و هیچ یک به گفته دیگری قانع نمی‌شدند، باهم «مباهله» می‌کردند، و از خداوند می‌خواستند که طرف باطل را با فرستادن عذابی هلاک کند و طرف حق ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۳۰ پیروز شود. مسیحیان نجران، چون به رسالت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ایمان نداشتند، می‌خواستند که با مباهله، حق آشکار شود. نصارای نجران در تاریخ مقرّر و مکان معیّن با همه زیورها و آرایش‌ها و تشریفات حاضر شدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله هم همراه با اهل بیت خاصّ خود برای مباهله حاضر شدند. رسول خدا پیش از آنکه خواست مباهله کند، عبا بر دوش مبارک گرفت و سپس امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را داخل در زیر عبا نمود، و گفت: پروردگارا! هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است که مخصوص‌ترین خلق بوده‌اند، بار خداوندا! اینها اهل بیت من می‌باشند، پس از ایشان برطرف کن شکّ و گناه را، و پاک کن ایشان را. پس جبرئیل نازل شد و آیه تطهیر را در شأن ایشان آورد. پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله آن چهار بزرگوار را بیرون برد از برای مباهله، چون نگاه نصاری بر ایشان افتاد و حقّانیّت آن حضرت و آثار نزول عذاب را مشاهده کردند، جرأت مباهله ننمودند، و درخواست مصالحه و قبول جزیه نمودند. در این روز نیز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در حال رکوع ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۳۱ انگشتری خود را به سائل داد، و آیه إِنَّما وَلِیُّکُمُ اللَّهُ ... در شأنش نازل شد، وبالجمله این روز، روز شریفی است، ودر آن چند عمل وارد است: اوّل: غسل، دوّم: روزه، سوّم: دو رکعت نماز، مثل نمازِ روز عید غدیر که از نظر وقت و کیفیّت و ثواب و خواندن آیةالکرسی مثل نماز روز عید غدیر است. چهارم: خواندن دعای مباهله که شبیه به دعای سحر ماه رمضان است، و شیخ و سیّد هر دو دعای روز مباهله را از حضرت صادق علیه السلام چنین نقل کرده‌اند: «اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ مِنْ بَهائِکَ بِأَبْهاهُ وکُلُّ بَهائِکَ بَهِیٌّ. اللَّهُمَّ «خدایا از تو خواهم از درخشنده‌ترین مراتب درخشندگیت و همه مراتب آن درخشنده است خدایا إِنِی أَسْأَ لُکَ بِبَهائِکَ کُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ مِنْ جَلالِکَ بِأَجَلِّهِ از تو خواهم به تمام مراتب درخشندگیت خدایا از تو خواهم از باشوکت‌ترین مراتب جلالت وَکُلُّ جَلالِکَ جَلِیلٌ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ بِجَلالِکَ کُلِهِ. اللَّهُمَّ إِنِی و تمام مراتب جلال تو شوکتمند است خدایا از تو خواهم به همه مراتب جلالت خدایا از أَسْأَلُکَ مِنْ جَمالِکَ بِأَجْمَلِهِ وَکُلُّ جَمالِکَ جَمِیلٌ. اللَّهُمَّ إِنِی تو خواهم از زیباترین مراتب جمال تو و همه مراتب جمالت زیباست خدایا از ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۳۲ أَسْأَ لُکَ بِجَمالِکَ کُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِی أَدْعُوکَ کَما أَمَرْتَنِی، فَاسْتَجِبْ تو خواهم به همه مراتب جمالت خدایا تو را خوانم چنانچه دستورم دادی پس دعایم را به اجابت لِی کَما وَعَدْتَنِی. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ مِنْ عَظَمَتِکَ بِأَعْظَمِها وَکُلُّ

رسان چنانچه وعده‌ام دادی خدایا از تو خواهم از بزرگترین مراتب عظمتت و همه عَظَمَتِکَ عَظِیمَةٌ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ بِعَظَمَتِکَ کُلِّها. اللَّهُمَّ إِنِی مراتب آن بزرگ است خدایا از تو خواهم به همه عظمتت خدایا از تو أَسْأَ لُکَ مِنْ نُورِکَ بِأَنْوَرِهِ وَکُلُّ نُورِکَ نَیِّرٌ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ خواهم از تابنده‌ترین مراتب روشنیت و همه مراتب آن تابنده است خدایا از تو خواهم بِنُورِکَ کُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ مِنْ رَحْمَتِکَ بِأَوْسَعِها وَکُلُّ به تمام مراتب روشنیت خدایا از تو خواهم از وسیع‌ترین مراتب رحمتت و همه رَحْمَتِکَ واسِعَةٌ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ بِرَحْمَتِکَ کُلِّها. اللَّهُمَّ إِنِی رحمت تو وسیع است خدایا از تو خواهم به همه مراتب رحمتت خدایا تو أَدْعُوکَ کَما أَمَرْتَنِی، فَاسْتَجِبْ لِی کَما وَعَدْتَنِی. اللَّهُمَّ إِنِی را می‌خوانم همچنانکه دستورم دادی پس اجابت کن دعایم را چنانچه وعده فرمودی خدایا از أَسْأَ لُکَ مِنْ کَمالِکَ بِأَکْمَلِهِ وَکُلُّ کَمالِکَ کامِلٌ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ تو خواهم از کاملترین مراتب کمالت و تمام مراتب آن کامل است خدایا از تو خواهم بِکَمالِکَ کُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ مِنْ کَلِماتِکَ بِأَتَمِها وَکُلُّ به تمام مراتب کمالت خدایا از تو خواهم از تمامترین کلمات و سخنانت و تمام ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۳۳ کَلِماتِکَ تامَّةٌ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ بِکَلِماتِکَ کُلِّها. اللَّهُمَّ إِنِی کلماتت تام و تمام است خدایا از تو خواهم به کلماتت همگی خدایا از أَسْأَ لُکَ مِنْ أَسْمائِکَ بِأَکْبَرِها وَکُلُّ أَسْمائِکَ کَبِیرَةٌ. اللَّهُمَّ إِنِی تو خواهم به بزرگترین نامهایت و همه نامهایت بزرگ است خدایا از تو أَسْأَ لُکَ بِأَسْمائِکَ کُلِّها. اللَّهُمَّ إِنِی أَدْعُوکَ کَما أَمَرْتَنِی، فَاسْتَجِبْ خواهم به نامهایت همگی خدایا من تو را می‌خوانم چنانچه به من دستور دادی پس به اجابت رسان لِی کَما وَعَدْتَنِی. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ مِنْ عِزَّتِکَ بِأَعَزِّها وَکُلُّ دعایم را چنانچه وعده‌ام فرمودی خدایا از تو خواهم به عزیزترین مراتب عزتت و همه عِزَّتِکَ عَزِیزَةٌ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ بِعِزَّتِکَ کُلِّها. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ مراتب تو عزیز است خدایا از تو خواهم به همه مراتب عزتت خدایا از تو خواهم مِنْ مَشِیَّتِکَ بِأَمْضاها وَکُلُّ مَشِیَّتِکَ ماضِیَةٌ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ به گذراترین اراده و خواستت و همه مراتب اراده تو گذراست خدایا از تو خواهم بِمَشِیَّتِکَ کُلِّها. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ بِقُدْرَتِکَ الَّتِی اسْتَطَلْتَ بِها به تمام مراتب اراده و خواستت خدایا از تو خواهم بدان قدرتت که بوسیله آن عَلی کُلِ شَیْءٍ وَکُلُّ قُدْرَتِکَ مُسْتَطِیلَةٌ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ بر همه چیز برتری گرفتی گرچه تمام مراتب قدرتت برتری گیرنده است خدایا از تو خواهم بِقُدْرَتِکَ کُلِّها. اللَّهُمَّ إِنِی أَدْعُوکَ کَما أَمَرْتَنِی، فَاسْتَجِبْ لِی کَما به تمام مراتب قدرتت خدایا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادی تو هم اجابتم کن چنانچه ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۳۴ وَعَدْتَنِی. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ مِنْ عِلْمِکَ بِأَنْفَذِهِ وَکُلُّ عِلْمِکَ نافِذٌ، وعده فرمودی خدایا از تو خواهم از نافذترین مراتب دانشت با این که تمام مراتب دانشت نافذ است اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ بِعِلْمِکَ کُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ مِنْ قَوْلِکَ خدایا از تو خواهم به مراتب دانشت همگی خدایا از تو خواهم از پسندیده‌ترین بِأَرْضاهُ وَکُلُّ قَوْلِکَ رَضِیٌّ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ بِقَوْلِکَ کُلِّهِ. اللَّهُمَّ گفتارت و تمام گفتار تو پسندیده است خدایا از تو خواهم به همه گفتارت خدایا إِنِی أَسْأَ لُکَ مِنْ مَسائِلِکَ بِأَحَبِّها إِلَیْکَ وَکُلُّها إِلَیْکَ حَبِیبَةٌ. اللَّهُمَ إِنِی از تو خواهم به محبوبترین چیزی که از تو درخواست شده و همه آنها پیش تو محبوب است خدایا از أَسْأَ لُکَ بِمَسائِلِکَ کُلِّها. اللَّهُمَّ إِنِی أَدْعُوکَ کَما أَمَرْتَنِی، فَاسْتَجِبْ تو خواهم به تمام آنچه از تو درخواست شده خدایا من تو را خوانم چنانچه دستورم دادی پس اجابتم لِی کَما وَعَدْتَنِی. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ مِنْ شَرَفِکَ بِأَشْرَفِهِ وَکُلُّ کن چنانچه وعده‌ام فرمودی خدایا از تو خواهم به شریفترین مراتب شرفت و تمامی شَرَفِکَ شَرِیفٌ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ بِشَرَفِکَ کُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِی مراتب شرف تو شریف است خدایا از تو خواهم به مراتب شرفت همگی خدایا از تو أَسْأَلُکَ مِنْ سُلْطانِکَ بِأَدْوَمِهِ وَکُلُّ سُلْطانِکَ دائِمٌ، اللَّهُمَّ إِنِی خواهم به حق بادوامترین مراتب سلطنتت و تمام مراتب آن دائمی است خدایا از أَسْأَ لُکَ بِسُلْطانِکَ کُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ مِنْ مُلْکِکَ بِأَفْخَرِهِ وَکُلُّ تو خواهم به مراتب سلطنتت همگی خدایا از تو خواهم به گرانمایه‌ترین مراتب فرمانروایيت و تمام ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۳۵ مُلْکِکَ فاخِرٌ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ بِمُلْکِکَ کُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِی أَدْعُوکَ مراتب فرمانروایيت گرانمایه است خدایا از تو خواهم به تمام مراتب فرمانروایيت خدایا من تو را خوانم کَما أَمَرْتَنِی، فَاسْتَجِبْ لِی کَما وَعَدْتَنِی. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ مِنْ چنانچه دستورم دادی پس اجابتم کن چنانچه وعده‌ام فرمودی خدایا از تو خواهم به عَلائِکَ بِأَعْلاهُ وَکُلُّ عَلائِکَ عالٍ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ بِعَلائِکَ کُلِّهِ، والاترین مراتب

بلندیت و تمام مراتب بلندی تو والا است خدایا از تو خواهم به والاترین مراتب بلندیت همگی اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ مِنْ آیاتِکَ بِأَعْجَبِها وَکُلُّ آیاتِکَ عَجِیبَهٌ. اللَّهُمَّ خدایا از تو خواهم به شگفت‌ترین آیات و نشانه‌هایت و همه آیات تو شگفت است خدایا إِنِی أَسْأَ لُکَ بِآیاتِکَ کُلِّها. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ مِنْ مَنِّکَ بِأَقْدَمِهِ از تو خواهم به آیاتت همگی خدایا از تو خواهم به قدیمترین نعمتت وَکُلُّ مَنِّکَ قَدِیمٌ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ بِمَنِّکَ کُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِی أَدْعُوکَ و همه نعمتهایت قدیم است خدایا از تو خواهم به همه اقسام نعمتت خدایا من تو را خوانم کَما أَمَرْتَنِی، فَاسْتَجِبْ لِی کَما وَعَدْتَنِی. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ بِما چنانچه دستورم دادی پس اجابت کن دعایم را چنانچه وعده فرمودی خدایا من از تو خواهم به آنچه أَنْتَ فِیهِ مِنَ الشُّئُونِ وَالْجَبَرُوتِ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ بِکُلِّ شَأْنٍ تو در آنی از مقامات و قدرت و عظمتت خدایا از تو خواهم به حق هر مقام وَکُلِّ جَبَرُوتٍ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ بِما تُجِیبُنِی بِهِ حِینَ أَسْأَلُکَ، یا و هر قدرت و عظمتی که داری خدایا من از تو خواهم بدانچه اجابتم کنی بدان هنگامی که تورا خوانم ای ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۳۶ اللَّهُ یا لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، أَسْأَ لُکَ بِبَهاءِ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، یا لا إِلهَ إِلّا خدا ای که معبودی جز تو نیست از تو خواهم به درخشندگی کلمه «لااله الا انت» ای که نیست معبودی جز أَنْتَ، أَسْأَ لُکَ بِجَلالِ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، یا لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، أَسْأَ لُکَ بِلا تو از تو خواهم به جلال و شوکت کلمه «لا اله الا انت» ای که معبودی جز تو نیست از تو خواهم به إِلهَ إِلّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ إِنِی أَدْعُوکَ کَما أَمَرْتَنِی، فَاسْتَجِبْ لِی کَما کلمه «لااله الاانت» خدایا تو را خوانم چنانچه دستورم دادی پس اجابت کن دعایم را چنانچه وَعَدْتَنِی. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ مِنْ رِزْقِکَ بِأَعَمِّهِ وَکُلُّ رِزْقِکَ عامٌّ، وعده‌ام فرمودی خدایا از تو خواهم از عمومی‌ترین اقسام روزیت و تمام اقسام روزی تو عمومی است اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ بِرِزْقِکَ کُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ مِنْ عَطائِکَ خدایا از تو خواهم به تمام اقسام روزی تو خدایا از تو خواهم از گواراترین عطایای بِأَهْنَئِهِ وَکُلُّ عَطائِکَ هَنِیئٌ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ بِعَطائِکَ کُلِّهِ. اللَّهُمَّ تو و تمام عطاهایت گوارا است خدایا از تو خواهم به تمام عطایایت خدایا إِنِی أَسْأَلُکَ مِنْ خَیْرِکَ بِأَعْجَلِهِ وَکُلُّ خَیْرِکَ عاجِلٌ. اللَّهُمَّ إِنِی از تو خواهم به فوری‌ترین خیر و نیکیت و تمام نیکیهای تو فوری است خدایا از تو أَسْأَلُکَ بِخَیْرِکَ کُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَ لُکَ مِنْ فَضْلِکَ بِأَفْضَلِهِ وَکُلُّ خواهم به تمام نیکیهایت خدایا از تو خواهم به فزونترین فضل تو و همه فَضْلِکَ فاضِلٌ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ بِفَضْلِکَ کُلِّهِ. اللَّهُمَّ إِنِی فضل تو فزون است خدایا از تو خواهم به فضل تو همگی خدایا تو را ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۳۷ أَدْعُوکَ کَما أَمَرْتَنِی، فَاسْتَجِبْ لِی کَما وَعَدْتَنِی. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی خوانم چنانچه دستورم دادی پس اجابتم کن چنانچه وعده‌ام فرمودی خدایا درود فرست بر مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْنِی عَلَی الْإِیمانِ بِکَ وَالتَّصْدِیقِ محمد و آل محمد و برانگیز مرا با داشتن ایمان به خودت و تصدیق بِرَسُولِکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ السَّلامُ، وَالْوِلایَهِٔ لِعَلِیِ بْنِ أَبِیطالِبٍ، به رسولت- که درود بر او و آلش باد- و ولایت علی بن ابیطالب وَالْبَراءَهِٔ مِنْ عَدُوِّهِ، وَالْإِیتِمامِ بِالْأَئِمَّهِٔ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ و بیزاری از دشمنش و اقتدا به امامان از آل محمد علیهم السلام السَّلامُ، فَإِنِی قَدْ رَضِیتُ بِذلِکَ یا رَبِّ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ زیرا که من خوشنودم بدین ای پروردگار من خدایا درود فرست بر محمد عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ فِی الْأَوَّلِینَ، وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ فِی الْآخِرِینَ، بنده و رسولت در زمره اولین و درود فرست بر محمد در زمره آخرین وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ فِی الْمَلَإِ الْأَعْلی وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ فِی و درود فرست بر محمد در عالم بالا و درود فرست بر محمد در الْمُرْسَلِینَ. اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسِیلَهَٔ وَالشَّرَفَ وَالْفَضِیلَهَٔ زمره مرسلین خدایا عطا کن به محمد مقام وسیله و شرف و فضیلت وَالدَّرَجَهَٔ الْکَبِیرَهَٔ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَقَنِّعْنِی و درجه بزرگ را خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و قانع کن مرا ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۳۸ بِما رَزَقْتَنِی، وَبارِکْ لِی فِیما أَعْطَیْتَنِی، وَاحْفَظْنِی فِی غَیْبَتِی وَفِی بدانچه روزیم کرده‌ای و برکت‌ده به من در آنچه به من داده‌ای و نگهداری کن مرا در غیبتم و کُلِّ غائِبٍ هُوَ لِی. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَابْعَثْنِی هر غائبی که مربوط به من است خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و برانگیز مرا عَلَی الْإِیمانِ بِکَ وَالتَّصْدِیقِ بِرَسُولِکَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ بر ایمان به خودت و تصدیق به رسولت خدایا درود فرست بر محمد وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَسْأَلُکَ خَیْرَ الْخَیْرِ رِضْوانَکَ وَالْجَنَّهَٔ، وَأَعُوذُ بِکَ و آل محمد و از تو خواهم خوبترین خوبها را که خوشنودی تو و بهشت باشد و پناه برم به تو مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِکَ وَالنّارِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

وآلِ از بـدترین بـدها که خشم تو و آتش دوزخ باشد خدایا درود فرست بر محمد و آل مُحَمَّدٍ، وَاحْفَظْنِی مِنْ کُلِّ مُصِیبَهٍ، وَمِنْ کُلِّ بَلِیَّهٍ، وَمِنْ کُلِّ محمـد و محافظت کن مرا از هر پیش آمـد ناگوار و از هر گرفتاری و از هر عُقُوبَهٍ، وَمِنْ کُلِّ فِتْنَهٍ، وَمِنْ کُلِّ بَلاءٍ، وَمِنْ کُلِّ شَرٍّ، وَمِنْ کُلِّ شـکنجه و از هرفتنه و از هر بلاء و از هر بـدی و از هر مَکْرُوهٍ، وَمِنْ کُلِّ مُصِیبَهٍ، وَمِنْ کُلِّ آفَهٍ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ ناراحتی و از هر مصیبت و از هر آفتی که نازل شده یا بعد از این از آسمان إِلَی الْأَرْضِ، فِی هذِهِ السَّاعَهِ، وَفِی هذِهِ اللَّیْلَهِ، وَفِی هـذَا الْیَوْمِ، بزمین نـازل شود در این ساعت و در این شب و در این روز ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۲۳۹ وَفِی هذَا الشَّهْرِ، وَفِی هذِهِ السَّنَهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ و در این ماه و در این سال خدایا درود فرست بر محمد و آل مُحَمَّدٍ، وَاقْسِمْ لِی مِنْ کُلِّ سُرُورٍ، وَمِنْ کُلِّ بَهْجَهٍ، وَمِنْ کُلِّ محمـد و نصـیبم کن از هر شادی و از هر خوشـحالی و از هر اسْـتِقامَهٍ، وَمِنْ کُلِّ فَرَجٍ، وَمِنْ کُلِّ عافِیَهٍ، وَمِنْ کُلِّ سَلامَهٍ، وَمِنْ پایداری و از هر گشایشی و از هر تندرستی و از هر سلامتی و از کُلِّ کَرامَهٍ، وَمِنْ کُلِّ رِزْقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَیِّبٍ، وَمِنْ کُلِّ نِعْمَهٍ، هر کرامت و از هر روزی فراخ حلال پاکی و از هر نعمتی وَمِنْ کُلِّ سَعَهٍ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ إِلَی الْأَرْضِ، فِی هـذِهِ و از هر وسـعتی که نازل شده یا بعد از این نازل شود از آسمان به زمین در این السَّاعَهِ، وَفِی هذِهِ اللَّیْلَهِ، وَفِی هذَا الْیَوْمِ، وَفِی هذَا الشَّهْرِ، وَفِی ساعت و در این شب و در این روز و در این مـاه و در هـذِهِ السَّنَهِ. اللَّهُمَّ إِنْ کـانَتْ ذُنُوبِی قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِی عِنْدَکَ، این سال خـدایا اگر چنـانچه گناهانم شـرمنده کرده است چهره‌ام را پیش تو وَحالَتْ بَیْنِی وَبَیْنَکَ، وَغَیَّرَتْ حالِی عِنْدَکَ، فَإِنِّی أَسْأَلُکَ بِنُورِ و حائـل شـد میـان من و تـو و حـالم را پیش تـو تغییر داده پس از تـو خـواهم به حق نور وَجْهِکَ الَّذِیلایُطْفَأُ، وَبِوَجْهِ مُحَمَّدٍ حَبِیبِکَ الْمُصْطَفی وَبِوَجْهِ ذاتت که خاموش نشود و به آبروی محمـد مصـطفی حبیب تو و به آبروی ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۲۴۰ وَلِیِّکَ عَلِیٍ الْمُرْتَضـی وَبِحَقِّ أَوْلِیائِکَ الَّذِینَ انْتَجَبْتَهُمْ، أَنْ ولی تو علی مرتضـی و به حق اولیائت که برگزیدی آنها را که تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَغْفِرَلِی ما مَضـی مِنْ درود فرستی بر محمد و آل محمد و بیامرزی برایم گذشته‌های از ذُنُوبِی، وَأَنْ تَعْصِمَنِی فِیما بَقِیَ مِنْ عُمُرِی، وَأَعُوذُ بِکَ اللَّهُمَّ أَنْ گناهانم را و نگاهم‌داری در آینـده عمرم و پناه می‌برم به تو خـدایا از اینکه أَعُودَ فِی شَیْءٍ مِنْ مَعاصِیکَ أَبَداً مـا أَبْقَیْتَنِی، حَتَّی تَتَوَفَّانِی وَأَنَا بازگردم به یکی از گناهان و نافرمانیهایت هرگز تا زنـده‌ام (یعنی) تا آنگاه که مرا بمیرانی و من لَکَ مُطِیعٌ وَأَنْتَ عَنِی راضٍ، وَأَنْ تَخْتِمَ لِی عَمَلِی بِأَحْسَنِهِ، فرمـانبردار تـو بـاشم و تو از من خوشـنود باشـی و به انجـام رسـانی عمـل مرا به نیکوترین آن وَتَجْعَلَ لِی ثَوابَهُ الْجَنَّهَ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِی ما أَنْتَ أَهْلُهُ، یا أَهْلَ و پاداش آنرا برایم بهشت مقرر داری و انجـام دهی دربـاره من آنچه را تو شایسته آنی ای اهـل التَّقْوی وَیـا أَهْلَ الْمَغْفِرَهِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، تقوی و ای شایسـته آمرزش درود فرسـت بر محمـد و آل محمـد وَارْحَمْنِی بِرَحْمَتِکَ یـا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ». و رحـم کـن بـه مـن بـه رحمت خـویش ای مهربانترین مهربانان.» ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۴۱

## فصل دوّم: اعمال مدینه منوّره

### فضیلت زیارت پیامبر، فاطمه زهرا وائمّه بقیع علیهم السلام

#### و فاطمه زهرا وائمّه بقیع علیهم السلام

مستحب مؤکّـد است برای مردم، خصوصاً حُجّاج، مُشرّف شدن به زیارت روضه مُطهّره و آسـتانه منوّره فخر عالمیان حضـرت سیّد المرسلین محمّد بن عبداللّه صلی الله علیه و آله، و ترک زیارت آن حضرت باعث جفا در حقّ او می‌شود. و شیخ شهید فرموده: اگر مردم ترک زیـارت آن حضـرت کننـد، بر امام است که ایشان را مجبور کنـد به رفتن زیارت آن حضـرت، زیرا که ترک زیارت آن حضـرت موجب جفـا در حقّ پیامبر صـلی الله علیه و آله است. شیـخ صـدوق از حضـرت صادق علیه السـلام روایت کرده که فرمود: هرگاه کسـی از شـما حجّ کند، باید حَجّش را ختم کند به زیارت ما، زیرا که این از تمامی حجّ است. و نیز روایت کرده از حضرت

امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود: تمام کنید حجّ خود را به ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۴۴ زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله که ترک زیارت آن حضرت بعد از حجّ جفا و خلاف ادب است، و شما را امر به این کرده‌اند، و بروید به زیارت قبوری که حق تعالی لازم گردانیده است بر شما حقّ آنها و زیارت آنها را، و روزی از حق تعالی طلب کنید نزد آن قبرها، و نیز از ابو الصّلت هَرَوی روایت کرده که گفت: به خدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم که نظر شما درباره این حدیث که مؤمنین از منازل خویش در بهشت، زیارت می کنند پروردگارشان را چیست؟ حضرت در جواب او فرمودند: ای ابا الصّلت! حق تعالی پیغمبرش حضرت محمّد صلی الله علیه و آله را بر جمیع خلقش- از پیغمبران و فرشتگان- برتری بخشیده و اطاعت او را اطاعت خود، و بیعت با او را بیعت با خود، و زیارت او را زیارت خودش شمرده است، چنانچه در سوره نساء آیه ۸۰ فرمود: مَن يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ، و در سوره فتح، آیه ۴۸ فرموده: إِنَّ الَّذِينَ يُبايِعُونَكَ إِنَّما يُبايِعُونَاللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ. حضرت رسُول صلی الله علیه و آله فرموده: «هر کس مرا زیارت کند در حال حیات یا بعد از فوت من چنان است که حق تعالی را ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۴۵ زیارت کرده باشد ...». و حِمیَری در «قرب الاسناد» از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌که فرمود: رسُول‌خدا صلی الله علیه و آله فرموده: هرکس مرا زیارت کند در حیات من یا بعد از فوت من شفیع او گردم در روز قیامت. و در حدیثی است که حضرت صادق علیه السلام روز عیدی رفت به زیارت رسول اللّه صلی الله علیه و آله و بر آن حضرت سلام کرد، و فرمود: ما به سبب زیارت و سلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله بر اهل همه شهرها مکّه و غیر مکّه، فضیلت داریم. و مرحوم شیخ طوسی در تهذیب از یزید بن عبدالملک روایت کرده، و او از پدرش، از جدّش، که گفت: به خدمت حضرت فاطمه علیها السلام مشرّف شدم، آن حضرت بر من سلام کرد، سپس از من پرسید که برای چه آمده‌ای؟ عرض کردم: برای طلب برکت و ثواب. فرمود: خبر داد مرا پدرم، و اینک حاضر است که هر کس بر او و بر من سه روز سلام کند، حق تعالی بهشت را از برای او واجب گرداند، گفتم: در حال حیاتتان؟ فرمود: بلی، و هم چنین بعد از موت ما. علّامه مجلسی فرموده که در حدیث معتبر از عبداللّه بن عبّاس منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۴۶ امام حسن علیه السلام را در بقیع زیارت کند قدمش بر صراط ثابت گردد و نلغزد در روزی که قدمها بر آن بلغزد. و در «مقنعه» از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هر کس مرا زیارت کند گناهانش آمرزیده شود و فقیر و پریشان نمیرد. ابن قولویه در کامل الزیارات حدیث طولانی از هشام بن سالم از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده و از جمله فرازهای آن این است که: مردی به خدمت حضرت صادق علیه السلام شرفیاب شد، و عرض کرد: آیا باید زیارت کرد پدرت را؟ فرمود: بلی. عرض کرد: پاداش آن چیست؟ فرمود: اگر با اعتقاد و متابعت از امامت او باشد پاداش آن بهشت است. عرض کرد: کسی که اعراض کند از زیارت او چه خواهد داشت؟ فرمود: حسرت خواهد داشت در یوم الحسرهٔ که روز قیامت است ... و احادیث در این باب بسیار است.

### آداب زیارت

زیارت، دیدار با روحهای پاک و الگوهای کمال و آیینه‌های حق‌نماست. ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۴۷ زائر، خود را در برابر وجودهای والا- و پیشوایان معصومی دیده، با اعتراف به نقص خود و کمال آن اولیای الهی، به فضایل آنان اشاره می کند، و درودهای خود را نثارشان می‌نماید، و پیوند خویش را با آنان و با راه و تعالیم و فرهنگشان ابراز می‌دارد. از این رو، نخستین شرط زیارت، «ادب» است، و ادب هم در سایه معرفت و محبّت پدید می‌آید. خود را در محضر رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله دیدن، و در برابر قبور پاک امامان‌ایستادن، هم‌آدابِ‌ظاهری دارد، هم آدابِ باطنی. آنچه در منابع روایی مانند «بحار الأنوار» و نوشته‌های علما درباره آداب زیارت آمده، بسیار است، و در این جا برخی از آن آداب را نقل می‌کنیم: ۱- قبل از ورود به زیارتگاه، غسل کردن و باطهارت بودن و خواندن این دعا هنگام غسل زیارت مستحب است: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُوراً وَطَهُوراً وَحِرْزاً «به نام خدا، و

به یاری خدا، خداوندا! این غسل را نور، پاکیزگی، حرز وَشِفاءً مِنْ كُلِ داء وَسُقْم وَآفَةٍ وَعاهَةٍ. اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِی، و شفای از هر درد، بیماری، آفت برایم قرار ده خداوندا با آن قلبم را پاک ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۴۸ وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِی، وَسَهِّلْ لِی بِهِ أَمْرِی». سینه‌ام را گشاده و کارم را آسان فرما.» ۲- لباس های پاکیزه پوشیدن و عطر و بوی خوش استعمال کردن. ۳- هنگام رفتن به زیارت، قدم‌های کوتاه برداشتن، با آرامش و وقار راه رفتن، با خضوع و خشوع آمدن، سر به زیر انداختن و به این طرف و آن طرف و بالا نگاه نکردن، و ترک کلمات بیهوده و مخاصمه و مجادله نمودن در راه، تا رسیدن به حرم. ۴- هنگام رفتن به حرم و زیارت، زبان به تسبیح و حمد خدا گشودن، و صلوات بر محمّد و آل او فرستادن، ودهان را با یاد خدا و نام اهل بیت معطّر ساختن. ۵- بر درگاه حرم ایستادن، و دعا خواندن، و اجازه ورود خواستن، و سعی در تحصیل رقّت قلب و خشوع دل نمودن، و مقام و عظمت صاحب قبر را تصوّر نمودن، و این که او ما را می‌بیند، سخن ما را می‌شنود، و سلام ما را پاسخ می‌دهد. هرگاه رقّت قلب حاصل شد و آمادگی روحی پدید آمد، در این حال وارد شود، و زیارت نماید. ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۴۹ ۶- در وقت داخل شدن، پای راست را مقدّم داشتن، و هنگام خروج از حرم پای چپ را، آن گونه که در ورود و خروج مسجد مستحب است. ۷- در برابر ضریح ایستادن و زیارت نامه‌هایی را که از ائمه علیهم السلام رسیده، خواندن. ۸- در زیارت قبر معصومین علیهم السلام رو به قبر منوّر آنها ایستادن، و پس از فراغت از زیارت، با تضرّع دعا کردن، و از خداوند حاجت خواستن، سپس به طرف بالای سر رفتن، و رو به قبله دعا کردن، و زیارت خواندن. ۹- صاحب قبر را برای بر آمدن حاجت و رفع نیاز نزد خداوند شفیع قرار دادن. ۱۰- ایستادن هنگام خواندن زیارت، اگر عذری و ضعفی ندارد. ۱۱- هنگام مشاهده قبر مطهّر و پیش از خواندن زیارت، (آرام) اللّهُ أَكْبَر بگوید. ۱۲- خواندن دو رکعت نماز زیارت در حرم مطهّر، و اگر زیارت ائمّه است، بالای سر بهتر است. و پس از نماز، دعاهای منقول را خواندن، و حاجت طلبیدن، و تلاوت قرآن ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۵۰ با آرامش و ترتیل و طمأنینه، و هدیه کردن ثواب آن به روح مقدّس آن معصوم. ۱۳- پرهیز از سخنان ناشایست، و کلمات لغو و بیهوده، و جدال‌های بی‌مورد در حرم‌ها و زیارتگاه‌ها. ۱۴- صدای خود را در نماز و زیارت خیلی بلند نکردن، که مزاحم زیارت دیگران نشود. ۱۵- وداع کردن با پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام، هنگام بیرون آمدن از شهر (زیارت وداع حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ائمّه در همین کتاب آمده است). ۱۶- پس از زیارت، تعجیل در بیرون آمدن، تا هم شدّت شوق برای رجوع به زیارت بیشتر شود و هم نوبت و فرصت برای دیگران باشد، و پرهیز از اختلاط با زنان در مَشاهد مشرّفه، و رعایت حرمت و دوری از هر نوع خطا و گناه. هم چنین در صورت ازدحام و کثرت زوّار، رعایت حال آنان را کردن، و مکان و فرصت زیارت به آنان دادن. ۱۷- حضور قلب داشتن در تمام مراحل زیارت، و نیز توبه و استغفار و صدقه به نیازمندان و انفاق به مستحقّان. ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۵۱ ۱۸- هنگام زیارت، باید زمینه‌ای برای کمال روحی و رشد معنوی و تصفیه قلب انسان فراهم شود، تا زائر را در اخلاق و زندگی و عفاف و تقوا به اولیاء اللّه نزدیک سازد، و وسیله‌ای برای توبه، تطهیر، و تزکیه باطنی وی گردد. این جز با توفیق الهی و جز با داشتن «معرفت» و «محبّت» نسبت به این بزرگواران، فراهم نمی‌شود. اساس ارزش زیارت هم به معرفت است، و درباره زیارت ائمّه و معصومین علیهم السلام تعبیر «عارِفاً بِحَقِهِ» اشاره به همین نکته است، و گرنه، زیارت بی‌معرفت، آن ثواب و کمال مطلوب را ندارد.

## زیارت اوّل حضرت رسول صلی الله علیه و آله

هرگاه به مدینةالرّسول وارد شدی، پس از غسل زیارت اذن دخول بخوان: «اللَّهُمَّ انّی قَدْ وَقَفْتُ عَلی بابٍ مِنْ ابْوابِ بُیُوتِ نَبِیِّکَ «خدایا من ایستاده‌ام بر در خانه‌ای از درهای خانه‌های پیامبرت ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۵۲ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ أَنْ یَدْخُلُوا إِلّا بِإِذْنِهِ، که درودهای تو بر او و آلش باد وچنان است که تو قدغن‌فرموده‌ای که‌مردم داخل‌آن گردند جزبه اذن او، و فَقُلْتَ: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیّ إِلّا أَنْ فرمودی ای کسانی که ایمان آورده‌اید داخل خانه‌های پیامبر نشوید

جز اینکه یُؤْذَنَ لَکَمْ»، اللَّهُمَّ إنّی أَعْتَقِدُ حُرْمَهَ صاحِبِ هذَا الْمَشْهَدِ به شما اذن دهند. خدایا من معتقدم به احترام صاحب این زیارتگاه الشَّرِیفِ فِی‌غَیْبَتِهِ، کَماأَعْتَقِدُها فِی حَضْرَتِهِ، وَاعْلَمُ أَنَّ رَسُولَکَ شریف در زمان غیبت و پنهانیش، چنانچه این عقیده را در زمان حضورش دارم و می‌دانم که وَخُلَفاءَکَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ أَحْیاءٌ عِنْدَکَ یُرْزَقُونَ، یَرَوْنَ مَقامِی رسول تو و جانشینانش علیهم السلام زنده‌اند و در نزد تو روزی می‌خورند و هم‌اکنون جای مرا می‌بینند وَیَسْمَعُونَ کَلامِی وَیَرُدُّونَ سَلامِی، وَأَنَّکَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعِی و سخنم را می‌شنوند و سلام مرا جواب دهند. ولی تو جلو گرفته‌ای از گوش من شنیدن سخنشان را، و باز کَلامَهُمْ، وَفَتَحْتَ بابَ فَهْمِی بِلَذِیذِ مُناجاتِهِمْ، وَإِنّی أَسْتَأذِنُکَ کرده‌ای دریچه فهمم را به مناجات لذیذ ایشان، و من اکنون ای پروردگارم، اولًا از تو اذن می‌طلبم یا رَبِّ أَوَّلًا، وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ ثانِیاً ... و ثانیاً از رسول تو صلی اللّه علیه و آله اذن می گیرم ... ءَادْخُلُ یارَسُولَ اللَّهِ، ءَادْخُلُ یا حُجَّهَ اللَّهِ، ءَادْخُلُ یا مَلائِکَهَ آیا داخل شوم ای رسول خدا، آیا داخل شوم ای حجت خدا، آیا داخل شوم ای فرشتگان ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۵۳ اللَّهِ الْمُقَرَّبِینَ الْمُقِیمِینَ فِی هذَا الْمَشْهَدِ، فَأْذَنْ لِی یا مَوْلایَ مقرّب خدا، که دراین زیارتگاه اقامت دارید، پس اذنم بده ای مولای من فِی الدُّخُولِ أَفْضَلَ ما اذِنْتَ لِأَحِدٍ مِنْ أَوْلِیاءِکَ، فَانْ لَمْ أَکُنْ أَهْلًا برای داخل شدن، بهترین اذنی را که به یکی از دوستانت می‌دهی، که اگر من شایسته آن لِذلِکَ فَانْتَ اهْلٌ لِذلِکَ»، نیستم، حتماً تو شایسته آنی.» پس داخل شو، وبگو: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِی سَبِیلِ اللَّهِ، وَعَلی مِلَّهِ «به نام خدا، و به یاد خدا، و در راه خدا، و بر شریعت و آیین رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِی رسول خدا- درود خدا بر او و آلش باد- خدایا! بیامرز مرا وَارْحَمْنِی، وَتُبْ عَلَیَّ، انَّکَ انْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ». و به من رحم کن و توبه‌ام را بپذیر، که به راستی توئی توبه‌پذیر مهربان.» از در جبرئیل داخل شو، و مُقدّم دار پای راست را، و صد مرتبه اللَّهُ أَکْبَرُ بگو. آنگاه دو رکعت نماز تحیّت مسجد بگزار، آنگاه نزد قبر مطهّر حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله بایست و بگو: ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۵۴ «السَّلامُ عَلَیْکَ یارَسُولَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا نَبِیَّ اللَّهِ، «سلام بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای پیغمبر خدا السَّلامُ عَلَیْکَ یا مُحَمَّدَبْنَ عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا خاتَمَ سلام بر تو ای محمد فرزند عبداللّه، سلام بر تو ای خاتم النَّبِیینَ، أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ الرِ سالَهَ، وَأَقَمْتَ الصَّلاهَ، وَآتَیْتَ پیامبران، گواهی دهم که تو رسالت را رساندی و نماز را برپا داشتی و الزَّکاهَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ زکات دادی و امر کردی به معروف و نهی کردی از کار بد و عبادت کردی خدا را مُخْلِصاً حَتّی أَتاکَ الْیَقِینُ، فَصَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْکَ وَرَحْمَتُهُ وَعَلی از روی اخلاص تا مرگ به سراغت آمد. پس درودهای خدا و رحمتش بر تو و بر أَهْلِ‌بَیْتِکَ الطَّاهِرِینَ». خاندان طاهر و پاکیزه‌ات.» سپس رو به قبله در کنار ستونی که در سمت راست مرقد مطهّر است بایست، در حالی که قبر مطهّر در سمت چپ تو و منبر در سمت راست تو باشد که در این حال در بالا سَرِ رسول‌خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفته‌ای و بگو: «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ «گواهی دهم که معبودی نیست جز خدای یگانه‌ای که شریک ندارد و گواهی دهم که ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۵۵ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّکَ رَسُولُ اللَّهِ، وَأَنَّکَ مُحَمَّدُ محمد بنده و رسول او است و گواهی دهم که تویی رسول خدا و همانا تویی محمد ابْنُ عَبْدِاللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسالاتِ رَبِکَ، وَنَصَحْتَ فرزند عبداللّه و گواهی دهم که رسالت پروردگارت را رساندی و خیرخواهی کردی لِأُمَّتِکَ، وَجاهَدْتَ فِی سَبِیلِ‌اللَّهِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتّی أَتاکَ برای امتت و در راه خدا جهاد کردی و خدا را پرستش کردی تا مرگت فرا رسید الْیَقِینُ‌بِالْحِکْمَهِ وَالْمَوْعِظَهِ‌الْحَسَنَهِ، وَأَدَّیْتَ‌الَّذِی‌عَلَیْکَ‌مِنَ الْحَقِ، به‌وسیله حکمت و پند نیک و آنچه را از حق به عهده داشتی ادا کردی وَأَنَّکَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنِینَ، وَغَلُظْتَ عَلَی الْکافِرِینَ، فَبَلَغَ اللَّهُ و براستی تو نسبت به مؤمنان مهربان و نسبت به کافران سخت‌گیر بودی خدایت به بِکَ أَفْضَلَ شَرَفِ مَحَلِ الْمُکْرَمِینَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی اسْتَنْقَذَنا بهترین شرافت جایگاه گرامیان برساند، ستایش خدایی را است که ما را به‌وسیله بِکَ مِنَ الشِرْکِ وَالضَّلالَهِ. اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَواتِکَ وَصَلَواتِ تو از شرک و گمراهی نجات بخشید. خدایا! پس درودهای خود و درودهای مَلائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ وَأَنْبِیائِکَ الْمُرْسَلِینَ وَعِبادِکَ الصَّالِحِینَ، فرشتگان مقرّبت و پیامبران مرسلت و بندگان شایسته‌ات وَ أَهْلِ السَّماواتِ وَالْأَرَضِینَ، وَ مَنْ سَبَّحَ لَکَ یارَبَّ الْعالَمِینَ مِنَ و ساکنان آسمانها و

زمینها و هرکه را برای تو ای پروردگار جهانیان تسبیح گویند از ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۵۶ الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ، عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَنَبِیِّکَ اولین و آخرین همه را یکجا قرار ده، برای محمد بنده و رسولت و پیامبرت و وَأَمِینِکَ وَنَجِیِّکَ وَحَبِیبِکَ وَصَفِیِّکَ وَخاصَّتِکَ وَصَفْوَتِکَ امین (بر وحیت) و همرازت و حبیبت و دوست خالص و مخصوصت و برگزیده وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ. اللَّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ الرَّفِیعَةَ، وَآتِهِ و منتخب تو از میان خلقت خدایا به محمد درجه بلندی عطا فرما و مقام الْوَسِیلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَابْعَثْهُ مَقاماً مَحْمُوداً یَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وسیله را در بهشت به او بده و به مقام پسندیده‌ای او را برگزین که غبطه خورند به او اولین وَالْآخِرُونَ. اللَّهُمَّ إِنَّکَ قُلْتَ: وَلَو أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ و آخرین خدایا تو فرمودی «و اگر ایشان در آن هنگام که به خود ستم کردند جاءُوکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ به نزد تو آیند و از خدا آمرزش خواهند و پیغمبر هم برای ایشان آمرزش بخواهد همانا بیابند خدای را تَوَّاباً رَحِیماً، وَإِنِی أَتَیْتُکَ مُسْتَغْفِراً تائِباً مِنْ ذُنُوبِی، وَإِنِی بسیار توبه‌پذیر و مهربان» و من آمرزشخواهانه به درگاهت آمده و توبه از گناهانم کردم و من أَتَوَجَّهُ بِکَ إِلَی اللَّهِ رَبِی وَرَبِکَ لِیَغْفِرَ لِی ذُنُوبِی». بوسیله تو رو به خدائی کرده‌ام که پروردگار من و تو است تا بیامرزد گناهانم را.» و حاجت خود را بطلب، امید است که برآورده شود. ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۵۷ پس صلوات و درودهای مخصوص بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله را بخوان: «اللَّهُمَّ صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ کَما حَمَلَ وَحْیَکَ وَ بَلَّغَ رِسالاتِکَ، «خدایا درود فرست بر محمد چنانچه وحی تو را متحمل شد و پیامهایت را رسانید وَصَلِ عَلی مُحَمَّدٍ کَما أَحَلَّ حَلالَکَ، وَحَرَّمَ حَرامَکَ، وَعَلَّمَ و درود فرست بر محمد چنانچه حلال کرد حلال تو را و حرام کرد حرام تو را و به مردم یاد داد کِتَابَکَ، وَصَلِ عَلی مُحَمَّدٍ کَما اقامَ الصَّلاةَ، وَآتَی الزَّکاةَ، وَدَعا کتاب تو را و درود فرست بر محمد چنانچه برپاداشت نماز را و زکات داد و بدین تو إِلی دِینِکَ، وَصَلِ عَلی مُحَمَّدٍ کَما صَدَّقَ بِوَعْدِکَ، وَأَشْفَقَ مِنْ دعوت فرمود و درود فرست بر محمد چنانچه وعده تو را تصدیق کرد و ترسانید (مردم را) از وَعِیدِکَ، وَصَلِ عَلی مُحَمَّدٍ کَما غَفَرْتَ بِهِ الذُّنُوبَ، وَسَتَرْتَ بِهِ تهدید تو و درود فرست بر محمد چنانچه آمرزیدی بوسیله‌اش گناهان را و پوشاندی بدو الْعُیُوبَ، وَفَرَّجْتَ بِهِ الْکُرُوبَ، وَصَلِ عَلی مُحَمَّدٍ کَما دَفَعْتَ بِهِ عیوب را و برطرف کردی بدو گرفتاریها را و درود فرست بر محمد چنانچه دفع کردی بدو الشَّقاءَ، وَکَشَفْتَ بِهِ الْغَمَّاءَ، وَأَجَبْتَ بِهِ الدُّعاءَ، وَنَجَّیْتَ بِهِ مِنَ بدبختی را و زدودی بدو غمها را و اجابت کردی بدو دعا را و نجات دادی به برکت او از الْبَلاءِ، وَصَلِ عَلی مُحَمَّدٍ کَما رَحِمْتَ بِهِ الْعِبادَ، وَأَحْیَیْتَ بِهِ بلا و درود فرست بر محمد چنانچه رحم کردی بدو بندگان را و زنده کردی بدو ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۵۸ الْبِلادَ، وَقَصَمْتَ بِهِ الْجَبابِرَةَ، وَأَهْلَکْتَ بِهِ الْفَراعِنَةَ، وَصَلِ عَلی شهرها و بلاد را و شکستی بدو گردنکشان را و هلاک کردی بدو فرعونها را و درود فرست بر مُحَمَّدٍ کَما أَضْعَفْتَ بِهِ الْأَمْوالَ، وَأَحْرَزْتَ بِهِ مِنَ الْأَهْوالِ، محمد چنانچه چند برابر کردی بدو اموال را و حفظ کردی بدو (مردم) را از هراسها وَکَسَرْتَ بِهِ الْأَصْنامَ، وَرَحِمْتَ بِهِ الْأَنامَ، وَصَلِ عَلی مُحَمَّدٍ کَما و شکستی بدو بتها را و رحم کردی بدو بر مردمان و درود فرست بر محمد چنانچه بَعَثْتَهُ بِخَیْرِ الْأَدْیانِ، وَأَعْزَزْتَ بِهِ الْإِیمانَ، وَتَبَّرْتَ بِهِ الْأَوْثانَ، برانگیختی او را به بهترین ادیان و عزت دادی به او بر ایمان و نابود کردی بدو بتان را وَعَظَّمْتَ بِهِ الْبَیْتَ الْحَرامَ، وَصَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَیْتِهِ و عظمت دادی بدو به خانه کعبه و درود فرست بر محمد و خاندان الطَّاهِرِینَ الْأَخْیارِ وَسَلِّمْ تَسْلِیماً». پاک و نیکوکارش و سلام مخصوص بر ایشان فرست.»

### زیارت دوّم حضرت رسول صلی الله علیه و آله

با سند صحیح و با دو روایت، از امام رضا علیه السلام روایت شده است که رو به قبر مطهّر پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاده، و چنین می‌خوانی: ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۵۹ «السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ «سلام بر پیامبر خدا، سلام و رحمت و برکات خدا وَبَرَکاتُهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا برتو، سلام بر تو ای محمّد بن عبداللَّه، سلام بر تو ای خِیَرَةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا حَبِیبَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا انتخاب شده خدا، سلام بر تو ای حبیب خدا، سلام بر تو ای برگزیده

صِفْوَةَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا أَمِینَ اللَّهِ. خدا، سلام بر تو ای‌امین خدا، سلام بر تو ای‌حجت خدا. أَشْهَدُ أَنَّکَ رَسُولُ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّکَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِاللَّهِ، وَأَشْهَدُ گواهی‌می‌دهم‌که تورسول‌خدایی، وشهادت می‌دهم که تو محمّد فرزند عبداللّه می‌باشی و گواهی می‌دهم أَنَّکَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِکَ، وجاهَدْتَ فِی سَبِیلِ رَبِّکَ، وَعَبَدْتَهُ که تو خیرخواه امت خویش بودی، و در راه پروردگارت جهاد کردی و تا لحظه حَتّی اتیکَ الْیَقِینُ، فَجَزاکَ اللَّهُ أَفْضَلَ ما جَزی نَبِیّاً عَنْ أُمَّتِهِ، مرگ عبادت او کردی، خداوند بهترین پاداش خدمت یک پیامبر به امتش را به تو عنایت کند اللَّهُمَّ صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، أَفْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلی خداوندا! درود فرست بر محمّد و خاندانش، بهترین درودی که بر ابراهِیمَ وآلِ ابراهِیمَ، إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ». ابراهیم و خاندانش فرستاده‌ای که تو ستوده بزرگی.» ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۶۰ سپس رو به قبله کن، و این دعا را که امام سجاد علیه السلام پس از زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خواند، بخوان: «اللَّهُمَّ إِلَیْکَ الْجَأْتُ أَمْرِی، وَإِلی قَبْرِ نَبِیکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ «خداوندا! کارم را به تو ارجاع داده‌ام، و به قبر پیامبرت محمّد صلی الله علیه و آله عَلَیْهِ وَآلِهِ عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ أَسْنَدْتُ ظَهْرِی، وَالْقِبْلَةَ الَّتِی و بنده و فرستاده‌ات اعتماد کرده‌ام، و به قبله‌ای که رَضِیتَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اسْتَقْبَلْتُ. اللَّهُمَّ إِنِی برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله رضایت داده‌ای رو نموده‌ام، خداوندا! من أَصْبَحْتُ لا أَمْلِکُ لِنَفْسِی خَیْرَ ماأَرْجُو لَها، وَلا أَدْفَعُ عَنْها شَرَّ ما قادر به جلب سودی که به امید آن می‌باشم و نیز توانایی دفع شرّی که أَحْذَرُعَلَیْها، وَ أَصْبَحَتِ الْأُمُورُ کُلُّها بِیَدِکَ، وَ لا فَقِیرَ أَفْقَرُ مِنِی، إِنِی از آن بیمناکم ندارم و همه چیز بدست تو است. هیچ فقیری از من نیازمندتر نیست، و به آنچه لِما أَنْزَلْتَ إِلَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقِیرٌ. اللَّهُمَّ ارْدُدْنِی مِنْکَ بِخَیْرٍ وَلا رَادَّ به من عنایت فرمایی محتاجم خداوندا! مرا به گونه‌ای نیکو بازم گردان که کسی قادر به جلوگیری لِفَضْلِکَ. اللَّهُمَّ إِنِی أَعُوذُ بِکَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ اسْمِی، وَأَنْ تُغَیرَ از فضل و کرمت نمی‌باشد، خداوندا! پناه به تو می‌برم که نامم را تبدیل و جسمم را جِسْمِی، أَوْ تُزِیلَ نِعْمَتَکَ عَنِی. اللَّهُمَّ زَیِنی بِالتَّقْوی، وَجَمِلْنِی تغییر دهی و یا نعمتت را از من سلب نمایی خداوندا! مرا با تقوا زینت بخش، و با نعمت‌ها ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۶۱ بِالنِعَمِ، وَاغْمُرْنِی بِالْعافِیَةِ، وَارْزُقْنِی شُکْرَ الْعافِیَةِ». جلوه و جمالم ده و ارمغان عافیت عنایتم کن و توفیق شکر عافیتم بخش.» در بسیاری از زیارات آمده که پس از آن یازده بار سوره «قدر» را بخواند، و اگر حاجتی دارد، رو به قبله دست‌ها را بالا ببرد، و حاجات خود را بطلبد، که إن شاءاللّه برآورده شود.

### نماز زیارت و دعای بعد از آن

سپس دو رکعت نماز زیارت می‌خوانی، و ثواب آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله اهدا می‌کنی و می‌گویی: «اللَّهُمَّ إِنِی صَلَّیْتُ وَرَکَعْتُ وَسَجَدْتُ لَکَ، وَحْدَکَ لا «خداوندا! من برای تو نماز و رکوع و سجود گزاردم که تو یگانه شَرِیکَ لَکَ، لِأَنَّ الصَّلاةَ وَالرُّکُوعَ وَالسُّجُودَ لا تَکُونُ إِلّا لَکَ، و بی‌همتایی، و نماز و رکوع و سجود جز برای تو نمی‌تواند باشد لِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ لا إِلَهَ إِلّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ وَهاتانِ الرَّکْعَتانِ هَدِیَّةٌ و تو خدایی می‌باشی که معبودی جز تو نیست، خداوندا! این دو رکعت هدیه مِنِی إِلی سَیِدِی وَمَوْلایَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، از سوی من به سرور و مولایم رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۶۲ فَتَقَبَّلْهُما مِنِی بِأَحْسَنِ قَبُولِکَ، وَأْجُرْنِی عَلی ذلِکَ بِأَفْضَلِ أَمَلِی، آن را از من بپذیر به بهترین صورت، و به بهترین پاداشی که امید وَرَجائِی فِیکَ وَفِی رَسُولِکَ، یا وَلِیَّ الْمُؤْمِنِینَ». آن را از جانب تو و پیامبرت دارم، ای سرپرست مؤمنان، پاداشم ده.» و نیز مستحب است بعد از نماز این دعا را بخوانی: «اللَّهُمَّ إِنَّکَ قُلْتَ لِنَبِیکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ: وَلَوْ «خدایا تو خود به پیغمبرت محمد صلی الله علیه و آله فرمودی: «و اگر أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاءُوکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ ایشان به خود ستم کنند و نزد تو آیند و از خدا آمرزش خواهند الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِیماً، وَلَمْ أَحْضُرْ زَمانَ رَسُولِکَ وپیغمبر نیز برای آنها آمرزش طلب کند حتماً می‌یابند خدا را توبه‌پذیر و مهربان» ومن زمان رسول تو را- عَلَیْهِ وَآلِهِ السَّلامُ، وَقَدْ زُرْتُهُ راغِباً تائِباً مِنْ سَیِءِ عَمَلِی، که سلام بر او و آلش باد- درک نکردم خدایا اکنون او را از روی شوق زیارت کرده و از کار بدم توبه خواهم وَمُسْتَغْفِراً لَکَ مِنْ ذُنُوبِی، وَمُقِرّاً

لَکَ بِها، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِها مِنِی، و از گناهـانم به درگـاهت آمرزش جویم و اقرار بـدان گناهانم نیز دارم و تو خود آنها را بهتر از من می‌دانی وَمُتَوَجِهاً إِلَیْکَ بِنَبِیِکَ نَبِی الرَّحْمَهِْ، صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ، و توجه کنم به درگاهت بوسیله پیامبر رحمت درودهای تو بر او و آلش باد ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۲۶۳ فَاجْعَلْنِی اللَّهُمَّ بِمُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَیْتِهِ عِنْدَکَ وَجِیهاً فِی الدُّنْیا پس قرار ده خدایا به حق محمـد و خاندانش مرا آبرومند پیش خود در دنیا وَالْآخِرَهِْ، وَمِنَ الْمُقَرَّبِینَ، یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللَّهِ، بِأَبِی أَنْتَ و آخرت و از نزدیکانت، ای محمـد ای رسول خـدا پـدر و مادرم وَأُمِی یا نَبِیَّ اللَّهِ، یا سَیِدَ خَلْقِ اللَّهِ، إِنِی أَتَوَجَّهُ بِکَ إِلَی اللَّهِ به فدایت ای پیامبر خدا ای آقای خلق خـدا مـن بوسـیله تـو رو کنـم بـه درگـاه خـدا رَبِکَ وَرَبِی، لِیَغْفِرَ لِی ذُنُوبِی، وَیَتَقَبَّلَ مِنِی عَمَلِی، وَیَقْضِیَ لِی پروردگـار تـو و پروردگـارم تـا بیـامرزد گناهـانم را و بپـذیرد از من کردارم را و برآورد حَوائِجِی، فَکُنْ لِی شَفِیعاً عِنْدَ رَبِکَ وَرَبِی، فَنِعْمَ الْمَسْؤُولُ حاجـاتم را پس تو هم شـفیع من بـاش در پیشگاه پروردگارت و پروردگار من زیرا که نیکو خـدائی است که از او درخواست شود رَبِی، وَنِعْمَ الشَّفِیعُ أَنْتَ یا مُحَمَّدُ، عَلَیْکَ وَعَلی أَهْلِ مولا و پروردگار من وتو هم‌نیکو شـفیعی هستی ای محمـد که بر تو و اهل بَیْتِکَ السَّلامُ. اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لِی مِنْکَ الْمَغْفِرَهَْ وَالرَّحْمَهَْ، بیتت سلام باد خدایا و واجب گردان برای من از نزد خود آمرزش و رحمت وَالرِّزْقَ الْواسِعَ الطَّیِبَ النَّافِعَ، کَما أَوْجَبْتَ لِمَنْ اتی نَبِیَّکَ و روزی فراخ پـاکیزه و سودمنـد چنـانچه واجب گردانـدی برای کسـی که به نزد پیامبرت مُحَمَّداً صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ، وَهُوَ حَیٌّ، فَأَقَرَّ لَهُ بِذُنُوبِهِ، وَاسْتَغْفَرَ محمد- که درودهای تو بر او و آلش باد- در زمان حیات او می‌آمـد و اقرار به گناهانش می‌کرد و رسول تو ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۶۴ لَهُ رَسُولُکَ عَلَیْهِ السَّلامُ، فَغَفَرْتَ لَهُ بِرَحْمَتِکَ یا أَرْحَمَ علیه و آله السلام برایش آمرزش می‌خواست و تو هم او را می‌آمرزیدی به رحمتت ای مهربانترین الرَّاحِمِینَ». مهربانان.»

## بخشی از مستحبّات مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله

در مسـجد پیغمبر صـلی الله علیه و آله بسـیار نماز بگزار، چون که برای هر نماز در آن مکان شریف، معادل ثواب یک هزار نماز در نـامه اعمـال نمازگزار می‌نویسـند، و خصوصاً بین منبر و مرقـد منوّر آن حضـرت افضل است. از حضـرت رسول صـلی الله علیه و آله مروی است که فرمودنـد: بین قبر و منبر من بـاغی از باغ‌هـای بهشت است، و حـدود روضه شـریفه طولًا از قبر منوّر تا موضع منبر آن حضـرت، و عرضاً از منبر تا سـتون چهارم قرار گرفته، و مستحبّ است این دعا را در روضه مبارکه بخوانند: «اللَّهُمَّ إِنَّ هذِهِ رَوْضَهٌْ مِنْ رِیاضِ جَنَّتِکَ، وَشُعْبَهٌْ مِنْ شُعَبِ «خداوندا! این جا بوسـتانی از بوسـتانهای بهشت تو است، و بخشـی از ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۶۵ رَحْمَتِکَ، الَّتِی ذَکَرَها رَسُولُکَ وَأَبانَ عَنْ فَضْلِها، وَشَرَفِ التَّعَبُّدِ رحمت تو می‌باشد که از آن و فضیلت و شرافت عبادت تو در لَکَ فِیها، فَقَدْ بَلَّغْتَنِیها فِی سَلامَهِْ نَفْسِی، فَلَکَ الْحَمْدُ یا سَیِدِی آن یاد کرده است که مرا در کمال سلامت به اینجا رساندی. پس سپاس تراست ای سرورم عَلی عَظِیم نِعْمَتِکَ عَلَیَّ فِی ذلِکَ، وَعَلی ما رَزَقْتَنِیهِ مِنْ بر این نعمت بزرگت (توفیق زیارت)، شکر و سپاس تو را سـزاست بر اینکه طاعَتِکَ، وَطَلَبِ مَرْضاتِکَ، وَتَعْظِیم حُرْمَهِْ نَبِیِّکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ طـاعت و موجبـات جلب رضایت خویش و بزرگـداشت درود پیـامبر، که رحمت خـدا و برکـاتش بر وَ آلِهِ، بِزِیارَهِْ قَبْرِهِ وَالتَّسْلِیم عَلَیْهِ، وَالتَّرَدُّدِ فِی مَشاهِدِهِ وَمَواقِفِهِ، او باد، را به وسـیله زیارت مرقدش و آمد و شد در اماکن و تردّد و توقفش را نصـیبم نمودی، فَلَکَ الْحَمْدُ یا مَوْلایَ، حَمْداً یَنْتَظِمُ بِهِ مَحامِدُ حَمَلَهِْ پس حمـد ترا سـزاست ای مولایم، حمدی هماهنگ با حمد حاملان عَرْشِکَ، وَسُکَّانِ سَماواتِکَ لَکَ، وَیَقْصُرُ عَنْهُ حَمْدُ مَنْ مَضی عرش و ساکنان آسـمان‌ها برایت، حمدی فراتر از حمد گذشـتگان وَیَفْضُلُ حَمْدَ مَنْ بَقِیَ مِنْ خَلْقِکَ، وَلَکَ الْحَمْدُ یا مَوْلایَ، حَمْدَ و برتر از حمدآیندگان خلقت، حمد ویژه تو است ای مولایم، حمدی همانند حمد مَنْ عَرَفَ الْحَمْدَ لَکَ، وَالتَّوْفِیقَ لِلْحَمْدِ مِنْکَ، حَمْداً یَمْلَأُ عارفان به حمـد و قدرشـناسان توفیق حمـد تو، حمـدی به گنجایش فضای هستی و به امتـداد ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۲۶۶ ماخَلَقْتَ وَیَبْلُغُ حَیْثُ ما أَرَدْتَ، وَلا یَحْجُبُ عَنْکَ وَلا یَنْقَضِی خواست و اراده تو، حمـدی که محجوب و وامانده از وصول به تو نگردد دُونَکَ، وَیَبْلُغُ أَقْصی رِضاکَ وَلا یَبْلُغُ آخِرَهُ أَوائِلُ مَحامِدِ و موافق با کمال رضایتت باشـد، حمـدی که آغازین سـپاس‌های

خلقت به پای آن نرسد، خَلْقِکَ لَکَ، وَلَکَ الْحَمْدُ ما عُرِفَ الْحَمْدُ، واعْتُقِدَ الْحَمْدُ، حمد ترا از آنگاه که حمد را می‌شناسم و به آن معتقدم و آن لحظه که حمد سرآغاز وَجُعِلَ ابْتِداءُ الْکَلامِ الْحَمْدُ، یا باقِیَ الْعِزِ وَالْعَظَمَةِ، وَدائِمَ گردیده، ای صاحب عزت و عظمت و سلطنت و قدرت جاودان و دارنده قدرت و السُّلْطانِ وَالْقُدْرَةِ وَشَدِیدَ الْبَطْشِ وَالْقُوَّةِ، وَنافِذَالْأَمْرِ وَالْإِرادَةِ، توانایی و امر و اراده نافذ، و رحمت و مغفرت گسترده وَواسِعَ الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَرَبَّ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ، کَمْ مِنْ نِعْمَةٍ و پروردگار دنیا و آخرت، چه بسیار نعمت‌هایی که حمد من در خور اندکی لَکَ عَلَیَّ یَقْصُرُ عَنْ ایْسَرِها حَمْدِی، وَلا یَبْلُغُ أَدْناها شُکْرِی، از آنها نمی‌باشد و شکرم به اندازه کمترین آنها نیست و چه بسا الطافی که بیشترین وَکَمْ مِنْ صَنائِعَ مِنْکَ إِلَیَّ لایُحِیطُ بِکَثْرَتِها وَهْمِی، وَلایُقَیِّدُها آنها فراتر از گمان من است و اندیشه‌ام به آنها نمی‌رسد، فِکْرِی. اللَّهُمَ‌صَلِ‌عَلی نَبِیِّکَ الْمُصْطَفی بَیْنَ الْبَرِیَّةِ طِفْلًا خداوندا! بر پیامبرت، برجسته‌ترین فرد در کودکی ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۶۷ وَخَیْرِها شابّاً وَکَهْلًا، أَطْهَرِ الْمُطَهَّرِینَ شِیمَةً، وَأَجْوَدِ و برترین آنها در جوانی و کهن سالی، پاک‌و پاکیزه‌ترین مردم در اخلاق و سخی‌ترین الْمُسْتَمْتَرِینَ دِیمَةً، وَأَعْظَمِ الْخَلْقِ جُرْثُومَةً، الَّذِی أَوْضَحْتَ بِهِ و مداوم‌ترین سخاوتمندان و بزرگترین‌و اصیل‌ترین آفریده‌ها که به وسیله او الدِّلالاتِ، وَأَقَمْتَ بِهِ الرِّسالاتِ، وَخَتَمْتَ‌بِهِ‌النُّبُوّاتِ، وَفَتَحْتَ راه‌های هدایت را روشن و رسالت‌ها را اقامه‌و نبوت را به او پایان دادی باب خیرات را به وسیله او بِهِ بابَ‌الْخَیْراتِ، وَ أَظْهَرْتَهُ مَظْهَراً، وَابْتَعَثْتَهُ نَبِیّاً وَهادِیاً أَمِیناً گشودی و او را جلوه‌گر ساختی، و به عنوان پیامبر، هدایتگر، امین، راهنما، مَهْدِیّاً، داعِیاً إِلَیْکَ، وَدالّاً عَلَیْکَ، وَحُجَّةً بَیْنَ یَدَیْکَ. اللَّهُمَّ صَلِ دعوت کننده خلق به سوی توحجت خویش برانگیختی، خداوندا! درود فرست عَلَی الْمَعْصُومِینَ مِنْ عِتْرَتِهِ وَالطَّیِّبِینَ مِن اسْرَتِهِ، وَشَرِّفْ لَدَیْکَ بر معصومان عترت پیامبر و پاکان خاندانش و جایگاهشان را در درگاهت والا ساز و مقامشان را بِهِ مَنازِلَهُمْ، وَعَظِمْ عِنْدَکَ مَراتِبَهُمْ، وَاجْعَلْ فِی الرَّفِیقِ الْأَعْلی والا و بزرگ گردان و در رفیق اعلا جایشان ده، مَجالِسَهُمْ، وَارْفَعْ إِلی قُرْبِ رَسُولِکَ دَرَجاتِهِمْ، وَتَمِّمْ بِلِقائِهِ و درجاتشان تا مقام قرب پیامبرت بالا و با دیدارش سُرُورَهُمْ، وَوَفِرْ بِمَکانِهِ انْسَهُمْ». سرورشان را کامل و انسشان را وافر ساز.» ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۶۸

## دعا و نماز نزد ستون توبه

دو رکعت نماز نزدیک ستون ابولبابه که معروف به «ستون توبه» است بگزار، وبعد از آن این دعا را بخوان: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ. اللَّهُمَّ لاتُهِنِی بِالْفَقْرِ، وَلا تُذِلَّنِی «به نام خداوند رحمان و رحیم، خداوندا! مرا با تهی دستی خوار مساز و با قرض بِالدَّیْنِ، وَلا تَرُدَّنِی إِلَی الْهَلَکَةِ، وَأَعْصِمْنِی کَیْ أَعْتَصِمَ، ذلیلم مگردان، و به هلاکتم مینداز، و مرا از گناه بازدار تا آلوده نگردم، وَأَصْلِحْنِی کَیْ أَنْصَلِحَ، وَاهْدِنِی کَیْ أَهْتَدِیَ. اللَّهُمَّ اعِنِی عَلَی و توفیق اصلاحم بخش تا صالح گردم و هدایتم کن تا در راه هدایت گام نهم، خداوندا! مرا بر اجْتِهادِ نَفْسِی، وَلا تُعَذِّبْنِی بِسُوءِ ظَنِی، وَلا تُهْلِکْنِی وَأَنْتَ جهاد با نفس یاری ده، و به کیفر بد گمانی دچارم مکن، و مرا هلاک نکن که تو رَجائِی، وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَغْفِرَلِی وَقَدْ أَخْطَأْتُ، وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ مایه امیدم می‌باشی، من خطا کارم و تو شایسته مغفرتی، من معترف تَعْفُوَ عَنِی وَقَدْ أَقْرَرْتُ، وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تُقِیلَ وَقَدْ عَثِرْتُ، وَأَنْتَ به گناهم و تو شایسته بخشایندگی می‌باشی، تو شایسته گذشتی و من اهل لغزش و گناهم ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۶۹ أَهْلٌ أَنْ تُحْسِنَ وَقَدْ اسَأْتُ، وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوی وَ الْمَغْفِرَةِ، من تبه‌کارم و تو شایسته نکوکاری، و تو با پرهیزگاران و آمرزش‌خواهانی فَوَفِقْنِی لِما تُحِبُّ وَتَرْضی وَیَسِّرْ لِیَ الْیَسِیرَ، وَجَنِبْنِی کُلَّ پس مرا به آنچه دوست داری موفق بدار، و مرا به امور سهل و آسان رهنمون و از دشواری‌ها عَسِیرٍ. اللَّهُمَّ أَغْنِنِی بِالْحَلالِ مِنَ الْحَرامِ، وَبِالطَّاعاتِ عَنِ دورم دار، خداوندا! مرا با روزی حلال از کسب حرام و با اطاعت از الْمَعاصِی، وَبِالْغِنی عَنِ الْفَقْرِ، وَبِالْجَنَّةِ عَنِ النَّارِ، وَبِالْأَبْرارِ عَنِ معصیت و با دارایی از فقر و با بهشت از دوزخ و با مصاحبت نیکان از الْفُجَّارِ، یا مَنْ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ، وَهُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ، وَأَنْتَ بدان بی‌نیازم کن، ای آنکه بی‌همتا و شنوا و بینایی و عَلی کُلِ شَیءٍ قَدِیرٌ». بر انجام هر چیز توانایی.» پس حاجات خود را طلب کن، که به خواست خدا مُستجاب می‌شود.

### استحباب روزه ودعا در مدینه منوّره ومسجدالنّبی صلی الله علیه و آله

مستحبّ است سه روز در مدینه منوّره به قصد برآورده شدن حاجات روزه بگیرند، گرچه مسافر باشند، و شایسته ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۷۰ است روزهای چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه باشد، و نیز مستحب است شب چهارشنبه و روز آن نزدیک ستون ابولبابه نماز گزارند، و شب پنجشنبه و روز آن نزد ستونی که مقابل آن قرار گرفته نماز گزارند، و شب و روز جمعه نزد ستونی که جنب محراب حضرت رسُول اکرم صلی الله علیه و آله واقع شده نماز گزارند، و جهت برآورده شدن حاجات دُنیوی واخروی خود از درگاه الهی مسئلت نمایند، و ضمن دعاهایی که می‌خوانی این دعا باشد: «اللَّهُمَّ ما کانَتْ لِی إِلَیْکَ مِنْ حاجَةٍ شَرَعْتُ أَنَا فِی طَلَبِها «خداوندا! حاجت‌هایی که من به تو دارم، چه آنها که شروع به درخواست کرده یا وَالْتِماسِهاأَوْ لَمْأَشْرَعْ، سَأَلْتُکَهاأَوْ لَمْ أَسْأَلْکَها، فَإِنِی أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ هنوز نکرده‌ام، و در مقام مسئلت برآمده یا برنیامده‌ام، من با توسّل بِنَبِیکَ مُحَمَّدٍ نَبِی الرَّحْمَةِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، فِی قَضاءِ به پیامبر رحمتت حضرت محمّد صلی الله علیه و آله برای برآورده شدن حَوائِجی صَغِیرِها وَکَبِیرِها. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ بِعِزَّتِکَ وَقُوَّتِکَ کوچک و بزرگ آنها به تو رو نموده‌ام، خداوندا! ترا به عزت و نیرو وَقُدْرَتِکَ، وَجَمِیعِ ما أَحاطَ بِهِ عِلْمُکَ، أَنْ تُصَلِیَ عَلی مُحَمَّدٍ و قدرتت و آنچه به آن آگاهی، سوگندت می‌دهم که بر محمّد ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۷۱ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ و آلِهِ، وأَنْ تَفْعَلَ بِی کَذا وَکَذا». و آلش درود فرست و در حق من چنین و چنان کن.» وآنگاه حاجات خودرا بطلب، که‌إن‌شاءاللّه مستجاب می‌شود.

### نماز و دعا نزد مقام جبرئیل

مستحب است در مقام جبرئیل نماز گزارد، و دعا بخواند، و آن همان مقامی است که جبرئیل هنگام ورود بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به آنجا که می‌رسید از ایشان اذن ورود می‌طلبید، و مکان آن زیر ناودانی است که بالای درِ خانه حضرت زهرا علیها السلام قرار گرفته، و درِ خانه آن حضرت- بنابر روایاتی که قبر آن بانوی معظّمه را در خانه‌اش معیّن کرده است- همان دری‌است که‌محاذی‌قبرآن حضرت است، و پس از نماز بگو: «یامَنْ خَلَقَ السَّماواتِ، وَمَلَاها جُنُوداً مِنَ الْمُسَبِحِینَ لَهُ مِنْ «ای خالق آسمان‌ها که آنها را از سپاه فرشتگان مَلائِکَتِهِ، وَالْمُمَجِّدِینَ لِقُدْرَتِهِ وَعَظَمَتِهِ، وَأَفْرَغَ عَلی أَبْدانِهِمْ تسبیح گو وتعظیم کنندگان در برابر قدرت و عظمت آکنده‌ای و آنان را به ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۷۲ حُلَلَ الْکَراماتِ، وَأَنْطَقَ أَلْسِنَتَهُمْ بِضُرُوبِ اللُّغاتِ، وَالْبَسَهُمْ زیور کراماتت آراسته‌ای و با لغات گونه‌گون به سخنشان آورده‌ای و جامه شِعارَ التَّقْوی وَقَلَّدَهُمْ قَلائِدَ النُّهی وَجَعَلَهُمْ أَوْفَرَ أَجْناسِ تقوا بر آنها پوشانده و گردنبند خرد بر آنها نهاده‌ای و آنها را خَلْقِهِمَعْرِفَةً بِوَحْدانِیَّتِهِوَقُدْرَتِهِ وَجَلالَتِهِ وَعَظَمَتِهِ، وَأَکْمَلَهُمْ عِلْماً در یگانگی، قدرت، جلال و عظمت خویش و علم و آگاهی به آن شناساترین و بِهِ، وَاشَدَّهُمْ فَرَقاً، و أَدْوَمَهُمْ لَهُ طاعَةً وَ خُضُوعاً وَاسْتِکانَةً وَ خُشُوعاً، عالم‌ترین آفریده‌هایت و خایف‌ترین آنان و مداوم‌ترین اطاعت کنندگان و خاضع ترین و مطیع ترین یا مَنْ فَضَّلَ الْأَمِینَ جَبْرَئِیلَ عَلَیْهِ السَّلامُ بِخَصائِصِهِ وَدَرَجاتِهِ و خاشع ترینشان قرار داده‌ای، ای آنکه جبرئیل امین علیه السلام را بواسطه ویژگی‌ها و مقام ودرجاتش وَ مَنازِلِهِ، وَاخْتارَهُ لِوَحْیِهِ وَسِفارَتِهِ وَعَهْدِهِ وَأَمانَتِهِ، وَإِنْزالِ کُتُبِهِ برتری بخشیده‌ای او را برای مقام ابلاغ وحی و سفارت و عهد و امانت و نازل کردن کتاب‌های آسمانی وَأَوامِرِهِ عَلی أَنْبِیائِهِ وَرُسُلِهِ، وَجَعَلَهُ واسِطَةً بَیْنَ نَفْسِهِ وَبَیْنَهُمْ، و اوامر خویش بر پیامبران و فرستادگانت برگزیده و او را واسطه میان خویش و آنها قرار داده‌ای، أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِیَ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَلی جَمِیعِ از تو می‌خواهم که بر محمّد و آلش درود فرستی و بر تمام مَلائِکَتِکَ وَسُکَّانِ سَماواتِکَ، أَعْلَمِ خَلْقِکَ بِکَ، وَأَخْوَفِ فرشتگان و ساکنان آسمان‌ها که داناترین خلقت به تو و خایف‌ترینشان ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۷۳ خَلْقِکَ لَکَ، وَأَقْرَبِ خَلْقِکَ مِنْکَ، وَأَعْمَلِ خَلْقِکَ بِطاعَتِکَ، از تو و نزدیکترینشان به تو، و اطاعت کننده ترینشان از تو می‌باشند، الَّذِینَ لا یَغْشاهُمْ نَوْمُ الْعُیُونِ، وَلا سَهْوُ

الْعُقُولِ، وَلا فَتْرَةُ فرشـتگانی که نه خواب به دیدگانشان آید و نه فراموشی به سراغشان آید و نه سستی، الْأَبْدانِ، الْمُکَرَّمِینَ بِجِوارِکَ، وَالْمُؤْتَمَنِینَ عَلی وَحْیِکَ، آنهـا که به جوار خویش گرامیشان داشـته‌ای و امین وحیت ساخته‌ای الْمُجْتَنَبِینَ الْآفاتِ، وَالْمُوقِینَ السَّیِّئاتِ. اللّهُمَّ وَاخْصُصِ الرُّوحَ و از آفات تبه‌کاری‌ها مصونشان داشـته‌ای، خداوندا! حضـرت روح الأمین را الْأَمِینَ، صَلَواتُکَ عَلَیْهِ بِأَضْعافِها مِنْکَ، وَعَلی مَلائِکَتِکَ به درودهای مضاعف اختصاص ده و نیز فرشـتگان الْمُقَرَّبِینَ وَطَبَقاتِ الکَرُّوبِیینَ وَالرُّوحانِیینَ، وَزِدْ فِی مَراتِبِهِ مقرّب و طبقـات کرّوبیین و روحـانیون را و بر مقـام و منزلتشـان عِنْدَکَ، وَحُقُوقِهِ الَّتِی لَهُ عَلی أَهْلِ الْأَرْضِ، بِما کانَ یَنْزِلُ بِهِ مِنْ نزد خویش و بر پاداشـشان که به خـاطر خـدمت به زمینیـان دارنـد، به خاطر نازل کردن شَرائِعِ دِینِکَ، وَما بَیَّنْتَهُ عَلی أَلْسِنَةِ أَنْبِیائِکَ، مِنْ مُحَلَّلاتِکَ احکام دینت و آنچه تو بر زبان پیامبرت جاری کرده‌ای از حلال وَمُحَرَّماتِکَ. اللَّهُمَّ أَکْثِرْ صَلَواتِکَ عَلی جَبْرَئِیلَ، فَإِنَّهُ قُدْوَةُ و حرام، بیفزا، خداونـدا! درودهـای فراوانت را بر جبرئیـل الگـوی ادعیه و زیـارات مـدینه منـوره، ص: ۲۷۴ الْأَنْبِیاءِ، وَهادِی الْأَصْفِیاءِ وَسادِسُ أَصْحابِ الْکِساءِ. اللّهُمَّ پیامبران و هـدایت کننـده برگزیـدگان و ششـمین شـخص «اصـحاب کسا» بفرست. خداونـدا! اجْعَلْ وُقُوفِی فِی مَقامِهِ هذا سَبَباً لِنُزُولِ رَحْمَتِکَ عَلَیَّ، توقفم را در این جا سبب نزول رحمتت بر من قرار ده وَتَجاوُزِکَ عَنِی، أَی جَوادُ أَی کَرِیمُ، أَی قَرِیبُ و از من درگذر، ای بخشـنده کریم، ای نزدیک أَی بَعِیدُ، أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ و ای دور، از تو می‌خواهیم که بر محمّـد و آلش درود فرستی و تُوَفِقَنِی لِطاعَتِکَ، وَلا تُزِیلَ عَنِی نِعْمَتَکَ، وَان تَرْزُقَنِی الْجَنَّةَ مـا را به اطـاعتت توفیق بخشـی، و نعمتت را از ما نگیری، و به رحمت خویش بهشت را بِرَحْمَتِکَ، وَتُوَسِعَ عَلَیَ مِنْ فَضْلِکَ، وَتُغْنِیَنِی عَنْ شِرارِ خَلْقِکَ، نصیبمان گردانی و به فضـلت بر ما وسـعت روزی بخشـی و از آفریـده‌های شـریر بی‌نیازمان سازی، وَتُلْهِمَنِی شُکْرَکَ وَذِکْرَکَ، وَلا تُخَیِبَ یـا رَبِ دُعائِی، وَلا تَقْطَعَ و شـکر گزاری را به ما الهام کنی و در دعا نومیـدمان نسازی ای پروردگار! امیـدم را نومیـد رَجائِی، بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ». نگردانی به حق محمّـد و خانـدانش.» و سـپس بگو: ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۲۷۵ «وَأَسْأَلُکَ بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ لَیْسَ کَمِثْلِکَ شَیْءٌ، أَنْ تَعْصِمَنِی «و از تو می‌خواهم ای خدای بی‌همتا که مرا از سـختی‌های هلاکت زا مِنَ الْمَهالِکِ، وَأَنْ تُسَلِمَنِی مِنْ آفاتِ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ، وَوَعْثاءِ مصونم داری و از آسیب‌های دنیا و آخرت و نیز از رنج السَّفَرِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ، وَأَنْ تَرُدَّنِی سالِماً إِلی وَطَنِی، بَعْدَ حَجّ سـفر و بـازگشت ناخوشاینـد به سـلامتم داری و به سـلامت به وطنم بـازگردانی پس از انجـام حجی مَقْبُولٍ وَسَعْیٍ مَشْکُورٍ وَعَمَلٍ مُتَقَبَّلٍ، وَلا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ مقبول و تلاشـی بـا پـاداش و عملی پـذیرفته و آن را آخرین دیـدار حَرَمِکَ وَحَرَمِ نَبِیِّکَ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ». ازحرم خویش وحرم پیامبرت- درود خـدابراو وآلش- نگردانی.» و از حضـرت امام صادق علیه السـلام روایت است که نزد مقام جبرئیل علیه السـلام بایست و بگو: «أَی جَوادُ أَی کَرِیمُ، أَی قَرِیبُ أَی بَعِیدُ، أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِیَ «ای بخشنده کریم، ای نزدیـک، ای دور (از دیـده ظاهر) از تو می‌خواهم که درود فرستی عَلی مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَیتِهِ، وَأَنْ تَرُدَّ عَلَیَّ نِعْمَتَکَ». بر محمّد و خاندانش و نعمت (پس گرفته‌ات) را به من بازگردانی.» ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۷۶

## زیارت وداع رسول اکرم صلی الله علیه و آله

هرگاه خواستی از مدینه خارج شوی غُسل کن، و برو نزد قبر پیغمبر صـلی الله علیه و آله برو و عمل کن آنچه را قبلًا انجام می‌دادی، پس وداع کن آن حضـرت را، و بگو: «السَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللَّهِ، أَسْتَودِعُکَ اللَّهَ وَأَسْتَرْعِیکَ «سـلام بر تو ای رسول خـدا تو را به خـدا می‌سپارم و عنایت و توجّه ترا می‌طلبم وَأَقْرَأُ عَلَیْکَ السَّلامَ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِما جِئْتَ بِهِ وَدَلَلْتَ عَلَیهِ، و بر تو درود وداع می‌فرسـتم ایمان دارم به خدا و بدانچه تو آوردی و بدان راهنمایی کردی اللَّهُمَّ لاتَجْعَلْهُ آخِرَ العَهْدِ مِنِی لِزِیارَةِ قَبْرِ نَبِیِّکَ، فَانْ تَوَفَّیْتَنِی خدایا قرار مـده‌این‌زیارتم را آخرین زیـارتم از قبر پیـامبرت و اگر پیش از آنکه دوبـاره موفق به زیـارتش شوم قَبْلَ ذلِکَ فَإِنِی أَشْهَدُ فِی مَماتِی عَلی ما شَهِدْتُ عَلَیْهِ فِی مرا میراندی پس من در مرگم نیز گواهی دهم بدانچه گواهی بدان دادم در حَیاتِی، أَشْهَدُأَنْ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ، وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ، صَلَّی زنـدگیم که معبودی نیست جز تو و اینکه محمـد بنده و رسول تو است درود اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ».

خـدا بر او و آلش باد.» ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۷۷ حضـرت صادق علیه السلام در وداع قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله به یونس بن یعقوب فرموده، بگو: «صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ، السَّلامُ عَلَیْکَ، لاجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِیمِی «درود خـدا بر تو، سـلام بر تو، قرار ندهد خـدا (این سـلام را) آخرین سـلامم عَلَیْکَ». بر تو.» در نقل دیگری آمـده است: هر گاه خواستی از مـدینه منوّره خارج شوی، پس از اتمـام کلیّه اعمـال غُسـل کن، و پـاک‌ترین لباسـهایت را بپوش، و به زیارت رسول خـدا صـلی الله علیه و آله مُشَرَّف شو، و به همان زیاراتی که قبلًا گفته شد زیارت کن، سـپس در وداع آن حضـرت بگو: «السَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ‌اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْبَشِیرُ «سلام بر تو ای رسول خـدا سـلام بر تو ای مژده دهنده النَّذِیرُ، السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا السِّراجُ الْمُنِیرُ، السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا و بیم دهنده سـلام بر تو ای چراغ تابناک سـلام بر تو ای السَّفِیرُ بَیْنَ اللَّهِ وَبَیْنَ خَلْقِهِ، أَشْهَدُ یا رَسُولَ اللَّهِ أَنَّکَ کُنْتَ نُوراً سفیر بین خدا و خلق گواهی دهم ای رسـول خـدا که تـو نـوری بودی ادعیه و زیـارات مـدینه منوره، ص: ۲۷۸ فِی الْأَصْلابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِسْکَ در صلبهای ارجمند و رحمهای پاکیزه که آلودهات نکرد دوران الْجاهِلِیَّةُ بِأَنْجاسِهَا، وَلَمْ تُلْبِسْکَ مِنْ مُدْلَهِمَّاتِ ثِیابِها، وَأَشْهَدُ یا جاهلیت به پلیدی‌ها و نپوشانیدت از جامه‌های چرکینش و گواهی دهم ای رَسُولَ اللَّهِ أَنِی مُؤْمِنٌ بِکَ وَبِالْأَئِمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَیْتِکَ مُوقِنٌ رسول خدا که من به تو ایمان دارم و به امامان از اهل بیت تو یقین دارم بِجَمِیعِ ما أَتَیْتَ بِهِ راضٍ مُؤْمِنٌ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ أَهْلِ بَیْتِکَ و به تمام آنچه تو آورده‌ای خوشـنود و معتقـدم و گواهی دهم که امامان از اهل بیت تو أَعْلامُ الْهُدی وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقی وَالْحُجَّةِ عَلی أَهْلِ الدُّنْیا. اللَّهُمَّ مشـعلهای هدایت و ریسمان محکم حق هستند و بر اهل دنیا حجتند خدایا لاتَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَةِ نَبِیکَ عَلَیْهِ السَّلامُ، وَإِنْ تَوَفَّیْتَنِی قرار مده این زیارتم را آخرین زیارت پیغمبرت- که بر او و آلش سلام باد- و اگر مرا میراندی فَإِنِی أَشْهَدُ فِی مَماتِی عَلی ما أَشْهَدُ عَلَیْهِ فِی حَیاتِی، أَنَّکَ أَنْتَ پس من گواهی دهم در مرگم بر آنچه گواهی دادم بـدان در زنـدگیم که همانا تویی اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحْدَکَ لاشَرِیکَ لَکَ، وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ خـدائی که معبودی جز تو نیست یگانه‌ای که شـریک نداری و همانا محمد بنده وَرَسُولُکَ، وَأَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ أَهْلِ بَیْتِهِ أَوْلِیاؤُکَ وَأَنْصارُکَ و رسول تو است و همانا امامان از اهل بیت او اولیا و یاران ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۷۹ وَحُجَجُکَ عَلی خَلْقِکَ، وَخُلَفاؤُکَ فِی عِبادِکَ وَأَعْلامُکَ فِی و حجتهای تواند بر خلقت و جانشینان تواند در بنـدگانت و نشانه‌های توانـد در بِلادِکَ، وَخُزَّانُ عِلْمِکَ، وَحَفَظَةُ سِرِّکَ، وَتَراجِمَةُ وَحْیِکَ. اللَّهُمَّ شـهرهایت و خزینه‌داران دانشت و نگهبانـان راز توانـد و ترجمانهـای وحی توانـد خـدایا صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْ رُوحَ نَبِیکَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فِی درود فرست بر محمـد و آل محمـد و برسان به روح پیمبرت محمـد و آل او در ساعَتِی هـذِهِ وَفِی کُلِ ساعَةٍ تَحِیَّةً مِنِی وَسَلاماً، السَّلامُ عَلَیْکَ یا این ساعت و در هر ساعت تحیت و سلامی از جانب من و سلام بر تو ای رَسُولَ‌اللَّهِ وَرَحْمَةُاللَّهِ وَبَرَکاتُهُ، لاجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِیمِی عَلَیْکَ». رسول خدا و رحمت خدا و برکاتش. خداوند قرار ندهد (این سـلام را) آخرین سلام من بر تو.» وبگو: «اللَّهُمَّ لاتَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَةِ قَبْرِ نَبِیکَ، فَانْ تَوَفَّیْتَنِی «خداوندا! آن را آخرین زیارتم از قبر پیامبرت قرار نده، و چنانچه پیش از آن مرا قَبْلَ ذلِکَ، فَإِنِی أَشْهَدُ فِی‌مَماتِی عَلی ما أَشْهَدُ عَلَیْهِ فِی حَیاتِی، میراندی پس من گواهی می‌دهم در حال مرگ به همانگونه که گواهی دادم در حال حیات أَنْ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُکَ وَرَسُولُکَ، وَأَنَّکَ که معبودی جز تو نیست و محمّد بنده و پیامبر تو است و تو ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۲۸۰ قَدِاخْتَرْتَهُ مِنْ خَلْقِکَ، ثُمَّ اخْتَرْتَ مِنْ أَهْلِ بَیْتِهِ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِینَ، او را بر خلقت برگزیـدی و سـپس از میـان خانـدانش اهل بیت معصومش را انتخاب نمودی الَّذِینَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِیرًا، فَاحْشُرْنا مَعَهُمْ، آنانکه پلیدی گناه را از آنها برطرف ساختی و پاک و پاکیزه‌شان کردی پس ما را با آنان و وَفِی زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لِوائِهِمْ، وَلا تُفَرِّقْ بَیْنَنا وَبَیْنَهُمْ فِی الـدُّنْیا در زمره آنان و زیر پرچم آنان محشور ساز و میان ما و آنها در دنیا و آخرت وَالْآخِرَةِ، یاأَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ». جدایی نیفکن ای مهربان‌ترین مهربانان.»

## زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

حضـرت زهرا علیهـا السـلام نزد خداونـد مقامی بس والا دارد، و در زیارت آن بانوی بزرگ و فـداکار، پاداشـی عظیم است. به نقل علامه مجلسـی در «مصـباح الأنوار»، از حضـرت فاطمه علیها السـلام: که پدرم به من فرمود: هر کس بر تو صـلوات بفرستد، خداوند متعال او را بیامرزد، و در هر جای از بهشت که باشم، او را به من ملحق سازد. مرحوم شیخ طوسی در «تهذیب» نوشته است: آنچه در ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۲۸۱ فضـیلت زیارت حضـرت زهرا علیها السـلام روایت شده، بیش از آن است که به شـمار آید. حضرت فاطمه علیها السلام در سال‌های اوّل بعثت به دنیا آمد، و در دامان پیامبر صلی الله علیه و آله، بزرگ شد، و در دوران سخت رسـالت رسـول خـدا صـلی الله علیه و آله به مراقبت و یـاری پـدر پرداخت. بـا علیّ بن ابی‌طـالب علیه السـلام ازدواج کرد، و پس از رحلت پدر بزرگوارش، به فاصـله ۷۵ روز (یا ۹۵ روز) دار فـانی دنیا را وِداع گفت. جای دقیق قبر آن حضـرت، معلوم نیست. برخی مدفن او را در حرم پیامبر (بین قبر و منبر) می‌دانند، برخی گفته‌اند در خانه خودش (کنار مرقد پیامبر) دفن شده، بعضـی هم مدفن او را در بقیع و در کنار قبر ائمّه علیهم السلام می‌دانند. آنچه بیشتر نزد اصحاب ما مطرح است، زیارت آن حضرت در روضه و کنار قبر رسول اللّه صلی الله علیه و آله است، و بهتر است که در هر سه مکان، آن حضرت را زیارت کنی.

## زیارت اوّل حضرت فاطمه علیها السلام

وقتی در هر یک از این مواضع ایستادی، خطاب به آن معصومه مطهّره و پاره تن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله کرده، و بگو: ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۲۸۲ «السَّلامُ عَلَیْکِ یابِنْتَ رَسُولِ‌اللَّهِ، السَّلامُ‌عَلَیْکِ یا بِنْتَ‌نَبِیِ‌اللَّهِ، «سـلام بر تو ای دختر فرسـتاده خـدا. سلام بر تو ای دختر پیامبر خدا السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ حَبِیبِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَلِیلِ اللَّهِ، خلیل خدا سلام برتو ای دختر حبیب خدا. سـلام بر تو ای دختر خلیل و دوست خدا. السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ صَفِیِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا سـلام بر تو ای دختر برگزیده خدا. سلام بر تو ای بِنْتَ أَمِینِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَیْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلامُ دختر امین خدا سـلام بر تو ای دختر بهترین خلق خدا سـلام عَلَیْکِ یا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِیاءِ اللَّهِ وَرُسُـلِهِ وَمَلائِکَتِهِ، السَّلامُ عَلَیْکِ بر تو ای دختر بهترین پیمبران خدا و رسولانش و فرشـتگانش سلام بر تو یا بِنْتَ خَیْرِ الْبَرِیَّهِٔ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا سَیِدَهَٔ نِساءِ الْعالَمِینَ، مِنَ ای دختر بهترین مخلوقات سـلام بر تو ای سرور بانوان جهانیان الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ». از اوّلین و آخرین.» «السَّلامُ عَلَیْکِ یا زَوْجَهَٔ وَلِیِ اللَّهِ وَخَیْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ، «سلام بر تو ای همسر ولیّ خدا و بهترین خلق پس از رسول خدا السَّلامُ عَلَیْکِ یا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَـیْنِ سَـیِدَیْ شَـبابِ أَهْلِ الْجَنَّهِٔ، سـلام بر تو ای مادر حسن و حسـین دو آقای جوانان اهل بهشت ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۲۸۳ السَّلامُ عَلَیْکِ أَیَّتُهَا الصِدِّیقَـهُٔ الشَّهِیدَهُٔ، السَّلامُ عَلَیْکِ أَیَّتُهَا سـلام بر تو ای شهیده صدیقه سـلام بر تو ای الرَّضِیَّهُٔ الْمَرْضِیَّهُٔ، السَّلامُ عَلَیْکِ أَیَّتُهَا الْفاضِلَهُٔ الزَّکِیَّهُٔ، السَّلامُ خوشنود از خدا و پسندیده حق سلام بر تو ای بـا فضـل و پـاکیزه سـلام عَلَیْکِ أَیَّتُهَـا الْحَـوْراءُ الْإِنْسِیَّهُٔ، السَّلامُ عَلَیْکِ أَیَّتُهَـا التَّقِیَّهُٔ النَّقِیَّهُٔ، بر تو ای حُوریه انسیه، سـلام بر تو ای پرهیزگار پاکیزه، السَّلامُ عَلَیْکِ أَیَّتُهَا الْمُحَدَّثَهُٔ الْعَلِیمَهُٔ، السَّلامُ عَلَیْکِ سـلام بر تو ای هم‌سخن با فرشـتگان و ای دانا، سـلام بر تو ای أَیَّتُهَاالْمُضْطَهَدَهُٔ الْمَقْهُورَهُٔ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا فاطِمَهُٔ بِنْتَ ستم‌کشـیده‌ای که مقهور مقهور دشـمنان شـدی، سـلام بر تو ای فاطمه دختر رَسُولِ اللَّهِ، وَرَحْمَهُٔ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ»، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکِ وَعَلی رُوحِکِ رسول خدا سـلام و رحمت و برکات خدا.» درود خدا بر تو و روح و بـدنت گواهی دهم که براستی تو وَبَدَنِکِ، أَشْـهَدُ أَنَّکِ مَضَیْتِ عَلی بَیِنَهٍٔ مِنْ رَبِکِ، وَأَنَّ مَنْ سَرَّکِ از این جهان رفتی با برهانی روشن از جـانب پروردگـارت و بطور مسلّم هر که تو راشادان کرد فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَمَنْ جَفاکِ فَقَدْ جَفا رسول خـدا را شادان کرده سـلام و درود خـدا بر او و آلش و هر کس بر تو جفا رواداشت رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ آذاکِ فَقَدْ آذی رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی‌اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، به پیـامبر خـدا صـلی الله علیه و آله، و هر کس تو را آزرد همانـا پیامبرخـدا را آزرده است. ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۸۴ وَمَنْ وَصَلَکِ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ، وَمَنْ هرکس که بر تو پیوست به پیامبر صلی الله علیه و آله پیوسـته است، و هر که از تو قَطَعَکِ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ، لِأَنَّکِ بَضْعَهٌٔ مِنْهُ، وَرُوحُهُ الَّتِی بَیْنَ برید از رسول خدا پیوندش را بریده

زیرا تو پـاره تن او هستی و روح اوئی در پیکرش جَنْبَیْهِ، کَما قالَ عَلَیْهِ أَفْضَلُ سَلامِ اللَّهِ وَأَفْضَلُ صَلَواتِهِ، اشْهَدُ اللَّهَ همان طور که او کهبهترین درود وسلام خدا براو باد فرمود، گواه‌گیرم خدا و وَرَسُولَهُ أَنِی راضٍ عَمَّنْ رَضِیتِ عَنْهُ، ساخِطٌ عَمَّنْ سَخِطْتِ پیمبران و فرشتگانش را که من راضیم از هر که تو از او راضی هستی و خشمگینم بر هر که تو بر عَلَیْهِ، مُتَبَرِّءٌ مِمَّنْ تَبَرَّأْتِ مِنْهُ، مُوالٍ لِمَنْ والَیْتِ، مُعادٍ لِمَنْ او خشمگینی بیزاری جویم از هر که تو از او بیزاری جوئی دوستدارم هر که را تو دوستداری، دشمن دارم هر عادَیْتِ، مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتِ، مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتِ، وَکَفی بِاللَّهِ که را تو دشمن داری تنفر دارم از هر که تو تنفر داری دوستم با هر که تو دوست داری و بس است خدا شَهِیداً وَحَسِیباً وَجازِیاً وَمُثِیباً». برای گواهی و حسابرسی و کیفر دادن و پاداش نیک دادن.» سپس می گویی: «اللَّهُمَّ صَلِ وَسَلِمْ عَلی عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللَّهِ «خدایا دورد فرست بر بنده و رسولت حضرت محمّد بن عبداللَّه ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۸۵ خاتَمِ النَّبِیینَ، وَخَیْرِ الْخَلائِقِ أَجْمَعِینَ، وَصَلِ عَلیوَصِیِهِ عَلِیِ بْنِ آخرین پیامبر و بهترین خلقت و درود فرست بر وصی پیامبر علی بن أَبِی طالِبٍ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ، وَامامِ الْمُسْلِمِینَ، وَخَیْرِ الْوَصِیینَ، ابی‌طالب امیرالمؤمنین و پیشوای مسلمانان و بهترین اوصیا وَصَلِ عَلی فاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ سَیِدَةِ نِساءِ الْعالَمِینَ، وَصَلِ عَلی و درود فرست بر فاطمه دختر حضرت محمّد بهترین زنان عالم و دورد فرست بر سَیِدَیْ شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، الْحَسَنِ والْحُسَیْنِ، وَصَلِ عَلی زَیْنِ بهترین جوانان اهل بهشت حسن و حسین، و درود فرست بر زین الْعابِدِینَ عَلِیِ بْنِ الْحُسَیْنِ، وَصَلِ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍ باقِرِ عِلْمِ العابدین علی بن حسین، و درود فرست بر محمد بن علی؛ شکافنده علم النَّبِیینَ، وَصَلِ عَلَی الصَّادِقِ عَنِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِ پیامبران، و درود فرست بر حضرت صادق از سوی خداوند، جعفر بن محمد، و درود فرست عَلی کاظِمِ الْغَیْظِ فِی اللَّهِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ، وَصَلِ عَلَی الرِّضا بر فرو نشاننده خشم در راه خدا موسی بن جعفر، و درود فرست بر عَلِیِ بْنِ مُوسی وَصَلِ عَلَی التَّقِیِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلیّ، وَصَلِ عَلَی علی بن موسی الرضا، و درود فرست بر محمد تقی، و درود فرست بر النَّقِیِ عَلِیِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِ عَلَی الزَّکِیِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍ، علی النقی، و درود فرست بر حسن بن علی ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۸۶ وَصَلِ عَلَیالْحُجَّةِ الْقائِمِ بْنِالْحَسَنِبْنِعَلِیٍ. اللَّهُمَّ أَحْیِ بِهِ الْعَدْلَ، و درود فرست بر حجت قائم فرزند حسن بن علی. خدایا به واسطه او عدل را وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَ زَیِنْ بِطَوْلِ بَقائِهِالْأَرْضَ، وَأَظْهِرْ بِهِ دِینَکَ زنده بدار، و جور و ستم را از میان بردار، و زمین را به وجودش زینت بخش، و دین و سنت پیامبرت را به وَسُنَّةَ نَبِیکَ، حَتّی لا یَسْتَخْفِیَ بِشَیْءٍ مِنَ الْحَقِ مَخافَةَ أَحَدٍ مِنَ وجودش آشکار ساز، تا اینکه از خوف هیچ کس چیزی از حق الْخَلْقِ، وَاجْعَلْنا مِنْ أَعْوانِهِ وَ أَشْیاعِهِ، وَالْمَقْبُولِینَ فِی زُمْرَةِ پنهان نماند، و ما را از شیعیان و تابعینش قرار ده، و از جمله دوستدارانش أَوْلِیائِهِ، یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ. اللَّهُمَّ صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَیْتِهِ، قبول فرما، ای مهربان‌ترین مهربانان. خدایا درود فرست بر محمّد و اهل بیتش، الَّذِینَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِیراً»، آنهایی که ناپاکی را از ایشان دور کردی و پاک و پاکیزه‌شان قرار دادی.» سپس دو رکعت نماز بگزار در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله، و ثواب آن را به روح منوّر حضرت زهرا علیها السلام هدیه کن، آنگاه این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ إِنِی أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِنَبِینا مُحَمَّدٍ، وَبِأَهْلِ «خداوندا! من به وسیله پیامبرمان حضرت محمد صلی‌اللَّه علیه وآله وسلم ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۸۷ بَیْتِهِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِمْ، وَأَسْأَلُکَ بِحَقِکَ الْعَظِیمِ الَّذِی واهل بیتش- که درود تو بر آنان باد- به تو رو نموده‌ام، و به حق خودت که از عظمت آن جز لا یَعْلَمُ کُنْهَهُ سِواکَ، وَأَسْأَلُکَ بِحَقِ مَنْ حَقُّهُ عِنْدَکَ عَظِیمٌ، تو آگاه نمی‌باشی و نیز به حق آنکه حقش نزدت بزرگ است وَبِأَسْمائِکَ الْحُسْنَی الَّتِی أَمَرْتَنِی أَنْ أَدْعُوَکَ بِها، وأَسْأَلُکَ و به نام‌های نیکت که مرا به یاد کردن خود به آنها دستور داده‌ای و به بِاسْمِکَ الْأَعْظَمِ الَّذِی أَمَرْتَ بِهِ إِبْراهِیمَ، أَنْ یَدْعُوَ اسم اعظمت که ابراهیم علیه السلام را امر کردی تا پرنده را بِهِ الطَّیْرَ فَأَجابَتْهُ، وَبِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الَّذِی قُلْتَ لِلنَّارِ کُونِی بَرْداً با آن فرا خواند، و پرنده اجابت کرد، و به نام بزرگت که به آتش فرمودی بر ابراهیم وَسَلاماً عَلی إِبْراهِیمَ، فَکانَتْ بَرْداً، وَبِأَحَبِ الْأَسْماءِ سرد و سلامت باش، و سرد و سلامت شد و به محبوب‌ترین نام‌ها إِلَیْکَ وَأَشْرَفِها وَأَعْظَمِها لَدَیْکَ، وَأَسْرَعِها إِجابَةً وَأَنْجَحِها طَلِبَةً، نزدت و شریف‌ترین و عظیم‌ترینشان پیشت، و سریع‌ترین آنها برای اجابت دعا و برآورده شدن حاجات وَبِما أَنْتَ أَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ، وأَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ وَأَرْغَبُ وبه آنچه که تو

شایسته و سزاوار و مستوجب آن می‌باشی به تو توسّل می‌جویم و به تو اظهار اشتیاق إِلَيْكَ، وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ، وأَلِحُّ عَلَيْكَ، وَأَسْأَلُكَ بِكُتُبِكَ الَّتِي أَنْزَلْتَها می کنم و بدرگاهت زاری و اصرار می‌ورزم و از تو می‌خواهم به کتاب‌هایی که بر ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۸۸ عَلى أَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ، مِنَ التَّوْرِيةِ وَالْإِنْجِيلِ فرستادگانت- که درود تو بر آنان باد- نازل کرده‌ای؛ از تورات و انجیل وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، فَانَّ فِيهَا اسْمَكَ الْأَعْظَمَ، وَبِما فِيها و زبور و قرآن عظیم که در آنها اسم اعظم و دیگر مِنْ أَسْمائِكَ الْعُظْمى أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وأَنْ نام‌های بزرگ تو می‌باشد که درود فرستی بر محمّد و آلش تُفَرِّجَ عَنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتِهِمْ وَمُحِبِيهِمْ وَعَنِي، وَتَفْتَحَ أَبْوابَ و گشایش به محمّد و خاندان و شیعیان و دوستانش و من عنایت‌فرمایی و درهای آسمان را برای السَّماءِ لِدُعائِي، وَتَرْفَعَهُ فِي عِلِيينَ، وَتَأْذَنَ لِي فِي هذَا الْيَوْمِ اجابت دعایم بگشایی و آن را تا علّیین بالا بری و در این روز وَفِي هذِهِ السَّاعَةِ بِفَرَجِي وَإِعْطاءِ أَمَلِي وَسُؤْلِي فِي الدُّنْيا و همین ساعت اذن فرج برایم صادر فرمایی، و آرزو و خواست دنیا وَ الْآخِرَةِ، يا مَنْ لا يَعْلَمُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ وَقُدْرَتَهُ إِلّا هُوَ، يا مَنْ سَدَّ و آخرتم را برآوری، ای آنکه کسی به حقیقت و قدرتش جز خود او آگاه نیست، ای آنکه هوا را الْهَواءَ بِالسَّماءِ، وَكَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْماءِ، وَاخْتارَ لِنَفْسِهِ با آسمان مسدود کرده‌ای و زمین را بر روی آب گسترده‌ای و برای خویش أَحْسَنَ الْأَسْماءِ، يا مَنْ سَمّى نَفْسَهُ بِالْإِسْمِ الَّذِي تُقْضى بِهِ نیکوترین نام‌ها برگزیده‌ای، ای آنکه خود را به نامی نامیده‌ای که با یاد کردن آن ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۸۹ حاجَةُ مَنْ يَدْعُوهُ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ ذلِكَ الْإِسْمِ، فَلا شَفِيعَ أَقْوى لِي حاجت دعاگو برآورده شود، ترا به حق آن نام می‌خوانمت که شفیعی قوی‌تر مِنْهُ، أَنْ تُصَلِيَ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وأَنْ تَقْضِيَ لِي از آن ندارم، درود فرستی بر محمّد و آل محمّد و حوائجم حَوائِجِي، وَتُسْمِعَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، را برآوری و به حق محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین وَعَلِيِ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، و علی بن الحسین و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِ بْنِ مُوسى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍ وَعَلِيِ بْنِ و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمّد بن علی و علی بن مُحَمَّدٍ، والْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍ والْحُجَّةِ الْمُنْتَظَرِ لِاذْنِكَ، صَلَواتُكَ محمّد و حسن بن علی و الحجّة المنتظر که درود وَسَلامُكَ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكاتُكَ عَلَيْهِمْ صَوْتِي لِيَشْفَعُوا لِي و سلام و رحمت و برکاتت بر آنها باد که دعایم را بشنوی و آنان مرا نزد تو شفاعت إِلَيْكَ، وَتُشَفِعَهُمْ فِيَّ، وَلا تَرُدَّنِي خائِباً، بِحَقِ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ». کنند و شفاعتشان را درباره من پذیرا گردی و نومیدم بازنگردانی، به معبودی که جز تو کسی نیست.» سپس حاجاتت را بخواه که إن شاء اللّه برآورده می‌شود. ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۹۰

## زیارت دوّم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

«السَّلامُ عَلَيْكِ يا مُمْتَحَنَةُ امْتَحَنَكِ الَّذِي خَلَقَكِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكِ، «سلام بر تو ای آزمود ترا آنکس که تو را آفرید، پیش از آنکه تو را خلق کند فَوَجَدَكِ لِما امْتَحَنَكِ صابِرَةً، وَ زَعَمْنا أَنَّا لَكِ أَوْلِياءُ وَمُصَدِّقُونَ آزمودت و تو در آن آزمایش بردبار و شکیبا بودی و ما دوستان تو وَ صابِرُونَ، وَلِكُلِ ما أَتانا بِهِ أَبُوكِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَتانا و تصدیق کننده و شکیباییم به آنچه پدرت صلّی اللّه علیه وآله بِهِ وَصِيُّهُ عَلَيْهِالسَّلامُ، فَانَّا نَسْأَلُكِ إِنْ كُنَّا صَدَّقْناكِ إِلّا أَلْحَقْتِنا و وصیش علیه السلام آورده‌اند تسلیم هستیم و ای خدا ما از تو می‌خواهیم همچنانکه ما تصدیق کننده‌ایم به درجه بِتَصْدِيقِنا لَهُما لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنا بِأَنَّا قَدْ طَهُرْنا بِوِلايَتِكِ». عالیه‌ای برسانی تا ما خود را مژده دهیم که بخاطر ولایت این خانواده پاک شدیم.» آنگاه می‌گویی: «السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ «سلام بر تو ای دختر رسول خدا، سلام بر تو ای دختر نَبِيِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ پیامبر خدا، سلام بر تو ای دختر حبیب خدا، سلام بر تو ای دختر ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۹۱ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا بِنْتَ خلیل خدا، سلام بر تو ای دختر امین خدا، سلام بر تو ای دختر بهترین آفریده خدا، خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الْمُحَدِ ثَةِ الْعَلِيْمَةِ، اشْهِدُ اللَّهَ سلام بر توای هم سخن با فرشتگان و ای دانا، خدا را و همچنین وَرَسُولَهُ وَمَلائِكَتَهُ أَنِي راضٍ عَمَّنْ رَضِيتِ

عَنْهُ، ساخِطٌ عَلی مَنْ پیامبر و فرشـتگانش را گواه می‌گیرم که من از هر کس که تو از او خوشـنود باشـی خوشنودم و بر هر کس که تو از او خشمناک سَخِطْتِ عَلَیْهِ، مُتَبَرِّءٌ مِمَّنْ تَبَرَّأْتِ مِنْهُ، مُوالٍ لِمَنْ والَیْتِ، مُعادٍ باشی خشمناکم، بیزاری می‌جویم از هر کس که تو از او بیزاری و دوست دارم هر کسی که تو او را دوست داری و دشمن دارم لِمَنْ عادَیْتِ، مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتِ، مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتِ، وَکَفی کسی را که تو دشمن داری و ناخوشنودم از کسی که تو از او ناخوشنودی دوست دارم کسی را که تو دوستدار آنی و کافی بِاللَّهِ شَهِیداً وَحَسِیباً وَجازِیاً وَمُثِیباً». است خداوند گواه و پاداش دهنده من باشد.» پس دو رکعت نماز زیارت بگزار، به همان ترتیبی که در زیارت اوّل آن حضرت ذکر کردیم. ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۹۲

### زیارت ائمّه بقیع علیهم السلام

چون خواستی این بزرگواران را زیارت کنی آنچه در آداب زیارت ذکر شد (از غسل، طهارت، پوشیدن جامه‌های پاک و پاکیزه، استعمال بوی خوش و إذن دخول و امثال آن) اینجا نیز بجای آور، و در اذن دخول بگو: «یا مَوالِیَّ یا أَبْناءَ رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُکُمْ وَابْنُ أَمَتِکُم، الذَّلِیلُ «ای آقایان من ای فرزندان رسول خدا من بنده شما و پسر کنیز شمایم که ذلیل بَیْنَ ایْدِیکُمْ، وَالْمُضْعَفُ فِی عُلُوِ قَدْرِکُمْ، وَالْمُعْتَرِفُ بَحَقِکُمْ، در برابرتان و فزاینده در علو قدر و منزلتتان و اعتراف کننده به حق شمایم جاءَکُمْ مُسْتَجِیراً بِکُمْ، قاصِداً إِلی حَرَمِکُمْ، مُتَقَرِّباً إِلی مَقامِکُمْ، آمده‌ام به درگاهتان به حال پناه خواهی و حرم شما را قصد کرده و بوسیله مقام شما تقرب جویم مُتَوَسِلًا إِلَی اللَّهِ تَعالی بِکُمْ، أَ أَدخُلُ یا مَوالِیَّ، أَ أَدخُلُ یا أَوْلِیاءَ و متوسل شوم به خدای تعالی آیا داخل شوم ای سروران من آیا داخل شوم ای اولیای اللَّهِ، أَ أَدخُلُ یا مَلائِکَةَ اللَّهِ الْمُحْدِقِینَ بِهذَا الْحَرَمِ، الْمُقِیمِینَ خدا آیا داخل شوم ای فرشتگان خدا که حلقه‌وار اطراف این حرم را گرفته و در این زیارتگاه ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۹۳ بِهذَا الْمَشْهَدِ». رحل اقامت افکنده‌اید.» و بعد از خضوع و خشوع و رقّت قلب داخل شو و پای راست را مقدّم دار، و بگو: «اللَّهُ أَکْبَرُ کَبِیراً، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ کَثِیراً، وَسُبْحانَ اللَّهِ بُکْرَةً «خدا بزرگتر است به بزرگی کامل و ستایش خاص خداست بسیار منزه است خدا در بامداد وَاصِیلًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، الْماجِدِ الْأَحَدِ، الْمُتَفَضِلِ و پسین و ستایش خاص خدا است که یگانه و بی‌نیاز و شوکتمند و یکتا و فزونبخش الْمَنَّانِ، الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ، الَّذِی مَنَّ بِطَوْلِهِ، وَسَهَّلَ زِیارَةَ سادَتِی و نعمت ده و احسان‌بخش و مهرورز است خدائی که منت نهاد بوسیله احسان خود و آسان کرد برایم زیارت سرورانم را بِإِحْسانِهِ، وَلَمْ یَجْعَلْنِی عَنْ زِیارَتِهِمْ مَمْنُوعاً، بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ». به احسان خود و مرا از زیارتشان بی‌بهره نساخت بلکه به من لطف و تفضّل فرمود.» پس نزدیک قبور مقدّسه ایشان برو، و رو به قبر آن بزرگواران بایست و بگو: «السَّلامُ عَلَیْکُمْ أَئِمَّةَ الْهُدی السَّلامُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ التَّقْوی «سلام بر شما پیشوایان هدایت سلام بر شما شایستگان پرهیزکاری ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۹۴ السَّلامُ عَلَیْکُمْ أَیُّهَا الْحُجَّةُ عَلی أَهْلِ الدُّنْیا، السَّلامُ عَلَیْکُمْ أَیُّهَا سلام بر شما ای حجتها بر اهل دنیا سلام بر شما ای الْقُوَّامُ فِی الْبَرِیَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلامُ قیام کنندگان به عدل در میان مردم سلام بر شما ای شایستگان برگزیدگی سلام عَلَیْکُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ النَّجْوی السَّلامُ بر شما ای آل رسول خدا، سلام بر شما ای اهل راز، سلام عَلَیْکُمْ الْعُرْوَةُ الْوُثْقی أَشْهَدُ أَنَّکُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ بر شما ای ریسمان و دستاویز محکم حق، گواهی دهم که شما ولی شما وَصَبَرْتُمْ فِی ذاتِ اللَّهِ، وَکُذِّبْتُمْ وَأُسِیَ إِلَیْکُمْ فَعَفَوتُمْ، بخوبی تبلیغ و خیرخواهی کردید و در مورد خدا شکیبائی کردید با اینکه شما را تکذیب کرده و با شما بد کردند وَأَشْهَدُ أَنَّکُمُ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ، وَأَنَّ طاعَتَکُمْ آنها را بخشیدید و گواهی دهم که شمائید امامان راهبر راه یافته و همانا اطاعت شما مَفْرُوضَةٌ، وَأَنَّ قَوْلَکُمُ الصِدْقُ، وَأَنَّکُم دَعَوْتُم فَلَمْ تُجابُوا، واجب است و گفتارتان راست است و براستی شما مردم را به خدا دعوت کردید ولی اجابت نکردند وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطاعُوا، وَأَنَّکُمْ دَعائِمُ الدِّینِ وَأَرْکانُ الْأَرْضِ، لَمْ و دستور دادید ولی اطاعت نکردند و همانا شمائید پایه‌های دین و رکنهای زمین و همواره تَزالُوا بِعَیْنِ اللَّهِ، یَنْسَخُکُمْ مِنْ أَصْلابِ کُلِ مُطَهَّرٍ، وَیَنْقُلُکُمْ فِی در زیر نظر خدا بودید که برمی‌داشت شما را از صلبهای هر شخص پاک و منتقلتان می‌ساخت ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص:

۲۹۵ أَرْحامِ الْمُطَهَّراتِ، لَمْ تُدَنِسْکُمُ الْجاهِلِیَّةُ الْجَهْلاءُ، وَلَمْ تَشْرَکْ به رحمهای پاکیزه، آلوده نکرد شما را اوضاع جاهلیت غرق در نادانی و تأثیر نکرد فِیکُمْ فِتَنُ الْأَهْواءِ، طِبْتُمْ وَطابَ مَنْشَؤُکُمْ، مَنَّ بِکُمْ عَلَیْنا دَیَّانُ در شما فتنه‌های هوس‌آلود پاک بودید و پاک بود ریشه شما منت نهاد بوسیله شما بر ما جزا ده الدِّینِ، فَجَعَلَکُمْ فِی بُیُوتٍ اذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَیُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ، روز جزا پس شما را در خانواده‌هایی قرار داد که به عظمت و فرازمندی آنها و پر آوازه شدن نامتان فرمان داد وَجَعَلَ صَلَواتَنا عَلَیْکُمْ رَحْمَةً لَنا وَکَفَّارَةً لِذُنُوبِنا، اذِ اخْتارَکُمُ درود فرستادن ما را بر شما رحمتی برای ما و کفاره‌ای برای گناهانمان چونکه خدا شما را برای ما انتخاب لَنا، وَطَیَّبَ خَلْقَنا بِما مَنَّ بِهِ عَلَیْنا مِنْ وِلایَتِکُمْ، وَکُنَّاعِنْدَهُ مُسَمِّینَ فرمود و پاک کرد خلقت ما را بوسیله آنچه منت گذارد بر ما از ولایت شما و ما پیش خدا از نامبردگان بِعِلْمِکُمْ، مُعْتَرِفِینَ بِتَصْدِیقِنا إِیَّاکُمْ، وَهذا مَقامُ مَنْ أَسْرَفَ وَأَخْطَأَ به دانش شما و اعتراف کنندگان به تصدیقمان نسبت به شما بودیم و این جایگاه کسی است که زیاده‌روی و خطا کرده وَاسْتَکانَ وَأَقَرَّ بِما جَنی وَرَجی بِمَقامِهِ الْخَلاصَ، وَأَنْ یَسْتَنْقِذَهُ و مستمند شده و به جنایت خود اقرار داشته و امید دارد بدین جایگاه خلاصی خود را و نجات دهدش بِکُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْکی مِنَ الرَّدی فَکُونُوا لِی شُفَعاءَ، فَقَدْ وَفَدْتُ خداوند بوسیله شما نجات دادن هلاک شدگان از نابودی پس شما شفیعان من باشید که من به إِلَیْکُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْکُمْ أَهْلُ الدُّنْیا، وَاتَّخَذُوا آیاتِ اللَّهِ هُزُواً، شما وارد شدم در آنگاه که دوری کردند از شما مردم دنیا و آیات خدا را مسخره گرفتند ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۹۶ وَاسْتَکْبَرُوا عَنْها، یا مَنْ هُوَ قائِمٌ لایَسْهُو، وَدائِمٌ لا یَلْهُو، وَمُحِیطٌ و تکبر ورزیدند از آنها ای پابرجایی که سهو ندارد و پاینده‌ای که سرگرم نشود و به هر چیز بِکُلِ شَیْءٍ، لَکَ الْمَنُّ بِما وَفَّقْتَنِی، وَعَرَّفْتَنِی بِما إِئْتَمَنْتَنِی عَلَیْهِ، إِذْ احاطه دارد تو را است منت بدانچه مرا بدان موفق داشتی و شناساندی مرا بدانچه مرا بدان برپا داشتی در صَدَّ عَنْهُ عِبادُکَ وَجَحَدُوا مَعْرِفَتَهُ، وَاسْتَخَفُّوا بِحَقِهِ، وَمالُوا إِلی صورتی که بندگانت از آن روگرداندند و از شناختنش نادان بودند و حقش را سبک شمردند و به غیر آن سِواهُ، فَکانَتِ الْمِنَّةُ لَکَ وَ مِنْکَ عَلَیَّ مَعَ أَقْوامٍ خَصَصْتَهُمْ بِما منحرف شدند پس منت داری بر من با مردمی که مخصوصشان داشتی بدانچه مرا بدان خَصَصْتَنِی بِهِ، فَلَکَ الْحَمْدُ إِذْ کُنْتُ عِنْدَکَ فِی مَقامِی مَذْکُوراً مخصوص کردی پس تو را است ستایش چونکه من در پیش تو در این مقام یاد شده مَکْتُوباً، فَلا تَحْرِمْنِی ما رَجَوْتُ، وَلا تُخَیِّبْنِی فِیما دَعَوْتُ». و نام برده شده بودم پس محرومم مکن از آنچه امیدوارم و نومیدم مساز در آنچه تو را خواندم.» پس دعا کن از برای خود هر چه خواهی. به‌تصریح اکثر بزرگان بهترین‌زیارت برای‌ائمّه بقیع همان زیارت جامعه کبیره است که در ادعیه و زیارات مشترکه ذکر شد و دارای مفاهیم عالی و بیان اوصاف و مناقب اهل بیت علیهم السلام است. ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۹۷

### زیارت دیگر ائمه بقیع علیهم السلام

علامه مجلسی رحمه الله در «بحار الأنوار» گوید: این زیارت را به قصد ائمه بقیع بخوان: «السَّلامُ عَلَیْکُمْ أَئِمَّةَ الْمُؤْمِنِینَ، وَسادَةَ الْمُتَّقِینَ، وَکُبَراءَ «سلام بر شما ای پیشوایان مؤمنان، و سروران پرهیزکاران، و بزرگان الصِّدِّیقِینَ، وَأُمَراءَ الصَّالِحِینَ، وَقادَةَ الْمُحْسِنِینَ، وَأَعْلامَ صدّیقین و فرمانروایان صالحان، و رهبران نکوکاران و پرچم الْمُهْتَدِینَ، وَأَنْوارَ الْعارِفِینَ، وَوَرَثَةَ الْأَنْبِیاءِ، وَصَفْوَةَ الْأَصْفِیاءِ، هدایت راه یافتگان و انوار عارفان و وارثان پیامبران و زبده زبدگان وَخِیَرَةَ الْأَتْقِیاءِ، وَعِبادَ الرَّحْمانِ، وَشُرَکاءَ الْفُرْقانِ، وَمَناهِجَ و برگزیده تقوا پیشگان و بندگان خدای رحمان، و شرکای قرآن و راههای الْإِیمانِ، وَمَعادِنَ الْحَقائِقِ، وَشُفَعاءَ الْخَلائِقِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ ایمان و معادن حقایق، وشفیعان خلایق و رحمت و برکاتش وَبَرَکاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّکُمْ أَبْوابُ نِعَمِ اللَّهِ الَّتِی فَتَحَها عَلی بَرِیَّتِهِ، بر شما باد گواهی می‌دهم که شمایید درهای نعمت‌هایی که خداوند بر روی خلقش گشوده ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۹۸ وَالْأَعْلامُ الَّتِی فَطَرَها لِإِرْشادِ خَلِیقَتِهِ، وَالْمَوازِینُ الَّتِی نَصَبَها و پرچم‌های هدایت آفریده‌ها و میزان‌های منصوب لِتَهْذِیبِ شَرِیعَتِهِ، وَإِنَّکُمْ مَفاتِیحُ رَحْمَتِهِ، وَمَقالِیدُ مَغْفِرَتِهِ، برای پاکسازی شریعتش و کلیدهای رحمت او وسیله‌های آمرزش وَسَحائِبُ رِضْوانِهِ، وَمَفاتِیحُ جِنانِهِ، وَحَمَلَةُ فُرْقانِهِ، وَخَزَنَةُ و سحاب رضایت و کلیدهای بهشت و حاملان قرآن و گنجینه‌های عِلْمِهِ، وَحَفَظَةُ سِرِّهِ، وَمَهْبِطُ وَحْیِهِ، وَمَعادِنُ أَمْرِهِ

وَنَهْیِهِ، وَأَماناتُ دانش و حافظان اسرار، محل نزول وحی و جایگاه‌های امر و نهی او و امانت‌های النُّبُوَّةِ، وَوَدائِعُ الرِّسالَةِ، وَفِی بَیْتِکُمْ نَزَلَ الْقُرآنُ، وَمِنْ دارِکُمْ نبوت و ودیعه‌های رسالت. و خانه شما محل نزول قرآن ظَهَرَ الْإِسْلامُ وَالْإِیمانُ، وَإِلَیْکُمْ مُخْتَلَفُ رُسُلِ اللَّهِ وَالْمَلائِکَةِ، و ظهور اسلام و ایمان و آمد و شد فرستادگان و فرشتگان الهی است. وَ أَنْتُمْ أَهْلُ إِبْراهِیمَ عَلَیْهِ‌السَّلامُ الَّذِینَ ارْتَضاکُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِلْإِمامَةِ، شما همان خاندان ابراهیمایید که خدای عزوجل به امامت شما رضا داد وَاجْتَباکُمْ لِلْخِلافَةِ، وَعَصَمَکُمْ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَأَکُمْ مِنَ و به خلافت برگزید و از گناهان مصون و معصومتان داشت و از عیب‌ها الْعُیُوبِ، وَطَهَّرَکُمْ مِنَ الرِّجْسِ، وَفَضَّلَکُمْ بِالنَّوْعِ وَالْجِنْسِ، برکنارتان ساخت و از پلیدی گناه پاکتان داشت و بر همه انواع و اجناس ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۲۹۹ وَاصْطَفاکُمْ عَلَی العالَمِینَ بِالنُّورِ وَالْهُدی وَالْعِلْمِ وَالتُّقی آفریده‌ها برتری‌تان بخشید و شما را به واسطه نور و هدایت، دانش و تقوا، وَالْحِلْمِ وَالنُّهی وَالسَّکِینَةِ وَالْوَقارِ، وَالْخَشْیَةِ وَالْإِسْتِغْفارِ، بردباری و خردورزی، سنگینی و وقار، خشیت و استغفار، وَالْحِکْمَةِ وَالْآثارِ، وَالتَّقْوی وَالْعَفافِ، وَالرِّضا وَالْکَفافِ، حکمت و آثار، پرهیزکاری و عفاف، رضا و کفاف، وَالْقُلُوبِ الزَّاکِیَةِ، وَالنُّفُوسِ الْعالِیَةِ، وَالْأَشْخاصِ الْمُنِیرَةِ، دل‌های پاکیزه و جان‌های متعالی، و چهره‌های تابناک وَالْأَحْسابِ الْکَبِیرَةِ، وَالْأَنْسابِ الطَّاهِرَةِ، وَالْأَنْوارِ الْباهِرَةِ و شخصیت‌های والا- و نسب‌های پاک و نورهای درخشان الْمَوْصُولَةِ، وَالْأَحْکامِ الْمَقْرُونَةِ، وَأَکْرَمَکُمْ بِالْآیاتِ، وَأَیَّدَکُمْ و فراگیر، و قوانین مقرون بر جهانیان برگزید، شما را به واسطه نزول آیاتی در حقتان اکرام کرد، بِالْبَیِّناتِ، وَأَعَزَّکُمْ بِالْحُجَجِ الْبالِغَةِ، وَالْأَدِلَّةِ الْواضِحَةِ، وَخَصَّکُمْ وبا حجت‌های رسا و دلایل روشن عزتتان بخشید و شما را به بِالْأَقْوالِ الصَّادِقَةِ، وَالْأَمْثالِ النَّاطِقَةِ، وَالْمَواعِظِ الشَّافِیَةِ، گفتار صادقانه، مثال‌های گویا، پندهای شافی وَالْحِکَمِ الْبالِغَةِ، وَوَرَثَکُمْ عِلْمَ الْکِتابِ، وَمَنَحَکُمْ فَصْلَ و حکمت‌های رسا اختصاص داد و میراث بران دانش قرآنتان کرده و به شما فصل الخطاب ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۰۰ الْخِطابِ، وَأَرْشَدَکُمْ لِطُرُقِ الصَّوابِ، وَأَوْدَعَکُمْ عِلْمَ الْمَنایا عنایت کرده و به راه راست رهنمونتان گردیده و علم منایا وَالْبَلایا، وَمَکْنُونَ الْخَفایا، وَمَعالِمَ التَّنْزِیلِ، وَمَفاصِلَ التَّأْوِیلِ، و بلایا و ژرفای اسرار و معالم قرآن، و فصل‌های تأویل وَمَوارِیثَ الْأَنْبِیاءِ، کَتابُوتِ الْحِکْمَةِ، وَشِعارِ الْخَلِیلِ، وَمِنْسَأَةِ ومیراث پیامبران- مانند تابوت حکمت و شفای ابراهیم خلیل وعصای موسای الْکَلِیمِ، وَسابِغَةِ داوُدَ، وَخاتَمِ الْمُلْکِ، وَفَضْلِ الْمُصْطَفی کلیم و زره داود و انگشتر سلیمان و فضیلت حضرت مصطفی وَسَیْفِ الْمُرْتَضی وَالْجَفْرِ الْعَظِیمِ، وَالْإِرْثِ الْقَدِیمِ، وَضَرَبَ و شمشیر حضرت مرتضی و جفر عظیم وارث قدیم را نزد شما به ودیعه سپرد و در قرآن لَکُمْ فِی الْقُرْآنِ أَمْثالًا، وَامْتَحَنَکُمْ بَلْویً، وَأَحَلَّکُمْ مَحَلَّ نَهْرٍ کریم برایتان ضرب المثل‌ها زد و به بلاها آزموده‌تان، و شما را هم چون نهر طالُوتَ، وَحَرَّمَ عَلَیْکُمُ الصَّدَقَةَ، وَأَحَلَّ لَکُمُ الْخُمْسَ، وَنَزَّهَکُمْ طالوت سبب آزمون خلق قرار داد، و بر شما صدقه را حرام و خمس را حلال ساخت و از عَنِ الْخَبائِثِ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ، فَأَنْتُمُ الْعِبادُ الْمُکْرَمُونَ، وَالْخُلَفاءُ پلیدی‌های پیدا و نهان پاکتان داشت، شمایید بندگان گرامی خدا، الرَّاشِدُونَ، وَالْأَوْصِیاءُ الْمُصْطَفَوْنَ، وَ الْأَئِمَّةُ الْمَعْصُومُونَ، و خلفای راشدون، و اوصیای برگزیده و پیشوایان ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۰۱ وَالْأَوْلِیاءِ الْمَرْضِیُّونَ وَالْعُلَماءُ الصَّادِقُونَ، وَالْحُکَماءُ الرَّاسِخُونَ معصوم و اولیای پسندیده شده و علمای راستین، و حکمای راسخ و الْمُبَیِّنُونَ، وَالْبُشَراءُ النُّذَراءُ الشُّرَفاءُ الْفُضَلاءُ، وَالسَّادَةُ الْأَتْقِیاءُ، تبیین گر، و مژده دهندگان رحمت و بیم دهندگان از عذاب، شریفان فاضل، و سروران پرهیزکار، الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْکَرِ، وَاللّابِسُونَ شِعارَ آمران به معروف وناهیان از منکر، و آزمایش شدگان الْبَلْوی وَرِداءَ التَّقْوی وَالْمُتَسَرْبِلُونَ نُورَ الْهُدی وَالصَّابِرُونَ با بلاها و جامه پوشان تقوا و تن پوشان فروغ هدایت، و شکیبایان فِی الْبَأْساءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِینَ الْبَأْسِ، وَلَدَکُمُ الْحَقُّ، وَرَبَّاکُمُ در دشواری‌ها و آسیب‌ها و نبردها، زادگان حقیقت و دست پروردگان الصِّدْقُ، وَغَذَّاکُمُ الْیَقِینُ، وَنَطَقَ بِفَضْلِکُمُ الدِّینَ، وَأَشْهَدُ أَنَّکُمْ صداقت و تغذیه شدگان یقین و شمایید که دین در فضیلتتان سخن گفته است و گواهی دهم که شما السَّبِیلُ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالطُّرُقُ إِلی ثَوابِهِ، وَالْهُداةُ إِلی راههای شناخت خداوند عزّوجلّ و کسب پاداش، و هدایت خَلِیقَتِهِ، وَالْأَعْلامُ فِی بَرِیَّتِهِ، وَالسُّفَراءُ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ خَلْقِهِ، وَأَوْتادُهُ و پرچم‌های راهنمایی خلق و واسطه‌های میان مخلوق و اوتاد فِی أَرْضِهِ، وَخُزّانُهُ عَلی عِلْمِهِ، وَأَنْصارُ کَلِمَةِ التَّقْوی وَمَعالِمُ زمین و گنجینه‌های علم، و یاوری رسانان مردم برای کسب تقوا و

راهنمایان ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۳۰۲ سُبُلِ الْهُـدی وَمَفْزَعُ الْعِبادِ اذَا اخْتَلَفُوا، وَ الـدَّالُّونَ عَلَی الْحَقِ إذا راه هدایت و مرجع حلّ اختلافات، و ارائه دهنـدگان حق در تَنازَعُوا، وَالنُّجُومُ الَّتِی بِکُمْ یُهْتَـدی وَبِأَقْوالِکُمْ وَأَفْعالِکُمْ منازعات، و سـتارگانی که به وسیله شمـا هـدایت و به گفتار و کردارتان یُقْتَـدی وَبِفَضْـلِکُمْ نَطَقَ الْقُرْآنُ، وَبِولایَتِکُمْ کَمُلَ الـدِّینُ عمل کرد و قرآن در فضیلت‌تان سـخن گفته و بـا ولایتتان دین و ایمان به وَالْإِیمانُ، وَإِنَّکُمْ عَلی مِنْهاجِ الْحَقِ، وَمَنْ خالَفَکُمْ عَلی مِنْهاجِ کمال رسـیده، و شـمایید که در طریق حق قرار داریـد و مخالفانتـان در راه الْباطِلِ، وَأَنَّ اللَّهَ أَوْدَعَ قُلُوبَکُمْ أَسْـرارَ الْغُیُوبِ وَمَقادِیرَ باطل، و خداونـد به دلهایتان اسـرار غیب و مقـدرات الْخُطُوبِ، وَأَوْفَدَ إِلَیْکُمْ تَأْیِیـدَ السَّکِینَةِ وَطُمَأْنِینَةَ الْوَقـارِ، وَجَعَلَ مهمّ را سپرده است و آرامش و طمأنینه و وقار به شـما عطا فرموده، و دیـدگانتان أَبْصارَکُمْ مَأْلِفاً لِلْقُـدْرَةِ، وَأَرْواحَکُمْ مَعادِنَ لِلْقُـدْسِ، فَلا یَنْعَتُکُمْ را تیز و نیرومند و روح‌هایتان را کانون قداسـت سـاخته، حق توصیف‌تان را إِلَّا الْمَلائِکَـةُ، وَلا یَصِـفُکُمْ إِلَّا الرُّسُـلُ، أَنْتُمْ امَناءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ، جز فرشـتگان و پیامبران نتواننـد ادا کننـد، شماییـد امنا و اولیای الهی، وَعِبادُهُ لِلْقُـدْسِ وَأَصْـفِیاؤُهُ، وَأَنْصارُ تَوْحِیدِهِ، وَأَرْکانُ تَمْجِیدِهِ، و بندگان مقدس و برگزیدگان او و یاوران توحیـد و ارکان تمجید ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۰۳ وَدَعائِمُ تَحْمِیـدِهِ، وَدُعاتُهُ إِلی دِینِهِ، وَحَرَسَةُ خَلائِقِهِ، وَحَفَظَةُ و پایه‌های تحمید و فراخوانان به دین و پاسداران خلق، و نگهبانان شَـرائِعِهِ، وَأَنَا اشْـهِدُ اللَّهَ خالِقِی، وَاشْهِدُ مَلائِکَتَهُ وَأَنْبِیاءَهُ وَرُسُلَهُ، شریعت او، و من آفریدگارم و فرشـتگان و پیامبرانش وَاشْـهِدُکُمْ أَنِی مُؤْمِنٌ بِکُمْ، مُقِرٌّ بِفَضْـلِکُمْ، مُعْتَقِدٌ لِامامَتِکُمْ، و شـما (امامان) را گواه می‌گیرم کـه به شـما ایمـان دارم و به فضـیلتتان اقرار و به امامتتـان معـترف مُؤْمِنٌ بِعِصْـمَتِکُمْ، خـاضِعٌ لِوِلا یَتِکُمْ، مُتَقَرِّبٌ إِلَی اللَّهِ سُـبْحانَهُ و به عصـمت‌تان مؤمن و به ولایت‌تـان خـاضع می‌بـاشم و بـا دوستی شـما و بِحُبِکُمْ، وَبِالْبَراءَةِ مِنْ أَعْـدائِکُمْ، عـالِمٌ بِأَنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلالُهُ قَدْ دشـمنی دشـمنانتان به خداونـد سبحان تقرّب‌می‌جویم، و به اینکه خدای بزرگ شما طَهَّرَکُمْ مِنَ الْفَواحِشِ ماظَهَرَ مِنْهاوَمابَطَنَ، وَمِنْ کُلِ رَیْبَةٍ وَ رَجاسَةٍ را از گناهان آشـکار و نهان و از هر پلیدی و پستی پاکتان داشـته وَدَنائَةٍ وَنَجاسَةٍ، وَأَعْطاکُمْ رایَةَ الْحَقِّ، الَّتِی مَنْ تَقَدَّمَها ضَلَّ، آگاه می‌باشم و شـما را پرچمـدار حق ساخته، پیشـی گزیـده بر آن گمراه وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْها ذَلَّ، وَفَرَضَ طاعَتَکُمْ وَمَوَدَّتَکُمْ عَلی کُلِ و تخلّف کننده از آن خوار می‌باشد، و اطاعتتان را بر هر أَسْوَدَ وَأَبْیَضَ مِنْ عِبادِهِ، فَصَـلَواتُ اللَّهِ عَلی أَرْواحِکُمْ سیاه و سـفیدی از بنـدگان لازم گردانیـده، درودهای الهی بر روح‌ها و ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۳۰۴ وَأَجْسادِکُمْ». پیکرهای شـما باد.» آنگاه بگو: «السَّلامُ عَلی أَبِی مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍ، سَیِدِ شَبابِ أَهْلِ «سـلام بر ابی محمّـد حسن بن علی سـرور جوانان الْجَنَّةِ، السَّلامُ عَلی أَبِی الْحَسَنِ عَلِی بْنِ الْحُسَـیْنِ زَیْنِ الْعابِدِینَ، بهشت، سـلام بر ابی الحسن علی بن الحسـین زینت عابدان، السَّلامُ عَلی أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍ بـاقِرِ عِلْمِ الـدِّینِ، السَّلامُ سـلام بر ابی جعفر محمّـد بن علی شـکافنده دانش دینی، سـلام عَلی أَبِی عَبْدِاللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْأَمِینِ، وَرَحْمَـةُ اللَّهِ بر ابی عبـد اللَّه جعفر بن محمّد صادق و امین، و رحمت و برکات وَبَرَکاتُهُ، بِأَبِی أَنْتُمْ وَأُمّی، لَقَدْ رُضِـعْتُمْ ثَدْیَ الْإِیمانِ، وَرُبِیتُمْ فِی او بر شـما، پدر و مادرم فدایتان باد، شـما از پسـتان ایمان تغذیه شدید و در دامان حِجْرِ الْإِسْلامِ، وَاصْطَفاکُمُ اللَّهُ عَلَی النَّاسِ، وَوَرثَکُمْ عِلْمَ اسـلام پرورش یافتیـد و خداونـد شـما را بر مردمـان برگزیـد، و دانش قرآن به الْکِتابِ، وَعَلَّمَکُمْ فَصْـلَ الْخِطابِ، وَأَجْری فِیکُمْ مَوارِیثَ شما بخشید، و فصل الخطاب به شما آموخت و در میان شما میراث‌های ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۰۵ النُّبُوَّةِ، وَفَجَّرَ بِکُمْ یَنـابِیعَ الْحِکْمَـةِ، وَالْزَمَکُمْ بِحِفْـظِ الشَّرِیعَـةِ، پیـامبری جـاری ساخت، و چشـمه‌های حکمت به وسیله شـما جوشـید، و شـما را حافظـان شـریعت قرار داد وَفَرَضَ طاعَتَکُمْ وَمَوَدَّتَکُمْ عَلَی النَّاسِ، السَّلامُ عَلَی الْحَسَنِ و اطاعت و محبّت شـما را بر مردم واجب ساخت. سـلام بر حسن ابْنِ‌عَلِیٍ، خَلِیفَةِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ، الْإِمامِ الرَّضِـیِ الْهادِی الْمَرْضِـیِ، بن علی، جانشـین امیر مؤمنان امام پسـندیده، هدایتگر، عَلَمِ الدِّینِ وَإِمامِ الْمُتَّقِینَ، الْعامِلِ بِالْحَقِ وَالْقائِمِ بِالْقِسْطِ، أَفْضَلَ پرچم بر افراشته دین، پیشوای پرهیزکاران عامل به حق و قائم به عدل، بهترین، وَأَطْیَبَ وَازْکی وَأَنْمی ما صَلَّیْتَ عَلی أَحَدٍ مِنْ أَوْلِیائِکَ پاکیزه‌ترین و بالنده‌ترین درودهایی که به یکی از اولیـا و برگزیـدگان و محبّانت وَأَصْـفِیائِکَ وَ أَحِبَّائِکَ، صَـلاةً تُبِیضُ بِها وَجْهَهُ، وَتُطَیِبُ بِها می‌فرستی، درودی که مایه روسـفیدی، و طراوت رُوحَهُ، فَقَدْ لَزِمَ عَنْ آبـائِهِ الْوَصِـیَّةَ، وَدَفَعَ عَنِ الْإِسْـلامِ الْبَلِیَّةَ، روح او گردد، او به وصیت پـدرانش پـای بنـد بـود و از اسـلام

گرفتاری‌ها را دفع نمود، فَلَمَّا خافَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ الْفِتَنَ رَکَنَ إِلَی الَّذِی إِلَیْهِ رَکَنَ، وَکانَ و به خاطر بیمناک بودن از گرفتاری مؤمنان به آنچه واقع شـد تن داد، و از بِما أَتاهُ اللَّهُ عالِماً، وَبِدِینِهِ قائِماً، فَأَجْزِهِ اللَّهُمَّ جَزاءَ الْعارِفِینَ، پیش به آن حادثه آگاه بود، و در دینش استوار، پس خداوندا! او را پاداش عارفان عنایت فرما ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۰۶ وَصَلِ عَلَیْهِ فِی الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ، وَبَلِغْهُ مِنَّا السَّلامَ، وَارْدُدْ و درود فرست بر او در اولین و آخرین و سلام ما را به او ابلاغ کن و سلام عَلَیْنا مِنْهُ السَّلامَ، بِرَحْمَتِکَ یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ. اللَّهُمَّ صَلِ عَلَی او را در پاسخ او به ماباز گردان برحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان. خداوندا درود فرست بر الْإِمامِ الْوَصِیِ، وَالسَّیِدِ الرَّضِیِ، وَالْعابِدِ الْأَمِینِ، عَلِیِ بْنِ امام (سجّاد) وصّی امام (پیشین) و سرور پسندیده، و عابد امین علی بن الْحُسَیْنِ زَیْنِ الْعابِدِینَ، امام الْمُؤْمِنِینَ، وَوارِثِ عِلْمِ النَّبِیِینَ، الحسین زین العابدین امام مؤمنان و وارث علم پیامبران، اللَّهُمَّ اخْصُصْهُ بِما خَصَصْتَ بِهِ أَوْلِیاءَکَ مِنْ شَرائِفِ رِضْوانِکَ، خداوندا! به او اختصاص ده به آنچه به اولیایت اختصاص داده‌ای از وَکَرائِمِ تَحِیَّاتِکَ، وَنَوامِی بَرَکاتِکَ، فَلَقَدْ بَلَّغَ فِی عِبادِهِ، وَنَصَحَ تحیّات گرامی‌ات و از برکات فزاینده‌ات، که او در میان بندگانت تبلیغ کرد و در اطاعت لَکَ فِی طاعَتِهِ، وَسارَعَ فِی رِضاکَ، وَسَلَکَ بِالْامَّةِ طَرِیقَ اخلاص داشت و در جلب رضایتت شناخت و راه هدایتت را هُداکَ، وَقَضی ما کانَ عَلَیْهِ مِنْ حَقِکَ فِی دَوْلَتِهِ، وَأَدّی ما به امت نمود و حقی را که از تو بر ذمه داشت به انجام رساند و آنچه بر او وَجَبَ عَلَیْهِ فِی وِلایَتِهِ، حَتَّی انْقَضَتْ أَیَّامُهُ، وَکانَ بِشِیعَتِهِ واجب بود ادا نمود تا آنگاه که روزگار عمرش به پایان رسید، و او نسبت به پیروانش ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۰۷ رَؤُوفاً، وَبِرَعِیَّتِهِ رَحِیماً. اللَّهُمَّ بَلِغْهُ مِنَّا السَّلامَ، وَارْدُدْ مِنْهُ عَلَیْنا رؤوف و به رعیت مهربان بود، خداوندا! از ما به او سلام و سلام او را به ما السَّلامَ، وَالسَّلامُ عَلَیهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ. اللَّهُمَّ وَصَلِ عَلَی بازگردان و سلام و رحمت و برکات الهی بر او باد، خداوندا! درود فرست بر الْوَصِیِ الْباقِرِ، وَالْإِمامِ الطَّاهِرِ، وَالْعَلَمِ الظَّاهِرِ، مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍ، وصّی (او) باقر؛ امام پاک و پرچم آشکار؛ محمّد بن علی؛ أَبِی جَعْفَرِ الْباقِرِ. اللَّهُمَّ صَلِ عَلی وَلِیِکَ، الصَّادِعِ بِالْحَقِ، أبی جعفر باقر، خداوندا! درود فرست بر ولیّت؛ آشکار کننده حق، وَالنَّاطِقِ بِالصِدْقِ، الَّذِی بَقَرَالْعِلْمَ بَقْراً وَبَیَّنَهُ سِرّاً وَجَهْراً، وَقَضی و گوینده صادق، آنکه علم را شکافت و آن را در نهان و آشکار تبیین نمود، و حقّی را که بِالْحَقِ الَّذِی کانَ عَلَیْهِ، وَأَدَّی الْأَمانَةَ الَّتِی صارَتْ إِلَیْهِ، وَأَمَرَ بر عهده داشت به انجام رساند و امانتی که به او رسیده بود ادا کرد و به طاعت بِطاعَتِکَ، وَنَهی عَنْ مَعْصِیَتِکَ. اللَّهُمَّ فَکَما جَعَلْتَهُ نُوراً تو دستور و از معصیتت نهی کرد، خداوندا! چنانچه او را نوری قرار دادی یَسْتَضِیُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ، وَفَضْلًا یَقْتَدِی بِهِ الْمُتَّقُونَ، فَصَلِ عَلَیْهِ که مؤمنان از آن نورانی گردند، و به فضایل او اقتدا نمایند پس بر او وَعَلی آبائِهِ الطَّاهِرِینَ، وَأَبْنائِهِ الْمَعْصُومِینَ، أَفْضَلَ الصَّلاةِ و بر پدران پاکش وفرزندان معصومش، بهترین و کاملترین ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۰۸ وَأَجْزَلَها، وَأَعْطِهِ سُؤْلَهُ وَغایَةَ مَأْمُولِهِ، وَأَبْلِغْهُ مِنَّا السَّلامَ، وَارْدُدْ درود را بفرست، و او را به خواسته و نهایت آرزویش برسان و سلاممان را به او ابلاغ و سلام عَلَیْنا مِنْهُ السَّلامَ، وَالسَّلامُ عَلَیْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ. اللَّهُمَّ او را به ما بازگردان، سلام و رحمت و برکات الهی بر او باد. خداوندا! وَصَلِ عَلَی الْإِمامِ الْهادِی، وَصِیِ الْأَوْصِیاءِ، وَوارِثِ عِلْمِ درود فرست بر امام هادی، وصّی اوصیاء و وارث علم الْأَنْبِیاءِ، عَلَمِ الدِّینِ، وَالنَّاطِقِ بِالْحَقِ الْیَقِینِ، وَأَبِی الْمَساکِینِ، انبیا؛ پرچم برافراشته دین و گوینده حقّ به طور یقین؛ پدر بیچارگان؛ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْأَمِینِ. اللَّهُمَّ فَصَلِ عَلَیْهِ کَما عَبَدَکَ جعفر بن محمّد صادق امین، خداوندا! چنانچه ترا خالصانه مُخْلِصاً وَأَطاعَکَ مُخْلِصاً مُجْتَهِداً، وَاجْزِهِ عَنْ إِحْیاءِ سُنَّتِکَ عبادت و اطاعت کرد و در اطاعتت کوشید، پس بر او درود فرست، و به خاطر احیای سنّت وَاقامَةِ فَرائِضِکَ خَیْرَ جَزاءِ الْمُتَّقِینَ، وَأَفْضَلَ ثَوابِ الصَّالِحِینَ، و اقامه واجباتت بهترین پاداشی که به پرهیزکاران و شایستگان می‌دهی به او عنایت فرما، وَخُصَّهُ مِنَّا بِالسَّلامِ، وَارْدُدْ عَلَیْنا مِنْهُ السَّلامَ، وَالسَّلامُ عَلَیْهِ و سلامش را به ما بازگردان سلام و رحمت وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ». و برکات الهی بر او باد.» ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۰۹

### زیارت امام حسن مجتبی علیه السلام

«السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ رَسُولِ رَبِ الْعالَمِینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ «سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای فرستاده پروردگار عالمیان

أَمِیرِالْمُؤْمِنِینَ، السَّلامُ‌عَلَیْکَ یَاابْنَ فاطِمَهَ الزَّهْراءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ سـلام بر تو ای پسـر امیر مؤمنان، سلام بر تو ای پسر فاطمه زهرا، سلام بر تو ای یا حَبِیبَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفْوَهَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا أَمِینَ حبیب خدا، سلام بر توای برگزیده خدا، سلام بر تو ای امین اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا نُورَ اللَّهِ، خـدا، سـلام بر تو ای حجت خدا، سـلام بر تو ای نور خدا، السَّلامُ عَلَیْکَ یا صِراطَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا بَیانَ حُکْمِ اللَّهِ، سـلام بر تو ای صـراط الهی، سـلام بر تو ای زبان حکم الهی، السَّلامُ عَلَیْکَ یا ناصِرَ دِینِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا السَّیِّدُ سـلام بر تو ای یاور خدا، سـلام بر تو ای سرور الزَّکِیُّ، السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْبَرُّ الْوَفِیُّ، السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْقـائِمُ پاکیزه، سـلام بر تو ای نیکوکار متّقی، سـلام بر تو ای قائم ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۳۱۰ الْأَمِینُ، السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْعالِمُ بِالتَّأْوِیلِ، السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا امین، سـلام بر تو دانای بر تنزیل (قرآن) سـلام بر تو ای الْهادِی الْمَهْدِیُّ، السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الطَّاهِرُ الزَّکِیُّ، السَّلامُ هادی و مهدی، سـلام سلام بر تو ای پرهیزکارِ پاکیزه، سلام بر تو ای عَلَیْکَ أَیُهَا التَّقِیُّ النَّقِیُّ، السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْحَقُّ الْحَقِیقُ، پاک و پاکیزه، سـلام بر تو ای حقیقت اصـیل، السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الصِدِّیقُ الشَّهِیدُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا أَبا سـلام بر تو ای صدّیق شهید، سلام بر تو ای ابا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ». محمد، حسن بن علی و رحمت و برکات خداوند بر تو باد.»

## زیارت امام زین العابدین علیه السلام

«السَّلامُ عَلَیْکَ یا زَیْنَ الْعابِدِینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا زَیْنَ «سلام بر تو ای زینت عابدان، سلام بر تو ای زینت الْمُتَهَجِدِینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا امامَ الْمُتَّقِینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا شب زنده‌داران، سـلام بر تو ای پیشوای پرهیزکاران، سـلام بر تو ای ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۱۱ وَلِیَّ الْمُسْـلِمِینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا قُرَّهَ عَیْنِ النَّاظِرِینَ الْعارِفِینَ، ولی مسـلمانان، سـلام بر تو ای نور دیـده عارفان، السَّلامُ عَلَیْکَ یا وَصِیَّ الْوَصِیینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا خازِنَ وَصایَا سلام بر تو ای وصی اوصیا، سلام بر تو ای خزانه‌دار وصایای الْمُرْسَلِینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا ضَوْءَ الْمُسْتَوْحِشِینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ فرسـتادگان الهی، سـلام بر تو ای نور بیمناکان، سـلام بر تو یا نُورَ الْمُجْتَهِـدِینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا سِراجَ الْمُرْتاضِینَ، السَّلامُ ای نور کوشـندگان عابـد، سـلام بر تو ای چراغ روشـنایی بخش ریـاضت کشـان، سـلام عَلَیْکَ یا ذَخِیرَهَ الْمُتَعَبِدِینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مِصْباحَ الْعالَمِینَ، بر تو ای زاد و ذخیره عابدان، سـلام بر توی ای چراغ فروزان جهانیان، السَّلامُ عَلَیْکَ یا سَفِینَهَ الْعِلْمِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا سَکِینَهَ الْحِلْمِ، سلام بر تو ای کشتی دانش، سلام بر تو ای آرامش‌بخش و بردبار و حلیم، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مِیزانَ الْقِصاصِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا سَفِینَهَ سـلام بر تو ای مشـخص کننـده قصاص، سـلام بر تو ای کشتی الْخَلاصِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا بَحْرَ النَّدی السَّلامُ عَلَیْکَ یا بَدْرَ اخلاص، سـلام بر تو ای دریای بخشـش، سـلام بر تو ای ماه تابان الـدُّجی السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْأَوَّاهُ الْحَلِیمُ، السَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا شب تار سـلام بر تو ای مرد دعا و بردباری سـلام بر تو ای ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۳۱۲ الصَّابِرُ الْحَکِیمُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا رَئِیسَ الْبَکَّائِینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ شـکیبای حکیم، سلام بر تو ای سـرور گریه کنندگان، سـلام بر تو یامِصْباحَ الْمُؤْمِنِینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا أَبا مُحَمَّدٍ، أَشْهَدُ ای چراغ هـدایت مؤمنان، سـلام بر تو ای مولایم ای ابا محمّد، گواهی می‌دهم أَنَّکَ حُجَّهُ اللَّهِ وَابْنُ حُجَّتِهِ وَأَبُو حُجَجِهِ، وَابْنُ أَمِینِهِ وَابْنُ امَنائِهِ، که تویی حجت خدا و فرزند و پسر حجت خدا و پسر امین او و فرزند امنـای الهی، وَأَنَّکَ ناصَحْتَ فِی عِبـادَهِ رَبِّکَ، وَسـارَعْتَ فِی مَرْضـاتِهِ، تو در عبـادت پروردگـارت خالصـانه کوشـیدی و برای جلب خوشـنودیش شـتافتی وَخَیَّبْتَ أَعْداءَهُ، وَسَرَرْتَ أَوْلِیاءَهُ، أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ عَبَدْتَ اللَّهَ و دشمنانش را مأیوس و اولیائش را مسرور ساختی، گواهی می‌دهم که تو حق حَقَّ عِبـادَتِهِ، وَاتَّقَیْتَهُ حَقَّ تُقاتِهِ، وَأَطَعْتَهُ حَقَّ طاعَتِهِ، حَتّی اتیکَ عبادت الهی گزاردی، و حق تقوا و اطاعتش را بجـای آوردی تـا آنگـاه که الْیَقِینُ، فَعَلَیْکَ یـا مَوْلایَ یَاابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَفْضَلَ التَّحِیَّهِ، درگـذشتی، پس بر تو باد ای مولای من ای فرزند رسول خدا برترین درود وَالسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ». و سـلام و رحمت و برکات الهی.» ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۱۳

## زیارت امام محمّد باقر علیه السلام

«السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْباقِرُ بِعِلْمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا «سلام بر تو ای شکافنده علم الهی، سلام بر تو ای الْفاحِصُ عَنْ دِينِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُبَيِّنُ لِحُكْمِ اللَّهِ، تحقیق کننده دین الهی، سلام بر تو ای تبیین کننده حکم خدا، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقائِمُ بِقِسْطِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاصِحُ سلام بر تو ای قائم به قسط و عدل الهی، سلام بر تو ای پند دهنده لِعِبادِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ بندگان خدا، سلام بر تو ای فراخوان مردم بسوی خدا، سلام بر تو أَيُّهَا الدَّلِيلُ عَلَى اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَبْلُ الْمَتِينُ، السَّلامُ ای راهنمای به سوی خدا، سلام بر تو ای ریسمان (واسطه) استوار، سلام عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَضْلُ الْمُبِينُ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النُّورُ السَّاطِعُ، بر تو ای فضیلت آشکارا، سلام بر تو ای نور درخشان، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَدْرُ اللَّامِعُ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ سلام بر تو ای ماه تابان، سلام بر تو ای حق ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۱۴ الْأَبْلَجُ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السِّراجُ الْأَسْرَجُ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا روشن، سلام بر تو ای چراغ فروزان، سلام بر تو ای النَّجْمُ الْأَزْهَرُ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْكَوْكَبُ الْأَبْهَرُ، السَّلامُ عَلَيْكَ ستاره تابناک، سلام بر تو ای اختر نورافشان، سلام بر تو أَيُّهَا الْمُنَزَّهُ عَنِ الْمُعْضَلاتِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَعْصُومُ مِنَ ای منزّه از درماندگی، سلام بر تو ای مصون از الزَّلّاتِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الزَّكِيُّ فِي الْحَسَبِ، السَّلامُ عَلَيْكَ لغزش‌ها، سلام بر تو ای پاکیزه حَسَب، سلام بر تو أَيُّهَا الرَّفِيعُ فِي النَّسَبِ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَصْرُ الْمَشِيدُ، ای والا نَسَب، سلام بر تو ای کاخ فرازمند، السَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللَّهِ عَلى خَلْقِهِ أَجْمَعِينَ، أَشْهَدُ يا مَوْلايَ سلام بر تو ای حجت الهی بر همه خلق، گواهی می‌دهم ای مولایم أَنَّكَ قَدْ صَدَعْتَ بِالْحَقِ صَدْعاً، وَبَقَرْتَ الْعِلْمَ بَقْراً، وَنَثَرْتَهُ نَثْراً، که تو حق را به خوبی آشکار ساختی و علم را به حقیقت شکافتی و آن را منتشر ساختی لَمْ تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةُ لائِمٍ، وَكُنْتَ لِدِينِ اللَّهِ مُكاتِماً، و در راه خدا از سرزنش سرزنشگران نهراسیدی و اسرار دین الهی را پنهان داشتی وَقَضَيْتَ ما كانَ عَلَيْكَ، وَأَخْرَجْتَ أَوْلِياءَكَ مِنْ وِلايَةِ غَيْرِ اللَّهِ و وظیفه‌ات را به انجام رساندی، و دوستانت را از ولایت غیر خدا ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۱۵ إِلى وِلايَةِ اللَّهِ، وَأَمَرْتَ بِطاعَةِ اللَّهِ، وَنَهَيْتَ عَنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ، به ولایت خدا سوق دادی، و به اطاعت الهی دستور و از معصیتش نهی نمودی حَتّى قَبَضَكَ اللَّهُ إِلى رِضْوانِهِ، وَذَهَبَ بِكَ إِلى دارِ كَرامَتِهِ، تا آنگاه که خداوند ترا به سوی روضه رضوان و سرای کرامت وَإِلى مَساكِنِ أَصْفِيائِهِ، وَمُجاوِرَةِ أَوْلِيائِهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ و جایگاه برگزیدگان و جوار اولیائش برد، سلام و رحمت و اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ». برکات الهی بر تو.»

## زیارت امام صادق علیه السلام

«السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمامُ الصَّادِقُ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا «سلام بر تو ای امام راستین، سلام بر تو ای الْوَصِيُّ النَّاطِقُ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفائِقُ الرَّائِقُ، السَّلامُ عَلَيْكَ وصیّ ناطق، سلام بر تو ای مصلح برتر، سلام بر تو أَيُّهَا السَّنامُ الْأَعْظَمُ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِراطُ الْأَقْوَمُ، السَّلامُ ای بزرگ بزرگان، سلام بر تو ای صراط استوار، سلام ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۱۶ عَلَيْكَ يا مِصْباحَ الظُّلُماتِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا دافِعَ الْمُعْضَلاتِ، بر تو ای چراغ تاریکی‌ها، سلام بر تو ای دفع کننده مشکلات، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مِفْتاحَ الْخَيْراتِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَعْدِنَ سلام بر تو ای کلید خیرات، سلام بر تو ای معدن الْبَرَكاتِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ الْحُجَجِ وَالدَّلالاتِ، السَّلامُ برکات، سلام بر تو که دارنده حجت‌ها و دلایلی، سلام عَلَيْكَ يا صاحِبَ الْبَراهِينَ الْواضِحاتِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ناصِرَ بر تو ای صاحب برهان‌های آشکار، سلام بر تو ای یاور دِينِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا ناشِرَ حُكْمِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا دین خدا، سلام بر تو ای ناشر حکم خدا، سلام بر تو ای فاصِلَ الْخَطاباتِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا كاشِفَ الْكُرُباتِ، السَّلامُ داور در امور مهم، سلام بر تو ای برطرف کننده اندوهها، سلام عَلَيْكَ يا عَمِيدَ الصَّادِقِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا لِسانَ النَّاطِقِينَ، بر تو ای مورد اعتماد راستگویان، سلام بر تو ای زبان گویندگان، السَّلامُ عَلَيْكَ يا خَلَفَ الْخائِفِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا زَعِيمَ سلام بر تو ای جانشین بیمناکان، سلام بر تو ای رهبر الصَّادِقِينَ الصَّالِحِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ، السَّلامُ راستگویان صالح، سلام بر تو ای سرور مسلمانان، سلام ادعیه و زیارات مدینه

منوره، ص: ۳۱۷ عَلَيْكَ يا هادِيَ الْمُضِلِّينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا سَكَنَ الطّائِعِينَ، بر تو ای هدایتگر گمراهان، سلام بر تو ای آرامش مطیعان، أَشْهَدُ يا مَوْلايَ إِنَّكَ عَلَى الْهُدى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقى وَشَمْسُ گواهی می‌دهم ای مولایم که تو در مسیر هدایتی ریسمان مستحکم، خورشید الضُّحى وَبَحْرُ الْمَدى وَكَهْفُ الْوَرى وَالْمَثَلُ الْأَعْلى صَلَّى نیمه روز، دریای کرم، پناهگاه مردم و الگوی برتر می‌باشی، درود اللَّهُ عَلى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، والسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْعَبّاسِ عَمِ بر روان و پیکرت و سلام بر تو و بر عباس عموی رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وآلِهِ وَسَلَّمَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ». رسول خدا که درود و رحمت و برکات خدا بر او باد.»

## زیارت وداع ائمّه بقیع علیهم السلام

مرحوم شیخ طوسی و سیّد بن طاوس گفته‌اند که چون خواستی ائمّه بقیع را وداع کنی، بگو: «السَّلامُ عَلَيْكُمْ أَئِمَّةَ الْهُدى وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكُمُ اللَّهَ «سلام و رحمت و برکات خدا بر شما ای پیشوایان هدایت شما را به خدا ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۱۸ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمُ السَّلامَ، آمَنّا باللَّهِ وَبالرَّسُولِ وَبِما جِئْتُم بِهِ می‌سپارم و درود وداع به شما عرضه می‌دارم، و ایمان دارم به خداوند و پیامبر و به آنچه که آورده‌اید، وَدَلَلْتُمْ عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِينَ». و راهنمایی کردید بر آن. خدایا! مرا از جمله شاهدان قرار ده.» پس دعا بسیار کن، و از خداوند بخواه‌که باردیگر زیارت ایشان را نصیب تو گرداند، و این آخرین زیارت تو نباشد.

## زیارت عبّاس بن عبدالمطّلب علیهما السلام

عباس بن عبدالمطّلب، عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مقامی والا دارد، و در راه اسلام فداکاری‌های بسیار کرده و از حامیان رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده، که قبر او در قبرستان بقیع است. در مفتاح الجنّات این زیارت برای آن بزرگوار نقل شده است: «السَّلامُ عَلَيْكَ ياعَبّاسُ بْنُ عَبْدِالْمُطَّلِبِ، السَّلامُعَلَيْكَ يا عَمَّ «سلام بر تو ای عباس پسر عبدالمطّلب، سلام بر تو ای رَسُولِاللَّهِ، السَّلامُعَلَيْكَ يا صاحِبَالسِّقايَةِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ». عموی رسول خدا، سلام بر تو ای ساقی حجاج و رحمت و برکات الهی بر تو باد.»

## زیارت مادر گرامی امیرالمؤمنین علیهما السلام

زیارت فاطمه بنت اسد مادر گرامی امیرالمؤمنین علیهما السلام فاطمه بنت اسد، از زنان عالی مقام و مورد احترام خاصّ رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، و فرزندی هم چون علیّ‌بن ابی‌طالب علیه السلام به دنیا آورد. قبر ایشان نزدیک قبور ائمّه بقیع است، لکن بعضی گفته‌اند قبر آن مخدّره نزدیک قبر حلیمه سعدیّه دایه پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد. نزد قبر آن بانوی مجلّله می گویی: «السَّلامُ عَلى نَبِيِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلى «سلام بر پیامبر خدا سلام بر رسول خدا سلام بر مُحَمَّدٍ سَيِدِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلامُ عَلى مُحَمَّدٍ سَيِدِ الْأَوَّلِينَ، السَّلامُ محمد آقای رسولان سلام برمحمد آقای اولین، سلام عَلى مُحَمَّدٍ سَيِدِ الْآخِرِينَ، السَّلامُ عَلى مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً بر محمد آقای آخرین سلام بر کسی که خدا برانگیختش رحمت لِلْعالَمِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ، السَّلامُ برای جهانیان سلام و رحمت خدا و برکاتش بر تو ای پیغمبر سلام ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۲۰ عَلى فاطِمَةَ بِنْتِ اسَدٍ الْهاشِمِيَّةِ، السَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا الصِدِّيقَةُ بر فاطمه دختر اسد آن بانوی هاشمی سلام بر تو ای راستگوی الْمَرْضِيَّةُ، السَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلامُ عَلَيْكِ أَيَّتُهَا پسندیده سلام بر تو ای بانوی پرهیزکار پاکیزه سلام بر تو ای الْكَرِيمَةُ الرَّضِيَّةُ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا كافِلَةَ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيينَ، بانوی بزرگوار و خوشنود از حق سلام بر تو ای کفالت کننده محمد خاتم پیمبران السَّلامُ عَلَيْكِ يا والِدَةَ سَيِدِ الْوَصِيينَ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا مَنْ سلام بر تو ای مادرِ بزرگِ اوصیایِ الهی، سلام بر تو ای که ظَهَرَتْ شَفَقَتُها عَلى رَسُولِ اللَّهِ خاتَمِ النَّبِيينَ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا آشکار شد مهرت نسبت به رسول خدا خاتم پیمبران سلام بر تو ای مَنْ تَرْبِيَتُها لِوَلِيِ اللَّهِ

الْأَمِینِ، السَّلامُ عَلَیْکِ وَعَلی رُوحِکِ که به او تفویض شد تربیت ولی‌اللّه امین سـلام بر تو و بر روح تو وَبَدَنِکِ الطّاهِرِ، السَّلامُ عَلَیْکِ وَعَلی وَلَدِکِ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ و بدن پاکت سلام بر تو و بر فرزندت و رحمت خدا وَبَرَکاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّکِ أَحْسَنْتِ الْکَفالَهَ، وَأَدَّیْتِ الْأَمانَهَ، و برکـاتش گواهی دهم که براستی تو بخوبی کفـالت کردی و حق امـانت را ادا کردی وَاجْتَهَدْتِ فِی مَرْضـاهِْ اللَّهِ، وَبالَغْتِ فِی حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ، عارِفَهً و در بدست آوردن موجبات خوشـنودی خدا کوشـش کردی و در نگهداری رسول خدا حد اعلای سـعی خود را مبـذول داشتی در حالی که ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۲۱ بِحَقِهِ، مُؤْمِنَهً بِصِدْقِهِ، مُعْتَرِفَهً بِنُبُوَّتِهِ، مُسْتَبْصِرَهً بِنِعْمَتِهِ، کافِلَهً به حق او آشـنا و به‌راسـتگوئیش ایمـان داشتی و به نبوتش معترف و به نعمتش بینـا و آشـنا بودی و تربیتش بِتَرْبِیَتِهِ، مُشْـفِقَهً عَلی نَفْسِهِ، واقِفَهً عَلی خِدْمَتِهِ، مُخْتارَهً را بعهده گرفتی و نسبت بدان حضـرت مهر ورزیدی و برای خدمتکاریش خود را مهیا کردی و خوشنودیش را اختیار کردی رِضاهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّکِ مَضَیْتِ عَلَی الْإِیمانِ وَالتَّمَسُّکِ بِأَشْرَفِ و گواهی دهم که تو از این جهان رفتی در حالی که به حق ایمـان داشـتی و به بهـترین الْأَدْیـانِ، راضِیَهً مَرْضِیَّهً، طـاهِرَهً زَکِیَّهً، تَقِیَّهً نَقِیَّهً، فَرَضِیَ ادیـان متمسـک گشـته و در حـال خوشـنودی و پسـندیدگی و پاکی و پاکیزگی و پرهیزکاری و دور از هر بدی بودی پس اللَّهُ عَنْکِ وَأَرْضاکِ، وَجَعَلَ الْجَنَّهَ مَنْزِلَکِ وَمَأْواکِ، اللَّهُمَّ صَلِّ خـدا از تو خوشـنود بـاد و خوشـنودت سـازد و بهشت را منزل و مأوایت قرار دهـد خـدایا درود فرست عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْفَعْنِی بِزِیارَتِها، وَثَبِّتْنِی عَلی بر محمـد و آل محمـد و سود ده مرا بوسـیله زیارت این بانوی محترم و ثابتم بـدار مَحَبَّتِها، وَلا تَحرِمْنِی شَفاعَتَها وَشَـفاعَهَ الْأَئِمَّهِ مِن ذُرِّیَّتِها، به دوستیش و محرومم مکن از شفاعت او و شفاعت امامان از نژادش وَارْزُقْنِی مُرافَقَتَها، وَاحْشُرْنِی مَعَهـا وَمَعَ أَوْلادِهَـا الطَّاهِرِینَ، و روزیم کن هم جواریش را و محشور کن مرا با او و با فرزنـدان پاکش اللَّهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْـدِ مِنْ زِیارَتِی إِیَّاها، وَارْزُقْنِی الْعَوْدَ خـدایا قرار مـده این زیارتم را آخرین زیارتم و روزیم گردان آمـدن ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۳۲۲ إِلَیْهـا أَبَـداً مـا أَبْقَیْتَنِی، وَإِذا تَوَفَّیْتَنِی فَاحْشُـرْنِی فِی زُمْرَتِهـا، به زیـارتش را همیشه‌تا زنـده‌ام داری و چون مرا میرانـدی در زمره او محشـورم کـن وَأَدْخِلْنِی فِی شَـفاعَتِها، بِرَحْمَتِـکَ یـا أَرْحَـمَ الرَّاحِمِینَ. اللَّهُمَّ و در شـفاعت او داخلم گردان به رحمتت ای مهربـانترین مهربانان خـدایا بِحَقِّها عِنـدَکَ وَمَنزِلَتِها لَدَیْکَ، اغْفِرلِی وَلِوالِدَیَّ وَلِجَمِیعِ به حقی که این بانوی محترم نزد تو دارد و به مقام و منزلت او در درگـاهت که بیـامرز مرا و پـدر و مـادرم و همه الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنـاتِ، وَآتِنا فِی الـدُّنْیا حَسَـنَهً وَفِی الْآخِرَهِ مردان مؤمن و زنان با ایمـان را و بـده به مـا در دنیـا خوبی و در آخرت حَسَـنَهً، وَقِنا بِرَحْمَتِکَ عَذابَ النَّارِ». نیز خوبی و نگاهمان دار به رحمتت از عـذاب دوزخ.»

### زیارت دختران حضرت رسول صلی الله علیه و آله

رسول خدا صلی الله علیه و آله غیر از فاطمه زهرا علیها السلام دختران دیگری هم به نامهای «زینب»، «امّ کلثوم» و «رقیّه» داشته است که قبرشـان در بقیع می‌باشـد. برای زیارت آنان، نزدیک قبورشان می‌ایستی و به امیـد ثواب، چنین می گویی: ادعیه و زیارات مـدینه منوره، ص: ۳۲۳ «السَّلامُ عَلَیْکَ یـا رَسُولَ رَبِّ الْعـالَمِینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا «سـلام بر تو ای پیامبر پروردگار جهانیان، سـلام بر تو ای صَفْوَهَ جَمِیعِ الْأَنْبِیاءِ وَالْمُرْسَـلِینَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنِ اخْتارَهُ برگزیـده همه پیامبران و رسولان، سـلام و رحمت و برکات خـدا بر توی ای آنکه خداونـد اللَّهُ عَلَی الْخَلْقِ أَجْمَعِینَ، وَرَحْمَـهُ اللَّهِ وَبَرَکـاتُهُ، السَّلامُ عَلی تو را بر تمام آفریـده‌هایش انتخاب کرد، سـلام بر بَناتِ السَّیِّدِ الْمُصْـطَفی السَّلامُ عَلی بَناتِ النَّبِیِ الْمُجْتَبی دختران حضـرت مصـطفی، سـلام بر دختران پیامبر برگزیـده، السَّلامُ عَلی بَناتِ مَنِ اصْـطَفیهُ اللَّهُ فِی السَّماءِ، وَفَضَّلَهُ عَلی سلام بر دختران آنکه خداوند او را در آسمان برگزید و بر خلق جَمِیعِ الْبَرِیَّهِ وَالْوَری السَّلامُ عَلی ذُرِّیَّهِ السَّیِدِ الْجَلِیلِ، مِنْ برتری داد، سـلام بر فرزندان سـرور بزرگوار از نَسْلِ إِسْـماعِیلَ، وَسُلالَهِ إِبْراهِیمَ الْخَلِیلِ، السَّلامُ عَلی بَناتِ نسل اسـماعیل و از فرزندان ابراهیم خلیل، سـلام بر دختران النَّبِیِ الرَّسُولِ، السَّلامُ عَلی اخَواتِ فاطِمَهَ الزَّهْراءِ الْبَتُولِ، پیامبر مرسل، سـلام بر خواهران فـاطمه؛ زهرای بتول السَّلامُ عَلی زَیْنَبَ وَأُمِ کُلْثُومَ وَرُقَیَّهَ، السَّلامُ عَلَی الشَّرِیفاتِ سـلام بر زینب و امّ کلثوم و رقیّه، سـلام بر

بانوان ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۲۴ الْأَحْساب، وَالطَّاهِراتِ الْأَنْساب، السَّلامُ عَلی بَناتِ الْآباءِ والا گهر و پاکیزه نسب، سلام بر دختران پدران الْأَعاظِم، وَسُلالَةِ الْأَجْدادِ الْأَکارِمِ الْأَفاخِم، عَبْدِالْمُطَّلِبِ بزرگوار و فرزندان نیای کریم و بزرگ؛ عبدالمطلب وَعَبْدِمَنافٍ وَهاشِمٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ». و عبد مناف و هاشم و رحمت و برکات خدا بر آنان باد.»

### زیارت عقیل وعبداللَّه فرزند جعفر طیّار علیهما السلام

زیارت جناب عقیل وجناب عبداللَّه فرزند جعفر طیّار علیهما السلام عقیل و جعفر طیّار هر دو برادران علیّ بن ابی طالب هستند. عبداللَّه پسر جعفر طیّار، همسر حضرت زینب علیها السلام است. قبر عقیل و عبداللَّه بن جعفر در بقیع قرار دارد. در زیارت این دو بزرگوار چنین می‌گویی: «السَّلامُ عَلَیْکَ یا سَیِّدَنا یاعَقِیلَ بْنَ ابی‌طالِبِ، السَّلامُ عَلَیْکَ «سلام بر تو ای سرور ما عقیل بن ابی طالب، سلام بر تو ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۲۵ یا ابْنَ عَمِّ رَسُولِ‌اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ عَمِّ نَبِیِّ اللَّهِ، السَّلامُ ای پسر عموی رسول خدا، سلام بر تو ای پسر عموی پیامبر خدا، سلام عَلَیْکَ یَاابْنَ عَمِّ حَبِیبِ‌اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ عَمِ‌الْمُصْطَفی بر تو ای پسر عموی حبیب خدا، سلام بر تو ای پسر عموی حضرت مصطفی، السَّلامُ عَلَیْکَ یا أَخا عَلِیِ الْمُرْتَضی السَّلامُ عَلی عَبْدِاللَّهِ سلام بر تو ای برادر علی مرتضی، سلام بر تو ای عبداللَّه فرزند بْنِ جَعْفَرِالطَّیَّارِ فِی‌الْجِنانِ، وَعَلی مَنْ حَوْلَکُما مِنْ أَصْحابِ جعفر پروازکننده در بهشت، و سلام بر کسانی که اطراف شمایند از اصحاب رسول‌خدا صلی الله علیه و آله رَسُولِ اللَّهِ رَضِیَ‌اللَّهُ تَعالی عَنْکُما وَ أَرْضاکُما أَحْسَنَ الرِّضا، خداوند از شما خوشنود باشد و شما را به بهترین صورت خوشنود سازد و وَ جَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَکُما وَ مَسْکَنَکُما وَ مَحَلَّکُما وَمَأْوِیکُما، بهشت را منزل و مسکن و جایگاه و سر پناهتان قرار دهد، السَّلامُ عَلَیْکُما وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ». سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.»

### زیارت ابراهیم، فرزند رسول اکرم صلی الله علیه و آله

ابراهیم، پسر رسول اللَّه صلی الله علیه و آله در کودکی از دنیا رفت و پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله را داغدار کرد. درگذشت ابراهیم، پیامبر را به شدّت غمگین ساخت و آن حضرت در سوگ فرزند، اشک می‌ریخت و می‌فرمود: «چشم اشک‌فشان است و غمگین، ولی سخنی نمی‌گویم که موجب ناخوشنودی پروردگارمان گردد». «۱» این فرزند، که مورد علاقه شدید پیامبر صلی الله علیه و آله بود، در بقیع به خاک سپرده شد. برای زیارت او، در قبرستان بقیع، نزدیک قبر او می‌ایستی و چنین می‌گویی: «السَّلامُ عَلی رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی نَبِیِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی «سلام بر رسول خدا سلام بر پیامبر خدا سلام بر حَبِیبِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی صَفِیِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلی نَجِیِ اللَّهِ، حبیب خدا سلام به برگزیده خدا سلام بر انتخاب شده خدا ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۲۷ السَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللَّهِ، سَیِدِ الْأَنْبِیاءِ وَخاتَمِ الْمُرْسَلِینَ، سلام بر محمد بن عبداللَّه آقای پیمبران و خاتم رسولان وَخِیَرَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ فِی أَرْضِهِ وَسَمائِهِ، السَّلامُ عَلی جَمِیعِ و برگزیده خدا از خلقش در زمین و آسمانش سلام بر همه أَنْبِیاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلامُ عَلَی الشُّعَداءِ وَ الشُّهَداءِ پیمبران و رسولان سلام بر سعادتمندان و شهیدان وَالصَّالِحِینَ، السَّلامُ عَلَیْنا وَعَلی عِبادِاللَّهِ الصَّالِحِینَ، السَّلامُ و بندگان شایسته حق سلام بر ما و بر بندگان صالح خدا سلام عَلَیْکَ أَیَّتُهَا الرُّوحُ الزَّاکِیَةُ، السَّلامُ عَلَیْکَ أَیَّتُهَا النَّفْسُ الشَّرِیفَةُ، بر تو ای روح پاک سلام بر تو ای جان شریف السَّلامُ عَلَیْکَ أَیَّتُهَا السُّلالَةُ الطَّاهِرَةُ، السَّلامُ عَلَیْکَ أَیَّتُهَا النَّسَمَةُ سلام بر تو ای نسل پاکیزه سلام بر تو ای انسان الزَّاکِیَةُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ خَیْرِ الْوَری السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ پاک سلام بر تو ای فرزند بهترین مردم سلام بر تو ای فرزند النَّبِیِ الْمُجْتَبی السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ الْمَبْعُوثِ إِلی کافَّةِ الْوَری پیامبر برگزیده سلام بر تو ای فرزند برانگیخته شده بسوی عموم مردم السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ الْبَشِیرِ النَّذِیرِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ السِّراجِ سلام بر تو ای فرزند بشیر و نذیر سلام بر تو ای فرزند چراغ ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۲۸ الْمُنِیرِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ الْمُؤَیَّدِ بِالْقُرْآنِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ تابناک سلام بر تو ای فرزند آنکس که بوسیله

قرآن تأیید شد سلام بر تو ای فرزند الْمُرْسَلِ إِلَی الْإِنْسِ وَالْجانِّ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ صاحِبِ الرَّایَةِ آنکس که بسوی انس و جن فرستاده شد سلام بر تو ای فرزند صاحب پرچم وَالْعَلامَةِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ الشَّفِیعِ یَوْمَ الْقِیامَةِ، السَّلامُ عَلَیْکَ و علامت سلام بر تو ای فرزند شفیع در روز قیامت سلام بر تو یَاابْنَ مَنْ حَباهُ اللَّهُ بِالْکَرامَةِ، السَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وبَرَکاتُهُ، ای فرزند آن کس که خدایش مخصوص فرمود به بزرگواری سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ اخْتارَ اللَّهُ لَکَ دارَ إِنْعامِهِ قَبْلَ أَنْ یَکْتُبَ عَلَیْکَ گواهی دهم که براستی خداوند برای تو خانه نعمت خود را انتخاب فرمود پیش از آنکه مقرر و واجب کند برتو أَحْکامَهُ، أَوْ یُکَلِفَکَ حَلالَهُ وَحَرامَهُ، فَنَقَلَکَ إِلَیْهِ طَیباً زاکِیاً احکام خود را یا تکلیف کند تو را به حلال و حرامش پس تو را بدان خانه منتقل فرمود پاک و مبرا مَرْضِیّاً طاهِراً مِنْ کُلِّ نَجَسٍ، مُقَدَّساً مِنْ کُلِّ دَنَسٍ، وَبَوَّأَکَ جَنَّةَ و پسندیده و پاکیزه از هر نجاست و تمیز از هر کثافت و آلودگی و جایت داد الْمَأْوی وَرَفَعَکَ إِلَی الدَّرَجاتِ الْعُلی وَصَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ در بهشت آسایش و بالایت برد به درجات بالا-و درود خدا بر تو صَلاةً تَقَرُّ بِها عَیْنُ رَسُولِهِ، وَتُبَلِغُهُ أَکْبَرَ مَأْمُولِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ درودی که روشن شود بدان دیده رسول خدا و برساندش به بزرگترین آرزویش خدایا قرار ده ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۲۹ أَفْضَلَ صَلَواتِکَ وَأَزْکاها، وَأَنْمی بَرَکاتِکَ وَأَوْفاها، عَلی بهترین درودها و پاکیزه‌ترین آنها و فزاینده‌ترین برکاتش و کاملترین آنها را بر رَسُولِکَ وَنَبِیِّکَ وَخِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیینَ، رسول خود و پیامبرت و برگزیده از خلقت محمد خاتم پیمبران وَعَلی مَنْ نَسَلَ مِنْ أَوْلادِهِ الطَّیبِینَ، وَعَلی ما خَلَّفَ مِنْ عِتْرَتِهِ و بر نسل او از اولاد پاکش و بر یادگاری که بجای گذارد از عترت الطَّاهِرِینَ، بِرَحْمَتِکَ یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ. اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ پاکیزه‌اش به رحمتت ای مهربانترین مهربانان خدایا از تو خواهم به حق مُحَمَّدٍ صَفِیِّکَ، وَإِبْراهِیمَ نَجْلِ نَبِیِّکَ أَنْ تَجْعَلَ سَعْیِی بِهِمْ محمد برگزیده‌ات و به حق ابراهیم فرزند پیامبرت که قرار دهی سعی مرا بدیشان مَشْکُوراً، وَذَنْبِی بِهِمْ مَغْفُوراً، وَحَیاتِی بِهِمْ سَعِیدَةً، وَعاقِبَتِی مورد سپاسگزاری و گناهم را آمرزیده و زندگیم را سعادتمند و عاقبتم بِهِمْ حَمِیدَةً، وَحَوائِجِی بِهِمْ مَقْضِیَّةً، وَأَفْعالِی بِهِمْ مَرْضِیَّةً، را ستوده و حاجاتم را روا شده وکردارم را پسندیده وَأُمُورِی بِهِمْ مَسْعُودَةً، وَشُؤُونِی بِهِمْ مَحْمُودَةً. اللَّهُمَّ وَأَحْسِنْ و کارهایم را مقرون به سعادت و وضعم را مورد پسند و ستوده خدایا و نیکو گردان لِیَ التَّوْفِیقَ، وَنَفِّسْ عَنِی کُلَّ هَمٍّ وَضِیقٍ. اللَّهُمَّ جَنِّبْنِی عِقابَکَ، برایم توفیق را و برطرف کن از من هر اندوه و فشاری را خدایا دور کن مرا از عقاب و شکنجه‌ات و ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۳۰ وَامْنَحْنِی ثَوابَکَ، وَأَسْکِنِی جِنانَکَ، وَارْزُقْنِی رِضْوانَکَ تفضل کن بر من پاداش نیکت را و سکنایم ده در بهشتت و روزیم گردان رضوان وَأَمانَکَ، وَأَشْرِکْ لِی فِی صالِحِ دُعائِی والِدَیَّ وَوُلْدِی وَجَمِیعَ و امنیتت را و شریک گردان با من در دعای شایسته‌ام پدر و مادرم و فرزندانم و همه الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِناتِ، الْأَحْیاءَ مِنْهُمْ وَالْأَمْواتَ، إِنَّکَ وَلِیُّ مؤمنین و مؤمنات را زندگان از ایشان و مردگانشان را که براستی تویی صاحب اختیار الْباقِیاتِ الصَّالِحاتِ، آمِینَ رَبَّ الْعالَمِینَ». اعمال ماندگار و شایسته آمین ای پروردگار جهانیان.»

## زیارت اسماعیل فرزند امام صادق علیهما السلام

اسماعیل، فرزند بزرگ امام صادق علیه السلام بود، و عدّه‌ای از شیعیان پس از امام صادق به امامت او اعتقاد پیدا کردند و به «اسماعیلیّه» معروف شدند، اگر چه خود به امامت برادرش امام موسی کاظم عقیده داشت و مورد احترام آن حضرت بود. در زیارت اسماعیل می گویی: «السَّلامُ عَلی جَدِّکَ الْمُصْطَفی السَّلامُ عَلی أَبِیکَ الْمُرتَضی «سلام بر جدّت (حضرت) مصطفی، سلام بر پدرت (حضرت) مرتضی، ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۳۱ الرِّضا، السَّلامُ عَلَی السَّیِدَیْنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَینِ، السَّلامُ عَلی سلام بر دو سرور (امام) حسن و (امام) حسین، سلام بر خَدِیجَةَ أُمِ الْمُؤْمِنِینَ أُم سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِینَ، السَّلامُ عَلی مادر مؤمنان و مادر بانوی بانوان جهان؛ خدیجه، سلام بر فاطِمَةَ أُمِ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِینَ، السَّلامُ عَلَی النُّفُوسِ الْفاخِرَةِ، بُحُورِ مادر امامان پاک (حضرت) فاطمه، سلام بر جان‌های والا-و دریاهای الْعُلُومِ الزَّاخِرَةِ، شُفَعائِی فِی الْآخِرَةِ، وَ أَوْلِیائِی عِنْدَ عَوْدِ دانش؛ شفیعانم در آخرت و مددکارانم به هنگام

بازگشت الرُّوح إِلَی الْعِظام النَّخِرَهِ، أَئِمَّهِ الْخَلْقِ وَوُلاهِ الْحَقِّ، السَّلامُ عَلَیْکَ روان به استخوان‌های فرسوده؛ پیشوایان راستین و وُلات حق، سلام بر تو أَیُّهَا الشَّخْصُ الشَّرِیفُ، الطّاهِرِ الْکَرِیم، أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، ای شخصیت شریف؛ (امام) پاک و بزرگوار، گواهی می‌دهم که معبودی جز اللّه نیست و اینکه وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَمُصْطَفیهُ، وَأَنَ عَلِیّاً وَلِیُّهُ وَمُجْتَباهُ، وَأَنَّ حضرت محمّد بنده و برگزیده او است و اینکه حضرت علی ولیّ و منتخب او می‌باشد و امامت تا الْإِمامَهَ فِی وُلْدِهِ إِلی یَوْمِ الدِّینِ، نَعْلَمُ ذلِکَ عِلْمَ الْیَقِینِ، وَنَحْنُ قیامت در میان فرزندان (معصوم) او است، و برای ما امری یقینی است و بر این لِذلِکَ مُعْتَقِدُونَ، وَفِی نَصْرِهِمْ مُجْتَهِدُونَ». باوریم و در یاریشان کوشا می‌باشیم.» ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۳۲

## زیارت حلیمه سعدیّه علیها السلام

حلیمه سعدیّه، دایه و مادر رضاعی رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که آن حضرت را در کودکی از عبدالمطّلب (جدّ پیامبر) تحویل گرفت و میان قبیله خود در بیرون مکّه برد، و به او شیر داد و بزرگش کرد. زنی با عاطفه و مهربان که افتخار دایگی پیامبر صلی الله علیه و آله را داشت، و مورد احترام و علاقه حضرت بود. در زیارت آن بانوی عظیم الشّأن چنین می گویی: «السَّلامُ عَلَیْکِ یا أُمَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا أُمَّ «سلام بر تو ای مادر (رضاعی) پیامبر خدا، سلام بر تو ای مادر صَفِیِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا أُمَّ حَبِیبِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکِ یا برگزیده خدا، سلام بر تو ای مادر حبیب خدا، سلام بر تو ای أُمَ الْمُصْطَفی السَّلامُ عَلَیْکِ یامُرْضِعَهَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکِ مادر حضرت مصطفی، سلام بر تو ای دایه رسول خدا، سلام بر تو یا حَلِیمَهَ السَّعْدِیَّهِ، فَرَضِیَ اللَّهُ تَعالی عَنْکِ وَأَرْضاکِ، وَجَعَلَ ای حلیمه سعدیه، خداوند تعالی از تو خوشنود باد و ترا خوشنود سازد، و بهشت الْجَنَّهَ مَنْزِلَکِ وَ مَأْواکِ، وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ». را منزل و پناهگاهتان قرار دهد و رحمت و برکات خدا بر تو باد.»

## زیارت عمّه‌های رسول اکرم صلی الله علیه و آله

قبر این دو بانوی بزرگوار «صفیّه و عاتکه»، دختران عبدالمطّلب و امّ البنین مادر حضرت ابوالفضل علیه السلام در بقیع در کنار هم قرار دارند. صفیّه، زنی شجاع، با کمال و ادیب و شاعر بود، و در آغاز ظهور اسلام مسلمان شد، و با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بیعت کرد، و به مدینه هجرت نمود. در جنگ احُد و خندق هم حاضر بود، و در سال ۲۰ هجری در سن ۷۳ سالگی از دنیا رفت. عاتکه نیز زنی با ایمان بود، و در ردیف صحابه پیامبر قرار داشت، و همراه مسلمانان مهاجر به مدینه هجرت کرد. در زیارت دو عمّه حضرت رسول صلی الله علیه و آله صفیّه و عاتکه می گویی: «السَّلامُ عَلَیْکُما یا عَمَّتَیْ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکُما یا «سلام بر شما دو عمّه رسول خدا، سلام بر شما دو عَمَّتَیْ نَبِیِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَیْکُما یا عَمَّتَیْ حَبِیبِ اللَّهِ، السَّلامُ عمّه پیامبر خدا، سلام بر شما دوعمّه حبیب خدا، سلام ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۳۴ عَلَیْکُما یا عَمَّتَیِ الْمُصْطَفی رَضِیَ اللَّهُ تَعالی عَنْکُما وَجَعَلَ بر شما دو عمّه حضرت مصطفی، خداوند از شما خوشنود باد و بهشت الجَنَّهَ مَنْزِلَکُما وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ». را جایگاهتان قرار دهد و رحمت و برکات خدا بر شما باد.»

## زیارت امّ‌البنین مادر حضرت ابوالفضل علیه السلام

امّ‌البنین، که نامش «فاطمه» دختر حزام است، زنی رشید، شجاع و عارف و فاضل و نجیب و با اخلاص بود که پس از شهادت حضرت زهرا علیها السلام، به همسری امیرالمؤمنین در آمد، و صاحب چهار فرزند رشید به نامهای عباس، عبداللّه، جعفر و عثمان شد که هر چهار نفر در کربلا، در رکاب امام حسین علیه السلام جنگیدند، و شربت شهادت نوشیدند. امّ البنین برای شهدای کربلا و چهار شهید خود در مدینه عزاداری می کرد، و در رثایشان شعر می‌سرود، واز احیاگران یاد کربلا و شهدا بود. در زیارت امّ‌البنین

علیها السـلام می گویی: ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۳۵ «السَّلامُ عَلَيْكِ يا زَوْجَةَ وَلِيِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا زَوْجَةَ «سـلام بر تو ای همسر ولیّ خدا، سلام بر تو ای همسر أَمِيرالْمُؤْمِنِينَ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا أُمَّ الْبَنِينَ، السَّلامُ عَلَيْكِ يا أُمَّ امیر مؤمنان، سلام بر تو ای امّ البنین، سـلام بر تو ای مـادر الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرالْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِى طالِبٍ، رَضِىَ اللَّهُ تَعالى عَنْكِ، عبّاس پسر امیر مؤمنان علی بن ابی طالب، خـدای تعالی از تو راضـی باد وَجَعَلَ الجَنَّةَ مَنْزِلَكِ وَمَأْوِيكِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكاتُهُ». و بهشت را منزل و پناهگاهتان قرار دهد و رحمت و برکات خدا بر شما.»

## زیارت اهل قُبور

این زیارت برای دیگر اموات مؤمن و مؤمنه مـدفون در بقیع و در دیگر قبرسـتان‌ها خوانـده می‌شود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ «السَّلامُ عَلى أَهْلِ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، مِنْ أَهْلِ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، یا «سـلام بر معتقدان به «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» از سوی معتقدان به «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» ای أَهْلَ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، بِحَقِّ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لا إِلهَ معتقدان به «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ»، شما را به حق «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» چگونه یافتید پاداش ذکر «لاـ إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» ادعیه و زیـارات مـدینه منوره، ص: ۳۳۶ إِلَّا اللَّهُ، مِنْ لاـ إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، یـا لاـ إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، بِحَقِّ لاـ إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، را از سـوی معبودی که نیست جز اللَّه، ای معبود یکتا به حق «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» اغْفِرْ لِمَنْ قالَ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاحْشُرْنا فِى زُمْرَةِ مَنْ قالَ لا إِلهَ إِلَّا بیامرز آنکه را که گویـد: «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ» و ما را در زمره گویندگان «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ»، اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ». محمّد رسول اللَّه، علی ولیّ اللَّه محشور ساز.» از امیرالمؤمنین علیه السـلام روایت شـده هر کس به قبرسـتان برای زیارت اهل قبور برود، خداونـد متعال ثواب پنجاه سال عبادت به او عطا فرماید، و گناه پنجاه ساله او و والدینش را ببخشد. از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل است هر کس هفت مرتبه سوره إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِى لَيْلَةِ القَدْر را نزد قبر مؤمنی بخواند، خداوند متعال فرشـته‌ای را نزد قبر او می‌فرسـتد که پرسـتش خـدا کند، و ثوابش را به نام آن میّت می‌نویسد. پس چون روز قیامت شود به هر هولی از اهوال قیامت برسد، خداوند آن هول را از او برطرف کند، تا اینکه داخل بهشت شود.

## زیارت حضرت عبد اللَّه بن عبدالمطّلب علیهما السلام

پدر گرامی حضـرت رسول اکرم صـلی الله علیه و آله پس از مراجعت از سفر شام و قبل از ولادت رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، قبر آن بزرگوار تقریباً روبه‌روی «باب السّـلام در محلّ مُصَـلّی قرار داشت که پس از طرح توسـعه حرم، در داخل شبسـتان مسـجد قرار گرفت و هم‌اکنون جـای دقیق آن معلوم نیست. در زیارت آن حضـرت بگو: «السَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِينَ اللَّهِ، «سـلام بر تو ای ولیّ خدا، سـلام بر تو ای امین خدا، السَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُسْتَوْدَعَ نُورِ رَسُولِ سلام بر تو ای نور خـدا، سـلام بر تو ای سپردگاه نور پیامبر اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا والِدَ خاتَمِ الْأَنْبِياءِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنِ خدا، سـلام بر تو ای پـدر خاتم پیامبران، سـلام بر تو ای آنکه انْتَهى إِلَيْهِ الْوَدِيعَةُ وَالْأَمانَةُ الْمَنِيعَةُ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ امانت منیع (نور نبوت) به او منتقل گردیـد، سـلام بر تو ای آنکه ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۳۸ أَوْدَعَاللَّهُ فِى صُلْبِهِ الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ الْمَكِينِ نُورَ رَسُولِاللَّهِ الصَّادِقِ خداوند به ودیعت نهاد در صـلب پاک و پاکیزه او، نور رسول راسـتگو و الْأَمِينِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يا والِدَ سَيِّدِ الْأَنْبِياءِ وَالْمُرْسَلِينَ، أَشْهَدُ امین را، سـلام بر تو ای پدر سـرور پیامبران و رسولان، گواهی دهم أَنَّكَ قَدْ حَفِظْتَ الْوَصِيَّةَ، وَأَدَّيْتَ الْأَمانَةَ عَنْ رَبِّ الْعالَمِينَ فِى که تو وصیّت را حفظ، و حق امانت پروردگار جهانیان یعنی رَسُولِهِ، وَكُنْتَ فِى دِينِكَ عَلى يَقِينٍ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ اتَّبَعْتَ دِينَ پیامبر او را ادا نمودی، و در دینت به مقام یقین رسیـدی، و گواهی دهم که تو دین اللَّهِ عَلى مِنْهاجِ جَدِّكَ إِبْراهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ فِى حَياتِكَ وَبَعْدَ خدا را که شـریعت جـدّت ابراهیم خلیل اللَّه بود، در دوره زنـدگی پیروی کردی وَفاتِكَ، عَلى مَرْضاتِ اللَّهِ فِى رَسُولِهِ، وَأَقْرَرْتَ وَصَدَّقْتَ بِنُبُوَّةِ و بر آن مردی و مورد رضای خـدا و پیامبرش بودی و به نبوّت رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَوِلايَةِ أَمِيرالْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ رسول

خدا صلی الله علیه و آله و ولایت امیر مؤمنان و دیگر السَّلامُ، وَالْأَئِمَّةِالطَّاهِرِینَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ، فَصَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ حَیّاً ائمّه طاهرین علیهم السلام اقرار کردی، خداوند در حال حیات و مرگ وَمَیِّتاً، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ». بر تو درود فرستاد و رحمت و برکاتش بر تو باد.»

## زیارت دوم حضرت عبداللّه بن عبدالمطّلب علیهما السلام

«السَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْمَجْدِ الْأَثِیلِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا «سلام بر تو ای بزرگوار و اصیل، سلام بر تو ای خِیَرَةَ فَرْعٍ مِنْ دَوْحَةِ الْخَلِیلِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَاابْنَ الذَّبِیحِ بهترین شاخسار شجره ابراهیم خلیل، سلام بر تو ای فرزند اسماعیل إِسْماعِیلَ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا سُلالَةَ الْأَبْرارِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا أَبَا ذبیح، سلام بر تو ای که از دودمان نیکانی، سلام بر تو ای پدر النَّبِیِ الْمُخْتارِ، وَعَمَّ الْوَصِیِ الْکَرَّارِ، وَوالِدَ الْأَئِمَّةِ الْأَطْهارِ، پیامبر برگزیده و عموی وصیّ [او حیدر] کرّار و پدر أئمّه اطهار السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ أَضاءَتْ بِنُورِ جَبِینِهِ عِنْدَ وِلادَتِهِ أَطْرافُ سلام بر تو ای آنکه با نور پیشانیش به هنگام ولادتش کرانه‌های آسمان السَّماءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا یُوسُفَ آلِ عَبْدِ مَنافٍ، السَّلامُ عَلَیْکَ روشن شد، سلام بر تو ای یوسف خاندان عبد مناف، سلام بر تو یا مَنْ سَلَکَ مَسْلَکَ جَدِّهِ إِسْماعِیلَ، فَأَسْلَمَ لِأَبِیهِ لِیَذْبَحَهُ، ای آنکه پیرو راه جدش اسماعیل بود و در برابر پدر برای ذبح تسلیم گشت ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۴۰ السَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ فَداهُ اللَّهُ بِما فَداهُ، فَتَقَبَّلَهُ فَأَعْطاهُ اللَّهُ وَأَباهُ، سلام بر تو که خداوند فدایی برایت قرار داد و فدایش را پذیرا شد السَّلامُ عَلَیْکَ یا حامِلَ نُورِ النُّبُوَّةِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا أَشْرَفَ سلام بر تو ای حامل نور پیامبری، سلام بر تو ای شریف‌ترین النَّاسِ فِی الْأُبُوَّةِ وَالْبُنُوَّةِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا والِدَ خاتَمِ النَّبِیینَ، مردم از جهت پدر و فرزند، سلام بر تو ای پدر خاتم پیامبران السَّلامُ عَلَیْکَ یا أَبَا الطَّاهِرِینَ بَعْدَ الطَّاهِرِینَ، وَابْنَ الطَّاهِرِینَ، سلام بر تو ای پدر پاکان و پاکان و فرزند پاکیزگان وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکاتُهُ». و رحمت و برکات خدا بر شما باد.»

## فضیلت زیارت حمزه و سایر شُهدای احُد

فضیلت زیارت حضرت حمزه و سایر شُهدای احُد در سال سوّم هجری در شمال مدینه، در دامنه کوه احُد جنگی میان مسلمانان و کفّار اتّفاق افتاد که ابتدا مسلمانان پیروز شدند، ولی در مرحله بعد در اثر تخلّف، عدّه‌ای از ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۴۱ فرمان رهبری سرپیچی کردند، و در نتیجه بیش از هفتاد نفر از مسلمانان شهید شدند. فخر المحقّقین در رساله فخریّه نوشته: مُستحب است زیارت حضرت حمزه علیه السلام و دیگر شهدای احُد در قبرستان احد. از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل است که هر کس مرا زیارت کند و عمویم حمزه را زیارت ننماید، به من جفا کرده است. شیخ مفید رحمه الله فرموده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به زیارت قبر حمزه امر می‌فرمود وبه زیارت ایشان و شهدا اهتمام می‌کرد. حضرت فاطمه علیها السلام پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر زیارت قبر آن بزرگوار مواظبت می‌نمود. و از زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله سنّت شده است که مسلمانان به زیارت عموی گرامی آن حضرت می‌روند، و در کنار قبرش درنگ می‌کنند. ودر حدیث است‌که حضرت فاطمه علیها السلام پس از رحلت پدر روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه هر هفته به زیارت قبور شُهدا می‌رفت و با اشاره به مواضع مسلمانان در صحنه جنگ احُد، می‌فرمود: این جا موضع رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، و در این مکان مشرکین، وبه نقلی‌دیگر در آن‌جا نمازمی‌گزارد ودعا می‌کرد. شهدای احُد رضوان اللّه علیهم حدود هفتاد نفر می‌باشند. ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۴۲

## زیارت حضرت حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله

چون به زیارت آن حضرت در احُد رفتی نزد قبرش بایست و این زیارت را بخوان: «السَّلامُ عَلَیْکَ یا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، «سلام بر تو ای عموی گرامی رسول خدا که درود خدا بر او و آلش باد السَّلامُ عَلَیْکَ یا خَیْرَ الشُّهَداءِ، السَّلامُ عَلَیْکَ یا أَسَدَاللَّهِ وَأَسَدَ- سلام بر تو ای بهترین شهیدان سلام بر تو ای شیر خدا و شیر رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ جاهَدْتَ فِی اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَجُدْتَ رسول خدا گواهی دهم که تو براستی جهاد کردی در راه خدای عزوجل و جان خود را بِنَفْسِکَ، وَنَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ، وَکُنْتَ فِیما عِنْدَ اللَّهِ سُبْحانَهُ در این راه بذل کردی و برای رسول خدا خیرخواهی کردی و مشتاق بودی آنچه را نزد راغِباً، بِأَبِی أَنْتَ وَأُمِی، أَتَیْتُکَ مُتَقَرِّباً إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ خدای سبحان بود، پدر و مادرم به فدایت من در اینجا به نزد شما آمدم تا بِزِیارَتِکَ، وَمُتَقَرِّباً إِلی رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ بِذلِکَ، بدینوسیله به رسول خدا صلّی اللَّه علیه وآله تقرب جویم ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۴۳ راغِباً إِلَیْکَ فِی الشَّفاعَةِ، أَبْتَغِی بِزِیارَتِکَ خَلاصَ نَفْسِی مَتَعَوِّذاً و اشتیاق به تو در شفاعت دارم، جوینده‌ام به‌وسیله زیارتت خلاص کردن جانم را، پناهنده‌ام بِکَ مِنْ نارٍ اسْتَحَقَّها مِثْلِی بِما جَنَیْتُ عَلی نَفْسِی، هارِباً مِنْ به تو از آتشی که امثال من بواسطه جنایتی که کرده‌ایم مستحق آن گشته‌ایم، گریزانم‌از ذُنُوبِی الَّتِی احْتَطَبْتُها عَلی ظَهْرِی، فَزِعاً إِلَیْکَ رَجاءَ رَحْمَةِ گناهانی که بر پشت خویش بار کرده‌ام پناهنده‌ام به تو به امید رحمت رَبِی، أَتَیْتُکَ مِنْ شُقَّةٍ بَعِیدَةٍ، طالِباً فَکاکَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ، وَقَدْ پروردگارم به زیارتت آمده‌ام از راهی پررنج و دور و خواهان آزادی خویش از دوزخم و براستی که أَوْقَرَتْ ظَهْرِی ذُنُوبِی، وَأَتَیْتُ ما أَسْخَطَ رَبِی، وَلَمْ أَجِدْ أَحَداً خم کرده پشتم را سنگینی بار گناهانم و به کاری که موجب خشم پروردگار من است دست زده‌ام و نیافتم کسی را أَفْزَعُ إِلَیْهِ خَیْراً لِی مِنْکُمْ أَهْلَ بَیْتِ الرَّحْمَةِ، فَکُنْ لِی شَفِیعاً یَوْمَ که به او پناه برم بهتر از شما خاندان رحمت پس تو (ای سرور بزرگوار) شفیعم باش در روز فَقْرِی وَحاجَتِی، فَقَدْ سِرْتُ إِلَیْکَ مَحْزُوناً، وَأَتَیْتُکَ مَکْرُوباً، نداری و نیازم که راه پیمودم به سویت غمناک وآمده‌ام به نزدت در حال محنت‌زدگی وَسَکَبْتُ عَبْرَتِی عِنْدَکَ باکِیاً، وَصِرْتُ إِلَیْکَ مُفْرَداً، وَأَنْتَ مِمَّنْ و ریختم اشکم را در پیشت گریان و به درگاهت آمده‌ام تک و تنها و تو از کسانی هستی أَمَرَنِیَ اللَّهُ بِصِلَتِهِ، وَحَثَّنِی عَلی بِرِّهِ، وَدَلَّنِی عَلی فَضْلِهِ، وَهَدانِی که خداوند به من دستور پیوند او را داده و به نیکی به او وادارم کرده و بر فضل و برتریش راهنمائیم کرده و به محبتش ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۴۴ لِحُبِهِ، وَرَغَّبَنِی فِی الْوِفادَةِ إِلَیْهِ، وَالْهَمَنِی طَلَبَ الْحَوائِجِ عِنْدَهُ، هدایت نموده و به رفتن سَرِ خوانِ کرمش ترغیبم کرده و به من الهام کرده که حاجاتم را در پیش او بخواهم أَنْتُمْ أَهْلُ بَیْتٍ لا- یَشْقی مَنْ تَوَلّاکُمْ، وَلایَخِیبُ مَنْ أَتاکُمْ، شما خاندانی هستید که بدبخت نشود هر که دوستتان دارد و نومید نگردد هر که به درگاهتان آید وَلایَخْسَرُ مَنْ یَهْواکُمْ، وَلا یَسْعَدُ مَنْ عادیکُمْ». و زیانکار نشود هر که هوای شما در سر دارد و روی سعادت نبیند هر که شما را دشمن دارد.» پس رو به قبله می کنی و می گویی: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ إِنِی تَعَرَّضْتُ «خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد خدایا من خود را در گذرگاه لِرَحْمَتِکَ بِلُزُومِی لِقَبْرِ عَمِّ نَبِیِّکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، لِیُجِیرَنِی مهرت قرار دادم بدانکه ملازم قبر عموی پیغمبرت صلی الله علیه و آله گشتم تا مرا در پناه خود گیرد مِنْ نِقْمَتِکَ وَسَخَطِکَ وَمَقْتِکَ فِی یَوْمٍ تَکْثُرُ فِیهِ الْأَصْواتُ، از انتقام تو در روزی که صداها در آن روز بسیار گردد وَتَشْغَلُ کُلُّ نَفْسٍ بِما قَدَّمَتْ، وَتُجادِلُ عَنْ نَفْسِها، فَانْ تَرْحَمْنِی و هرکس سرگرم شود بدانچه از پیش فرستاده و از خویشتن دفاع کند پس اگر در آن روز الْیَوْمَ فَلا خَوْفَ عَلَیَّ وَلاحُزْنَ، وَإِنْ تُعاقِبْ فَمَوْلیً لَهُ الْقُدْرَةُ به من رحم کنی که ترس و اندوهی ندارم و اگر کیفرم کنی پس تو مولائی هستی که قدرت داری ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۴۵ عَلی عَبْدِهِ، وَلاتُخَیِّبْنِی بَعْدَ الْیَوْمِ، وَلاتَصْرِفْنِی بِغَیْرِ حاجَتِی، فَقَدْ بر بنده خود ولی ناامیدم مکن پس از این روز و بازم مگردان (از اینجا) بدون حاجتم چونکه لَصِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِیِّکَ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَیْکَ ابْتِغاءَ مَرْضاتِکَ خود را به قبر عموی پیغمبرت چسبانده و بوسیله او به درگاه تو تقرب جویم به آرزوی دست‌رسی به خوشنودیت وَرَجاءَ رَحْمَتِکَ، فَتَقَبَّلْ مِنِی، وَعُدْ بِحِلْمِکَ عَلی جَهْلِی، و به امید دریافت رحمتت پس بپذیر از من و بازگرد به بردباریت بر نادانی من وَبِرَأْفَتِکَ عَلی جِنایَةِ نَفْسِی، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِی، وَما أَخافُ أَنْ و به مهرت بر جنایتی که بر خود کردم چونکه گناهم بزرگ است و ترس از آن ندارم که تَظْلِمَنِی، وَلکِنْ أَخافُ سُوءَ الْحِسابِ، فَانْظُرِ الْیَوْمَ تَقَلُّبِی عَلی به من ستم

کنی ولی از بـدی حساب ترس دارم پس بنگر امروز پناه آوردنم را به قَبْرِ عَمِّ نَبِیِّکَ، فَبِهِما فُکَّنِی مِنَ النّارِ، وَلاتُخَیِّبْ سَعْیِی، وَلا قبر عموی پیغمبرت پس به حق هر دو آنها که آزادم کن از آتش و نومید مکن کوششم را و یَهُونَنَّ عَلَیْکَ ابْتِهالِی، وَلاتَحْجُبَنَّ عَنْکَ صَوْتِی، وَلاتَقْلِبْنِی بِغَیْرِ مبادا زاری من نزد تو ناچیز و خوار قرار گیرد و صدای من از تو محجوب گردد و بدون حاجاتم مرا حَوائِجِی، یا غِیاثَ کُلِ مَکْرُوبٍ وَمَحْزُونٍ، وَیا مُفَرِّجاً عَنِ باز نگردان ای فریادرس هر محنت زده و غمناک و ای گشاینده (اندوه) از الْمَلْهُوفِ الْحَیْرانِ الْغَرِیقِ الْمُشْرِفِ عَلَی الْهَلَکَةِ، فَصَلِ عَلی اندوهگین سرگردان و غریقی که مشرف بر هلاکت است پس درود فرست بر ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۴۶ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْظُرْ إِلَیَّ نَظْرَةً لا أَشْقی بَعْدَها أَبَداً، وَارْحَمْ محمد و آل محمد و بنگر به من نگریستنی که هرگز پس از آن بدبخت نشوم و رحم کن تَضَرُّعِی وَعَبْرَتِی وَانْفِرادِی، فَقَدْ رَجَوْتُ رِضاکَ، وَتَحَرَّیْتُ به زاری و اشک و تنهائیم چونکه من به خوشنودیت امیدوارم و جویایم آن الْخَیْرَ الَّذِی لایُعْطِیهِ أَحَدٌ سِواکَ، فَلا تَرُدَّ أَمَلِی، اللَّهُمَّ إِنْ تُعاقِبْ خیری را که عطا نکند آن را احدی جز تو پس آرزویم را باز مگردان خدایا اگر کیفرکنی فَمَوْلیً لَهُ الْقُدْرَةُ عَلی عَبْدِهِ وَجَزائِهِ بِسُوءِ فِعْلِهِ، فَلا اخِیبَنَّ پس مولائی هستی که بر بنده‌ات قدرت داری و پاداش عمل بدش بوده پس نومیدم مساز الْیَوْمَ، وَلاتَصْرِفْنِی بِغَیْرِ حاجَتِی، وَلاتُخَیِّبَنَّ شُخُوصِی امروز و بازم مگردان بدون روا شدن حاجتم و ناامید مکن حرکت کردن وَوِفادَتِی، فَقَدْ أَنْفَدْتُ نَفَقَتِی، وَ أَتْعَبْتُ بَدَنِی، وَقَطَعْتُ و آمدنم را چونکه پولم را خرج کرده‌ام و بدنم را به تعب افکندم و بیابان‌های الْمَفازاتِ، وَخَلَّفْتُ الْأَهْلَ وَالْمالَ وَما خَوَّلْتَنِی، وَآثَرْتُ ما بسیاری را پشت سر گذاردم و زن و فرزند و مال و منالم و آنچه را به من دادی همه را بجای گذاردم و آنچه را عِنْدَکَ عَلی نَفْسِی، وَلُذْتُ بِقَبْرِ عَم نَبِیکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، پیش تو است برای خود اختیار کردم و به قبر عموی پیغمبرت صلی الله علیه و آله پناه آوردم وَتَقَرَّبْتُ بِهِ ابْتِغاءَ مَرْضاتِکَ، فَعُدْ بِحِلْمِکَ عَلی جَهْلِی، و بوسیله او برای جستن خوشنودیت تقرب جستم پس بازگرد با بردباریت بر نادانیم ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۴۷ وَبِرَأْفَتِکَ عَلی ذَنْبِی، فَقَدْعَظُمَ جُرْمِی، بِرَحْمَتِکَ یاکَرِیمُ‌یاکَرِیمُ». و با مهرت بر گناهم که براستی گناهانم بزرگ گشته به مهرت، ای بزرگوار ای بزرگوار.»

## زیارت دیگر شهدای احُد

### اشاره

در زیارت شهدای جنگ احُد که در دامنه کوه احُد دفن هستند، چنین می گویی: «السَّلامُ عَلی رَسُولِ‌اللَّهِ، السَّلامُ عَلی نَبِیِ اللّهِ، السَّلامُ عَلی «سلام بر رسول خدا سلام بر پیامبر خدا سلام بر مُحَمَّدِبْنِ عَبْدِاللَّهِ، السَّلامُ عَلی أَهْلِ بَیْتِهِ الطَّاهِرِینَ، السَّلامُ محمد بن عبداللّه سلام بر خاندان پاکش سلام عَلَیْکُمْ أَیُّهَا الشُّهَداءُ الْمُؤْمِنُونَ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا أَهْلَ بَیْتِ بر شما ای شهیدان با ایمان سلام بر شما ای خاندان الْإِیمانِ وَالتَّوْحِیدِ، السَّلامُ عَلَیْکُمْ یا أَنْصارَ دِینِ اللَّهِ وَأَنْصارَ ایمان و توحید سلام بر شما ای یاران دین خدا و یاران رَسُولِهِ، عَلَیْهِ وَآلِهِ السَّلامُ، سَلامٌ عَلَیْکُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی رسول خدا- که بر او و آلش سلام باد- سلام بر شما بدان شکیبایی که کردید پس چه خوب است ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۴۸ الدَّارِ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتارَکُمْ لِدِینِهِ، وَاصْطَفاکُمْ لِرَسُولِهِ، وَأَشْهَدُ خانه آخرت شما گواهی دهم که براستی خداوند شما را برای دین خود انتخاب فرمود و برگزیدتان برای رسول خود و گواهی دهم أَنَّکُمْ قَدْ جاهَدْتُمْ فِی اللَّهِ حَقَّ جِهادِهِ، وَذَبَبْتُمْ عَنْ دِینِ اللَّهِ وَعَنْ که شما در راه خدا جهاد کردید آنطور که باید و دفاع کردید از دین خدا و از نَبِیِهِ، وَجُدْتُمْ بِأَنْفُسِکُمْ دُونَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّکُمْ قُتِلْتُمْ عَلی مِنْهاجِ پیغمبر خدا و جانبازی کردید در رکاب رسول خدا و گواهی دهم که شما بر همان راه رَسُولِ اللَّهِ، فَجَزاکُمُ اللَّهُ عَنْ نَبِیهِ وَعَنِ الْإِسْلامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ رسول خدا کشته شدید پس خدایتان پاداش دهد از جانب پیامبرش و از دین اسلام و مسلمانان بهترین الْجَزاءِ، وَعَرَّفَنا وُجُوهَکُمْ فِی مَحَلِّ رِضْوانِهِ وَمَوْضِعِ إِکْرامِهِ مَعَ پاداش و بشناساند به ما چهره‌های شما را در جایگاه رضوان و اکرامش همراه با النَّبِیینَ وَالصِّدِّیقِینَ وَالشُّهَداءِ والصَّالِحِینَ، وَحَسُنَ أُولئِکَ

پیمبران و راستگویان و شهیدان و صالحان و چه نیکو رَفِیقاً، أَشْهَدُ أَنَّکَمْ حِزْبُ اللَّهِ، وَأَنَّ مَنْ حارَبَکَمْ فَقَدْ حارَبَ اللَّهَ، رفیقانی هستند آنها گواهی دهم که شمائید حزب خدا و هر که با شما بجنگد مسلماً با خدا جنگ کرده وَ إِنَّکُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِینَ الْفائِزِینَ، الَّذِینَ هُمْ أَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِهِمْ و براستی شما از مقربان و رستگارانید که در پیشگاه پروردگارشان زنده‌انـد یُرْزَقُونَ، فَعَلی مَنْ قَتَلَکُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلائِکَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِینَ، و روزی می‌خورند پس لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنکه شما را کُشت ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۴۹ أَتَیْتُکُمْ یا أَهْلَ التَّوْحِیدِ زائِراً وَبِحَقِکُمْ عارِفاً، وَبِزِیارَتِکُمْ آمده‌ام به نزد شما برای زیارت ای اهل توحید و به حق شما عارفم و بوسیله زیارت شما إِلَی‌اللَّهِ مُتَقَرِّباً، وَبِما سَبَقَ مِنْ شَرِیفِ الْأَعْمالِ وَمَرْضِیِ الْأَفْعالِ به‌سوی خدا تقرب جویم و بدانچه گذشته از اعمال شریف و کارهای پسندیده عالِماً، فَعَلَیْکُمْ سَلامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَکاتُهُ، وَعَلی مَنْ قَتَلَکُمْ دانایم پس بر شما باد سلام خدا و رحمت و برکاتش و لعنت خدا لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضَبُهُ وَسَخَطُهُ، اللَّهُمَّ انْفَعْنِی بِزِیارَتِهِمْ، وَثَبِّتْنِی عَلی و خشم و غضبش بر آنکس که شما را کُشت خدایا بهره‌مندم ساز به زیارتشان و بر آن نیتی که آنها داشتند مرا هم قَصْدِهِمْ، وَتَوَفَّنِی عَلی ما تَوَفَّیْتَهُمْ عَلَیْهِ، وَاجْمَعْ بَیْنِی وَبَیْنَهُمْ ثابت بدار و بمیرانم بر آنچه ایشان را بر آن میراندی و گرد آور میان من و ایشان فِی مُسْتَقَرِ دارِ رَحْمَتِکَ، أَشْهَدُ أَنَّکُمْ لَنا فَرَطٌ، وَنَحْنُ بِکُمْ در جایگاه خانه رحمتت گواهی دهم که شما بر ما سبقت گرفتید و ما هم به شما لاحِقُونَ». ملحق خواهیم شد.» و سپس هر چه می‌توانی سوره انَّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ بخوان و ثواب آن را به ارواح مطهّره این شهدا هدیه کن.

## بخشِ دوّم از فصلِ دوّم

### مساجد واماکن متبرّکه در مدینه منوّره

آثار و بناهای ارزشمند اسلامی در مدینه منوّره بقدری زیاد است که توضیح و تشریح ویژگی‌های آن، نیاز به کتاب جداگانه‌ای دارد، و از آنجا که توسط معاونت آموزش و تحقیقات بعثه مقام معظم رهبری، کتاب‌هایی در این زمینه تهیه و منتشر شده است، لذا از معرّفی اماکن، همراه کتاب ادعیه و زیارات، صرف نظر نموده، تنها به ذکر اسامی و مستحبّات برخی از آنان اکتفا می‌شود: ۱- مسجد النّبی صلی الله علیه و آله: این مسجد، توسّط نبی اکرم صلی الله علیه و آله و با کمک و همراهی مسلمانان صدر اسلام بنا گردید. حدود آن در زمان آن حضرت از شمال به جنوب ۳۵ متر، و از مشرق به مغرب ۳۰ متر بود که با ده ستون از درخت خرما ساخته شد، و در سال هفتم هجری پس از فتح خیبر به واسطه رسول خدا صلی الله علیه و آله توسعه یافت. ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۵۲ جاهای مهمّ مسجد عبارتند از: الف: حُجره مطهّره: طول حجره مطهّره رسول اکرم صلی الله علیه و آله ۱۶ متر و عرض آن ۱۵ متر می‌باشد، و گنبدی به نام قبّهٔ الخضرا بر روی آن قرار دارد. ب: منبر رسول اللّه صلی الله علیه و آله: در سال ۵ هجرت برای پیامبر منبری با سه پلّه ساختند که آن حضرت بر پله سوم نشسته و برای مردم سخن می‌گفتند. ج: محراب: در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خلفا، مسجدالنّبی محراب نداشت، امّا در دوران خلافت عمر بن عبدالعزیز محرابی در محلّ نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله ساختند، که هم‌اینک به نام محراب النّبی صلی الله علیه و آله معروف است. د: روضه منوّره ه: ستون‌های مسجد که به نام‌های توبه یا ابولبابه، حنّانه، مهاجرین، سریر و مخلّقه معروف است. و: مقام جبرئیل ز: محلّ اصحاب صفّه ح: محراب تهجّد ط: خانه حضرت فاطمه علیها السلام ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۵۳ ۲- قبرستان بقیع: در این قبرستان چهار امام معصوم یعنی: امام حسن مجتبی امام زین العابدین، امام محمّد باقر، امام جعفر صادق علیهم السلام، و بسیاری از صحابه، همسران و دختران، و ابراهیم فرزند رسول اکرم صلی الله علیه و آله، و تعداد زیادی از مردان و زنان صدر اسلام مدفونند. ۳- مسجد قُبا: اوّلین مسجدی که بر اساس تقوا، توسّط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه ساخته شد، مسجد قُبا بود. ۴- مَشرَبه ام ابراهیم

ومسجد فضیخ یا ردّ الشّمس، که در نزدیکی قُبا بوده است. ۵- مسجد الجمعهٔ: که در مسیر قُبا به مدینه قرار دارد. ۶- قبرستان احد: در این مکان حمزه سیّدالشّهدا و سایر شهدای جنگ احد مدفون هستند ۷- مسجد العسکر: و مسجد ثنایای رسول اللّه که در احد قرار داشته است. ۸- مساجد سبعه: این مساجد که شمارشان کمتر از هفت می‌باشد ولی به مساجد سبعه معروف است، و بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله در محلّ وقوع جنگ احزاب بنا گردیده است، عبارتند از: الف: مسجد فتح ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۵۴ ب: مسجد علی علیه السلام ج: مسجد فاطمه علیها السلام د: مسجد سلمان رحمه الله ه: مسجد ابو بکر و: مسجد عمر برخی از این مساجد در سال‌های اخیر تخریب گردیده است. ۹- مسجد ذوالقبلتین: در این مسجد قبله تغییر یافت، و مسلمین که به طرف مسجد الأقصی نماز می‌خواندند، موظّف شدند از آن پس به طرف کعبه نماز بگزارند. ۱۰- مسجد غمامه یا مصلّی النّبی صلی الله علیه و آله ۱۱- مسجد حضرت علی علیه السلام و مسجد حضرت زهرا علیها السلام: که در مناخه و نزدیک به یکدیگر قرار داشته‌اند. ۱۲- مسجد مباهله: در محلّ این مسجد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همراه با علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام برای مباهله با نصارای نجران آمدند. ۱۳- مسجد شجره: که همان میقات اهل مدینه و کسانی است که از مدینه عازم حجّ و زیارت بیت اللّه‌الحرام می‌باشند. ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۵۵ ۱۴- مسجد مُعَرَّس، که اینک از آن خبری نیست. ۱۵- محلّه بنی هاشم: خانه امام سجاد علیه السلام و امام صادق علیه السلام و ذرّیّه رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این محل بوده، و در توسعه حرم تخریب گشته و از بین رفته است. ۱۶- از مساجد دیگری نیز یاد شده است که عبارتند از: مسجد ابوذر، مسجد نفس زکیه، مسجد ظفر یا مسجد بنی‌ظفر، مسجد سُقیا، مسجد مُسَیْجِد، مسجد غزاله یا مسجد منصرف، مسجد بنی‌سالم، مسجد بنی‌قریظه، مسجد الرایهٔ، و ... برخی از این اماکن اعمال و مستحبّات خاصّی دارند که به اختصار متذکّر می‌شویم:

## مستحبّات مدینه منوّره و مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله

۱- غسل‌ورودبه‌مدینه و مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله وزیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمّه بقیع علیهم السلام، که می‌توان با یک غسل همه را نیّت کرد. ۲- اقامت در مدینه منوّره: صاحب جواهر می‌فرماید که ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۵۶ اختلافی در استحباب سکونت و مجاورت مدینه منوّره نیست، و مرحوم شهید در دروس بر این مطلب ادّعای اجماع کرده است. سمهودی از مالک بن انس- امام مالکیه- نقل می‌کند که از او سؤال شد: سکونت در مدینه نزد تو بهتر است یا در مکّه؟ گفت: مدینه، و چرا مدینه محبوب‌تر نباشد؟ و حال آنکه راهی در آن نیست مگر اینکه رسول خدا بر آن عبور فرموده، و جبرئیل از جانب پروردگار بر آن حضرت نازل شده است. ۳- مستحبّ است در مدّت اقامت یک ختم قرآن یا بیشتر در مدینه و به خصوص در مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله بخواند. ۴- مستحبّ است هر مقدار می‌تواند در مدینه صدقه بدهد، و مرحوم مجلسی روایت کرده که یک دِرهم صدقه در مدینه معادل ده هزار دِرهم در جای دیگر است. بنابراین سعی کند در کمک کردن به برادران دینی- مخصوصاً سادات و ذرّیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله- کوتاهی نشود. ۵- مواظب اعمال و رفتار خود باشد، و فرصت را غنیمت شمرد، و هرچه می‌تواند نماز بخواند، به ویژه در ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۵۷ مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله که هر رکعت نماز در مسجدالنّبی صلی الله علیه و آله مساوی هزار رکعت نماز در غیر آن است مگر مسجد الحرام، و برای نماز افضل اماکن، روضه رسول اللّه صلی الله علیه و آله می‌باشد. ۶- در وقت ورود و خروج از مسجد صلوات بفرستد. ۷- هنگام ورود در مسجد دو رکعت نماز تحیّت مسجد بجا آورد. ۸- از طرف والدین و برادران دینی و آشنایان، به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سلام کند. ۹- پس از زیارت- چنانکه قبلًا گفته شد- دو رکعت نماز زیارت بخواند، و ثوابش را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هدیه کند. ۱۰- نزدیک مرقد مطهر رسول خدا بایستد، و حمد و ثنای الهی را به جای آورد، و دعا کند. ۱۱- در مقام جبرئیل نماز و دعا بخواند.

۱۲- در محراب رسول خدا- در صورت امکان- نماز بگزارد. ۱۳- در مسجد صدا را بلند نکند. ۱۴- دو رکعت نماز نزد ستون ابولبابه (ستون توبه) بجا ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۵۸ آورد، و دعا کند. ۱۵- نماز و دعا در روضه مبارکه حضرت رسول و هم چنین در خانه حضرت زهرا علیها السلام مستحب است، و در صورتی که امکان نداشته باشد، مناسب است این کار هر چه نزدیک‌تر به این دو مکان شریف انجام گیرد. قابل توجّه اینکه، روضه مبارکه مسجدالنّبی، ستون توبه و مقام جبرئیل هر کدام دعای مخصوصی دارند که در همین کتاب پس از زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله زیر عنوان خاصّ خود ذکر شده است.

## مسجد قُبا

حضرت رسول صلی الله علیه و آله به هنگام هجرت از مکّه به مدینه، روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاوّل، سال اوّل هجری، وارد قریه قُبا (۵ کیلومتری جنوب مدینه) شد، و تا روز جمعه (۴ روز) در این محل توقّف کرد، تا حضرت علی علیه السلام در مکّه امانات مردم را که نزد حضرت رسول بود به آنان برگردانده، و سایر ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۵۹ دستورهای حضرت را اجرا، و چند تن از زنان که حضرت فاطمه علیها السلام در میانشان بود، به حضرتش ملحق شود، و از طرفی دیگر مردم مدینه خود را برای ورود حضرت آماده کنند. در این توقّف چهار روزه، حضرت رسول صلی الله علیه و آله اوّلین مسجد را با کمک مسلمانان بنا نمود، که زمین آن را مردم قُبا هدیه کردند، و حضرت با نوک سرنیزه خود حدود آن را روی زمین مشخّص کرد. گفته‌اند که هر ضلع آن ۶۶ ذراع بوده‌است. در ساختن این مسجد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مانند دیگر مسلمانان شرکت داشت، و سنگ و گِل حمل می‌نمود، و دوشادوش دیگران کار می‌کرد، و در جواب آنان که از حضرت می‌خواستند که گوشه‌ای بنشیند و فقط فرمان دهد می‌فرمود: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ یَعْمُرُالْمَساجِدا یَقْرَأُ الْقُرآنَ قائِماً وَقاعِداً «هر که مسجد بپا کند و در همه حال قرآن بخواند، رستگار است.» آیه شریفه لَمَسْجِدٌ اسِسَ عَلَی التَّقْوی مِنْ أَوَّلِ یَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِیهِ، فِیهِ رِجالٌ یُحِبُّونَ أَنْ یَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ یُحِبُ ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۶۰ الْمُطَّهِرِینَ «۱» ، در مورد همین مسجد نازل شده است. مسجد قبا بارها تجدید بنا و توسعه یافته، زیرا نزد مسلمین اهمّیّت بسزایی داشته، و رسول اکرم صلی الله علیه و آله هر هفته روزهای دوشنبه به قبا تشریف می‌برده، و در آنجا نماز می‌گزاردند. از آن حضرت روایت شده که: هر کس در خانه‌اش وضو بگیرد و به مسجد قبا رود و دو رکعت نماز بخواند، ثواب یک عُمره را برای او می‌نویسند. و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نیز فرمود: هنگام زیارت مَشاهد و مساجد اطراف مدینه، ابتدا به مسجد قبا رفته و در آنجا بسیار نماز بخوان.

## اعمال مسجد قبا

وقت تشرّف، دو رکعت نماز تحیّت مسجد بجا آور، بعد تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام را بگو، و زیارت جامعه اوّل را بخوان آنگاه دعا کن، و بهتر است که به این جملات دعا کنی: ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۶۱ «اللَّهُمَّ إِنَّکَ قُلْتَ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ فِی کِتابِکَ الْمُنْزَلُ عَلی «خداوندا! گفته تو درست است و تو در قرآنی که بر سینه پیامبر صَدْرِ نَبِیِّکَ‌الْمُرْسَلِ: لَمَسْجِدٌ اسِسَ عَلَی‌التَّقْوی مِنْ أَوَّلِ یَوْمٍ مرسلت نازل کرده‌ای، فرموده‌ای: «موکّداً مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا پی ریزی شده باشد، أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِیهِ، فِیهِ رِجالٌ یُحِبُّونَ أَنْ یَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ یُحِبُّ سزاوارتر است که در آن (برای عبادت) بایستی، در آنجا مردانی هستند که پاکیزگی را دوست دارند و خداوند هم الْمُطَّهِرِینَ. اللَّهُمَّ طَهِرْ قُلُوبَنا مِنَ النِفاقِ، وَأَعْمالَنا مِنَ الرِّیا، پاکیزگان را دوست می‌دارد، خداوندا! دلهای ما را از نفاق، واعمال ما را از ریا، وَفُرُوجَنا مِنَ الزِّنا، وَأَلْسِنَتَنا مِنَ الْکِذْبِ وَالْغَیْبَةِ، وَأَعْیُنَنا مِنَ و اعضای تناسلی ما را از زنا، و زبان‌های

ما را از دروغ و غیبت، و دیدگانمان را از الْخِیانَهِ، فَإِنَّکَ تَعْلَمُ خائِنَهَ الْأَعْیُنِ وَما تُخْفِی الصُّدُورُ، رَبَّنا نگاه خیانت آمیز (حرام) حفظ کن، که توبه خیانت دیدگان و انگیزه‌های پنهان در سینه‌ها آگاهی، پروردگارا! ظَلَمْنا أَنْفُسَنا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنا وَتَرْحَمْنا لَنَکُونَنَّ مِنَ الْخاسِرِینَ». ما به خویش ستم کردیم و اگر ما را نیامرزیده و بر ما ترحّم نورزی، مؤکّداً از زیانکارانیم.» پشت این مسجد منزلی بوده متعلّق به امیرالمؤمنین علیه السلام، و جلوی مسجد چاه آب شیرینی که فعلًا اثری از آن نیست. گفته شده که انگشتر پیغمبر صلی الله علیه و آله در آن چاه افتاده و بدین ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۶۲ جهت به «چاه انگشتر» نامیده شده، و نیز به «چاه آب دهان» هم معروف است، زیرا نقل شده پیغمبر صلی الله علیه و آله آب دهان مبارک را در آن چاه افکندند و آبش پس از شوری، شیرین شد. نکته قابل توجّه اینکه: در سال نُهم هجری گروهی از منافقین مسجدی ساختند تا از آن به‌عنوان پایگاهی برضدّ اسلام و مسلمانان بهره گیرند، و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درخواست کردند که آن را افتتاح نماید و برای تبرّک در آن نماز بخواند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم قول مساعد دادند که در فرصت مناسب چنین کند، ولی با نزول آیه شریفه ... وَ الَّذِینَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِراراً وَکُفْراً ... نقشه منافقین آشکار شد، و پیامبر صلی الله علیه و آله دستور تخریب آن را صادر فرمود.

## مسجد ذو قبلتین

بنابر مشهور در نیمه رجب یا شعبان سال دوم هجری، رسول گرامی صلی الله علیه و آله به دعوت «امُّ بِشْر» به میان قبیله بنی‌سالم در شمال غربی مدینه رفتند، و هنگام نماز ظهر دو رکعت نماز را ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۶۳ طبق معمول به سوی بیت المقدّس خواندند. فرمان الهی مبنی بر روگرداندن به سوی کعبه نازل شد، و بقیه نماز را به طرف کعبه گزاردند، و از آن پس کعبه مکرّمه قبله دائمی مسلمانان شد. بدین مناسبت این مسجد را مسجد ذو قبلتین یا مسجد قبلتین نامیده‌اند. این مسجد در جانب غربی مسجد فتح، با فاصله کمی واقع شده‌است. یکی از آیات کریمه‌ای که به این مناسبت نازل شد آیه کریمه: قَدْ نَرى تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّماءِ فَلَنُوَلِّیَنَّکَ «ما تورا که صورتت‌را به سوی آسمان می‌گردانی می‌بینیم، اکنون تو را به قِبْلَهً تَرْضیها فَوَلِ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَحَیْثُ ما سوی قبله‌ای که از آن خوشنود باشی می‌گردانیم، روی خود را به سوی مسجد الحرام بگردان، و هرجا کُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَکُمْ شَطْرَهُ ... «۱» می‌باشد. بودید رویتان را به سوی آن بگردانید...» سابقاً در این مسجد دو محراب، روبروی هم- شمالی و جنوبی- یکی به طرف کعبه و دیگری به طرف بیت المقدس قرار داشته، ولی متأسّفانه در سال‌های اخیر که مسجد را ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۶۴ تجدید بنا کرده‌اند، تنها جای یک محراب در آن باقی مانده، و آثار قبلی این حادثه بزرگ، محو شده است. مستحب است در مسجد ذو قبلتین دو رکعت نماز تحیّت مسجد خوانده شود، و مناسب است بعد از آن این دعا را بخوانی: «اللَّهُمَّ إِنَّ هذا مَسْجِدُ الْقِبْلَتَیْنِ، وَمُصَلّى نَبِینا وَحَبِیبِنا وَسَیدِنا «خداوندا! این مسجد قبلتین و نمازگاه پیامبرمان حبیب ما و سرور ما مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. اللَّهُمَّ إِنَّکَ قُلْتَ وَقَوْلُکَ حضرت محمّد- درود خدا بر او آلش باد- است خداوندا! تو که گفتارت الْحَقُّ فِی کِتابِکَ الْمُنْزَلِ عَلى صَدْرِ نَبِیِّکَ الْمُرْسَلِ: قَدْ نَرى راست است در کتابی که بر سینه پیامبرت نازل ساخته‌ای فرموده‌ای: «ما صورتت تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّماءِ فَلَنُوَلِّیَنَّکَ قِبْلَهً تَرْضیها فَوَلِ را که به سوی آسمان می‌گردانی (و منتظر تعیین قبله نهایی هستی) می‌بینیم، اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن خشنود باشی می‌گردانیم، وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ. اللَّهُمَّ کَما بَلَّغْتَنا فِی الدُّنْیا روی خود را به سوی مسجد الحرام بگردان». خداوندا! همانگونه که ما را در دنیا زِیارَتَهُ وَمَآثِرَهُ الشَّرِیفَهَ، فَلا تُحْرِمْنا یا اللَّهُ فِی الْآخِرَهِ مِنْ فَضْلِ به زیارت و دیدار آثار شریفش نائل ساختی، خداوندا! در آخرت از فضیلت ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۶۵ شَفاعَهِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَاحْشُرْنا فِی زُمْرَتِهِ شفاعت محمد صلی الله علیه و آله محروممان مساز، و در زمره آنان وَتَحْتَ لِوائِهِ، وَ أَمِتْنا عَلى مَحَبَّتِهِ وَسُنَّتِهِ، وَاسْقِنا مِنْ حَوْضِهِ و زیر پرچمشان محشورمان گردان، و بر محبّت و پیروی از سنّتش بمیران و

از حوض کوثرش الْمَوْرِدِ بِيَدِهِ الشَّرِيفَهِ، شَرْبَهً هَنِيئَهً مَرِيئَهً لا نَظْمَأ بَعْدَها أَبَداً، إِنَّكَ بدست شریفش سیرابمان ساز، آبی گوارا که هرگز پس از آن تشنه نگردیم و تو عَلى كُلِ شَيْءٍ قَدِيرٌ». بر هر چیز توانایی.»

## مسجد فتح (مسجد احزاب)

در کنار رشته کوه سلع، چند مسجد کوچک است که موقعیّت جنگ احزاب (خندق) را نشان می دهد، و گفته می‌شود لشکر اسلام در این قسمت اردو زده بود. در همین محل بر فراز کوه، مسجدی بنا شده که معروف به مسجد فتح است، در سبب نامگذاری آن گفته شده: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این مکان برای پیروزی مسلمانان دعا کرد، و خبر فتح و پیروزی لشکر اسلام در همین مکان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید. ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۶۶ در همین جنگ بود که به دست توانای علیّ بن ابی‌طالب علیهما السلام، عَمْرِو بْن عبدوُدّ عامری پهلوان نامی عرب کشته شد، و نوشته‌اند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این هنگام فرمود: «ضَرْبَهُ عَلِيٍ يَوْمَ الْخَنْدَقِ خَيْرٌ مِنْ عِبادَهِ الثَّقَلَيْنِ» «۱»: ضربت علی در روز خندق، بهتر از عبادت جنّ و انس است. مستحب است بعد از خواندن دو رکعت نماز تحیّت مسجد، این دعا را بخوانی: «يا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ، وَيا مُجِيبَ دَعْوَهِ الْمُضْطَرِّينَ، وَيا «ای فریاد رس گرفتاران و ای اجابت کننده دعای درماندگان و ای مُغِيثَ الْمَهْمُومِينَ، إِكْشِفْ عَنِی ضُرِّی وَهَمِی وَكَرْبِی وَغَمِی، دادرس غمزدگان بگشا از من سختی و اندوه و گرفتاری و غمم را كَما كَشَفْتَ عَنْ نَبِيكَ صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَمَّهُ، وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ چنانچه گشودی از پیامبرت صلی الله علیه و آله اندوهش را و هراس دشمن را از او کفایت عَدُوِّهِ، وَ اكْفِنِی ما اهَمَّنِی مِنْ أَمْرِ الدُّنْيا وَ الْآخِرَهِ، يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». کردی و از من هم کفایت‌کن آنچه فکر مرا به خود مشغول داشته از کار دنیا و آخرتم ای مهربانترین مهربانان. ا

## دعا در مسجد الاجابه

مسجد اجابهٔ همان مسجد مباهله است که در روز بیست و چهارم ذی‌حجّهٔ داستان مباهله رسول اکرم صلی الله علیه و آله با نصارای نجران در آن مکان واقع شد. در مسجد الإجابه پس از دو رکعت نماز تحیّت مسجد، این دعا را می‌خوانی: «اللَّهُمَّ إِنِی أَسْأَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِينَ لَكَ، وَعَمَلَ الْخائِفِينَ «خداوندا! از تو شکیبایی شاکران، عمل خائفان، مِنْكَ، وَيَقِينَ الْعابِدِينَ لَكَ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، وَأَنَا یقین عابدان ترا خواستارم، خداوندا! تویی والا و بزرگ و من عَبْدُكَ الْبائِسُ الْفَقِيرُ، وَ أَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ، وَأَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيلُ، بنده بیچاره و نیازمند تو می‌باشم، تو بی‌نیاز و ستوده‌ای و من بنده خوار، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، وَامْنُنْ بِغِناكَ عَلى فَقْرِی، خداوندا! درود فرست بر محمد و دودمانش، و به بی‌نیازیت بر نیازمندیم ادعیه و زیارات مدینه منوره، ص: ۳۶۸ وَبِحِلْمِكَ عَلى جَهْلِی، وَبِقُوَّتِكَ عَلى ضَعْفِی، يا قَوِيُّ يا عَزِيزُ، و به بردباریت بر نادانیم و به توانائیت بر ناتوانیم منت گذار، ای توانمند عزیز، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِمُحَمَّدٍ الْأَوْصِياءِ الْمَرْضِيِّينَ، وَاكْفِنِی خداوندا! درود فرست بر محمّد و آلش که اوصیای شایسته‌اند، و آنچه را که امور ما أَهَمَّنِی مِنْ أَمْرِ الدُّنْيا وَالْآخِرَهِ يا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». دنیا و آخرت برایم مهم است، کفایت فرما ای مهربانترین مهربانان.»

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبِيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که

امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -:

هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

